

قبيل العالمان دين

يادنامه ارتحال آية الله استاد آقاي
حاج شيخ مهدي غياث الدين مجد الاسلام نجفي بشير

به ضميمه

فيض الباري الى قره عيني الهادي
وفهرس مخطوطات مكتبة آية الله النجفي بشير

شناسنامه



فهرست مطالب

مقدمه : ۹

فصل اول :

شرح حال آية الله العظمى آقاى شيخ محمد تقى رازى نجفى اصفهانى سردودمان خاندان

نام - پدر - مادر ۱۳

زمان و محل ولادت ۱۴

تحصيلات و اساتيد ۱۵

مهاجرت به ايران ۱۶

اقامت در اصفهان و تدریس ۱۷

شاگردان ۱۹

تألیفات ۲۲

فرزندان ۳۰

شيخ سر سلسلهٔ يكى از بزرگترین بیوت علمى شیعه ۳۰

وفات و مدفن ۳۳

مراثى و مادهٔ تاریخ ۳۵

مصادر شرح ۳۹

فصل دوم :

شرح حال آية الله العظمى آقاى حاج شيخ محمد باقر نجفى اصفهانى

نسب و ولادت ۴۳

تحصيلات و اساتيد ۴۳

۴۶	در کلام بزرگان
۵۰	تدریس و شاگردان
۵۱	تالیفات
۵۳	برخی از اقدامات اجتماعی
۵۴	تأسیس مسجد نوبازار
۵۵	فرزندان
۵۸	وفات و مدفن
۶۰	مرثیه و ماده تاریخ وفات
۶۲	مصادر شرح

فصل سوم :

شرح حال آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی

۶۵	نام و نسب و ولادت
۶۵	تحصیلات و اساتید
۶۶	مراجعت به اصفهان
۶۸	دو نکته مهم
۶۹	بازگشت به نجف اشرف
۶۹	سه مکاشفه
۷۰	بیانی دیگر در همین مورد
۷۳	شاگردان
۷۴	تالیفات
۷۹	همسر و فرزندان
۸۰	فوت و محل دفن
۸۱	یک روایا
۸۲	مراثی و ماده تاریخ وفات

۸۳ مصادر شرح حال

فصل چهارم :

شرح حال آیه الله العظمی علامه آقای ابوالمجد شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی

۸۷ نام - پدر - مادر - ولادت

۸۷ تحصیلات و اساتید

۹۰ مشایخ اجازه

۹۵ هجرت به کربلا

۹۶ تدریس و شاگردان

۱۰۲ صورت و سیرت

۱۰۴ تألیفات

۱۱۱ همسر و فرزندان

۱۱۲ وفات و مدفن و مراثی

۱۱۵ مصادر شرح حال

فصل پنجم :

شرح حال آیه الله العظمی آقای حاج شیخ مجد الدین (مجد العلماء) نجفی

۱۱۹ نام - پدر - مادر - ولادت

۱۲۰ تحصیلات و اساتید

۱۲۳ مشایخ روایت و مجازین از وی

۱۲۶ در کلام دیگران

۱۲۹ مجالس تدریس و برخی از شاگردان

۱۳۱ تعیین قبله دقیق مصلاهی شهر اصفهان

۱۳۳ تألیفات

۱۳۶ نمونه‌ای از اشعار

۱۳۶ امامت جماعت

١٤٢ اخلاق و مردمداری
١٤٢ همسر
١٤٣ فرزندان
١٤٥ وفات و تشييع و مدفن
١٤٩ انعكاس اخبار ارتحال و مجالس ترحيم
١٤٩ مراثي و مادة تاريخ
١٥٢ مصادر شرح حال

فصل ششم :

شرح حال آية الله استناد آقاي حاج شيخ مهدي غياث الدين مجد الإسلام نجفی

١٥٥ نام - لقب - پدر - مادر - ولادت
١٥٦ تحصیلات
١٥٦ علوم حوزوی
١٥٧ تحصیلات جدیده
١٥٨ مهاجرت به تهران
١٦٤ بازگشت به اصفهان و شروع به تدریس
١٦٦ در کلام بزرگان
١٦٨ امامت جماعت
١٧٠ مشایخ حدیث
١٧٠ روایت کنندگان از معظم له
١٧٤ آية الله نجفی و کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر
١٧٧ تألیفات
١٨٢ تعمیرات اساسی مسجد نوبازار
١٨٢ احداث مکتبه آية الله النجفی
١٨٤ طبع کتب نیاکان و بزرگان

۱۸۵	تاسیس مدرسه و حسینیه
۱۸۶	اقامة مجالس عزاداری ائمه أهل البيت <small>عليهم السلام</small>
۱۸۸	قضاء حوائج مؤمنين
۱۸۸	پدری که من شناختم
۱۹۰	أسفار
۱۹۳	مرگ در راه نماز
۱۹۶	تغسیل و تشیع و تدفین
۱۹۷	تسلیت مراجع معظم تقلید مدّ ظلّهم
۲۰۱	مجالس ترحیم
۲۰۲	مراثی و ماده تاریخ
۲۰۸	مصادر شرح حال

فصل هفتم :

فیض الباری إلى قرّة عینی الهادی

۲۰۹	تألیف: آية الله الشيخ مهدي غياث الدين مجد الاسلام نجفي <small>عليه السلام</small>
-----	---

فصل هشتم :

فهرس مخطوطات مكتبة آية الله النجفي

۲۲۱	تألیف: العلامة المحقق السيد احمد الحسيني الاشكوري مدّ ظلّه العالی
۲۴۷	فهرست أعلام
۲۶۳	فهرست كتب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله الذي خلق الموت والحياة والصلاة والسلام على المبعثّر بالجنة والمعاد محمد المصطفى وعلى آله الأئمة .

هرگز گمان نمی‌کردم بر رساله‌ای مقدمه بنویسم که بعنوان یادنامه آیه الله والد طاب ثراه منتشر می‌گردد، ولكن دست تقدیر در این گردون بازیها دارد و انسان همواره باید به تکلیف خود عمل نماید .

در هر صورت به پیشنهاد برخی از دوستان بنا شد مجموعه‌ای فراهم آید از شرح حال معظم له و نیاکانشان عليه السلام البته باختصار و ایجاز تمام، و بعد از چند ماه تلاش و جمع‌آوری اسناد و مدارک و نسخ این مجموعه فراهم آمد و بنام «قبیله عالمان دین» نامیده شد .

این کتاب در هشت فصل عرضه می‌گردد :

۱- شرح حال آیه الله العظمی آقای شیخ محمد تقی رازی نجفی اصفهانی (حدود ۱۱۸۵ - ۱۲۴۸) صاحب «هدایة المسترشدين في شرح اصول معالم الدين»، سر دودمان خاندان .

۲- شرح حال آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد باقر نجفی اصفهانی

- (۱۲۳۵ - ۱۳۰۱ ق) معروف به شيخ كبير صاحب « شرح حجية المظنة من هداية المسترشدين » مؤسس و باني و واقف مسجد نو بازار اصفهان .
- ۳- شرح حال آية الله العظمى آقاي حاج شيخ محمد حسين نجفي اصفهاني (۱۲۶۶ - ۱۳۰۸ ق) صاحب « مجد البيان في تفسير القرآن » .
- ۴- شرح حال آية الله العظمى آقاي ابو المجد علامه شيخ محمد رضا نجفي اصفهاني (۱۲۸۷ - ۱۳۶۲ ق) صاحب « وقاية الأذهان » و استاد مراجع معظم تقليد .
- ۵- شرح حال آية الله العظمى آقاي حاج شيخ مجد الدين مجد العلماء نجفي اصفهاني (۱۳۲۶ - ۱۴۰۳ ق) صاحب « اليواقيت الحسان في تفسير سورة الرحمن » .
- ۶- شرح حال آية الله والد آقاي حاج شيخ مهدي غياث الدين مجد الاسلام نجفي (۱۳۵۶ - ۱۴۲۲ ق) قدس الله اسرارهم .
- ۷- فيض الباري الى قرة عيني الهادي .
- اجازه مفصلي است كه آية الله والد طاب ثراه براي حقير مرقوم فرموداند .
- ۸- فهرس مخطوطات مكتبة آية الله النجفي كه به خامه كتابشناس بزرگ شيعه علامه محقق حضرت حجة الاسلام و المسلمين آقاي حاج سيد احمد حسيني اشكوري دامت بركاته تنظيم شده است و به درخواست حقير براي درج در اين دفتر بزرگوارانه آن را ارسال فرمودند .
- در ختم اين مقال بر خود فرض مي دانم از زحمات جناب آقاي دكتور صمد اسماعيل زاده حفظه الله تعالى بنخاطر ارسال ياداشتهائي در مورد اعلام فوق و تعيين مصادر جديده و اخراج فهرست اعلام و كتب اين دفتر مرا ياري نمودند ، تشكر و قدرداني نموده ، مزيد توفيقات معظم له را از ذات باري مسألت نمايم .

۱۵ شهر رمضان المبارك ۱۴۲۲

روز ولادت سبط اكبر امام حسن مجتبي عليه السلام

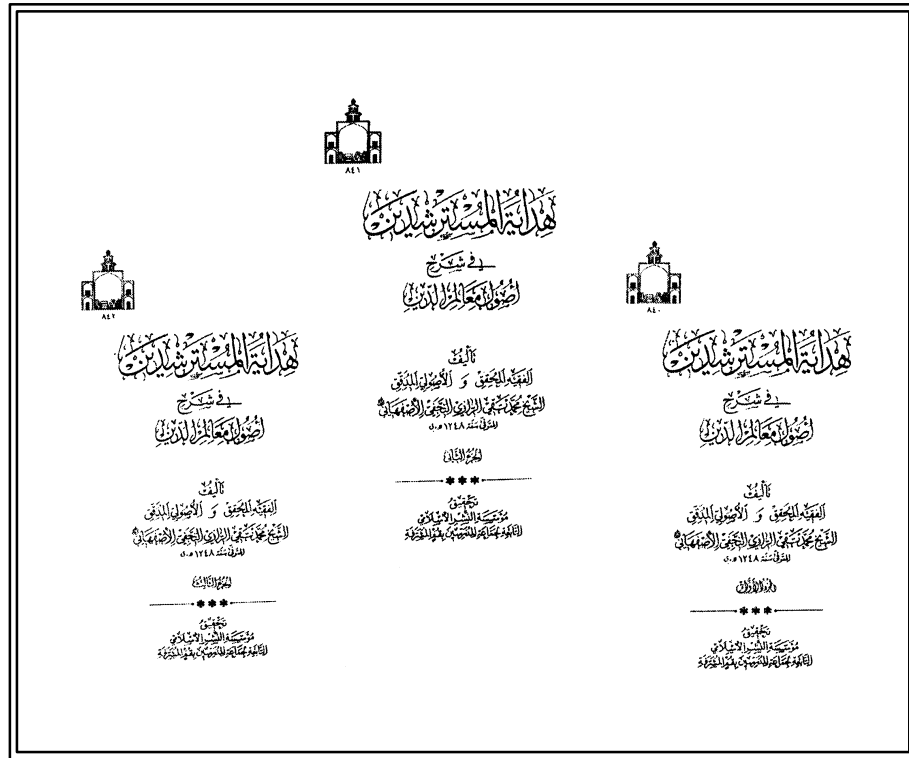
اصفهان - هادي النجفي

(١)

آية الله العظمى آقاي شيخ محمد تقى رازى نجفى اصفهانى

(حدود ١١٨٥ - ١٢٤٨ ق)

سر دودمان خاندان نجفى



نام - پدر - مادر

نام: شیخ محمد تقی رازی نجفی اصفهانی معروف به صاحب هدایة
المسترشدین یا صاحب حاشیه .

پدر: محمد رحیم بیک استاجلو که در برخی از کتب تراجم بغلط عبدالرحیم
نوشته شده است .

حاجی محمد رحیم بیک از طرف حکومت وقت در ایوان کیف مصدر امور
دیوانی بوده اما سعادت و نیک بختی در اواخر عمر نصیب او گردیده و از کلیه
مشاغل و مناصب دنیائی اعراض کرده و در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مجاور
گردیده و به عبادت قیام و اقدام نموده است .
ودارای چهار فرزند گردیده :

۱- علامه محقق شیخ محمد تقی صاحب این شرح حال .

۲- علامه محقق آقای شیخ محمد حسین رازی اصفهانی حائری

صاحب فصول .

۳- زوجه آقا احمد بهبهانی صاحب مرآة الاحوال نواده وحید بهبهانی .

۴- زوجه ملا محمد علی ابن ملا محمد شفیع خراسانی طهرانی .

حاجی محمد رحیم بیک در سال ۱۲۱۷ در نجف اشرف وفات یافته و در
همان سرزمین در جوار امیر المؤمنین علیه السلام بن خاک رفته است .

مادر: دختر الله وردی بیک فرزند مهدی قلیخان بیگدلی است که برخی

مهدی قلیخان را به اختصار میرزا مهدی نیز می گویند .

واین مهدی قلیخان یا میرزا مهدی همان کسی است که از طرف نادر شاه

افشار و همسرش گوهرشاد بیگم مامور سرپرستی تعمیرات صحن مقدس علوی و تذهیب گنبد مقدس امیر المؤمنین علیه السلام شد و از سال ۱۱۵۶ تا سال ۱۱۶۰ به مدت چهار سال بدین امر اقدام نمود و نامش در کتیبه‌های صحن مبارک نزدیک درب طوسی بر کاشیها نوشته شده است .

الله وردی بیک و پدرش مهدی قلیخان در ابتداء هر دو در کرمانشاه ساکن بوده‌اند و لکن به جهت سرپرستی و نظارت بر تعمیرات و تذهیب گنبد و صحن مطهر علوی به نجف اشرف منتقل می‌شوند .

الله وردی بیک دارای دو دختر است .

۱- زوجه علامه آقای محمد علی ابن وحید بهبهانی .

۲- زوجه حاج محمد رحیم بیک استاجلو مادر شیخ محمد تقی .

زمان و محلّ ولادت

در کتب شرح حال و تراجم، زمان و محل ولادت شیخ محمد تقی دقیقاً مشخص نشده است اما از آنجا که سن ایشان را در هنگام وفات شصت و اندی می‌نویسند پس ولادتش احتمالاً بین سالهای ۱۱۸۵ تا ۱۱۸۷ می‌باشد .

و چون پدرش در ایوان کیف ساکن و ریاست داشته است با احتمال قوی محل ولادت ایشان نیز در همان ایوان کیف است .

واز ایوان کیف به همراه پدر یا به همراه برادر یا منفرداً در نوجوانی به عتبات عالیات مهاجرت نموده است .

شیخ محمد تقی اولین فردی است در خانواده‌اش که ترک سیره اسلاف و پدران خود را می‌کند و به تحصیل علم می‌پردازد .

تحصیلات و اساتید

از زمان شروع به تحصیل شیخ و مکان آن و اساتید اولیه او در مقدمات و سطوح اطلاعی در دست نیست. آنچه مسلم است او درس وحید بهبهانی در گذشته سال ۱۲۰۵ را چند سال درک نموده است و در همه کتب تراجم او را از شاگردان وحید می‌نویسند. بنابراین می‌بایست تحصیل را از طفولیت آغاز کرده باشد تا بتواند درس حدود ۱۵ سالگی یا کمی بیشتر به محضر درس وحید بهبهانی حاضر شود و چند سال نیز از او بهره‌مند گردد. پس اولین استاد درس خارج او وحید بهبهانی و مکان درس کربلای معلی است.

غیر از علامه وحید (۱۱۱۷ - ۱۲۰۵ ق)، شیخ در درس عده‌ای از بزرگان علما و مراجع در کربلا و نجف اشرف و کاظمین شرکت نموده است از آن جمله:

۱- سید محمد مهدی بحر العلوم طباطبائی (۱۱۵۵ - ۱۲۱۲ ق) صاحب الدرّة النجفیة .

۲- شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء (۱۱۵۴ - ۱۲۲۸ ق) و از ایشان اجازه روایت و اجتهاد دارد و به افتخار مصاهرت ایشان نیز نائل آمده است (۱)(۲).

(۱) مرحوم علامه الفت در نسبنامه داستان این ازدواج را چنین می‌نگارد: «روزی شیخ جعفر از شیخ محمد تقی در مجلس درس می‌پرسد: آیا عیال داری؟ او با خجلت جواب می‌دهد: نه، شیخ جعفر طلاب را امر به انتظار نموده از منبر بزیر می‌آید و دست شیخ محمد تقی را گرفته باندرون خانه خود برده می‌گوید: می‌خواهم تو را به دامادی خود اختیار کنم، اینک مرا دو دختر در خانه هستند یکی در کمال امتیاز دارد و دیگری در جمال، تو هر کدام را خواهی انتخاب کن. شیخ محمد تقی دختر صاحب کمال را اختیار نموده، این مجلس باجاء صیغه نکاح ختم می‌شود و شیخ جعفر بمحضر طلاب مراجعت، درس را تمام و تزویج دختر خود را اعلام می‌دارد. این مواصلت در اوائل قرن سیزدهم واقع شده».

(۲) شرح حال مفصلی از شیخ جعفر نجفی صاحب کشف الغطاء را می‌توانید در اول کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۱ / (۱۲۱ - ۳۹) بیابید.

۳- سید علی طباطبائی حائری (۱۱۶۱ - ۱۲۳۱ق) صاحب ریاض المسائل.

۴- سید محسن اعرجی کاظمی (۱۱۳۰ - ۱۲۲۷ق).

مهاجرت به ایران

شیخ محمد تقی پس از حمله و هابیون به کربلای معلی و غارت شهر و حرم مطهر ابا عبدالله الحسین علیه السلام در سال ۱۲۱۶ و احتمالاً پس از فوت پدرش در سال ۱۲۱۷ در نجف اشرف یا اندکی پس از آن و بعثت عدم وجود امنیت در اعتاب مقدسه و خوف از تکرار واقعه کربلا و احتمالاً ابتلاء به بیماری و همچنین داشتن مبالغ زیادی قرض که پرداخت آن در اعتاب مقدسه مشکل بود و به قصد زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء به مشهد مقدس مسافرت می کند .

در مشهد در منزل حاج میرزا داود خراسانی فرزند میرزا محمد مهدی اصفهانی وارد می شود و مدت چهارده ماه در مشهد مقدس میهمان او بوده است . در این مدت حاج میرزا داود در اکرام میهمان گرامی خود نهایت جدّ و جهد و کوشش را نموده و قروض ایشان را که در آن زمان متجاوز از یکهزار تومان بوده است از مال خالص خود اداء می کند و در ضمن این مدت در نزد میهمان گرامیش نیز فقه و اصول را تلمذ می نماید .

پس از چهارده ماه توقف در ارض اقدس رضوی ، شیخ از مشهد خارج و بعد از طیّ راه به شهر یزد وارد می شود و در آن شهر به تدریس فقه و اصول می پردازد و مدتی نامعلوم در آن شهر توقف می کند و منقطعه ای نیز در آنجا اختیار می کند و از او صاحب دختری می شود که این دختر بعد از بلوغ زوجه حاج عبدالکریم شیرازی می شود .

از قرائن چنین معلوم است که شیخ متجاوز از یک سال در یزد می ماند و پس

از آن شاید بعلت عدم مساعدت محیط و سختی معیشت این شهر را ترک نموده و به اصفهان مهاجرت می‌نماید.

اقامت در اصفهان و تدریس

ورود شیخ محمد تقی به اصفهان را قبل از سال ۱۲۲۵ ق دانسته‌اند. در آغاز در محله احمد آباد ساکن و در مسجد ایلچی حوزه تدریس منعقد می‌نماید و در آن نیز به امامت می‌پردازد.

پس از مدتی تدریس، اهل علم و طالبان دانش در اصفهان متوجه گوهر گرانبهای درس و بیان او می‌شوند و کثرت طالبان علم و علماء در محضر درسش بقدری زیاد می‌شود که مسجد ایلچی گنجایش حاضرین در درس و همچنین ظرفیت حضور مؤمنین حاضر در نماز جماعت او را ندارد و لذا حوزه درس او به مسجد شاه اصفهان منتقل می‌گردد و در آنجا نیز به امامت می‌پردازد و منزلش را نیز به محله پشت مسجد شاه منتقل می‌کند.

تعداد حاضرین در درس شیخ محمد تقی را تا چهارصد نفر نوشته‌اند که با توجه به جمعیت اصفهان در آن روز و اهل علم و حوزه موجود در آن وقت می‌توان گفت تقریباً تمام طلاب مستعد و فاضل و درس خوان اصفهان در درس ایشان حاضر می‌شده‌اند و اولین حوزه درسی در آن زمان متعلق به ایشان بوده است.

حاج شیخ عباس قمی در مورد این درس می‌نویسد: «... در اصفهان سکنی فرمود، فضلاء در درس او اجتماع کردند، مجلس درسش مجمع فضلاء گردید»^(۱). مرحوم آیه الله میرزا محمد حسن شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو در مورد این درس و چگونگی حضورش می‌فرماید: «... در آن زمان که در درس شیخ

(۱) فوائد الرضویة ۴۳۵/۲.

محمد تقی صاحب حاشیه حاضر می‌شدم بدلیل کثرت جمعیت امکان صحبت با استاد و پرسیدن اشکالات درسی برایم فراهم نمی‌شد، بدین خاطر چند تن از برادران خوش فهم را جمع کردم و بدانها گفتم: چه خوبست نزد شیخ رفته درخواست وقت معینی از ایشان بکنیم تا درس را به طور خصوصی برای ما بگوید، خوبی این کار این است که فرصت طرح اشکالات و نظراتمان فراهم می‌آید. دوستان پذیرفته و همگی که جمعاً چهار نفر بودیم خدمت شیخ رفته و خواسته خود را مطرح کردیم، شیخ از این پیشنهاد استقبال کرده و با ما انس و الفتی دیگر گرفت. از آن پس هم در درس عمومی شرکت می‌کردیم و هم در درس خصوصی و از این درس بسیار استفاده می‌کردیم»^(۱).

این حلقه درسی عظیم متجاوز از بیست سال تا آخرین روزهای حیات شیخ ادامه داشته است و جمع کثیری از مستعدین با استفاده از محضر علمی او به مراتب بلندی در علم و عمل رسیده‌اند.

و بر اساس آن چه که بر نگارنده معلوم شده است شیخ محمد تقی تدریس خود را در فقه و اصول به قلم خود ضبط می‌نموده است که حاصل آن در اصول کتاب شریف هدایة المسترشدين في شرح اصول معالم الدين و در فقه تبصرة الفقهاء است.

و چون هر دو کتاب ثمره تدریس شیخ است از نظر علمی هر دو از مکانت والائی برخوردارند که به اهل فن معلوم است.

(۱) ترجمه هدیه الرازی إلى الإمام المجدد الشیرازی / ۳۲.

شاگردان

از آنجا که مدت تدریس شیخ در اصفهان متجاوز از بیست سال است و هر دوره درس را نیز حدود شش سال بدانیم بیش از یک هزار و پانصد نفر در این مدت از حوزه درسی شیخ بهره برده‌اند و در نزد او تلمذ نموده‌اند که حصر و احصاء نام آنها کاری بس دشوار است و لکن به برخی از بزرگان آنها ذیلاً اشاره می‌کنیم:

۱- ملا احمد بن عبدالله خوانساری .

در یکی از سالها که فتح علیشاه قاجار به اصفهان آمد، در ملاقات با شیخ از ارشد تلامذه ایشان سؤال می‌نماید، و شیخ در جواب می‌فرماید: ملا احمد خوانساری .

ملا احمد خوانساری در سالهای بعد از شیخ ساکن دولت آباد ملایر می‌شود و کتاب مصابیح الاصول را در بیش از بیست هزار بیت تألیف می‌نماید .

۲- علامه میرزا محمد باقر چهارسوقی خوانساری اصفهانی (۱۲۲۶-)

۱۳۱۳ ق) صاحب روضات الجنات .

۳- شیخ محمد تقی گلپایگانی .

وی از بزرگان اساتید نجف اشرف در علم و حکمت و فلسفه است و از شیخ محمد تقی نیز اجازه روایت دارد و در سال ۱۲۹۲ در نجف وفات یافته است .

۴- مولی محمد تقی بن حسینعلی هروی اصفهانی حائری (۱۲۱۷-)

۱۲۹۹ ق) .

وی از اصفهان به کربلا مهاجرت نموده و به تالیف و تدریس پرداخته است شرح حال او را در مکارم الآثار ۶۲۷/۳ بیابید .

۵- سید محمد حسن بن محمد تقی مستجاب الدعوة خواجهانی اصفهانی .

متوفی در سال ۱۲۶۳ مدفون در تخت فولاد اصفهان در جنب والدش .

- ۶- میر سید حسن بن علی حسینی معروف به مدرس (۱۲۱۰- ۱۲۷۳ق).
از بزرگان فقهاء و مدرسین اصفهان است .
- ۷- میرزا محمد حسن بن محمود حسینی شیرازی (۱۲۳۰- ۱۳۱۲ق).
آیه الله مجدد شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو و مرجع علی الاطلاق
شیعه در عصرش .
- ۸- سید میرزا حسن بن محمد معصوم رضوی مهدی .
متوفی سال ۱۲۷۸ .
- ۹- آقا حسین ورنامخواستی لنجانی اصفهانی .
- ۱۰- علامه آقا شیخ محمد حسین رازی اصفهانی حائری (...- ۱۲۵۵ق).
ابن محمد رحیم ، برادر کهنتر شیخ محمد تقی است و کتاب ارجمندش در
علم اصول به نام الفصول مشهور آفاق است . شرح حال جامع وی را در کتاب تاریخ
علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۱ / (۲۱۳- ۱۸۴) می توانید بیابید .
- ۱۱- علامه ملا حسینعلی بن نوروز علی تویسرکانی اصفهانی .
متوفی سال ۱۲۸۶ و مدفون در تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد
اصفهان شرح حال ایشان را در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان / ۳۰۶ می توانید
بیابید .
- ۱۲- حاج میرزا داود ابن میرزا محمد مهدی شهید اصفهانی خراسانی
(۱۱۹۰- ۱۲۴۰ق) .
- همانگونه که در عنوان مهاجرت شیخ به ایران گذشت صاحب عنوان
چهارده ماه در مشهد مقدس از شیخ محمد تقی استفاده علمی نموده است .
- ۱۳- علامه مولی زین العابدین گلپایگانی (۱۲۱۸- ۱۲۸۹ق).
از شاگردان و مجازین شیخ محمد تقی و در گلپایگان مدفون است به فوائد
الرضویه ۱/ ۱۹۵ و مقدمه انوار الولاية از تألیفات وی مراجعه شود .
- ۱۴- آقا سید محمد صادق بن مهدی موسوی خوانساری (۱۲۰۸-)

۵ یا ۱۲۵۴ ق).

مدفون در کربلا، به الکرام البررة ۶۴۷/۲ مراجعه شود.

۱۵- ملا عبدالجواد بن محمد علی بن احمد تونی اصفهانی خراسانی.

حکیم معروف اصفهان و استاد فلسفه، و تدریس کتب حکمت و طب در اواخر حیاتش منحصر به او بوده است. در سال ۱۲۸۱ در اصفهان وفات کرد.

۱۶- ملا علی قارپوزآبادی زنجانی (۱۲۰۹- ۱۲۹۰ ق).

وی پانزده سال از محضر شیخ محمد تقی استفاده علمی نموده و جوامع الاصول را در دو مجلد تصنیف کرده و کتاب صیغ العقود از تألیفات مشهور ایشان است که بارها بچاپ رسیده است.

۱۷- شیخ فتح الله بن رجبعلی بن محمد صالح بن محمد شاردی قزوینی.

از بزرگان علماء قزوین و مؤلف اصل الاصول و مناہج الطريقة فی احکام الشریعة است، فوت او را پس از سال ۱۲۵۷ ق می نویسند.

۱۸- میر محمد ابن میر محمد حسین شهرستانی حائری.

از شیخ محمد تقی اجازه روایت دارد و حدود سال ۱۲۹۰ ق وفات یافته است. در الذریعة ۲۲/۱۱ اجازه او را ذکر می کند.

۱۹- شیخ محمد بن محمد علی بن محمد شفیع خراسانی طهرانی نجفی.

شاگرد و خواهرزاده و داماد شیخ محمد تقی است و جلد سوم هدایة المسترشدین را او از مسوده به بیاض خارج نموده و همچنین بهترین طبع حجری هدایة نیز به تصحیح او به انجام رسیده است و به هدایة نیز تعلیقاتی دارد. شرح حال او را در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۲۶۰/۳ بیابید.

۲۰- آقا مهدی ابن ملا محسن ابن ملا سمیع کرمانشاهی.

از اعقاب مرحوم ملا محسن فیض کاشانی است. شرحی بر شرایع دارد و در حدود سال ۱۲۸۱ در کرمانشاه وفات یافته و همانجا مدفون است.

۲۱- شیخ مهدی گجوری شیرازی.

وی شرح مطبوعی بر رسائل شیخ انصاری دارد و سال ۱۲۹۳ ق در شیراز وفات نمود و در تکیه حافظیه مدفون شد .

۲۲- حاج ملاهادی بن مهدی سبزواری (۱۲۱۲ - ۱۲۸۹ ق).

فیلسوف بزرگ متخلص به اسرار صاحب تالیفات متعدده از آن جمله منظومه و شرح آن در منطق و فلسفه ، در شرح حال او رسائلی نگاشته شده است .

۲۳- حاج میرزاهدایة الله اَبْرَسَجی شاهرودی .

متوفی سال ۱۲۸۱ در مکه مکرمه و مدفون در قبرستان ابو طالب علیه السلام .

تالیفات

از آن جا که طول حیات شیخ را تحصیل و تدریس گرفته است ، مؤلفات ارجمندی نیز از ایشان به یادگار ماند از آن جمله می توان کتابهای زیر را نام برد :

۱- اجوبة المسائل .

پاسخهای ایشان به استفتائاتی است که به محضر شریفش وارد شده است و به برخی از آنها نیز تفصیلاً جواب داده است .

۲- احکام نماز .

صورت نسخه ای از آن که در زمان حیات مؤلف به سال ۱۲۴۳ ق در سیصد صفحه استنساخ شده در نزد حقیر است .

و در کتابخانه آیه الله مرعشی علیه السلام در قم نیز نسخه ای دیگر از آن به شماره ۶۵۵ نگهداری می شود ، به فهرست نسخه های خطی آن کتابخانه ۲۵۱/۲ مراجعه شود .

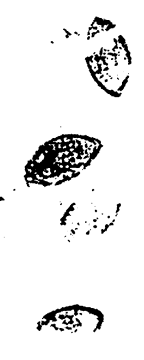
۳- تبصرة الفقهاء .

فقه استدلالی ایشان است و معظم ابحاث کتاب الطهارة و بحث اوقات صلاة و قسمتی از کتاب الزکاة و قسمتی از بیع را دارا می باشد .

صورت نسخه خط مؤلف و نسخه دیگری که از روی آن نوشته شده است در

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على من لا نبي بعده
محمد الذي بعث الاطراف الاكرام في سجدته كي يدهش
المن حين ان تحسبها اكرم محمد في ابن محمد رحم على الله
من اجلها الطرفة المظفرة عند التيم وضربها مع طابها
الاطراف المحفوظات في الجرح في يوم ثمان ايام
علاقات وطلائع في سجدته سائر طاعات واما الفتنة
سبب في طرفة الاقطاب مثل واسطها اذا برؤك رؤسها
منذ فتنة الامم است اين رساله عشره وادريه ان
سال احكام متعلقه بان قرار لاده وعبادت شفاء
دوران نموده تا اغلب اسنان متضرر كونه على راسه
في مباركته يدعاني يا دنانيد
منه

ونعم منكم ومنه من ان الله هضه على اذ به ويسترون حكم
مكرهه بخلافه الجلي واشت انفسا رده ان بسبب الله فاشده
احماد و لو ليست در به ان زنه من است رعه الا تصحار و ما فيها
برعوى في عده و سبت و فضله ان على تخيري به الراجحيه من انفسها
غمان خبره كما در بكران ان كان الصبر و مع غايه ان يكون انفسه
لان حاله زمني في سجدته و حجه و كونه في الاست
مع كونه في عطفه ان غان سبار يكون على الله
ولا اله الا الله و شكنا ان ان جاءه و كونه ان كونه و كونه
ان انتم و به با ش تا نور في جهار كونه
با و على سري و كونه في اول و اصل
قطره و رطلان و صلواته
عليه السلام و الله العالم
۱۳۴۵



نزد نگارنده موجود است. اهل فن ارزش و دقت این کتاب فقهی را همانند کتاب هدایة المسترشدين در اصول می دانند.

۴- تقریرات بحث فقه سید بحر العلوم.

این تقریرات بحث طهارت به صورت شرحی بر وافی نگاشته شده است. چنانچه علامه طهرانی در ترجمه معظم له در الکرام البررة ۲۷/۱ می فرماید: «وله شرح طهارة الوافی للفیض من تقریر استاذہ السید مهدی».

۵- رساله ای در بحث دوران امر بین اقل و اکثر در علم اصول.

این رساله را در رد استادش علامه سید محسن اعرجی کاظمی نگاشته است و نبیره مؤلف علامه ابو المجد شیخ محمد رضا نجفی در حاشیه بر روضات در مورد این رساله می نویسد: «له ردود علی العلامة السید محسن الکاظمی رحمته اللہ علیہ فی مسألة الاقل والاکثر رایتها بخطه الشریف»^(۱).

۶- رساله ای در عدم مفطرت توتون.

علامه طهرانی در الذریعة ۲۳۸/۱۵ آنرا در رد بعض از معاصرین شیخ می داند و همچنین در الکرام البررة ۲۱۷/۱.

۷- رساله عملیه به زبان فارسی.

علامه طهرانی آن را در الکرام البررة ۲۱۷/۱ یاد می کند.

۸- رساله در فساد شرط ضمن العقد فی شرط الضمان لو ظهر المبیع

مستحقاً للغير.

علامه طهرانی آن را در الذریعة ۱۸۳/۱۴ و الکرام البررة ۲۱۷/۱ ذکر می کند.

۹- شرح اسماء الحسنی.

در الذریعة ۸۸/۱۳ علامه طهرانی و در ریحانة الأدب ۴۴۹/۲ مدرس

خیابانی ذکر شده است.

(۱) اعلاط الروضات / ۱۰.

۱۰- کتاب الطهارة .

علامه طهرانی آن را در الذریعة ۱۸۴/۱۵ معرفی می‌کند و در الکرام البررة ۲۱۷/۱ بنقل از تکمله امل الامل مرحوم علامه سید حسن صدر کاظمینی رحمته الله چنین نقل می‌کند که در مورد این کتاب می‌فرماید: «رأيته وهو في غاية التحقيق يبلغ قدر طهارة المعالم» .

آقای استادی نیز نسخه‌ای از آن در «یکصد و شصت نسخه از یک کتابخانه شخصی» / ۲۷ که فهرست مخطوطات مکتبه شخصی خودشان بوده است معرفی می‌نماید، البته این مکتبه به کتابخانه آیه الله مرعشی رحمته الله منتقل گردیده است .

۱۱- مسألة الظنون .

صاحب روضات آن را در شرح حال ایشان یاد می‌کند و می‌فرماید: «وهي فيما ينيف على ثلاثة آلاف بيت، وقد نفع فيها القول بوجود ما به كفاية الفقيه من الظنون المخصوصة وعدم حجية الظن المطلق بما لا مزيد عليه»^(۱) .

۱۲- هداية المسترشدين في شرح اصول معالم الدين .

این کتاب از اولین کتابهای است که در ایران به چاپ رسیده است اولین چاپ آن در سال ۱۲۶۹ هـ. ق انجام شد پس از آن در سالهای ۱۲۷۲ و ۱۲۸۱ و ۱۲۸۳ و ۱۳۱۰ ق مکرراً در تهران به چاپ رسیده است .

وقریب پانزده سال پیش نیز توسط مؤسسه آل البيت عليه السلام در قم افست شد، و به همت مرحوم آیه الله والد آقای حاج شیخ مهدی مجد الاسلام نجفی طاب ثراه در سه مجلد بزرگ توسط مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جماعه مدرسین حوزه علمیه قم در سال ۱۴۲۰ و ۱۴۲۱ ق در قم مقدسه طبع حروفی و محققانه شده است .

مرحوم والد طاب ثراه در مقدمه‌ای حدود سی صفحه به معرفی این اثر

(۱) روضات الجنات ۱۲۴/۲ .

ارزشمند می‌پردازند که خواننده می‌تواند به آن مقدمه عالمانه مراجعه نماید^(۱).
شیخ محمد تقی بواسطه تألیف این کتاب به صاحب هدایه و صاحب حاشیه
در حوزه‌های علمیه معروف است.

(۱) و همچنین مقاله‌ای بقلم علامه جلیل حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد رضا
حسینی جلالی دامت برکاته در مورد این طبع از هدایه و معرفی آن در مجله آینه پژوهش
شماره ۶۳ / ص ۷۴ به نام مستعار منتشر شده است.

فرزندان

شيخ محمد تقی از نسمة خاتون معروف به حبابه^(۱) دختر شيخ جعفر كاشف الغطاء صاحب دو فرزند شد :

- ۱- آية الله العظمی آقای حاج شيخ محمد باقر نجفی اصفهانی .
- ۲- مخدره شهربانو زوجه آقا شيخ محمد طهرانی نجفی^(۲) .
واز منقطعه يزديه نیز صاحب یک دختر شد :
- ۳- زوجه مرحوم حاج عبدالکریم شیرازی .

شيخ سرسلسله یکی از بزرگترین بیوت علمی شیعه

خداوند تبارک و تعالی بر این مجتهد رنج کشیده منت گذاشت و با وجود اینکه فقط یک پسر از او بعنوان اولاد ذکور باقی ماند، ولکن نسل و ذریه طیبه‌ای به او عطاء کرد که یکی از بیوت عظیم علمی شیعه را تشکیل می‌دهند و مدت دو قرن است که تا کنون در آسمان علم و فضیلت و فقاہت و مرجعیت همچون ستارگانی درخشان نورافشانی می‌کنند .

علامه طهرانی در این مورد می‌نویسد: «آل صاحب الحاشیة بیت علم جلیل فی اصفهان یعد من أشرفها وأعرقها فی الفضل، فقد نبغ فیہ جمع من فطاحل العلماء ورجال الدین الأفاضل، كما قضاوا دوراً مهماً فی خدمة الشریعة، ونالوا

(۱) مرحوم الفت در نسبنامه می‌نویسد: «وفات... او نیز در سال ۱۲۹۵ واقع شده و در تخت فولاد پهلوی قبر شوهر خود مدفون گردید» .

(۲) مرحوم الفت می‌نویسد: «این دختر در سال ۱۲۵۷ جوانمرگ شده، اولادی از او باقی نمانده قبرش در تخت فولاد و پهلوی قبر مادر خود واقع است» .

الرئاسة العامة لا في اصفهان فحسب ، بل في ايران مطلقاً ...»^(۱) .

علامه محقق آقای حسینی اشکوری در شرح حال شیخ که در مقدمه هدایة المسترشدين طبع جدید به چاپ رسیده است چنین می‌نگارد: «بزغ نجم هذه الأسرة العلمية في اصفهان منذ نحو سنة ۱۲۲۵ حيث هاجر الشيخ في ما يقرب من هذا التاريخ من يزد إليها واشتهر بالمقام العلمي الرفيع والزهد والتقوى والتف حوله الخاصة والعامة وانتهت إليه الزعامة العلمية والامامة. اشتهر من الأسرة علماء مشاهير وفضلاء ذوي الأقدار والمكانة ، كانوا ولم يزلوا موضع احترام العلماء وحفاوة سائر الطبقات المؤمنة في اصفهان و غيرها نذكر اسماء بعضهم كنماذج بارزة لا للحصر ...»^(۲) .

نتیجه شیخ ، علامه الفت در نسبنامه که آن را در تاریخ شوال المکرم سال ۱۳۴۳ در اصفهان به پایان برده است می‌نویسد: « چنانچه دانستیم این خانواده زیاده بر یکصد سال است که در اصفهان و نواحی آن بریاست و اقتدار می‌گذرانند . مداخلاتشان در امور دولت و ملت ایران ممکن است که قسمتی از تاریخ این مملکت را اشغال کند . تصرفاتشان در خصوص عقاید و احوال اجتماعی اصفهان آثاری بیادگار باقی گذارده که قابل اهمیت است .

بالاخره اشتغالشان بزمامداری از روحانیت مذهب شیعه از آن دو وظیفه مشهورتر و اهمیت آثارش افزونتر است»^(۳) .

مرحوم آیه الله والد آقای حاج شیخ مهدی مجد الاسلام نجفی طاب ثراه نیز که از نوادگان شیخ‌اند در مقدمه طبع جدید هدایة المسترشدين چنین می‌نگارند: «رزق الله تعالى صاحب الهداية نسلاً طيباً وبيتاً جليلاً ، نشاء فهم كثير من العلماء والفقهاء والمراجع بحيث كتب العلامة السيد مصلح الدين المهدي رحمته الله تعالى ثلاث

(۱) نقباء البشر ۷۴۸/۲ .

(۲) هدایة المسترشدين ۳۳/۱ .

(۳) نسبنامه الفت / نسخه خطی .

مجلدات كبریة فی تراجمهم وقد طبع الكتاب»^(۱).

وعلامه مهدي علیه السلام در كتاب سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان در معرفی مدفونین تکیه و بقعه شیخ چنین می‌نگارد:

« شیخ محمد تقی بن محمد رحیم ایوان کیفی (ایوان کئی) عالم فقیه مجتهد اصولی. از مدرسین طراز اول اصفهان که عده زیادی از علماء و بزرگان خدمتش تحصیل کرده‌اند و به مقام اجتهاد رسیده‌اند. امام جماعت مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) که تاکنون امامت و ریاست در خاندان او برقرار است. مؤلف کتاب هدایة المسترشدين در اصول در سه مجلد، نویسنده کتابی بنام « بیان سبل الهدایة فی ذکر أعقاب صاحب الهدایة یا تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر» در سه مجلد در شرح حال این خاندان تألیف نموده و به چاپ رسیده است... »^(۲).

حسن ختام این عنوان را کلام علامه موحد ابطحی دامت برکاته قرار می‌دهیم که چنین می‌نگارد: « خاندان مسجد شاهی [نجفی] در طول دو قرن شمار زیادی از علماء و مراجع دینی و نیز مؤلفین و رهبران اجتماعی را در بر گرفته و به عنوان یکی از مهمترین خاندانهای علمی و اجتماعی در عالم تشیع و حوزه‌های علمیه و بالاخص شهر دینی و تاریخی اصفهان درخشیده است »^(۳).

و بالجمله آنچه که از نسل شیخ ظاهر شده و این بیت عظیم را تشکیل داده است، در واقع آنگونه که سینه به سینه و پدر در پدر به ما رسیده است استجابت دعای شیخ اکبر کاشف الغطاء علیه السلام است که در شب زفاف شیخ و دخترش دست به دعاء برداشت و از خداوند تبارک و تعالی چنین خواست که: « خداوندا علم و فقاہت و مرجعیت و روحانیت و ترویج شریعت را تا قیامت در نسل آنها قرار بده ». و بحمد الله تعالی این دعای شیخ اکبر کاشف الغطاء علیه السلام تا کنون که متجاوز از

(۱) هدایة المسترشدين ۱۵/۱.

(۲) سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان / ۹۳.

(۳) ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ / ۵۰۴/۱.

دو قرن از آن می‌گذارد به اجابت ذات اقدس الهی رسیده است، وان شاء الله تعالی و منته و فضله و کرمه و شفاعت نبیه و آله علیهم السلام تا قیامت نیز مستجاب خواهد بود آمین یا رب العالمین.

وفات و مدفن

شیخ محمد تقی ظهر روز جمعه پانزدهم ماه شوال ۱۲۴۸ ق به جوار رحمت حق و به دیار باقی می‌شتابد، یکی از دو رئیس روحانی وقت اصفهان یعنی آیتین سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی یا حاجی محمد ابراهیم کلباسی رضی الله عنه به همراه جمعیت مشیعین بر ایشان نماز می‌خواند. و در بقعه تکیه‌ای که بعدها به نام خود شیخ به تکیه شیخ محمد تقی ^(۱) معروف شد دفن می‌گردد.

و برخی از عوام آن را تکیه مادر شاهزاده نیز می‌گویند، چون اولین کسی که در این بقعه بخاک سپرده شد مریم خاتون گرجی درگذشته به سال ۱۲۴۶ دایه سیف الدوله سلطان محمد میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار است. و او (سیف الدوله) سی و هفتمین یا سی و هشتمین فرزند فتحعلی شاه و مادرش تاج الدوله طاووس خانم اصفهانیه که چهل و دومین همسر شاه بوده است می‌باشد. فتحعلی شاه در سال ۱۲۲۴ با او ازدواج کرد و طاووس خانم را ملقبه به تاج الدوله نمود.

تخت مرصع مشهور به تخت طاووس که پیش از ازدواج ایشان به آن تخت خورشید می‌گفتند بعد از ازدواج با وی به تخت طاووس مشهور شد. وی برای شاه چند فرزند پسر آورد بنامهای سلطان محمد میرزا سیف الدوله

(۱) مرحوم علامه مهدوی در کتاب سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان / ۹۱ تکیه را چنین یاد می‌کند.

که نامش گذشت و فرح میرزا نیر الدوله و سلطان احمد میرزا عضد الدوله .
طاووس خانم بعد از جلوس محمد شاه در اواخر عمر به نجف اشرف
مهاجرت نمود و در آنجا ساکن شد و همان جا وفات کرد و در صحن
امیر المؤمنین علیه السلام مدفون گردید^(۱) .

بنابر این تحقیق مریم خاتون گرجی دایه سیف الدوله است نه مادر او که
بغلط در افواه قرار گرفته است و وی زن مؤمنه‌ای بوده و وصی خودش را نیز مرحوم
آقا شیخ محمد تقی قرار می‌دهد . پس از فوتش به حسب دستور شیخ برای او
توسط معتمد الدوله منوچهرخان گرجی این بقعه بنا می‌گردد .

مرحوم گزی در این مورد می‌نویسد: « به توصیت او و وجه او (مریم دایه
سیف الدوله) این تکیه بنا شده و وصی او مرحوم شیخ محمد تقی بوده است »^(۲) .
مرحوم علامه الفت در نسبنامه چنین می‌نگارد: « ... بهر تقدیر سال ۱۲۴۸ ق
شیخ محمد تقی کبیر در جوار این مخدره مدفون گردیده و از آن پس افراد دیگری از
علماء و معاریف شهر و خاندان مسجد شاهی در پیرامونش بخاک رفته ، فضای
تکیه نیز مطروس از قبور متفرقه و بسیاری از افراد این خاندان و منسوبین به آنها
می‌باشند . و نیز شیخ محمد باقر کبیر یکصد جریب از املاک مرغوب را در قریه
کنگاز - از بلوک جی - به مصالح و تعمیرات این تکیه وقف نمود که تا چند سال قبل
به مصرف می‌رسید و اینک چندیستکه یکتن از سادات ... اقارب نسبی نگارنده بر
خلاف شرع و قانون آن موقوفه را غصب نموده ، دیناری بمصارف مقرره نمی‌رساند
و لذا جمله ابنیه و آثار تکیه خراب و منهدم گشته و می‌گردد »^(۳) .

نگارنده گوید: در دهه شصت شمسی که تب تخریب تخت فولاد بالا گرفته
بود و عده‌ای به عمد یا به جهل قصوری یا تقصیری قصد تخریب این ابنیه تاریخی

(۱) شرح حال او را در مشاهیر زنان اصفهان / ۲۱۷ می‌توانید بیابید .

(۲) تذکره القبور / ۴۶ طبع حجری .

(۳) نسبنامه الفت / ۲۸۶ نسخه خط مؤلف .

و قبور مؤمنین بلکه به واقع مرکز اسناد ملی و تاریخچه گویای شهر اصفهان را داشتند، از جمله معدود کسانی که در مقابل این عده مقاومت کرد و مانع از تخریب شد، مرحوم آیه الله والد آقای حاج شیخ مهدی غیاث الدین نجفی طاب ثراه بودند و در همان اوان ایشان نه تنها از تخریب جلوگیری کردند بلکه به همت والای خود و برخی از خیرین تکیه مرحوم آقای شیخ محمد تقی را تعمیر اساسی نمودند. و خوشبختانه بعد از این پایمردی و تلاش و گذر از آن دوره تخریب، اکنون این تکیه جزو آثار ملی و تاریخی ایران به شماره ۱۷۳۵ در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۲۶ به ثبت رسیده است.

امیدوارم بأذن الله تعالی و منّه و کرمه کار تعمیرات اساسی این تکیه و بازسازی آن به انجام برسد و این اثر ملی و تاریخی همچنان باقی باشد ان شاء الله تعالی.

مراثی و ماده تاریخ

بعد از ارتحال شیخ محمد تقی جمعی از علماء و شعراء در رثاء ایشان اشعاری را سروده‌اند:

۱- علامه خوانساری صاحب روضات که از شاگردان ایشان است در رثاء و ماده تاریخ معظم له اشعاری فرموده که در روضات الجنات ۱۲۵/۲ در شرح حال او ضبط است چند بیت آن چنین است:

یا للذی أضحی تقیاً نهتدی بهداه کالبدر المنیر الأوقد
أسفاً لفقد إمامنا الحبر الذی حتی الزمان لمثله لم نفقد
تا آنجا که می فرماید:

العالم أسمى بعده مترحلاً والشرع لم یر بعده بمؤید
ومی فرماید:

لَمَّا مَضِيَتْ مَضَتْ صِبَابَةٌ مِنْ هَوَى
 عَلَامَةُ الْعُلَمَاءِ مِنْ فِي جَنْبِهِ
 مَوْلَايَ أَيُّ قَطْبِ الْأَنَامِ وَطُودِهِمْ
 وَدَرِ مَادَةِ تَارِيخِ مِيْ گُويِد :

طابت ثراه كما أتى تاريخه طارت كراك الى النعيم السرمدي

۲- مرحوم محمد حسين بن محمد اسماعيل متخلص به ضياء از شعراء وخطاطين معروف قرن سيزدهم در اصفهان در مرثيه و ماده تاريخ شيخ محمد تقى اشعارى دارد به خط خودش بر روى سنگ مزار ايشان حك شده است :

آه كه در بزم دهر ساقى ايام ريخت
 شيخ محمد تقى آنكه بگناه سخن
 كاشف اسرار حق هادى راه هدى
 بود ز تقواى او خانه عصيان خراب
 گوهر الفاظ او زينت گوش سخن
 بود ز علمش بملك ، جهل چو عنقانهان
 بود فروع واصول ناقص اگر پيش از اين
 تا بأبد در جهان زنده بود نام او
 در دل سنگ ار چه شد لعل درخشان نهران
 ز آن مه برج علوم تا كه بيايد نشان
 در بر فضلش نزد ، كس ز فلاطون سخن
 او بجنان شادمان باشد و اندر جهان
 طاير روحش چو شد از قفس تن برون
 خانه دين را خراب گر نه فلک خواستى
 اشك فشان در غمش ديده احباب واو
 بس بعز ايش فتاد غلغله اندر جهان

زهر أجل از جفا فخر جهان را به جام
 صيقل نطقش زدود ز آينه دل ظلام
 حامى شرع مبين وارث خير الأنام
 داشت ز احكام او دين پييمبر قوام
 رشحه اقلام او زيب بديع وكلام
 داشته از نظم او كشور دين انتظام
 علم فروع واصول فكرت او كرد تام
 گرچه بزير زمين خاك شد او را عظام
 لعل درخشان برون آيد اگر از رخام
 پويه بگردد زمين چرخ كند صبح وشام
 درگه درسش نبود هيچ زادر يس نام
 دست به سر مى زند از غم او خاص و عام
 رفت برون و نمود جاى بدار السلام
 بهر خرابى او از چه نمود اهتمام
 گشت به صحن جنان شاد دل اندر خرام
 كرد گمان آسمان ، كرد قيامت قيام

طایر روحش روان گشت بباغ جنان چون زجنانش رسید رایحه‌ای در مشام
از پس تاریخ آن کلک ضیاء زد رقم «راهنمای امم کرد بجنت مقام»
۱۲۴۸

۳- شاعر توانا و ادیب ارباب آقای فضل الله اعتمادی متخلص به «برنا» مولود
عام ۱۳۰۹ هـ. ش مرثیه و ماده تاریخی را بدرخواست صاحب این قلم چنین
سروده‌اند:

شیخ محمد تقی، عالم ایوان کی ای
که نیمی از عمرو خود زیسته در اصفهان
صاحب حاشیه کز همت والا بود
بر کتبی چند او مؤلف و ترجمان
هم زاساتید فن بوده به تعلیم و درس
هم زصنادید فحل بوده بدرک و بیان
داد نویسنده‌گی در کتب مختلف
داده به توصیف او کلک نویسندگان
مرثیه‌ای بی نظیر سروده در رحلتش
شاعر دوران او ضیاء شیرین زبان
که زان رثاء فصیح لطف سخن گستری
بود زهر مصرع و حرف کلامی عیان
لیک حفیدی از او ز اهل علم و عمل
که آوردستم دگر زمان چو او مهربان
حبر فهیمی که هست از نسب و از حسب
وقار و وارستگی به ذات او توأمان
مجد الافاضل که اوست از دل و جان، روز و شب
خادم قرآن و دین، هادی پیر و جوان

از سنه رحلتش زداعی تاریخ خواست
چنانکه باشد در آن زشخص و نامش نشان
بود زابجد فزون شیخ محمد تقی
زحد عهد و قرون زمرز سال و زمان
پس به وفاتش چنین خامه برنا نوشت
درون بییتی تمام به امر طبع روان
«عالم ایوان کی ونجف بعقبا نهاد
زوادی اصفهان قدم بعدن و جنان»

۱۲۴۸

مصادر شرح حال

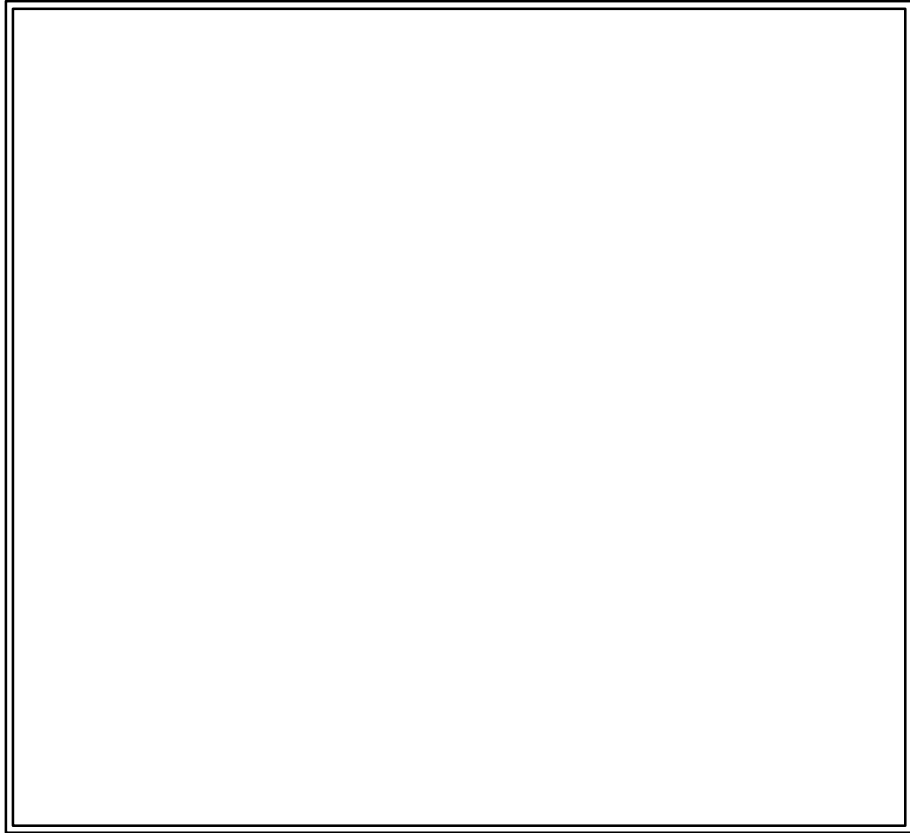
شرح حال ایشان را در اکثر کتابهای تراجم و شرح حال و تاریخ می‌توانید

بیابید از آن جمله :

- | | |
|---------------------------------------|---|
| الذريعة، در مجلدات متعدد | هدایة المسترشدين ۳۲/۱ چاپ جدید |
| الأعلام ۶/۶ | بيان سبل الهداية في ذكر اعقاب صاحب الهداية |
| فهرست کتابهای چاپی عربی / ۱۰۴ | یا تاریخ علمی واجتماعی اصفهان در دو قرن |
| معجم المؤلفين ۱۳۱/۹ | اخیر ۱۲۳/۱ |
| هدية العارفين ۳۶۲/۲ | روضات الجنات ۱۲۳/۲ |
| دائرة المعارف تشيع ۶۶۵/۲ | علماء الأسرة / ۱۸۰ از صاحب روضات |
| دانشمندان وبزرگان اصفهان / ۲۱۲ | مستدرک الوسائل ۴۰۰/۳ |
| سیرری در تاریخ تخت فولاد اصفهان / ۹۱ | أعيان الشيعة ۱۸۹/۹ |
| هدية الأحباب / ۱۸۵ محدث قمی | الفوائد الرضوية / ۴۳۴ |
| وقایع الأيام / ۷۶ محدث قمی | قصص العلماء / ۱۱۷ |
| شمس التواريخ / ۱۵ طبع اول | مرآة الاحوال ۱۳۸/۱ |
| وحید بهبهانی / ۲۱۸ علی دوانی | مرآة الكتب ۷۸/۴ ثقة الاسلام تبریزی |
| لغت نامه دهخدا - ذیل محمد تقی | مكارم الآثار ۱۳۲۷/۴ |
| ایضاح المکنون ۷۲۳/۲ بغدادی | ريحانة الأدب ۴۰۳/۳ |
| رجال اصفهان ۹۵/۱ دکتر کتابی | الكرام البررة ۲۱۵/۱۱ |
| معجم المطبوعات العربية في ايران / ۲۰۴ | نجوم السماء ۴۷۷/۱ |
| فرهنگ بزرگان اسلام وایران / ۴۷۹ | تذكرة القبور / ۷۲ |
| اثر آفرینان ۸۳/۳ | الروضة البهية / ۲۶۲ |
| ریشه‌ها وجلوه‌های تشیع وحوزة علمیة | لباب الألقاب / ۵۰ |
| اصفهان ۵۰۵/۱ | هدية الرازي الى الامام المجدد الشيرازي / ۳۸ |
| مجله آینه پژوهش، شماره مسلسل ۷۴/۶۳ | ترجمه هدیه الرازی / ۲۲ |

« ٢ »

آية الله العظمى
آقاي حاج شيخ محمد باقر نجفي اصفهاني
(١٢٣٥ - ١٣٠١ ق)



نسب و ولادت

نام: حاج شیخ محمد باقر نجفی اصفهانی معروف به شیخ کبیر و ملقب به حجة الاسلام.

پدر: علامه فقیه اصولی شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی نجفی اصفهانی.

مادر: نسمة خاتون معروف به حبابه دختر شیخ اکبر شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی.

ولادتش را در سال ۱۲۳۵ ق در اصفهان نگاشته‌اند ولی مرحوم الفت در نسبنامه می‌نویسد: «اما پسر مزبور نامش شیخ محمد باقر و در حال وفات پدر خود چهارده ساله بوده است»^(۱)، بنابراین چون وفات شیخ محمد تقی ۱۲۴۸ است پس ولادت فرزند باید ۱۲۳۴ باشد چنانچه در برخی متون^(۲) چنین ضبط کرده‌اند.

تحصیلات و اساتید

مقدمات علوم را در اصفهان فراگرفت پس از آن به همت مادر والا گهر به نجف اشرف مهاجرت نمود و در نزد بزرگان فقهاء در آن دیار به تحصیل پرداخت برخی از اساتید و مشایخ اجازه او عبارتند از:

(۱) نسبنامه علامه الفت / نسخه خطی.

(۲) اعیان الشیعه ۱۰۴/۴۴ و رجال اصفهان ۱۳۷/۱ دکتر کتابی.

- ۱- مرحوم شیخ محمد تقی پدرش .
 - ۲- حاج سید محمد باقر حجة الاسلام موسوی شفتی در اصفهان از مشایخ اجازه ایشان است .
 - ۳- شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر .
 - ۴- شیخ حسن ابن شیخ جعفر کاشف الغطاء دئی ایشان .
 - ۵- علامه دوران شیخ اعظم حاج شیخ مرتضی انصاری .
- او از شاگردان طراز اول و طبقه اول شیخ است ، و در نزد او حاشیه پدرش بر معالم یعنی هدایة المسترشدين را می خوانده است .
- حاج شیخ عباس قمی از این درس چنین حکایت می کند : « تلمذ مرحوم حاج شیخ محمد باقر در نزد شیخ انصاری در اوائل امر تدریس مرحوم شیخ انصاری بوده و آن مرحوم به خانه جناب استاد مشرف شده و حاشیه پدرش بر معالم را نزد آن جناب می خوانده است و او از شاگردان طبقه اول مرحوم شیخ انصاری می باشد که علاوه بر فوائد علمی که از آن جناب حاصل کرده ، به مناسبت صحبت و معاشرت با ایشان نیز تکمیل مراتب تقوی و تزکیه نفس و اخلاق نموده است »^(۱) .
- اجازه ای از شیخ اعظم به خط مبارکش جهت ایشان صادر شده است که تصویر آن را می توانید ببینید :

(۱) فوائد الرضویة ۴۰۹/۲ ، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۳۱۶/۱ ، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری / ۱۰۸ .

سبل اللؤلؤة على محمد بن عبد الله

الحمد لله الذي جعل في الدنيا آيات كثيرة على قدر قدرته
 فضله عز وجل لا يحصى ولا ينفذ ولا يوصف ولا يمدح ولا يمدح ولا يمدح
 السائل بالفاضل الكفاة صاحب الذمات الربوبية والفضل الكفاة
 والحقائق العاقبة والعاقبة السليم سلاله القوي يتحقق
 للفرع والوصول اللؤلؤة واللؤلؤة المسدح خاسب
 الشرح محمد باقر في فضل الله لفضله وكفاة من شاه إن
 بره عن معنى جمع الجمع ليدل على من مع الإخبار والبيان
 في كذا فأن يعلم أن اللؤلؤة لو كانت كذا حانها وضواؤها لله
 المنتهية لا لغيرها لعلها صلوات الله عليها جميعا
 واسطه شامحة الأبدان من الأبدان من الأبدان مع القول
 والمقول ومن القولين في الأبدان من الأبدان من الأبدان
 من جنسها وسادها في الأبدان من الأبدان من الأبدان
 وعن الأبدان من الأبدان من الأبدان من الأبدان من الأبدان
 عوارها والأبدان من الأبدان من الأبدان من الأبدان

الحمد لله الذي جعل في الدنيا آيات كثيرة على قدر قدرته
 فضله عز وجل لا يحصى ولا ينفذ ولا يوصف ولا يمدح ولا يمدح ولا يمدح
 السائل بالفاضل الكفاة صاحب الذمات الربوبية والفضل الكفاة
 والحقائق العاقبة والعاقبة السليم سلاله القوي يتحقق
 للفرع والوصول اللؤلؤة واللؤلؤة المسدح خاسب
 الشرح محمد باقر في فضل الله لفضله وكفاة من شاه إن
 بره عن معنى جمع الجمع ليدل على من مع الإخبار والبيان
 في كذا فأن يعلم أن اللؤلؤة لو كانت كذا حانها وضواؤها لله
 المنتهية لا لغيرها لعلها صلوات الله عليها جميعا
 واسطه شامحة الأبدان من الأبدان من الأبدان مع القول
 والمقول ومن القولين في الأبدان من الأبدان من الأبدان
 من جنسها وسادها في الأبدان من الأبدان من الأبدان
 وعن الأبدان من الأبدان من الأبدان من الأبدان من الأبدان
 عوارها والأبدان من الأبدان من الأبدان من الأبدان

الطبيب الطاهر

در کلام بزرگان

۱- صاحب روضات الجنات در پایان شرح حال ایشان می نویسد: «... وكذلك عند شيخنا البارع العلامة الشيخ مرتضى الدسفولي الانصاري المنتهى إليه رياسة الطائفة في هذا الزمان - حفظه الله تعالى - من نوائب الأزمان - في طريق مسافرتهما الى حج بيت الله الحرام وغيرها الى أن أُجيز له في الرواية والفتوى، فردّ الى وطنه سالماً غانماً وعاد الى مسكنه عالماً حازماً، وأخذ هنالك في الترويج والتدريس والإمامة والتأسيس والتصنيف والتأليف والقيام بحق التكليف، وهو - سلمه الله تعالى - من أجلة مشفقينا المعظمين والمحرّصين على تتميم هذا الكتاب المتين، آتاه الله من لم يؤت أحداً من العالمين»^(۱).

۲- از میرزای بزرگ شیرازی آیه الله محمد حسن حسینی چنین استفتاء شده است: مرحوم خلد آشتیان حاجی شیخ محمد باقر اعلی الله مقامه در ایام حیات تصرفانی کرده اند در امور راجعه به حاکم الشرع المطاع پس از فوت، آن تصرفات ممضی و بحال خود باقیست یا خیر؟ چون محل حاجت است دو کلمه بخط مبارک حکم آن را بیان نمائید.

وجناب میرزا در جواب بخط خودش مرقوم می فرماید:

بسم الله الرحمن الرحيم

بلی ممضی و نافذ است

حرره الأقر محمد حسن الحسيني

از این جواب مقام شیخ کبیر به خوبی معلوم می گردد.

(۱) روضات الجنات ۱۲۷/۲.

بسم الله الرحمن الرحيم
بخدمت حضرت علی مرتضیٰ علیه السلام

رحمہ اللہ شہان صابی شیخ محمد قزوینی
ایام حیرت نرفاتی کردند در امور
اشع و طبع بر از وقت ان نرفت



و نمایی خود باقیست با خیر حلال
باجرت دو کلمه کتاب حکم از زمان

پاسخ استفتاء میرزای بزرگ شیرازی بخط و مهرش در مورد تصرفات آیه الله حاج شیخ محمد باقر نجفی در امور راجعه به مجتهد جامع الشرائط، به اینکه آن تصرفات نافذ است

٣- صاحب احسن الوديعه مي نويسد: «آية الله العظمى الفقيه الماهر فخر الأوائل والأواخر ابن الأعلّم الأفضّل الشيخ محمد تقي صاحب الحاشية المشهورة على المعالم، مولينا الحاج الشيخ محمد باقر الاصفهاني، وكان هذا الشيخ من أكابر الفقهاء والمجتهدين وأعظم العلماء المحققين وأفاضل الدنيا والدين، مجسمة الزهد والورع والتقوى تاركاً بالكلية الدنيا مشتغلاً بأمور الأخرى»^(١).

٤- سيد محسن امين مي نگارد: «شيخ شيوخ اصفهان وأحد أعيان الرؤساء في ايران، رأس بعد أبيه...»^(٢).

٥- حاج ميرزا حسن خان جابري انصاري در موردش مي نويسد: «نژاد از دوشه داشت آن نيك پي، شمس القلاده خانواده مرحومين شيخ جعفر كبير و شيخ محمد تقي نور الله مضجعهما و مرجع تقليد اكابر واعاظم، آن بزرگوار بهار علم و عمل و در اعلاي لوائ شريعت بحدی ساعی بود كه مزيدی متصور نبود، در رياستش بر مسند شرع قاطبه مردم براحت گذرانند»^(٣).

همچنين مي گوید: «در اجرای حدود و نهی از منکر و منع از مطرب و مسکر مجدانه اقدام مي فرمود»^(٤).

٦- حفيد او علامه ابو المجد شيخ محمد رضا نجفي در مورد جدش مي نويسد: «كل لسان من وصفه قاصر، وكل فكر في كنهه حاسر»^(٥)، أحسن وصف لمعالیه أنه أشبه الخلق بأبيه، كان وقت وفاة والده العلامة مراهقاً أو بلغ الحلم و بعد بلوغه بمدة قليلة بعثته والدته الصالحة العابدة بنت الشيخ الأكبر الشيخ جعفر إلى

(١) أحسن الوديعه ١٦/٢.

(٢) أعيان الشيعة ١٠٤/٤٤.

(٣) تاريخ اصفهان ٩٨/١.

(٤) تاريخ اصفهان ٤٢/٣.

(٥) حَسْرَ بصرُهُ يَحْسِرُ حُسُوراً، أي كَلَّ وانقطع نَظْرُهُ من طول مَدَى وما أشبه ذلك، فهو حَسِيرٌ ومحسُور أيضاً.

النجف الأشرف لتحصیل العلم ولم یزل مشغولاً بتحصیل العلم عند خاله الفقیه الأعظم صاحب انوار الفقاہة وعند صاحب الجواهر وحضر فی فن اصول الفقه علی العلامة الشیخ مرتضی وکان ذلك ابتداء امر الشیخ ، کان یمضی الی داره ویقرأ علیہ حاشیة والده و هو أوّل تلامذته وأعظم من استفاد من صحبته واشتغل من خلال ذلك بتکمیل مراتب التقوی وبتحسین الأخلاق والمجاهدات حتی منحه الله سبحانه حالات شریفة وعرضت له کرامات منیفة لا اری ذکرها .

ثم سافر الی بلاد ایران لما کان یبلغه من اشتیاق والدته وقدم اصفهان وقعد مکان والده فی البحث والتدریس وامامة الجماعة فی مسجد الشاه أوّل ما اهتم به فی تلك الاوقات اقامة الحدود الشرعیة والأمر بالمعروف والنهی عن المنکر وأكثر من اقامة الحدود ویعجب من ذلك الأهالی فإنها كانت قد انقطعت بعد فوت سمیه حجة الاسلام الرشتی فبالغ الشیخ فیها وجدّ فی ذلك حتی انه حکم بالقتل فی یوم واحد علی سبعة وعشرین رجلاً قتل منهم اثني عشر وانهزم الباقون وله حکایة مع حاکم اصفهان فی ذلك ... له رحمه الله رسالة فی حجة الظن الطریقی وکتاب لب الاصول ، ورسالة فی الاستصحاب وتاریخ مولده سنة ۱۲۳۵ ، له اولاد علماء واجلاء من أعلام الدین لم یتفق لاحدٍ من علماء عصرنا ما اتفق له من فضل الاولاد»^(۱) .

۷- حفید دیگرش علامه الفت می نویسد : « ... مراتب علم و دیانت شیخ متدرجاً معلوم عام و خاص گردیده همه روزه به شهرت و اقتدارش افزود لهذا بیش از چند سالی نگذشت که اولین مقام ریاست روحانی را اشغال نمود . منصفانه می توان گفت که اینمرد - خاصة در اواخر عمرش - از حیث علم و دیانت ، اخلاق و عبادت ، از جمیع أمثال و اقران خود امتیاز داشته به لیاقت بر آنها تقدم جسته است ... »^(۲) .

(۱) حلی الدهر العاقل فیمن ادركته من الافاضل ، ودر فوائد الرضویه ۴۱۰/۲ از آن نقل شده است .

(۲) نسبنامه الفت / نسخه خطی .

تدریس و شاگردان

پس از ورود به اصفهان در منزل پدری در پشت مسجد جامع عباسی (شاه سابق - امام فعلی) ساکن شد و در آن مسجد به امامت و تدریس پرداخت، درس او بزرگترین حلقه درس اصفهان و جماعتش در مسجد باشکوه بود. در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان^(۱) اسامی ۷۸ نفر از شاگردان بزرگ او را ذکر می‌کند برخی از آنها عبارتند از آیات عظام:

- ۱- سید ابو تراب موسوی خوانساری نجفی (۱۲۷۱ - ۱۳۴۶ ق).
- ۲- سید ابو القاسم حسینی دهکردی (۱۲۷۲ - ۱۳۵۳ ق).
- ۳- سید اسماعیل صدر (۱۲۵۸ - ۱۳۳۸ ق).
- ۴- ملا محمد باقر فشارکی (... - ۱۳۱۴ ق).
- ۵- محقق نامدار حاج شیخ محمد حسین نائینی (۱۲۷۷ - ۱۳۵۵ ق).
- ۶- شیخ عباس کاشف الغطاء (۱۲۳۵ - ۱۳۲۳ ق).
- ۷- شیخ علی بن محمد رضا کاشف الغطاء (۱۲۶۸ - ۱۳۵۰ ق).
- ۸- شیخ فتح الله نمازی اصفهانی معروف به شیخ الشریعة (۱۲۶۶ - ۱۳۳۹ ق).
- ۹- سید محمد کاظم طباطبائی یزدی صاحب عروة الوثقی (۱۲۴۷ - ۱۳۳۷ ق).
- ۱۰- حاج سید مصطفی کاشانی (۱۲۶۰ - ۱۳۳۶ ق).
- ۱۱- حاج آقا منیرالدین بروجردی (۱۲۶۹ - ۱۳۴۲ ق).
- ۱۲- میرزا یحیی مدرس بیدآبادی (حدود ۱۲۵۴ - ۱۳۴۹ ق).

(۱) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۳۲۱/۱ و ۳۵۶/۳.

تألیفات

آثار مکتوب متعددی از ایشان به یادگار مانده است از آن جمله :

۱- رساله‌ای در استصحاب .

صورت خط مؤلف از این رساله نزد حقیر است .

۲- شرح حجّیة المظنّة من هداية المسترشدين .

بیانات والدش را در کتاب هدایه به شرح و بسط و توضیح نشسته است . و در

سال ۱۲۸۳ در حدود ۱۳۰ صفحه در قطع بزرگ به همراه هدایه پدرش به چاپ

رسیده است و اگر تجدید طبع شود یک مجلد کبیر می‌شود .

آیه الله والد طاب ثراه در مقدمه طبع جدید هدایة المسترشدين آنرا اولین

شرح هدایة می‌دانند^(۱) .

۳- لبّ الاصول .

این کتاب را علامه طهرانی در الذریعة ۲۸۲/۱۸ و نقباء البشر ۱۹۹/۱ ذکر

می‌کند .

۴- لبّ الفقه .

علامه طهرانی آن را در الذریعة ۲۸۷/۱۸ یاد می‌کند .

۵- رساله در نقود و موازین و مکائیل و مقایس .

علامه مهدوی آن را تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر

۳۲۶/۱ ذکر می‌کند .

(۱) مقدمه هدایة المسترشدين ۱۲/۱ .

برخی از اقدامات اجتماعی

از مرحوم جابری خواندید که شیخ در اجرای حدود و نهی از منکر و منع از مطرب و مسکر مجدانه اقدام می فرمود .

بنابر این بعد از سید حجة الاسلام شفتی ، کس که در اصفهان اجرای حدود الهی را می کرده ایشان است ، و شاید به همین خاطر نیز مردم اصفهان بعد از سید ، لقب حجة الاسلام علی الاطلاق را بر او نهادند .

دیگر از اقدامات اجتماعی ایشان رسیدگی به فقراء و مؤمنین در قحطی سال ۱۲۸۸ اصفهان است که به سال آدم خواری معروف است .

مرحوم الفت در این باره می نویسد : « دیگر از اعمال نیکویش آن که در سال گرانی ۱۲۸۸ معادل با جمیع ما یملک خود را قرض نمود بفقرائی که در معرض هلاکت بودند تقسیم کرد »^(۱) .

مرحومین انصاری در « تاریخ اصفهان و ری »^(۲) و مهدوی در « تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر »^(۳) هر کدام شرحی از اقدامات ایشان در این قحطی دارند که خواندنی است .

و از جمله اقدامات اجتماعی ایشان برداشتن مالیاتی از دوش مردم فقیر بود ، مرحوم الفت در این مورد می نویسد : « ... از جمله اقدامات نافعہ مشار الیه درباره اهالی این بود که در سال ۱۲۹۲ شاه می خواست بر املاک بیرون آبی (یعنی بی مالیات) وضع مالیات جدیدی نماید ، شیخ مزبور بحمایت اهل شهر و بلوک برخواسته شخصاً بطهران مسافرت و مالیات مرقوم را برای عموم اهالی تخفیف

(۱) نسبنامه الفت / نسخه خطی .

(۲) تاریخ اصفهان و ری / ۲۷۸ قسمت پاورقی .

(۳) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۳۲۶/۱ .

گرفت»^(۱).

مرحوم مهدوی نیز این مورد و موارد دیگری از اقدامات اجتماعی ایشان را بر می‌شمارد^(۲).

وبالجمله شیخ کبیر تنها پشت و پناه مردم در مقابل جور و ستم دستگاه حاکمه وقت بود و در این اواخر کسی که حکومت مطلقه ظل السلطان را در اصفهان و نیمی از ایران محدود می‌کرد او بود.

تأسیس مسجد نو بازار

از باقیات صالحات شیخ کبیر می‌توان مسجد نو بازار اصفهان را نام برد که به همت عالیه ایشان ساخته شد و بزرگترین مسجد بازار شهر اصفهان است و در ماده تاریخ بناء آن گفته‌اند:

«اصفهان را مسجد نو شمع شد»

۱۲۹۹

وبحمد الله تعالی و المنة تا کنون شیخ و فرزندان و نوادگان او از بدو بناء، تا کنون امامت و تولیت آن را بر عهده دارند.

علامه مهدوی در مورد این مسجد می‌نویسد: «مسجد نو از حیث موقعیت محل و وقوع آن در بازار از مساجد معمور و جماعت آن از جمله جماعات قابل توجه و به خصوص در ایام ماه مبارک رمضان از نماز جماعت‌های با شکوه و آبرومند از حیث کمیت و کیفیت بوده است»^(۳).

در کتاب ریشه‌ها در مورد مسجد نو بازار می‌نویسند: «مسجد بزرگی است در

(۱) نسبنامه الفت / نسخه خطی.

(۲) به تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۳۲۷/۱ مراجعه شود.

(۳) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۳۲۱/۳.

زمینی به مساحت تقریبی هفت جریب در بازار بزرگ اصفهان ... که در سال ۱۲۹۹ قمری قسمت عمده آن ساخته شده و در سال ۱۳۰۵ قمری تمام جهات و تزئینات آن کامل شده است تاسیس مسجد زیر نظر مجتهد و مرجع بزرگ مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی متوفای ۱۳۰۱ قمری انجام گرفته و جشن افتتاح آن در سال ۱۲۹۹ با حضور مؤسس عظیم الشان آن برگزار گردیده است، در طرف جنوب مسجد ایوانی بزرگ و بلند و گنبدی جالب و شستنی بسیار بزرگ، پایین تر از سطح صحن مسجد مناسب برای فصل زمستان ایجاد شده و در طرف شمال، ایوانی بزرگ و جالب ساخته شده و در طرف شرق مسجد ایوانچه‌های متعدد بنا شده است. مسجد نو در مجموع مسجدی بزرگ همراه با تزئینات و کاشی کاری می‌باشد، در این مسجد از زمان تأسیس تاکنون حوزه‌های درسی مهمی تشکیل می‌شده و علماء و مدرسین زیادی در آن تدریس می‌نمودند و هم اکنون جلسات درس متعدد و مذاکره و مباحثه علمی در سطح گسترده در آن انجام می‌شود ...»^(۱).

فرزندان

از باقیات صالحات شیخ کبیر، فرزندان او را می‌توان نام برد که هر یک در برهه‌ای از زمان از مراجع معظم تقلید و حامیان و مروجین شریعت حقه بوده‌اند، شیخ دارای ۹ فرزند بوده است:

۱- حاجیه فاطمه خانم زوجه مرحوم حاج میرزا محمد رحیم شیخ الاسلام.

۲- مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی اصفهانی

(۱) ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمی اصفهان ۳۸/۲.

(۱۲۶۲ - ۱۳۳۲ ق.) .

از مراجع معظم تقلید و فقیه عصرش و بزرگترین حامی و پشت و پناه مردم در مقابل دستگاه حاکمه وقت ، شرح حال ایشان را می توانید در نوع کتب تاریخ و شرح حال بیابید از جمله مرحوم مهدوی در کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۱/۳۴۱ در بیش از دویست صفحه شرح حال ایشان را می نگارد . وهمچنین کتابی مستقل توسط آقای دکتر موسی نجفی بنام « حکم نافذ آقا نجفی » در مورد ایشان منتشر شده است .

۳- مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی
(۱۲۶۶ - ۱۳۰۸ ق.) .

شرح حال ایشان در این رساله خواهد آمد .

۴- آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد علی نجفی اصفهانی
(۱۲۷۱ - ۱۳۱۸ ق.) .

از مراجع معظم تقلید و فقهای عصرش به شمار می رود ، علامه الفت برادر زاده اش در موردش می نویسد : « از مجتهدین بزرگ و حکام شرع متدین محسوب می شد »^(۱) .

فرزندشان مرحوم آیه الله حاج شیخ مهدی نجفی طاب ثراه در کتاب « الأنهار » شرح حال جامعی از ایشان را به نگارش در می آورد .

مدرسه علمیه ای را در دروازه حسن آباد اصفهان نزدیک امامزاده احمد تاسیس فرمود و جهت نگهداری آن موقوفه ای را نیز وقف نمود و مدرسه بحمد الله تا کنون دائر و بنام خود ایشان مدرسه آیه الله حاج شیخ محمد علی نجفی خوانده می شود^(۲) .

(۱) نسبتنامه الفت / نسخه خطی .

(۲) به تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۳/۲۹۲ مراجعه شود .

و همچنین شرح حالشان را در نوع کتب تراجم می‌توانید بیابید از آن جمله، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۱۰۹/۳ و رجال اصفهان ۱۵۷/۱ تألیف آقای دکتر محمد باقر کتابی که نواده دختری معظم له است.

۵- آیه الله العظمی آقای حاج شیخ نورالله نجفی اصفهانی (۱۲۷۸- ۱۳۴۶ ق).

بزرگ مدافع حقوق مردم در مقابل دستگاه ظلم و ستم زمان و رئیس مبارزین بر علیه استبداد مطلقه در ایران و بزرگترین رهبر مشروطیت مشروعه در داخل ایران و برپا کننده نهضت علماء بر علیه رژیم رضاخان پهلوی در قم که در نهایت نیز به دست او مسموم و به شهادت رسید.

جنازه‌اش از قم به نجف اشرف منتقل و در کنار پدرش در مقبره شیخ اکبر کاشف الغطاء بن خاک سپرده شد.

شرح حال او را در تمامی کتب تاریخ ایران و مشروطیت و تراجم می‌توانید بیابید.

مرحوم علامه مهدوی بیش از دویست صفحه از جلد دوم کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر را به او اختصاص داده است.

و در مورد احوالاتش دو کتاب مستقل تاکنون منتشر شده است:

الف- اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی - تألیف آقای دکتر موسی نجفی.

ب- حاج آقا نورالله اصفهانی، ستاره اصفهان - تألیف آقای عباس عبیری.

۶- مرحومه بیگم صاحب زوجه مرحوم حاج میرزا مهدی جویباره‌ای.

۷- آیه الله العظمی آقای حاج شیخ جمال الدین نجفی اصفهانی (۱۲۸۴- ۱۳۵۴ ق).

از مراجع معظم تقلید و مروجین مذهب حقه امامیه و مدافع حقوق ملت در مقابل تعدیات حکومت‌های وقت، در اصفهان در مسجد شیخ لطف اله در میدان

امام نماز می خواند و دعای کمیل او در شبهای جمعه معروف است ، بوسیله روسها در اشغال اصفهان به تهران تبعید شد و در آن شهر مورد توجه علماء و مردم تهران قرار گرفت و در مسجد حاج سید عزیز الله بازار به امامت پرداخت و اول شخصیت روحانی تهران و از طراز اولهای ایران به حساب می آمد .

شرح حال معظم له را در نوع کتب تاریخ و تراجم می توانید بیابید از آن جمله : تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۶۸/۳ و نقباء البشر ۳۰۸/۱ و مکارم الآثار ۲۶۱۳/۷ .

۸- حاجیه خانم زوجه مرحوم آقا جمال الدین چهارسوقی .

۹- آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد اسماعیل نجفی اصفهانی (۱۲۸۸ - ۱۳۷۰ ق) .

از علماء و فقهاء بزرگ که سالیان درازی در عتبات مشغول تحصیل بود و پس از مراجعت به اصفهان در مسجد جامع عباسی (امام) به امامت پرداخت ، در اصفهان وفات و جنازه اش به کربلای معلی حمل و در یکی از حجرات صحن حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام دفن گردید ، او از مشایخ مرحوم آیه الله نجفی مرعشی است و لذا شرح حال ایشان را در المسلسلات ۳۴۷/۲ و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۲۷/۳ و نقباء البشر ۱۵۲/۱ و اعیان الشیعة ۳۷۶/۱۱ می توانید بیابید .

وفات و مدفن

شیخ کبیر در سال ۱۳۰۰ پس از گذراندن ایامی بعبادت در تخت فولاد اصفهان بناگاه تصمیم به حرکت به عتبات عالیات و نجف اشرف را می گیرد و هر کس از او علت را می پرسد و قصد منصرف کردن او را دارد ، جوابی نمی شنود و نتیجه ای نمی گیرد ، شیخ با عجله و شتاب فراوان عازم عتبات می شود ، مرحوم

آية الله علامه ابو المجد شيخ محمد رضا نجفی نواده ايشان كه به همراه پدرش در اين سفر در ركاب شيخ كبير بوده است در مورد اين واقعه چنين می نگارد :

« ولما كان شهر رجب سنة ۱۳۰۰ وعمره يقرب من السبعة والستين اعتزل أياماً عند قبر والده العلامة خارج البلد وكان ذلك دأبه في كل سنة ، يعتزل أياماً من ذلك الشهر هناك مشغولاً بالعبادة والطاعات ولما رجع الى البلد لم يكن له همٌّ إلا السفر الى العراق وزيارة قبور الائمة عليهم السلام هناك واجتمع لمنعه عن ذلك جميع اصناف اهل البلد فلم يزد الا الأمر بالتعجيل .

حدثني والدي قال : اني سألته ذات يوم عن سبب هذه العجلة ؟ فقال : لما كنت معتزلاً في تخت فولاد ظهر لي بسبب غير عادي ان اجلي قريب ، فرأيت أن أسرع الى تلك البقاع الشريفة ولا ادع حمل جنازتي الى غيري ، فخرج مختفياً ليلاً مخافة منع الناس ولم يزل يطوي المنازل ويغذ في السير الى أن ورد كربلاء غياب الشمس من ليلة عاشوراء سنة ۱۳۰۱ ولم يبق بها إلا ثلاث ليال ، فلما كان اليوم الثالث خرج الى النجف وكانت السماء تمطر شديداً ولما ورد النجف تشرّف بالحضرة ثم خرج وذهب الى بقعة جدّه الشيخ جعفر و جلس هناك و معه المشايخ من آل كاشف الغطاء ، فقال لهم : عينوا لي موضعاً للدفن ، فلما تعيّن أمر بإحضار الفعلة فحفر الموضع ولم يقم من المقبرة الا بعد ذلك ، ثم جاء الى الدار المعدّة لنزوله وهي دار جدّه الأكبر الشيخ جعفر ولم تمض أيام حتى فجعه الدهر بموت العالم الشيخ علي ابن الشيخ عباس ابن الشيخ حسن صاحب انوار الفقاهة فتطيّر الشيخ من ذلك ، فتمرض ولم تطل ايام مرضه حتى لقي ربه و قضى نجه في شهر صفر سنة ۱۳۰۱»^(۱) .

نواده ديگرش علامه الفت نيزاين واقعه را چنين شرح می دهد :

(۱) حلی الدهر العاقل فيمن أدركته من الافاضل ، ودر فوائد الرضويه ۴۱۰/۲ از آن نقل شده است .

« خلاصه واقعه وفاتش این است که در اواخر سال ۱۳۰۰ هجری در یکی [از] روزهای جمعه که حسب العادة بقبرستان تخت فولاد رفته بود بغتةً حالش تغییر کرده مثل کسی که قرب أجل خود را دریافته باشد بسیار منقلب گردید، این حالت چند روزی شدت و دوام یافته، عاقبت با اصرار و تعجیل هرچه تمامتر به سمت عتبات حرکت نمود و در اوائل ماه محرم سال ۱۳۰۱ خود را به کربلاء رسانید، از کربلا نیز پس از انقضای ایام عاشورا عاجلاً به نجف روانه گشته در اول ورود به آن بلده ابتداءً به زیارت آستانه مقدسه و بعد از آن به مقبره جد خود شیخ جعفر رفت و در آن مقبره با عجله تمام جای قبری از برای خود معین نمود، رفتن او بخانه همان بود و در بستر بیماری مرگ افتادن همان، وفاتش در شب ۸ ماه صفر از همین سال اتفاق افتاد»^(۱).

مرحوم انصاری بعد از ذکر وفاتش می نویسد: « بیست هزار تومان قرض و علمای عاملین و ذکر مخلص از آن بزرگوار مخلف ماند»^(۲).

مرثیه و ماده تاریخ وفات

۱- حاج میرزا علی مستوفی انصاری (۱۲۴۸ - ۱۳۰۸ ق) پدر مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در مرثیه و ماده تاریخش گوید:

اصل او چون زنجف بود سوی اصل برفت

این جهان داد و جان یافت بپاداش و بدل

سال تاریخش راز انصاری جستگم گفتا

« موطن شیخ نجف بود بانجام وازل»^(۳)

۱۳۰۱

(۱) نسبنامه الفت / نسخه خطی .

(۲) تاریخ اصفهان ۹۸/۱ .

(۳) تاریخ اصفهان وری / ۲۹۰ .

۲- شاعر توانا و ادیب اریب جناب آقای فضل الله اعتمادی متخلص به «برنا»

به اجابت صاحب این قلم نیز در رثاء و ماده تاریخ معظم له گوید :

فحل نامی و مقتدای صفی	شیخ مفتی ، محمد باقر
به کفش بوده ز آشکار و خفی	آنکه چندی زمام دینی شهر
بوده نافذ زدینی و عرفی	آنکه در امر حاکمین رأیش
بوده بر همگنان او مکفی	آنکه فتواش در حدود و قصاص
بنوشت از برای حبر حفی	بیتی اندر وفات او برنا
هادی فاضل و صدیق وفی	شخص مجد الافاضل آنکه بود
باقر ابن تقی بود نجفی «	» باز از قید و کید و حکم أجل

مصادر شرح حال

شرح حال شیخ کبیر را در کتب ذیل می توانید ببینید :

تاریخ علمی واجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۳۱۱/۱	اعیان الشیعة ۱۰۴/۴۴
تذکرة القبور / ۴۷	الذریعة در مجلدات مختلف از آن جمله ۲۸۷/۱۸
روضات الجنات ۱۲۶/۲	دانشمندان و بزرگان اصفهان / ۱۶۰
ریحانة الأدب ۴۰۴/۳	نسبنامه الفت / نسخه خطی
المآثر والآثار / ۱۴۲	شهداء الفضیلة / ۳۵۰
هدية الاحباب / ۱۸۵	دائرة المعارف الاسلامیة ۱۱/۲
فوائد الرضویة / ۴۰۹	رجال اصفهان ۱۳۷/۱ دکتر کتابی
لباب الالقاب / ۵۰	دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۴۸۱/۱
مكارم الآثار ۱۰۰۷/۳	اثر آفرینان ۸۳/۳
تاریخ اصفهان / ۹۸	وارسته پیوسته / ۶۵
نقاء البشر ۱۹۸/۱	ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزة علمیة اصفهان ۵۰۵/۱

« ٣ »

آية الله العظمى
آقاي حاج شيخ محمد حسين نجفي اصفهاني
(١٢٦٦ - ١٣٠٨ ق)

بجذالبيان
في تفسير القرآن

آية الله العظمى
الشيخ محمد حسين اصفهاني

مكتبة آية الله العظمى
نورالدين

نام و نسب و ولادت

نام: حاج شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی .
پدر: مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد باقر نجفی اصفهانی .
مادر: علویه دختر علامه فقیه آقا سید صدرالدین عاملی .
ولادت: روز یکشنبه دوم محرم الحرام ۱۲۶۶ در اصفهان متولد گردید . و
دومین فرزند ذکور پدر است .

تحصیلات و اساتید

در اصفهان نزد اساتید فن مشغول به تحصیل شد و از فراگیری علوم صرف و نحو و معانی و بیان و سایر علوم مقدماتی قبل از رسیدن به سن بلوغ فارغ گشت ، پس از آن در نزد پدرش مشغول تحصیل فقه و اصول شد .
برادر و شاگردش در رساله‌ای که در احوالاتش دارد و توسط صاحب این قلم بفارسی ترجمه شده است در این مورد چنین می‌نگارد: « در این هنگام از شدت هوش و زیرکی و خوش فهمی و جربزه‌ای که داشت بزرگان طلاب و دانشجویان زبردست ماهر از مباحثه با او می‌هراسیدند و حال آن که در سنین نوجوانی بود و بزرگان علماء و طالبان علم به بلندی مقام و منزلت او اعتراف می‌نمودند»^(۱) .

(۱) رساله‌ای در احوالات آیه الله حاج شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی ، مطبوع ضمن تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۲۰۴/۲ .

پس از آن به دستور پدر و به همراهی برادر مهتر و کهنترش و آیه الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی که بعدها عروة الوثقی را تألیف نمود چهار نفری در سال ۱۲۸۱ ق عازم عتبات عالیات شدند و تحصیل را در نجف اشرف ادامه دادند. حاج شیخ محمد حسین فلسفه را در نزد دو استاد مهم وقت یعنی شیخ میرزا باقر شکی متوفی ۱۲۹۰ ق و آقا شیخ محمد علی ترک فراگرفت و اسفار را در نزد استاد اخیر تلمذ نمود. و در فقه و اصول به حوزه درس حضرات آیات: میرزا حبیب الله رشتی و شیخ راضی نجفی و میرزا محمد حسن شیرازی حاضر گردید. و سالیان متمادی از آنان فیض برد.

مراجعت به اصفهان

پس از گذراندن پانزده سال در نجف اشرف در سال ۱۲۹۶ ق به اصفهان مراجعت فرمود. برادرش حاج آقا نور الله در این مورد می نویسد: «زمانیکه از تحصیل و تکمیل آن در فروع و اصول و جمع کردن بین معقول و منقول فراغت حاصل کرد در حال سلامت مزاج و بهره مندی کامل بمنزل و ماوای خود در اصفهان که خدا آنجا را از پیش آمدها حفظ کند بازگشت، و به افاده و استفاده مشغول شد و بر متکای تدریس و افاده تکیه زد. طالبان علم از هر گوشه و کنار و دور و نزدیک بدو رو نهادند و جهت تحصیل وی را احاطه نمودند. وی در صدر مجلس تدریس بدون مخالف جای گرفت و بر همه علمای زمان برتری یافت... وی با لطف بیان و تفسیر و تأویل نیکو مردم را ارشاد و هدایت نموده و موعظه و نصیحت می فرمود و در این مورد نیز باتفاق همگان یگانه و بی نظیر شد»^(۱).

(۱) رساله‌ای در احوالات آیه الله حاج شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی، مطبوع ضمن تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۲۰۶/۲.

و پس از آن که بهترین کرسی درس در اصفهان را اشغال نمود و به منبر موعظه و ارشاد مردم تکیه زد و مدتی نیز به امامت جماعت پرداخت بگونه‌ای که برای حضور در جماعتش برخی مدت‌ها انتظار می‌کشیدند به یکباره تغییر حالت داد. از دنیا رو به عقبی کشید و تمامی ساعات عمرش را مستغرق در عبادت و ذکر خدا کرد، گنج عزلت اختیار نمود و سر در آستان یار به خاک می‌سائید.

حاج آقانور الله در این مورد می‌نویسد: «در این حالات و زمان بود که حالتی به او دست داد و از دنیای فریبنده و مردم بریده و متوجه قیامت و روز رستاخیز شد، آن چه را از موعظه و ارشاد و تدریس و مباحثه به عهده گرفته بود بیکباره ترک کرد و آنچه را که مانع انس با حضرت حقّ جل و علا که نعم الانیس است را رها ساخت. از صبح سعادت نوری بر او تابید که همه تاریکیهای شبهای ظلمانی را روشن ساخت و از نور حقیقت پرتوی بر او ظاهر شد که همه ابرهای کدر و تیره و کوردلی را پاره کرده بیکسو زد، و به فکر و ذکر و تلاوت قرآن مشغول شد و شب و روزش را به زهد و عبادت صرف می‌کرد و از خواندن ذکر «لا اله الا الله» در شب و روز خسته نمی‌شد. همچون زن بچه مرده آشکار و پنهان بر نفس خود می‌گریست به طوری که برادران او از شدت گریه‌اش ناراحت می‌شدند و زنان و کودکان از فریاد و ناله‌اش به گریه می‌افتادند، برخی از همسایگان از او خواستند که گریه خود را یا در شب یا در روز ترک کند و گفتند که شدت گریه او مانع خواب و استراحت آنان است»^(۱).

همچنین مرحوم حاج شیخ عباس قمی در این مورد می‌نویسد: «عالم ربانی و فاضل صمدانی وحید بلا ثانی جامع کمالات نفسانیه در علم و عمل، شیخ مجاهدین و افضل سالکین، زهد ورزید در دنیا هنگامی که دنیا اقبال کرد به وی و ترک کرد ریاست را در وقتی که اتفاق کلمه شد بر او، منزوی شد از مردم و مشغول

(۱) رساله مذکور مطبوع در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۲۰۷/۲.

گشت به تکمیل نفس خویش و توجه کرد به عالم قدس، پس گشود حق تعالی بر او خزائن رحمت خود را... و آن جناب شدید البحث، قوی الجنان، سلیس الکلام بوده نقل است که چون به اصفهان رفت و مرجعیت پیدا کرد و در امامت و جماعت و متصدی حکومت شرعیه گشت و مردم را در منبر موعظه می فرمود، فرموده وقتی شروع کردم در علم اخلاق و تکمیل نفس دیدم من خودم ناقصم و شایسته نیست که ناقص تکمیل ناقص دیگر کند (خفته را خفته کی کند بیدار) پس دست از جمیع ریاست و مناصب خود برداشتم و از اصفهان بیرون شدم برای تکمیل نفس خویش، و بالجمله این بزرگوار جلالتش زیاده از آن است که ذکر شود»^(۱).

البته در مورد سیر و سلوک آن مرحوم باید به دو نکته مهم توجه کرد:

اولاً: ایشان دست مریدی به مرادی نداد و در این راه کسی را به عنوان مرشد و پیر اختیار نکرد، و قطع این مرحله بی همراهی خضر نموده است.

ثانیاً: در عبادت و ذکر از حدود ظواهر شریعت که نماز و روزه و ذکر خدا و قرائت قرآن و مانند آن باشد بیرون نرفت.

و این دو نکته مهم است چون غالباً کسانی که پای در این وادی می گذارند یکی یا هر دو را فراموش می کنند.

در این مدت که حال او چنین بوده از سه امر نیز غافل نبوده و بدان اشتغال می ورزیده است.

- ۱- تألیف را رها نکرده و بدان مشغول بوده است بگونه ای که تفسیر گرانقدرش در همین مرحله از عمرش نوشته است.
- ۲- تدریس را نیز از یاد نبرده و برای فرزند و برادر و برادرزاده اش و شاید عده ای دیگر نیز به طور خصوصی تدریس می کرده است.
- ۳- سفر به عتبات عالیات و زیارت ائمه هدی علیهم السلام، وی سفرهای متعددی به

(۱) فوائد الرضویه ۵۲۹/۲.

عراق به جهت زیارت رفته است، و همچنین در سال ۱۲۹۹ ق. نیز به همراه برادر مهترش مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی رحمته الله جهت انجام فریضه حج به مکه مکرمه و زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا سلام الله علیها وائمه مدفون در قبرستان بقیع علیهم السلام مشرف شده است.

بازگشت به نجف اشرف

در اواخر سال ۱۳۰۰ که پدرش با عجله تمام عازم عتبات می شود او نیز با فرزندش در خدمت پدر است، و بعد از فوت پدر در هشتم صفر ۱۳۰۱ در نجف اشرف باقی می ماند و مشغول عبادت و زیارت و تألیف و تدریس می شود. از او نقل شده است که فرمود: «یاد ندارم در عمرم نافرمانی خدا را کرده باشم اگر چه به اندازه یک چشم بر هم زدن باشد».

سه مکاشفه

برادرش حاج آقا نور الله این دو مکاشفه را در رساله اش از ایشان نقل می کند:
 «۱- در شبهای چندی نوری در نظرم ظاهر می شد که تاریکیها را روشن می ساخت و در آن روشنائی آن چه را که از چشم مردمان پنهان و ناپیدا است را می دیدم و در آن نور در شب تاریک کتاب مطالعه می کردم بدون آن که احتیاجی به نوری دیگر و چراغ داشته باشم.

۲- در همان دوران اشتغال به ریاضات و مجاهدات نفسانی گاه می شد که گرسنه شده و زیاد میل به غذا پیدا می کردم و در این هنگام از عالم غیب انواع خوردنیها و آشامیدنیها برایم آماده می شد، بقدر حاجت از آن غذاها و نوشیدنیها

مصرف می‌کردم تا جائی که رفع گرسنگی و تشنگی از من تا چندین روز می‌شد»^(۱).
 ۳- و همچنین فرزندش در رساله امجدیه می‌نویسد: «از بزرگی که حقیر اقرب مردم می‌باشم به او بحسب نسب، مکرر شنیدم که می‌فرمود: روزی از روزهای ماه رمضان در حرم شریف نجف مشغول خواندن زیارت معروفه به زیارت امین الله بودم به این عبارت رسیدم: **وموائد المستطعمین مُعدّة و مناهل الظماء لَدیک مُترعة**، و در معنی آن فکر می‌کردم، ناگاه دیدم مائده که بر آن انواع غذاها و شربت‌ها که تا حال تصور آن را نکرده بودم موجود و مشغول خوردن می‌باشم، و در آن حال فکر مسأله فقهیه را می‌کردم که خیلی عجیب است، حقیقت غذا این است و مفطر روزه نیست»^(۲).

بیانی دیگر در همین مورد

مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد احمد آبادی طیب زاده در کتاب «تاریخ نجران یا آفتاب درخشان در مباحله نصارای نجران» می‌نویسد: «این بنده شنیدم از مرحوم آیه الله فشارکی استاد اعظم خود طاب ثراه که فرمود: در زمان ریاست مرحوم آیه الله حاج میرزا حبیب الله رشتی طاب ثراه طلبه‌ای از اهل رشت در کمال ضیق معیشت و تنگدستی بود بطوری بر او سخت شده که دو روز قوتی برای او میسر نشده بود، و از شدت عفت و آبرومندی که داشته اظهار حال خود بکسی نکرده بود، و خجالت هم می‌کشید قرضی از رفقاییش نماید، بحرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف و ملتجی شده بود و عرض حال نموده بود و شکمش را به ضریح مطهر مالیده بود فی الفور الم جوع و گرسنگی از او برطرف و مانند غذا

(۱) رساله مذکوره، مطبوع در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۲/۲۱۰.

(۲) رساله امجدیه / ۵۲ طبع سوم.

خورده سیر خود را دیده تا ده روز ابداً گرسنگی احساس نکرده و هیچ نخورده و اکل و شرب که از سته ضروریه^(۱) زندگانی بشر است و از هفتاد و دو ساعت که گذشت و به بدن نرسید بحکم عادت هلاکت روی دهد، از فقدانش هیچ احساس مضرتی نکرده، فضلاً از هلاکت، پس از ده روز بعضی از رفقا آن طلبه از قضیه او استکشاف نموده و به مرحوم آیه الله رشتی خبر داده، آن مرحوم با جمعی از اهل علم به منزل آن طلبه آمدند و او را افطار دادند از جمله اشخاصی که در آن مجلس آمده بودند مرحوم مغفور علامه عابد زاهد متقی مرتاض صاحب کشف و کرامات و مجاهدات و ریاضات حقه به اتفاق العوام و الخواص الذی هو للشیعة زین و اغلی من الکبریت الاحمر و الابيض من اللجین آیه الله و ابن آیات الله مولانا حاجی شیخ محمد حسین الاصفهانی، اخ آیه الله الاعظم استادی آقا شیخ محمد تقی النجفی الاصفهانی المعروف به «آقا نجفی» امام مسجد شاه اصفهان طاب الله مضاجعهم، مرحوم آیه الله فشارکی فرمودند: مرحوم حاج شیخ محمد حسین در آن مجلس فرمودند: من کسی را سراغ دارم که چهل روز از ماکول و مشروب روزه دار بود، مرحوم فشارکی فرمودند: من چنین فهمیدم از کلام آن بزرگوار که آن کس خود مرحوم حاج شیخ محمد حسین طاب ثراه بوده.

و ایضاً مرحوم فشارکی رحمته الله فرمودند: از کرامات محققه مرحوم حاج شیخ محمد حسین مزبور که در اثر ریاضات شرعیه دارا شده بودند سه چیز بود.
اول: آن که طیّ الأرض دارا بود آن مرحوم، که کراراً در یک شب در اماکن مقدسه بعیده برای زیارت ایشان را دیده بودند.
دوم: آن که شب و روز برای ایشان یکسان بود و شب محتاج به چراغ نبود و در تاریکی مطالعه می نمود.

سوم: را هم این بنده نگارنده بواسطه طول زمان از نظرم محو شده همین

(۱) ضروریات ششگانه.

بزرگوار بوده که در حرم مطهر زیارت امین الله می خوانده تا به اینجا میرسد :
 « و موائد المستطعمین معدة » از موائد عالم غیب به ایشان عطا می شود چنانچه
 برادرزاده آن مرحوم حجة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی مسجد شاهی دام ظلّه در
 یکی از مؤلفات خودشان مفصل مرقوم فرموده .

این بنده گویم : نوکر مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد باقر طاب ثراه والد
 معظم این بزرگوار « عبدالله » نامی بود برای من نقل کرد که من ملازم منزل مرحوم
 حاج شیخ محمد حسین بودم به امر مرحوم والد ایشان و هر شب شام ایشان را از
 اندران سرای مرحوم شیخ به توسط بنده می فرستادند وقتی می آوردم می فرمود
 بگذار طاقچه اطاق و برو بخواب من در اطاق خود می رفتم ملتفت می شدم آن
 بزرگوار پس از زمانی بر می خواست از خانه بیرون می رفت و بر می گشت شبی در
 خفاء همراه ایشان رفتم دیدم در خانه ای را کوبیدند کسی آمد و شام خود را به او
 دادند و ظرفش را گرفتند و مراجعت فرمودند دانستم همه شب همین کار را
 می نمودند - ای وای - صد وای - بازگو از نجد از یاران نجد - تا در و دیوار را آری
 بوجد - آه آه آه - این الماضون - این الصالحون - این المجاهدون - این المرتاضون -
 این العابدون - این المنفقون - این المتصدقون - این الخائفون - این الذین یؤثرون علی
 انفسهم ولو کان بهم خصاصة - والله هم الموقنون - والله هم المفلحون - والله هم
 المخلصون والناجون والهفء علیهم (احب الصالحین ولست منهم) اللهم وفقنا
 لطریقتهنم المثلی - واحشرنا لحبنا ایاهم معهم ، ففي اخبارنا لو أن رجلاً أحب حجباً
 لحشره الله معه و اغفر لنا ولآبائنا و لامهاتنا و لاهل دیننا و لاولادنا و لولدی (جعفر)
 بحق محمد و آله الطاهیرین - ویرحم الله عبداً قال آمینا»^(۱) .

(۱) تاریخ نجران یا آفتاب درخشان در مباحله نصاری نجران / (۱۰۰ - ۱۰۳) .

شاگردان

در نجف اشرف در مدت تحصیل اولیه و در بازگشت به اصفهان در ابتدای امر تدریس می‌نموده و جماعت کثیری در درس او حاضر می‌شدند و همچنین در مراجعت به نجف اشرف نیز تدریس می‌کرده که فقط اسامی معدودی از آنها ضبط شده است:

۱- برادرش آیه الله حاج آقا نور الله نجفی .

در این مورد می‌نویسد: «من در خدمتش در نجف اشرف در ابتدای تشریف در آن ارض مقدس مقداری از کتاب فصول تالیف عموی علامه‌ام در اصول و کمی از علم هیئت و مقداری از علم معقول را تلمذ کردم»^(۱).

۲- فرزندش آیه الله علامه ابوالمجد شیخ محمد رضا نجفی .

نیز در نزد پدر فصول عموی و تفسیر قرآن را فرا گرفته است .

۳- برادر زاده اش آیه الله حاج شیخ جلال الدین فرزند آیه الله آقا نجفی .

مرحوم الفت در شرح حال این برادرش می‌نویسد: «... خلاصه به نظر من اهم اتفاقات زندگانی او این است که در زمان مجاورت نجف یک علاقه، ارادت و دوستی فوق العاده به عموی خود حاج شیخ محمد حسین پیدا کرد، چند سالی به دستور مشار الیه متحمل ریاضات شاقه و مشغول تحصیل معلومات عرفانی گردیده بود...»^(۲).

۴- أخو الزوجه اش آیه الله حاج سید محمد جواد صدر عاملی فرزند آیه الله

آقا سید محمد علی صدر عاملی معروف به آقا مجتهد .

(۱) رساله مذکوره مطبوع در تاریخ علمی واجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۲/۲۱۲.

(۲) نسبنامه الفت / نسخه خطی .

۵- علامه محقق و اصولی نامدار آیه الله حاج شیخ محمد حسین نائینی .
در اصفهان به درس ایشان حاضر می شده است .

تالیفات

از این قلم خواندید که معظم له در حال عزلت و خلوت عبادت نیز تألیف را فراموش نکرده و بدان اشتغال داشته است برخی از مؤلفات ایشان از این قرار است :

۱- مجد البیان فی تفسیر القرآن .

این تفسیر در ایام عبادت ایشان در نجف اشرف به رشته تحریر در آمده است و با این که از مقدمات و تفسیر سوره حمد و ۲۲ آیه از سوره بقره تجاوز نمی کند ولی مجلد کبیری شده و در نوع خود بی نظیر است .
برخی را عقیده بر این است که خدا نمی خواست تمامی رموز و اشارات قرآن ظاهر و هویدا گردد و لذا به مؤلف آن عمر نداد تا این تفسیر را به انجام برساند .
حاج شیخ عباس قمی در مورد این تفسیر می نویسد : « ... از مصنفات اوست یک مجلد در تفسیر که اگر تمام می گشت جامع بسیاری از علوم قرآن می گشت »^(۱) .
تفسیر ایشان نامی بر خود نداشت و چون معظم له در نام و شهرت با برخی از اعلام دیگر اشتباه می شدند مرحوم آیه الله والد آقای حاج شیخ مهدی غیاث الدین مجد الاسلام نجفی طاب ثراه این نام را بر تفسیر گذاشتند .
و تا کنون سه بار به طبع رسیده در سال ۱۳۱۳ و ۱۳۱۷ در تهران طبع حجری شده است ، و یکصد سال بعد از فوت مؤلف در سال ۱۴۰۸ در تهران با تحقیق و تجلید قابل تحسین طبع حروفی شده است .

(۱) فوائد الرضویه ۵۲۹/۲ .

هذا الكتاب هو كتاب
 شرح القرآن الكريم
 من تأليف
 العلامة
 العظمى

الهدى الذي انزل على عبده الكتاب ذرا لا تطأ مسابيه وسراجا لا يئى أوقده ومجا لا يدرك فقره ومنها جلاله
 ونصه وشعاعه لا يظلم وجهه منوره وفرحانا لا يجرد زمانه ونبيانا لا انهدم اركاننا وشعاعه لا يخشى السقامه ومجا لا يئى
 انصاره وصحا لا تقذل احواله فكانت هذه الامايز وموجبه ونباح العلم ومجربه ورياض العدل ومداراة الثاني
 الاسقام ونباحه وادوية التي وحصلته بسطها به ومجا لا يئى الفخر في موعودنا لانفسها العاقره وسمايل لا ينطقها
 الوارد ومنه وشا زل لا يظلم لغيرها المساروسر والعلام لا يئى عنها الس كروية والحام لا يئى لغيرها الحامد ومنه
 جهده الله ربنا لعظمى العلماء وربنا لعروب الفقهاء وفتاح الطرق الصالحين ودوا وليس بعده داء ونور ليس
 معه ظلمة وجلا ونباحه ورتبه وصحفي صيفا ذروره ومنه الحرف لاله والسماع دخله ومهدى لمن انتم به وهذا
 لمن انتم به ومنه الحرف كلهم به ورتبه هذا لمنه خاص به وفيها لمنه عام به واما لمنه علمه وحصلته لمنه علمه وايته
 لمنه قوسه ومنه لمنه الحكم السام وعلما لمنه روى وقد بنا لمنه روى وعلما لمنه رضى ثم صدك اللهم يا من جعلنا
 فكنا به من غير ان يكونوا راده با اربهم من قدرته لا تؤفونهم من سلطه وكيف هي من الملمات واحصه من
 احصه بالفتيات الذي بعث هذا على الله عليه ربه ثم انزل عليه العلم العاقر ربه اذ جعله وليقروا
 به اذ جوده وليشوره بعد انكروه فليست بهيها وهو النامح الدلاي لا يئى والباري الذي لا يئى والحمد لله
 الذي لا يئى ما جالس احد الانام من غير ان يراه او يتفاسر في ربه من يهدى وتفاسر من يئى ليس على احد
 بعد التراسر من فاته والا حد عليه من يئى وهو الخشعي ومنه شفا من البر الذاب وهو الكفر والفتا والفتا
 وما يؤبه اليه والى الله يشه شخصه من كل صديق امر زجر وصاحته ناطق لله الله على خلقه احد
 عليهم يشانه وارثين عليه انهم يوم والكرم به ربه من رضى فبشيعه وقامك صدق من ليعلم القراسر
 يوم القيمة ليعلم فيه ومن يئى به القراسر يوم القيمة صدق عليهم قد اوفينا بانسرتفتي به اذ اثننا وسنعتي
 على لا واثنا وسنعتي به على رنا وسنعتي على انفسه ونعم علمه اراثنا وسنعتي منه امر اثننا والسق واللام
 على حبه وركوله الذي ارسله نالدين المشهور والهدى الما نور والكتاب الميسر والقرآن طبع والصفه
 اللامع والامر الصا وقبح هدمه والله سميع لسره والامر به ودينه علمه وروى علمه وكفوت كتبه وجمال
 دينه امر من الدين وعمار القين اربته الحق واعلام الدين والنسبه الصدق فيهم كرام القراسر ومنه كرام
 الرضى منهم من طاب الله عليه من حقها مستحقا مدنى العلم ونور الهدى فيهم عليهم من علمهم وصحتهم من حكمهم علم
 سلكهم الذي لم يزل الحق ولا يئى من يئى بهم دعا من الامام ولا يئى الامام ولا يئى الامام اما بعد ان كتبنا على
 من يئى الكفايه من يئى على من يئى الامام والى ابيها المرزوقه منها والى ابيها

له امره ايته وبالعلمه بحق لافضى عما يشه ولا يئى
 الكلمات الابيه و

وغيرهما بذلك وعليها براهين عديدة مستقاة بنواميد مذكورة بعضها في حالها هذا والبناء صدر مني به لبعض بيانا
 كما في بطن ولبني ارضية كالقبة اوجها من المصنوع او طولها من المصنوع وابتداء القرب على ما ذكره ابن جرير
 طراف واجنية فالطراف من ادم والبناء من صوف اوارم ومنه يعني على امراته لانها اصل فيه على ما ذكره ابن
 اسر الداني بامله كما في ضرب عليها قبة ليله وقوله بها ضيق لك داخل بامله بانها فالسواد في بناء على الاصل
 كالقبة المعزوبة والهيئة المطنبة على قرار الارض التي هي الزاوية في احاطتها بالارض مع عوارتها عنها
 وكونها معدة لما يتعلق بها من الاطوار والابعار وكونها حافظة للاحياء وروبو السحاب المنفيات عنها
 على ما هو الظاهر من ابطال بقاء الارض بها على ما هو عليها بها واثنائها على الشمس التي هي السراج
 والقمر الذي هو النور كما سعت في النجوم والشمس والارض والسموات والارض والسموات العارضة لها
 التي تصق الى الان من بتوسط السواد وما منها من المواضع المترتبة عليها وعلى الغمرات العارضة لها
 في المرات والانتقالات وتنشق الاضواء في عالم ثم المرار

۲- رساله‌ای در اصل برائت .

که صورت نسخه‌ای از آن در نزد حقییر موجود است و به تنهایی می‌تواند در مجلدی قریب به پانصد صفحه عرضه شود .

۳- رساله‌ای در اثبات اعجاز قرآن .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان^(۱) این رساله را معرفی می‌کند .

۴- شرح شرایع الاسلام .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان^(۲) این کتاب را معرفی می‌کند .

۵- رسائلی در فقه و اصول .

علامه طهرانی در نقباء البشر^(۳) از آنها نام می‌برد .

۶- رساله‌ای در اصول عقاید .

علامه مهدوی از آن در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر^(۴)

نام می‌برد .

(۱) تاریخ اصفهان ۹۶/۳ .

(۲) تاریخ اصفهان ۱۰۹/۱ .

(۳) نقباء البشر ۵۳۹/۲ .

(۴) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۹۵/۳ .

بسم الله الرحمن الرحيم

المطلب الثاني في دوران حكم الفعل بين الوجوب وغيره من الأحكام وفيه مسائل
 الأولى فيما أشبهه حكم الشرع والحكم في حق هذا الشرع المعتبر كما إذا ورد غير ضعيف أو أفتى جماعة
 بوجوب فعل بغيره استناداً إلى النص عدم الدليل لا التمسك بوجوب من أجل نص أو تعارض
 في النص والعرف لا جارية من مواضع المجتهدين في الحكم بالبرائة وعدم وجوبه لا يتأثر
 من الحديث الجاهل بالصحيح معنى الخلاف في عدم الوجوب عند ذلك إلا إذا علمنا استناده
 الزمعة بعبادة معينة وحصل التمسك العربي كالفصل والتمام والظاهر والجمعة وقال الحد
 الجواز في كتابه السعي والهدى الخفية بتقسيم البرائة الأصلية على قسمين أحدهما أنها عبارة
 عن نفي الوجوب في فعل وجودي وإن ثبت دليل على الأصل عدم الوجوب حتى يقوم عليه دليل
 وهذا القسم ما لا خلاف في صحة الاستدلال به والعمل عليه إذ لم يذهب أحد إلى أن الأصل الوجوب
 حتى ثبت عدم الاستسلام ذلك تكليف لا إبطاف ثم ذكر القسم الثاني في البرائة التوجيمية وتحريرها
 النزاع فيها وقال في موضع آخر إن كان حكم المطلق دليله هو الوجوب فلا استحسان خلافه
 كما لا يخفى أنه حتى يظهر دليله لا استسلام التكليف بدون الدليل الحجج وتكليفه لا إبطاف
 إلا أن قال وإن كان هو التحريم المسلم نفيه للإباحة الذي هو محل الخلاف بين الأصحاب والبرائة
 العظمى في هذا الباب إلى ما ذكره وعننا بغيره في عدسات كتابه باقرب الكلام الأول وهذه

بسم الله الرحمن الرحيم
 تصحح هذا ما علمت من
 محرف نظرت في ذلك
 عظم من شؤنا

العبارة

همسر و فرزندان

متعلقه ایشان علویه رباب بیگم دختر علامه آقا سید محمد علی معروف به آقا مجتهد (خاله زاده ایشان) است. و چون متعلقه آقا مجتهد نیز دختر سید حجة الاسلام شفتی است بنابراین همسر حاج شیخ محمد حسین نواده دختری سید حجة الاسلام است.

و از این همسر صاحب سه فرزند شد:

۱- علامه کبیر آیه الله العظمی آقای ابوالمجد شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی، که شرح حال ایشان مفصلاً خواهد آمد.

۲- زوجه مرحوم آقا سید نورالدین فرزند سید ابو جعفر خادم الشریعه. این شوهر و همسرش به ترتیب در حدود سال ۱۳۱۹ ق در نجف اشرف و زوجه اش در حدود سال ۱۳۲۲ ق بدون اولاد وفات یافته است.

۳- مخدیره آغا بی بی: که ابتداء بزوجیت سید صدرالدین فرزند آقا سید ابوجعفر خادم الشریعه درآمد و از او صاحب دختری شد و پس از فوت شوهرش در ربیع الثانی ۱۳۲۲ ق در نجف اشرف بزوجیت سید صدرالدین عاملی فرزند حاج سید محمد جواد فرزند آقا مجتهد درآمد، و از او نیز صاحب فرزندی شد، و در سال ۱۳۸۸ ق در اصفهان وفات یافت.

فوت و محل دفن

وفات شیخ محمد حسین در اوائل ظهر روز یکشنبه اول ماه محرم الحرام سال ۱۳۰۸ در نجف اشرف واقع شد .
 حاج آقا نور الله به نقل از یکی از خدمتکارانش می نویسد که در آخرین لحظات زندگی این شعر را زمزمه می کرده است :
 آنکه دائم هوس سوختن ما می کرد کاش می آمد و از دور تماشا می کرد^(۱)
 پس از تشییع شایسته در حجره واقع در سمت مغرب صحن مطهر علوی متصل به باب معروف به سلطانی ، طرف راست کسی که وارد صحن می شود به خاک سپرده شد .

و در این حجره جماعتی از علماء مدفون هستند از آن جمله :

- ۱- سید صدر الدین عاملی کبیر ، جد مادری حاج شیخ محمد حسین .
 - ۲- سید محمد علی ابن سید صدر الدین کبیر ، معروف به آقا مجتهد ، پدر زن حاج شیخ محمد حسین .
 - ۳- آقا شیخ محمد علی نجفی اصفهانی ، برادر حاج شیخ محمد حسین .
 - ۴- حاج ملا فتحعلی سلطان آبادی متوفی ۱۳۱۸ ق .
 - ۵- حاج میرزا مسیح تهرانی متوفی ۱۲۶۳ ق .
 - ۶- شیخ عبد علی بن امید علی رشتی مجاز از بحر العلوم و کاشف الغطاء .
 - ۷- میرزا محمد اندرمانی طهرانی تلمیذ صاحب جواهر .
- حاج شیخ عباس قمی رحمته الله در ذکر اولاد موسی بن جعفر رضی الله عنهما در کتاب شریف « منتهی الآمال » بعد از ذکر سید صدر الدین عاملی کبیر می نویسد : « ... و در

(۱) رساله مذکوره مطبوع در تاریخ علمی واجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۲/۲۱۲ .

حجره‌ای که در زاویه غربیه صحن مطهر است متصل به باب سلطانی به خاک رفت و در آن حجره جماعتی مدفونند از اکابر علماء اعلام و فقهاء عالی‌مقام مانند: مرحوم خلد مقام عالم ربانی و زنده جاودانی جناب حاج ملا فتحعلی سلطان آبادی، و مرحوم مغفور حاج میرزا مسیح تهرانی قمی، که در همان سال وفات سید وفات کرد، و جناب شیخ اجل اکمل عالم زاهد جامع فنون عقلیه و نقلیه، حاوی فضائل علمیه و عملیه صاحب نفس قدسیه و سمات ملکوتیه و مقامات علیّه عالم ربانی و ابو ذر ثانی آقا شیخ محمد حسین اصفهانی، والد شیخنا الأجل طود الفضل والأدب وارث العلم عن أب فاب جناب آقا شیخ محمد رضا اصفهانی دام ظلّه...»^(۱).

یک رؤیا

حاج آقا نور الله بعد از ذکر وفات برادر می‌نویسد: «... و نقل کرد یکی از بزرگانی که بگفتارش مطمئن می‌باشم از قول یکی از بزرگان و کسانی که مورد اطمینان می‌باشند که گفت: در عالم رویا چنین دیدم که در سامراء می‌باشم و در آن جا خدمت حضرت رسول اکرم ﷺ شرفیاب شدم پس از کلماتی به آن حضرت عرض کردم:

ای رسول خدا شیخ مرتضی انصاری نجات یافت؟ فرمودند: آری به شفاعت ما نجات یافت.

گفتم: شیخ محمد باقر اصفهانی (یعنی پدر علامه‌ام) نجات یافت؟ فرمودند: آری به دوستی ما نجات یافت.

عرض کردم: شیخ محمد حسین اصفهانی نجات یافت؟ فرمودند: او بر خدا

(۱) منتهی الآمال ۲۵۶/۲ طبع تهران.

وارد شد و هر چه می خواست خداوند به او عطا فرمود»^(۱).

مراثی و ماده تاریخ وفات

۱- حاج آقا نور الله در رثاء استاد و برادرش دو قصیده مفصل به زبان عربی سروده است و برخی از این دو قصیده را در رساله اش در احوالات وی نقل می کند که طالب بدان رساله مراجعه فرماید.

۲- سید جعفر حلی (۱۲۷۷ - ۱۳۱۵ ق) شاعر بزرگ نیز در دیوانش که به نام سحر بابل و سجع البلابل در سال ۱۳۳۱ ق. در صیدا به چاپ رسیده است، قصیده ای در مرثیه ایشان در ۴۷ بیت سروده که در صفحات ۴۱۷ الی ۴۱۹ آن کتاب به طبع رسیده است.

۳- حاج آقا نور الله در رساله اش نقل می کند که: «چون فوت آن بزرگوار در دهه عاشورا واقع شد یکی از شعراء تاریخ وفاتش را به این مصرع گفت:

«با حسین شهید شد محشور»^(۲)

۱۳۰۸

۴- وبالآخره خود حاج آقا نور الله می گوید: «من در تاریخ وفاتش گفتم:

«ثلّم الإسلام ثلّمه»^(۳)

۱۳۰۸

(۱) رساله مذکوره مطبوع در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۲/۲۱۳.

(۲ و ۳) همان منبع ۲/۲۱۴.

مصادر شرح حال

مهمترین شرح حال معظم له به قلم برادر و شاگردش آیه الله حاج آقا نور الله نجفی اصفهانی به زبان عربی به نگارش درآمده و دوبار در سالهای ۱۳۱۷ ق و ۱۴۰۸ ق به همراه تفسیر ایشان به طبع رسیده است. و از این رساله دو ترجمه به زبان فارسی شده است:

۱- ترجمه اول به قلم حقیر در سال ۱۴۰۶ ق در قم مقدسه به انجام رسید و این ترجمه را مرحوم مهدوی رحمته الله در آخر شرح حال حاج آقا نور الله در کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۱۹۹/۲ الی ۲۱۷ به نام صاحب این قلم منتشر نمود. و تاریخ چاپ آن سال ۱۳۶۷ هجری شمسی است.

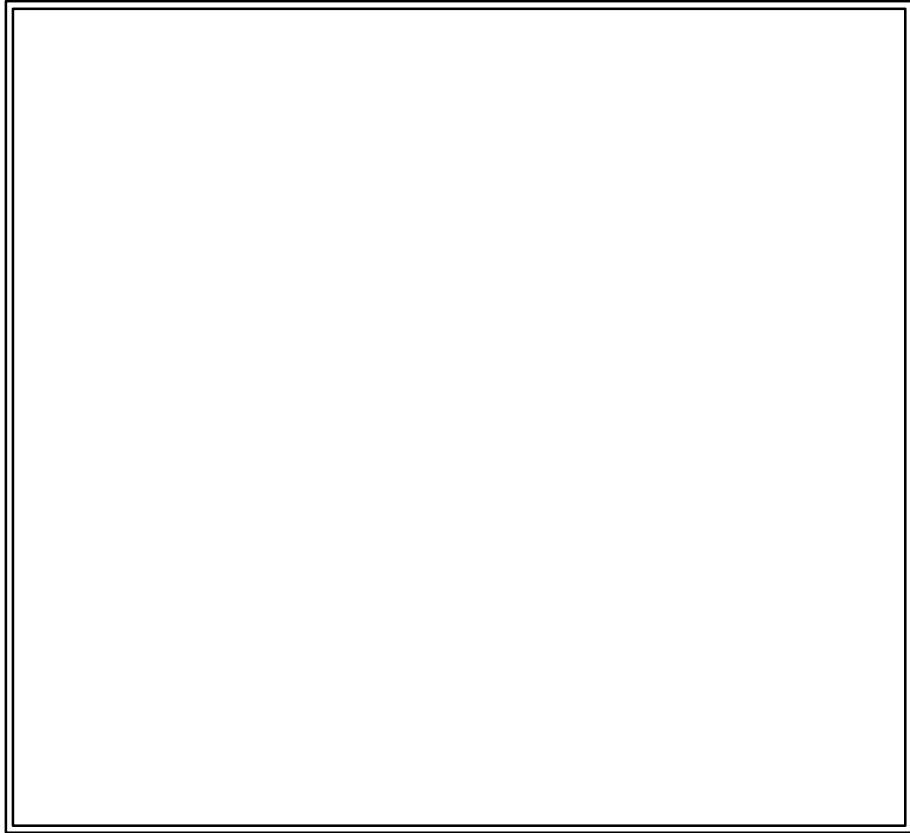
۲- ترجمه دوم از این رساله بقلم آقای سید ابو الحسن مهدوی دامت برکاته به صورت ترجمه آزاد انجام گرفت و در سال ۱۳۷۲ هجری شمسی به نام « وارسته پیوسته » در یک مجلد انتشار یافت.

بغیر از این رساله و دو ترجمه اش، شرح حال معظم له را می توانید در بیشتر کتابهای تاریخ و شرح حال بیابید از آن جمله:

- تاریخ علمی واجتماعی اصفهان در دو قرن
 اخیر ۱۹۹/۲ و ۸۸/۳
 نقباء البشر ۵۳۹/۲
 الذریعة ۱۱۴/۲ و ۲۷۱/۴
 اعیان الشیعة ۲۵/۴۴
 تاریخ اصفهان، جابری انصاری ۱۰۹/۱ و ۹۶/۳
 المآثر والآثار / ۱۶۱
 فوائد الرضویة ۵۲۹/۲
 منتهی الآمال ۲۵۶/۲
 نسبنامه الفت / نسخة خطی
 أعلاط در انساب / ۱۲
 معارف الرجال ۲۵۴/۲
 مکارم الآثار ۱۸۰۷/۵
 دانشمندان و بزرگان اصفهان / ۳۳۰
 رجال اصفهان دکتر کتابی ۱۴۲/۱
 دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی تألیف بهاء الدین
 خرمشاهی ۷۴۹/۱
 ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمی
 اصفهان در طول تاریخ ۵۰۶/۱

« ٤ »

آية الله العظمى علامه
آقاي ابوالمجد شيخ محمد رضا نجفي اصفهاني
(١٢٨٧ - ١٣٦٢ ق)



نام - پدر - مادر - ولادت

نام: آقا شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی .

کنیه: ابوالمجد .

پدر: آیه الله آقای حاج شیخ محمد حسین نجفی .

مادر: علویه رباب بیگم دختر علامه سید محمد علی آقا مجتهد فرزند سید

صدرالدین عاملی کبیر .

ولادت ایشان در ۲۰ شعبان المعظم ۱۲۸۷ در نجف اشرف واقع شد .

تحصیلات و اساتید

در نجف اشرف تحصیل را آغاز کرد و نزد اساتید هر فنی تلمذ نمود در سال ۱۲۹۶ در نه سالگی به همراه پدرش به اصفهان هجرت کرد و تحصیل را در اصفهان ادامه داد و در سال ۱۳۰۱ در چهارده سالگی به همراه پدر و جدش مجدداً به نجف اشرف مهاجرت نمود و تا سال ۱۳۳۳ در نجف اشرف به جدیت مشغول تحصیل و تألیف و تدریس بود .

اساتیدش عبارتند از:

۱- علامه سید ابراهیم قزوینی ، نجات العباد و معالم و شرح اللمعه ونحو را در نزد او خواند ، و خود می نویسد : خواندن درس در نزد این استاد قبل از این بود که موی به صورت من بروید .

۲- پدرش مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی : قسمتی

از رسائل شیخ اعظم و فصول عمویش شیخ محمد حسین اصفهانی و تفسیر بیضاوی و تفسیر کشاف را در نزد پدر خواند .

۳- آیه الله حاج شیخ فتح الله شریعت اصفهانی ، در نزد ایشان باقیمانده رسائل شیخ اعظم و فصول را قرائت نمود و همچنین علم عروض و حدیث را از او بهره برد .

۴- آیه الله شیخ محمد کاظم آخوند خراسانی صاحب کفایة الاصول : در نزد ایشان بحث خارج را در فقه و اصول حاضر شد .

۵- آیه الله حاج سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی : در نزد ایشان نیز بحث خارج را حاضر شد .

۶- آیه الله سید محمد فشارکی اصفهانی : در نزد ایشان نیز بحث خارج را حاضر گردید و در کتابش وقایة الاذهان^(۱) شرح حالی از او را قرار داده است و از ایشان به سیدنا الاستاذ تعبیر می کند .

۷- علوم ریاضی را در نزد علامه میرزا حبیب الله عراقی مقلب بذی الفنون خواند .

۸- علم حدیث را نیز در نزد علامه حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل خواند .

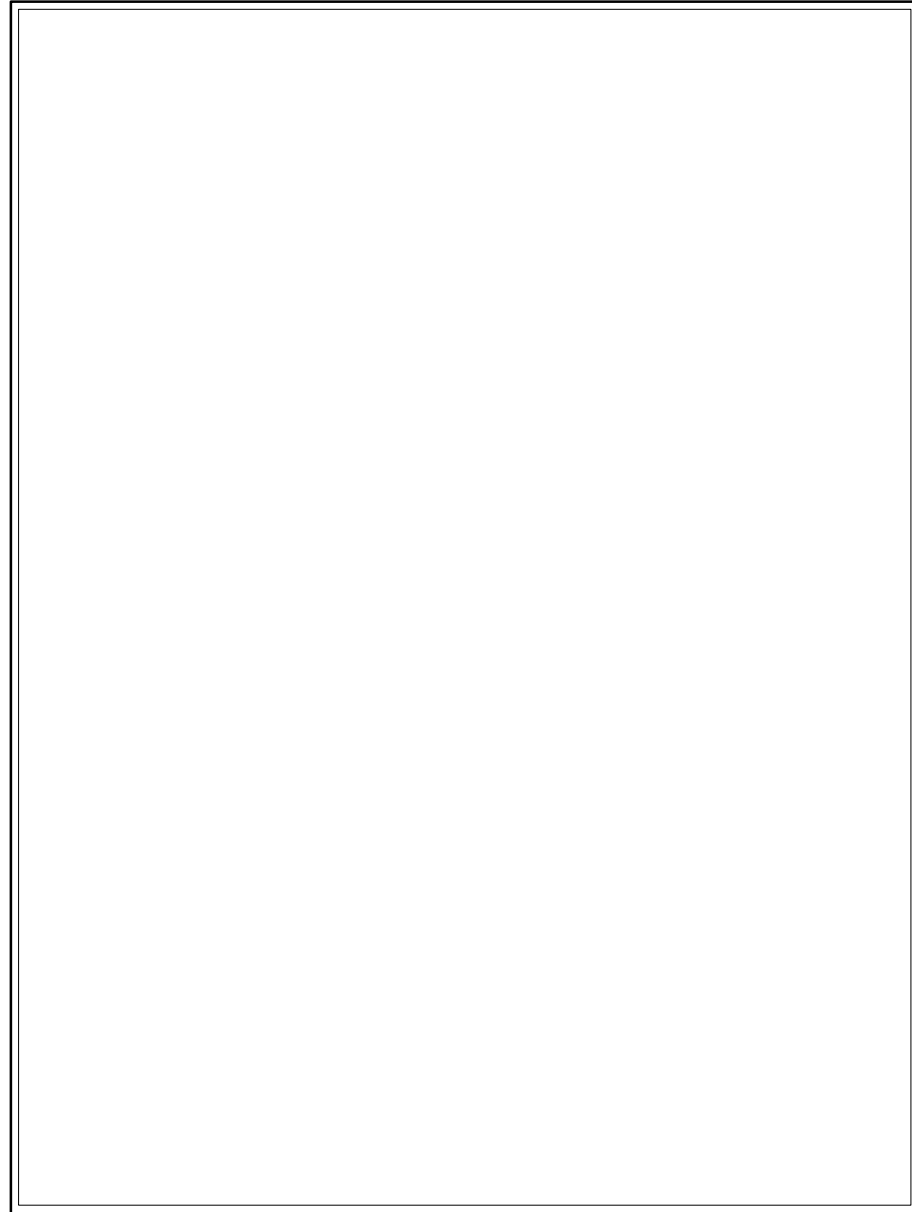
۹- علامه سید مرتضی کشمیری : علوم حدیث را از ایشان بهره برد .

۱۰- علامه فقیه حاج آقا رضا همدانی صاحب مصباح الفقیه : بحث خارج فقه را از ایشان بهره برد .

۱۱- آخوند ملا حسینقلی همدانی : در رساله امجدیه از ایشان به استاد تعبیر نموده است ، بنابر این اخلاق و سیر و سلوک را از ایشان فرا گرفته است .

۱۲- علامه سید جعفر الحلّی : در ادب و شعر از او بهره برده است .

(۱) وقایة الاذهان / ۱۴۳ .



آیه الله ابوالمجد شیخ محمد رضا نجفی در سن ۳۴ سالگی در کنار آیه الله حاج شیخ محمدحسین کاشف الغطاء (۱۳۷۳ - ۱۲۹۴) در سن ۲۷ سالگی و جماعتی دیگر در نجف اشرف دو بیت زیر در بر کاغذ نوشته شده و در عکس منصوب است که از آیه الله کاشف الغطاء است:

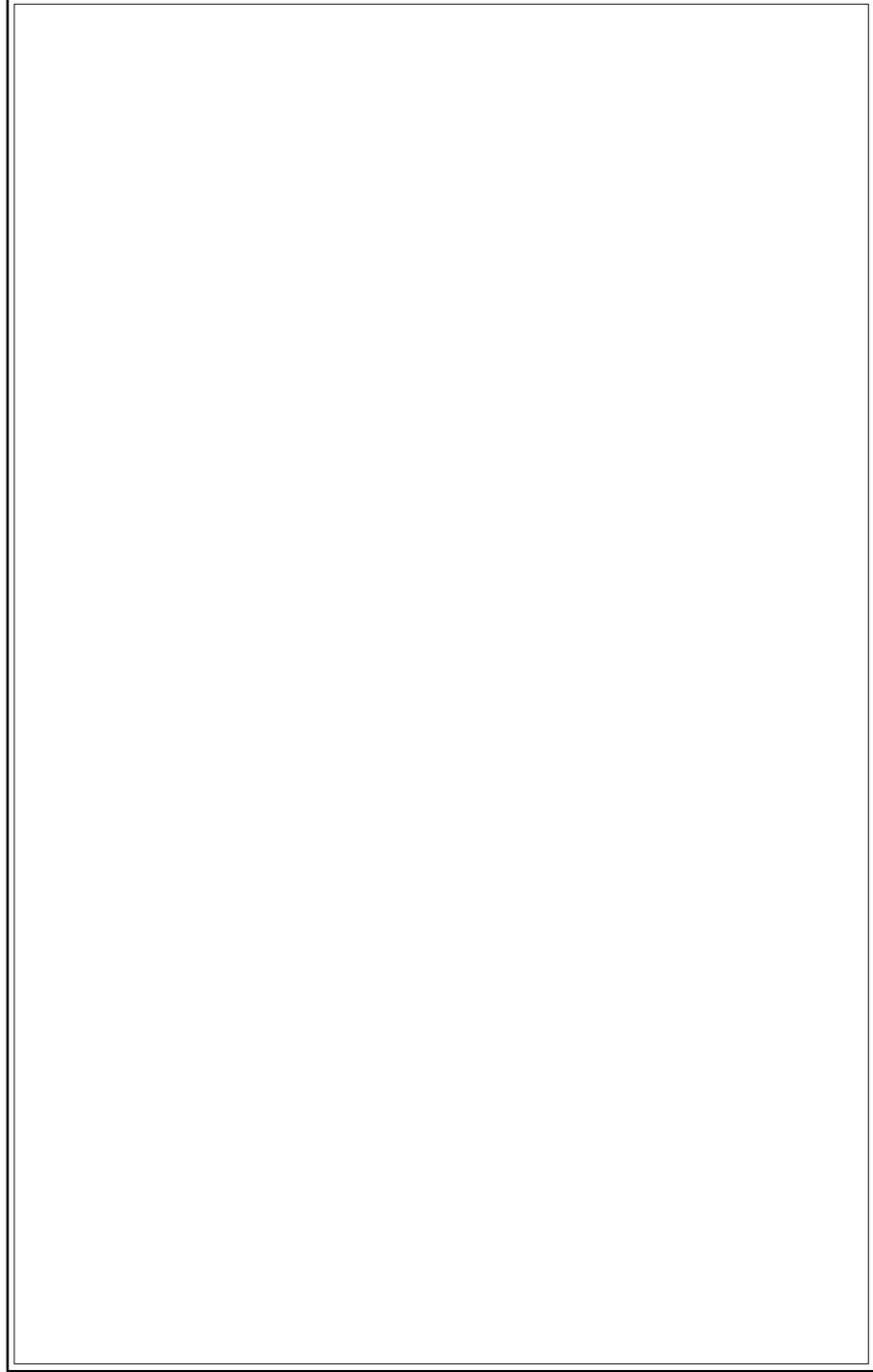
أنا والرضا عند الحقيقة واحدٌ وان أبرزتنا صورة العكس بائنين
ولم يك منا الحسن في العكس ظاهراً لأننا بحمد الله لسنا بضدين

سنة ۱۳۲۱

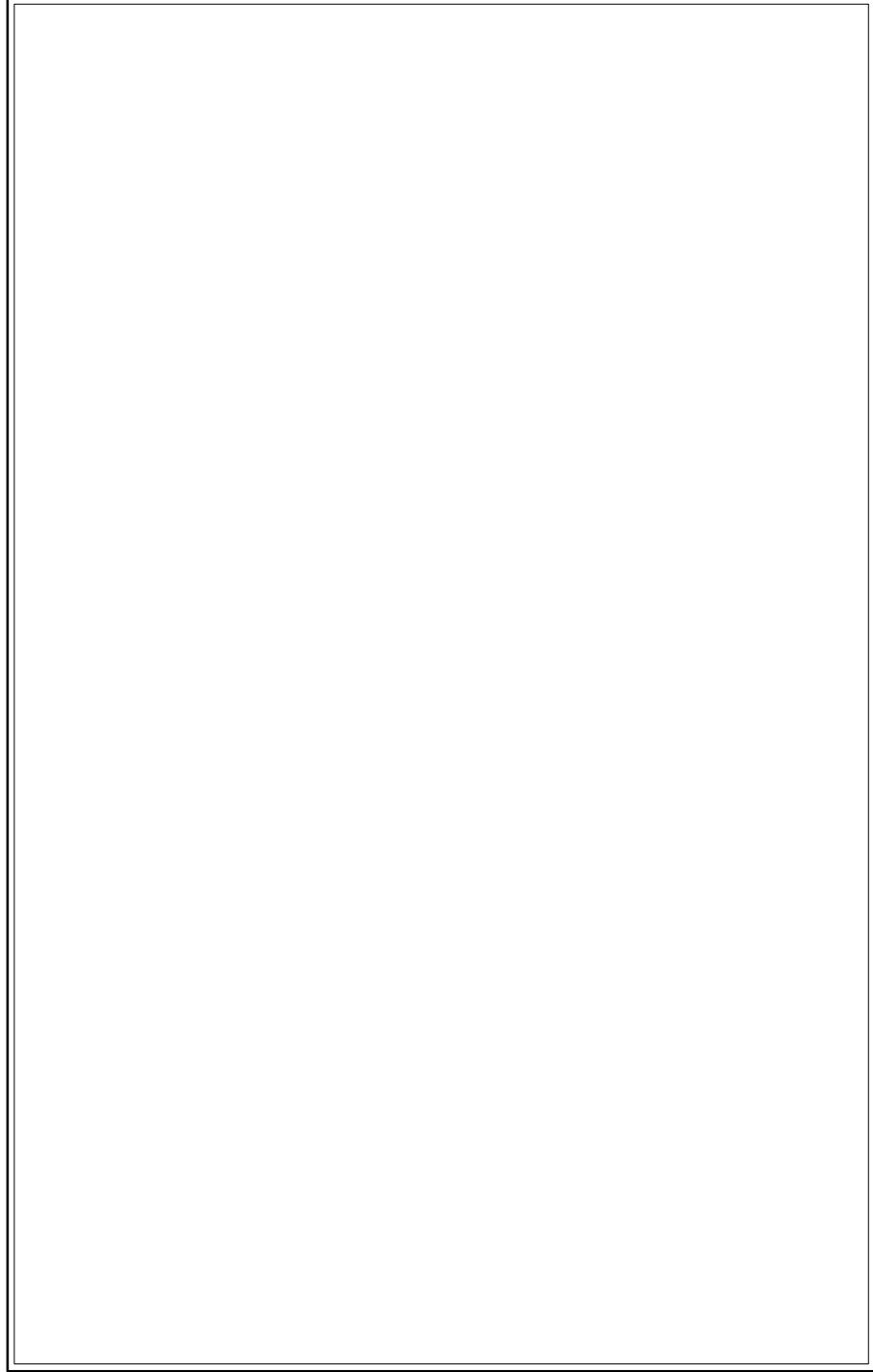
مشايخ اجازه

در نقل حديث و روايت مشايخ او عبارتند از :

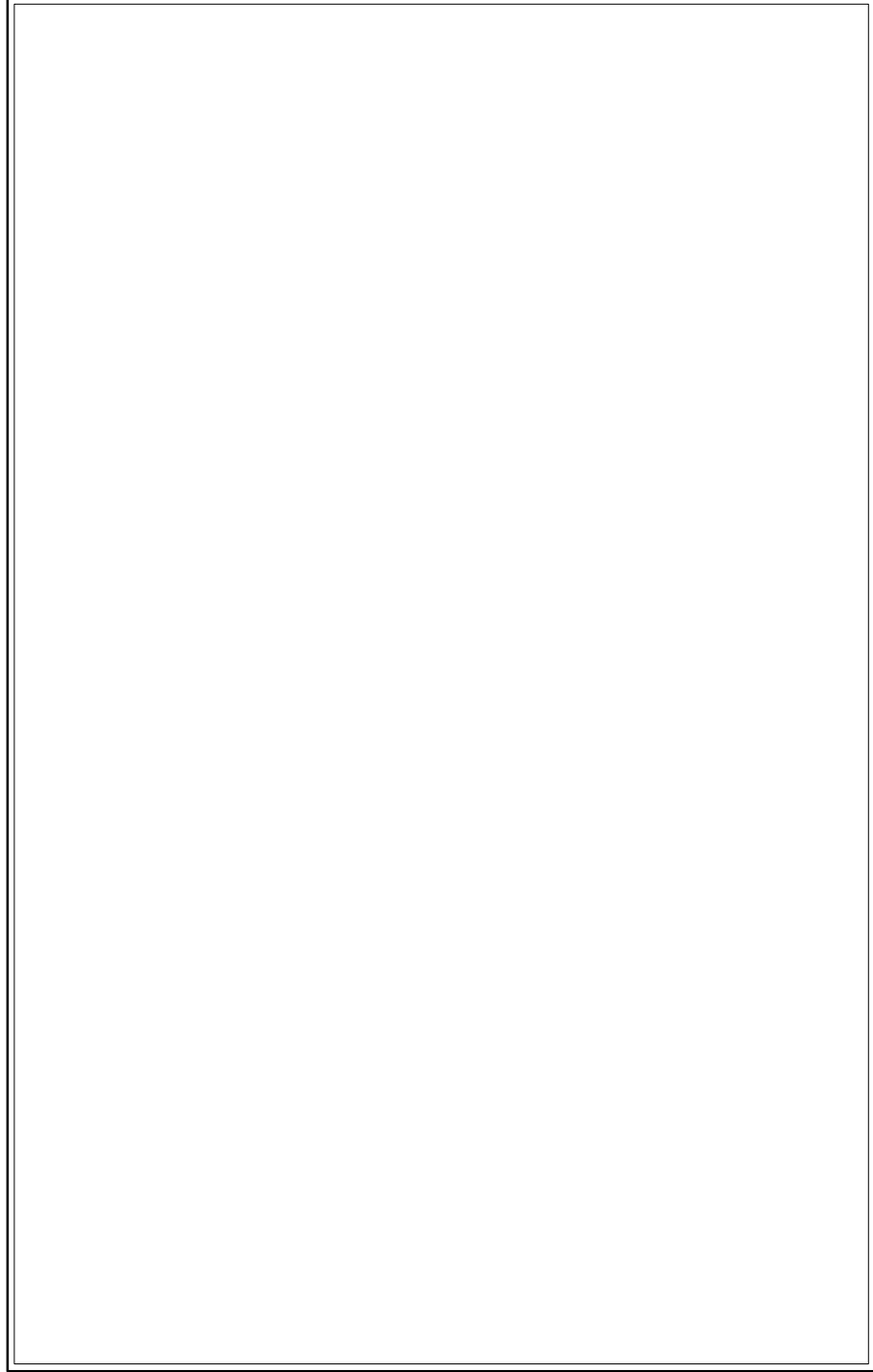
- ۱- ميرزا حسين نوري متوفى ۱۳۲۰ صاحب مستدرک الوسائل در حائر شريف حسينى عليه السلام به ايشان اجازه داده است .
- ۲- علامه سيد مرتضى كشميرى .
- ۳- شيخ فتح الله شريعت نمازى اصفهانى معروف به شيخ الشريعة .
- ۴- علامه سيد حسن صدر الكاظمى در ۱۴ ذى القعدة ۱۳۳۳ ق طى تقريظى بر كتاب « نجعة المرتاد في شرح نجاة العباد » به ايشان اجازه داده است ، اين اجازه و تقريظ در عيناً مى آيد .
- ۵- علامه سيد محمد بن مهدى حلى قزوينى .
- ۶- علامه سيد حسين بن مهدى حلى قزوينى .
- ۷- شيخ محمد باقر بهارى همدانى .



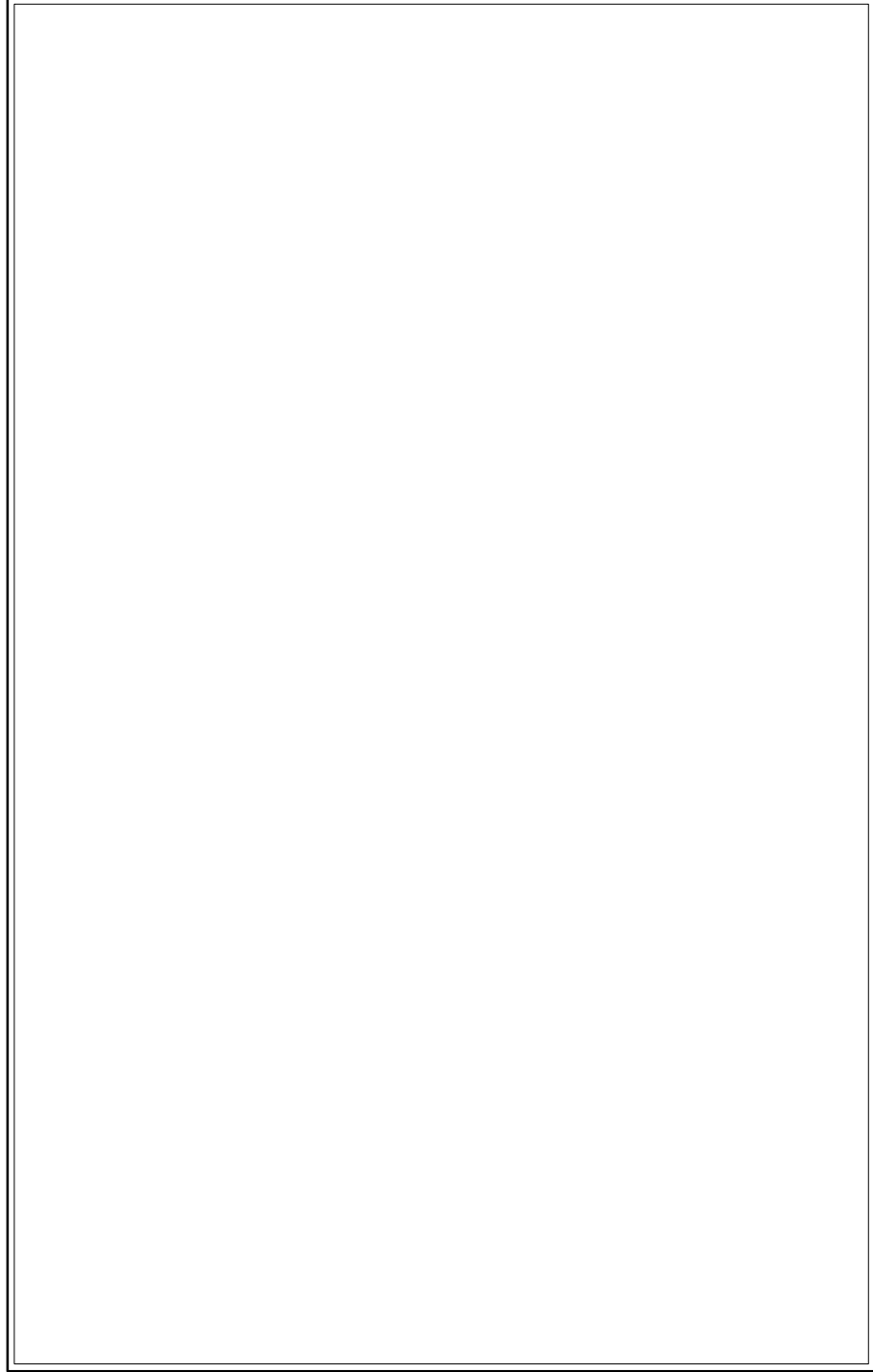
اجازہ آیۃ اللہ سید حسن صدر کاظمی بہ آیۃ اللہ شیخ محمد رضا نجفی



اجازہ آیۃ اللہ سید حسن صدر کاظمی بہ آیۃ اللہ شیخ محمد رضا نجفی



اجازہ آیۃ اللہ سید حسن صدر کاظمی بہ آیۃ اللہ شیخ محمد رضا نجفی



اجازہ آیۃ اللہ سید حسن صدر کاظمی بہ آیۃ اللہ شیخ محمد رضا نجفی

هجرت به کربلاء

در سالهای آخر حضور در عتبات عالیات عراق به شهر کربلای معلی هجرت فرمود و در کنار مرقد مطهر ابا عبدالله الحسین علیه السلام مجاور گردید، برخی مهاجرتش به کربلاء را در سال ۱۳۳۰ ق دانسته‌اند، بنابر این تا سال ۱۳۳۳ ق که به ایران مهاجرت فرمود بیش از سه سال در کربلاء معلی ساکن بوده‌اند.

برخی از مراسلات شعریه ایشان با دوستانشان از آن جمله با مرحوم آیه الله حاج شیخ مصطفی تبریزی متوفی ۱۳۳۷ ق، که از کربلاء انجام گرفته است در دیوان اشعارشان^(۱) ضبط گردیده است.

و در پشت جلد اول نسخه مطبوع نقد فلسفه داروین از مؤلفاتشان نیز که در سال ۱۳۳۱ در عراق به چاپ رسیده است بعد از نام مؤلف نوشته شده است: «القاطن في كربلاء المعلى».

و همچنین در شرح حالی که خود مرقوم فرموده‌اند آغاز مهاجرت از عراق به ایران و اصفهان را کربلاء ذکر می‌کنند که در معیت مرحوم آیه الله مؤسس آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی طاب ثراه بوده است می‌نویسند: «وكانت من أحسن الاسفار وأجمعها لصنوف السعادات ومن أهمها صحبة العلامة الوحيد الحاج شيخ عبدالکریم الحائري اليزدي طاب ثراه و قد ركبنا سيارة واحدة من كربلاء الى سلطان آباد العراق فمكث عليه السلام فيها وسافرت عنها الى موطن آبائي اصفهان وقد وصلت إليها غرة محرم سنة ۱۳۳۴ ق ...»^(۲).

(۱) دیوان ابی المجد / ۵۵ و ۸۰ و ۹۲ و ۱۰۱.

(۲) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۴۳۲/۲.

تدریس و شاگردان

معظم له از اوائل امر به تدریس اشتغال ورزیدند در نجف اشرف ابتداء سطوح و کتبی مانند فصول را تدریس می کردند و بعد از آن شروع به تدریس خارج نمودند، این تدریس در نجف اشرف شروع و بعد از مهاجرت به اصفهان در اواخر سال ۱۳۳۳ که در آغاز محرم الحرام ۱۳۳۴ به اصفهان رسیدند در این شهر و بعد از مهاجرت به قم نیز که قریب یکسال بطول انجامید به دعوت و امر مرحوم آیه الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله، همه طلاب در درس ایشان حاضر می شدند و محل درس مدرسه فیضیه در شهر مقدس قم بوده است، و پس از بازگشت به اصفهان تا پایان عمر با برکتش این تدریس ادامه داشت.

اعلام و آیات عظام زیر برخی از کسانی هستند که در سنین متمادیه از محضر درس ایشان استفاده کرده اند و بعضاً نیز فقط از ایشان مجازند:

- ۱- آیه الله العظمی سید احمد حسینی زنجانی
- ۲- آیه الله العظمی سید احمد موسوی خوانساری .
- ۳- آیه الله حاج شیخ محمد باقر کمره ای .
- ۴- آیه الله آقای حاج شیخ حیدر علی محقق .
- ۵- آیه الله حاج میرزا خلیل کمره ای .
- ۶- آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی .
- ۷- آیه الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی .
- ۸- آیه الله العظمی حاج آقا رضا مدنی کاشانی .
- ۹- آیه الله العظمی آقای حاج سید روح الله موسوی خمینی .
- ۱۰- آیه الله العظمی آقای سید شهاب الدین نجفی مرعشی .
- ۱۱- آیه الله حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی .

- ۱۲- آیه الله حاج شیخ عزالدین نجفی فرزندشان .
- ۱۳- آیه الله حاج شیخ عبدالله مجتهدی تبریزی .
- ۱۴- آیه الله العظمی آقای حاج سید علی علامه فانی اصفهانی .
- ۱۵- آیه الله میرزا محمد علی مدرس تبریزی صاحب ریحانة الأدب .
- ۱۶- آیه الله سید علی نقی نقوی لکهنوی هندی .
- ۱۷- آیه الله حاج شیخ محمد علی اوردبادی غروی .
- ۱۸- آیه الله آقای حاج شیخ مجدالدین نجفی اصفهانی فرزندشان .
- ۱۹- آیه الله حاج سید مصطفی صفائی حسینی خوانساری .
- ۲۰- آیه الله حاج سید مصطفی مهدوی اصفهانی .
- ۲۱- علویه عالمه حاجیه خانم نصرت بیگم امین معروف به بانوی ایرانی
 طاب ثراهم .
- علامه سید مصلح الدین مهدوی رحمته الله در کتاب گرانقدر تاریخ علمی و
 اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر قریب یکصد نفر از تلامیذ ایشان را نام می برد که
 طالب می تواند بدان مراجعه نماید .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بسم الله الرحمن الرحيم

۱۴۰۳

سید الشهدا ابراهیم
رضی الله عنهما
و اولاد و اولاد و اولاد

اقرن فی الغیر و خیر فی القصد و حجت و یخبر اولاد و نسب و نسب و نسب

انچه تا بحال نکرده از حقیران سزاوارست در رضای آن کتب و کتب

مغزین آن است (سکه حجت و قرید و کتب و کتب)

فقط در ستم خود جهان و در این طبع نراج و معلوم آن است

ما عدل نه هست که هر که سزاوارند و در خارج از ستم و ستم

از ستم عظیم است که با او در کتب و کتب و کتب و کتب

و در ستم آن زمان این کتب و کتب و کتب و کتب

و اما در کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب

نور و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب

و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب

و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب

بسم الله الرحمن الرحيم

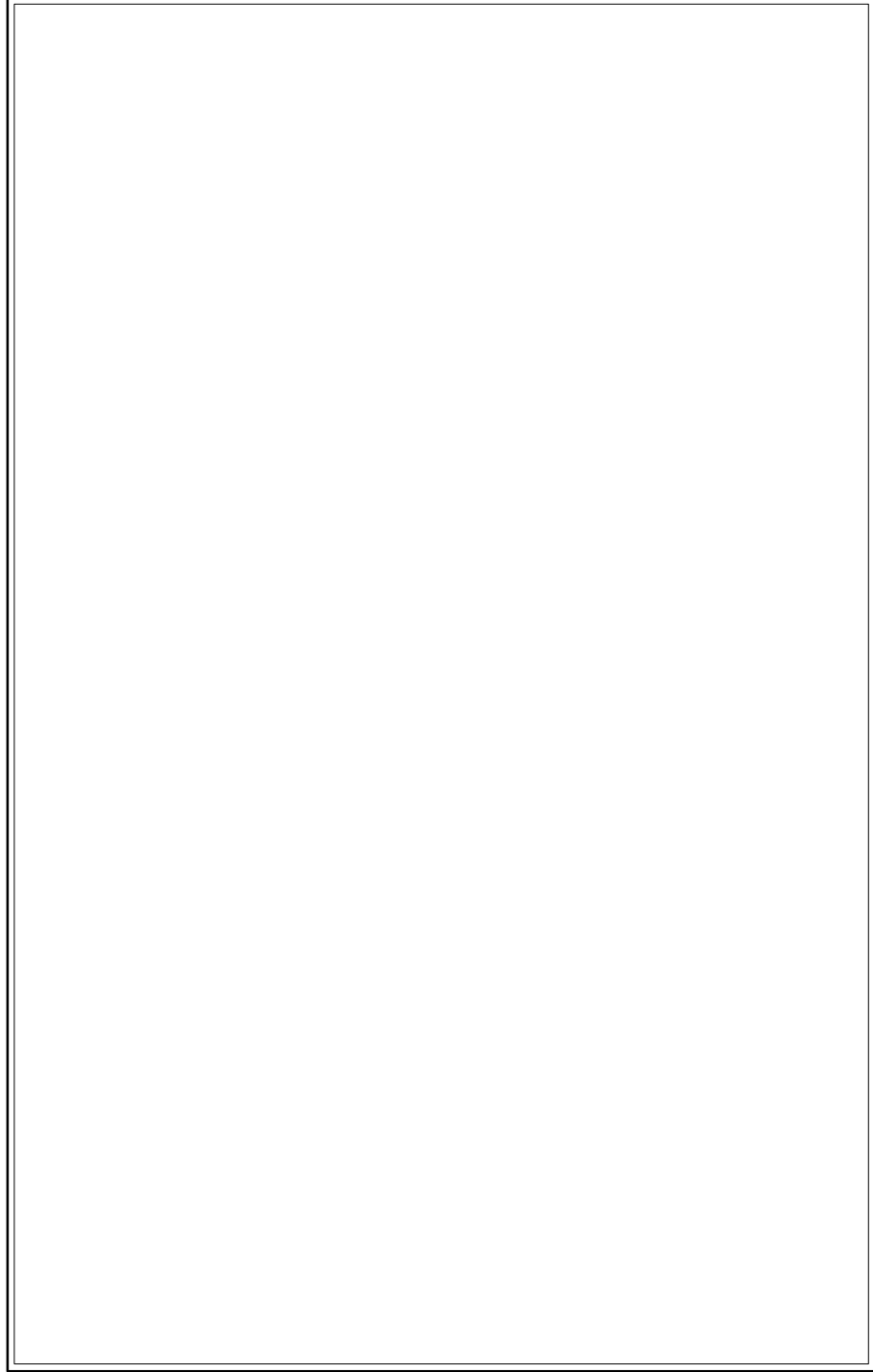
بعض مقدس عالم ظلمت المعانی بر سر بنام تعالیٰ بقدر اہمیت وجود مبارک از خداوند بزرگوار
و آبشارت خاصہ ان یکجا نہ حافظہ ریاضت گزار حفظ فرمایید سلام از در کائنات
دارم چند تہلیل مرقومہ مبارکہ خطاب بجمہ المسلمین ہر حاجت را آمین فرمائید
زیارت شد مضافاً بہ این نظر ہر حاجت از فرزند و پدر جمیع بر فائز کم چون شکر
و دو فائز ہم نداشتیم در استمال مبارک حضرت انیک کہ تعظیم مبارک فائز
تعمیل کردم و با نتیجہ ارم صمد ع اوقات شریفہ سلام امید علی است
والہنم چنانکہ شبہ ارسدہ باشد لطفاً بیان خواہد فرمود و فائز ہے
و استقامت رزاق عالی اطالب و خداست بازار دکان محرم خاصہ و تہ
بر حقیقتہ ارا نا محمد بن الدین راست بر کاسہ بعض ارباب و سلام
صمد عم بن الاحقر محمد بن النور کوٹہ

صورت و سیرت

معظم له دارای قدی کوتاه و صورتی زیبا و جذاب و اخلاقی پسندیده در معاشرت و محاورت بود، تند سخن می‌گفت و با جمله‌هائی کوتاه و رسا، لطیفه‌گو و حاضر جواب و در دوستی و محبت مستقیم و ثابت قدم بود. نسبت به اساتید خود متواضع و همیشه نام آنان را به بزرگی یاد می‌کرد. از زندگانی خود ناراضی و در مجالس عمومی و خصوصی و حتی جلسات درس و مباحثات نیز این نارضایتی را اظهار می‌کرد و از اوضاع زمان و مردم روزگار نیز شاکی بود.

در موضوع درس و مباحثه بسیار ساعی و کوشا و در رسیدگی به امور مردم اهتمام تام داشت، امر به معروف و نهی از منکر می‌نمود و در این راه از مصادیق آیه شریفه ﴿لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾ بود.

یکی از بزرگترین خدمات معظم له بعالم اسلام حفظ حوزه علمیه اصفهان در دوره اختناق رضاخانی بود که مجلس درس را تعطیل نکرد و آن را در مسجد یا منزل همواره اداره می‌کرد.



آية الله العظمى ابو المجد شيخ محمد رضا نجفى (قدس سره)

تألیفات

معظم له دارای تصنیفات متعددی در علوم مختلف اسلامی از فقه و اصول و حدیث گرفته تا شعر و عروض و قافیه می باشند که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- الاجازة الشاملة للسيدة الفاضلة .

اجازة حدیثی مفصلی است که برای مرحومه علویه حاجیه خانم امین رحمة الله علیها مرقوم فرموده اند و دو مرتبه به چاپ رسیده است. یکبار در آخر کتاب جامع الشتات آن مرحومه و بار دوم در مجله شریفه علوم الحدیث شماره چهارم صفحه ۳۱۱ الی ۳۵۷ به تحقیق محقق توانا علامه عالیقدر حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد رضا حسینی جلالی دامت برکاته .

۲- اداء المفروض في شرح ارجوزة العروض .

ارجوزة را مرحوم علامه آية الله ميرزا مصطفى تبریزی رحمته الله انشاء نموده است و شرح از ایشان است . این اثر از روی دو نسخه خطی که در نزد حقیق موجود است ان شاء الله بزودی منتشر خواهد شد .

۳- استیضاح المراد من قول الفاضل الجواد .

این رساله را در جواب مرحوم آية الله شيخ جواد بلاغی رحمته الله مرقوم فرموده اند و در عدم تنجیس متنجس است و در آخر مجلد نواهی طبع اول وقایة الاذهان به چاپ رسیده است .

۴- اماطة الغین عن استعمال العین في معینین .

رساله ای است که در جواب مرحوم آية الله شيخ ضیاء الدین عراقی تصنیف شده است و در آخر چاپ جدید وقایة الاذهان در سال ۱۴۱۳ هـ. ق به طبع رسیده

است .

۵- رساله امجدیه .

در حقیقت میهمانی خداوند عز وجل و آداب میهمان و کیفیت نوافل و ادعیه غیر معروفه شهر رمضان المبارک .

این رساله تا کنون سه بار چاپ شده است :

الف : چاپ سنگی در سال ۱۳۴۱ ق زیر نظر مؤلف .

ب : طبع حروفی در قطع جیبی در سال ۱۳۹۳ ق توسط فرزندشان آیه الله مجد الدین نجفی که رساله به نام او تالیف شده است .

ج : طبع حروفی جدید در قطع رقعی با مقدمه و تحقیق حفید مؤلف و والد حقیر آیه الله آقای حاج شیخ مهدی غیاث الدین مجد الاسلام نجفی طاب ثراه در سال ۱۴۰۶ در تهران توسط بنیاد محترم بعثت چاپ و منتشر گردید .

آقای استادی مد ظله آن را در سی مقاله / ۳۴۱ معرفی می کنند .

۶- الايراد و الإصدار في حلّ مشكلات عويصة في بعض العلوم .

۷- تصانیف الشيعة .

۸- تعریب رساله سیر و سلوک منسوب به سید بحر العلوم .

۹- حاشیه بر «أکر» ثاوذوسیوس .

ثاوذوسیوس یک هندسه دان و ریاضی دان یونانی است و کتاب اُکر او پیرامون اجسام کرویّه تنظیم شده است ، معظم له بر این کتاب حاشیه دارند .

۱۰- حاشیه بر شرح واحدی بر دیوان متنبی .

بین سالهای ۱۳۵۴ الی ۱۳۵۶ این حواشی تنظیم شده است .

۱۱- حاشیه بر کتاب روضات الجنات .

این حاشیه تحت عنوان أعلاط الروضات به چاپ رسیده است .

۱۲- حلیّ الدهر العاقل ، في من أدركته من الأفاضل .

در این کتاب شرح حال جمعی از بزرگان علماء که خود آنها را درک کرده اند را

تنظیم نموده اند .

۱۳- دیوان ابی المجد .

دیوان اشعار عربی ایشان بدین نام در سال ۱۴۰۸ در قم به تحقیق علامه محقق حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید احمد حسینی اشکوری دامت برکاته به چاپ رسیده است .

۱۴- ذخائر المجتهدین فی شرح کتاب معالم الدین فی فقه آل یس .

کتاب معالم الدین فی فقه آل یس تالیف علامه شیخ شجاع الدین ابن قطان شاگرد فاضل سیوری است .

معظم له کتاب نکاح و کتاب الطهارة این متن فقهی را شرح کرده اند .

۱۵- رساله فی الرد علی «فصل القضا فی عدم حجیة فقه الرضا» .

مرحوم سید حسن صدر کاظمی رحمته الله فصل القضا را در مورد عدم حجیة کتاب فقه منسوب به امام رضا علیه السلام تدوین نموده است و معظم له در این رساله بیانات ایشان را مورد نقادی قرار داده اند .

۱۶- الروض الأریض فیما قال أو قیل فیہ من القریض .

۱۷- الروضة الغناء فی تحقیق معنی الغناء .

این رساله در مورد غناء تألیف شده است ، مؤلف در این رساله خود را عبدالمنعم ابن عبدربه خواند است و برای اولین بار رساله بتمامها در مجله نور علم شماره چهارم صفحه ۱۲۳ به چاپ رسید ، پس از آن به فارسی برگردانده شد و در مجله کیهان اندیشه شماره ۱۸ صفحه ۱۰۴ به چاپ رسید و پس از آن در هفده رساله / ۳۴۸ آقای استادی چاپ شده است و آخرین چاپ متن عربی رساله در مجموعه رسائل پیرامون غناء و موسیقی به تحقیق محقق گرانقدر آیه الله آقای حاج شیخ رضا استادی دامت برکاته به طبع رسیده است .

۱۸- سقط الدر فی أحكام الکُر .

رساله ای است فقهی پیرامون مسئله کُر و اندازه و قدر آن .

۱۹- سمطا اللال في مسألتي الوضع والاستعمال .

رساله‌ای است ادبی و اصولی در مورد دو مسئله وضع و استعمال و برخی دیگر از مقدمات علم اصول تنظیم شده و دو مرتبه یکبار در زمان حیات مؤلف و بار دوم در سال ۱۴۱۳ در ابتداء و قایة الاذهان در قم مقدسه توسط مؤسسه آل‌البتین علیه السلام به چاپ رسیده است .

۲۰- السیف الصنیع علی رقاب منکری علم البدیع .

در دانش بدیع تنظیم شده است و مؤلف آن را در سال ۱۳۲۴ به پایان برده است . این رساله نیز از روی تنها نسخه خطی موجود آن تحت طبع است ان شاء الله تعالی .

۲۱- العقد الثمین فی أجوبة مسائل الشیخ شجاع الدین .

جوابهای چند مسئله فقهی است که توسط شیخ شجاع الدین عالم دینی ابراهیم آباد از ایشان پرسیده شده است و بدان پاسخ داده‌اند .

۲۲- غالیة العطر فی حکم الشعر .

۲۳- القبلة .

رساله فقهی است در مورد قبله و حدود و احکام آن .

۲۴- القول الجمیل إلى صدقی جمیل .

صدقی جمیل زهاوی یکی از شعرای عرب است که بعد از انتشار کتاب نقد فلسفه داروین توسط معظم له از ایشان سئوالات و انتقاداتی نموده است که در این رساله به آنها پاسخ داده‌اند .

۲۵- گوهر گرانبها در رد عبد البهاء .

بعد از رساله امجدیه این دومین رساله ایشان است که به زبان پارسی نگارش یافته است و در آن فرقه ضالّه را رد نموده‌اند .

۲۶- نجمة المرتاد فی شرح نجات العباد .

شرحی است بر کتاب الصلاة، نجات العباد صاحب جواهر، که در آن به بررسی نظریات فقهی شیخ انصاری و مجدد شیرازی و غیرهما پرداخته شده است .

۲۷- نقد فلسفة دارون .

این کتاب سه مجلد است که دو جلد آن در سال ۱۳۳۱ در بغداد به چاپ رسید و اولین اثر از یک مجتهد نجفی است که در آن آراء و عقاید داروین انگلیسی و مترجم افکار او در جهان عرب شبلی شمیل را نقد کرده است. و به سبب همین کتاب آوازه شهرت معظم له از حوزات علمیه شیعی خارج و به تمام دنیای اسلام رسید.

آقای استادی این کتاب را در سی مقاله / ۳۴۱ معرفی می کنند .

۲۸- النوافج والروزنامج .

مجموعه یاداشتهای متفرقه است در علوم مختلفه و آغاز تالیف آن در سال ۱۳۲۵ می باشد .

۲۹- وقایة الاذهان و الالباب و لباب اصول السنة و الكتاب .

کتاب اصولی ایشان است که در چند مجلد در زمان حیاتشان به چاپ رسیده است و اخیراً نیز در یک مجلد کبیر در سال ۱۴۱۳ توسط مؤسسه آل البيت علیهم السلام در قم مقدسه تجدید چاپ شده است .

۳۰- تعلیقه بر رسالة المحاکمة بین العَلَمین .

تألیف مرحوم آية الله آقای سید مهدی حکیم رحمته الله که معظم له به درخواست مرحوم آية الله شیخ ضیاء الدین عراقی بر آن تعلیقه زده اند .

۳۱- الحواشی علی الکافی .

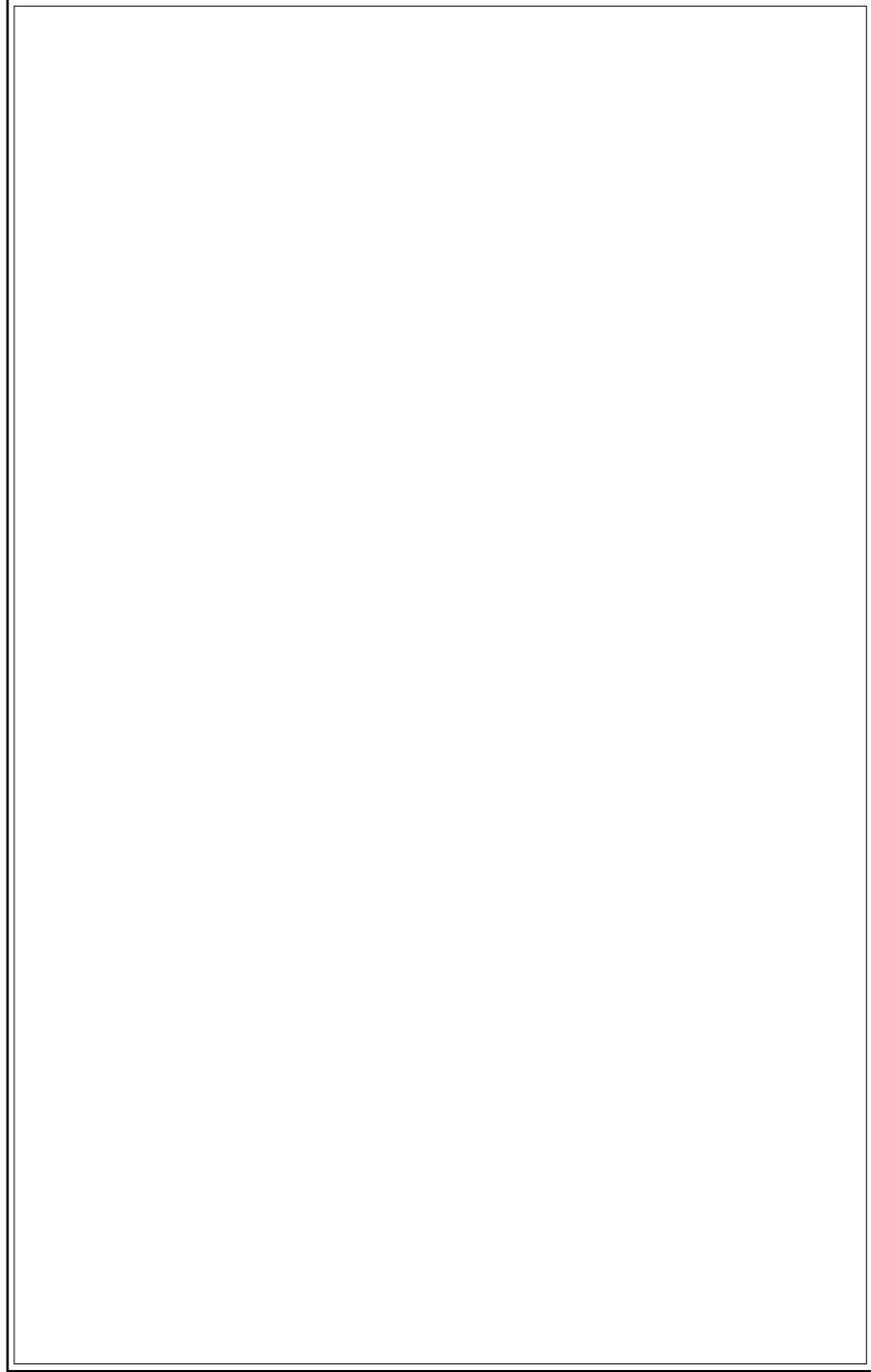
حواشی ایشان است بر کتاب کافی شریف در علم حدیث تألیف مرحوم ثقة الاسلام کلینی اعلی الله مقامه الشریف .

۳۲- أنا والایام .

در مختصر شرح حالی که به زبان عربی به درخواست مرحوم مدرس تبریزی صاحب ریحانة الأدب مرقوم می فرمایند می نویسند: قصد دارم که رساله ای مفصل در شرح احوال خودم بنگارم بدین نام .

<p>« الجزء الثاني » من « كتاب نقد فلسفة دارون » محمد حسن حيايات المطايع مصنفه مبداء التقدير اليه ابو المجد محمد رضا الاسفهانى امد خدمة العلم في النجف الاشرف وكرولا المشرقة كان الله طبع في مطبعة الولاية (بينداد) ١٣٣١</p>	<p>« الجزء الاول » من « كتاب » « رسالة فلسفة دارون » « تأليف » (العلامة القاضي ابو المجد الشيخ محمد رضا آل اسفهانى النجفي) (الاسفهانى القاطن في كربلا النجف) مفروق الطبع محفوظه بمؤلف طبع في مطبعة الولاية الناصرية ١٣٣١</p>	<p>وقاية الإيمان مؤلفه بخط العلامة غياث الدين القاسمي والشيخ محمد باقر و إمامة الميرزا محمد باقر الخراساني تأليف العلامة آية الله العظمى الشيخ ابو المجد محمد رضا النجفي مؤلفه مطبعة دار الحديث ١٣٣١</p>
<p>الروضه الغناء في تحقيق معنى الغناء تأليف آية الله ابو السجده شيخ محمد رضا نجفي اسفهانى (١٣٢٦م) تحقيق رضا السستاني</p>	<p>اعلاط الروضات تأليف سيد محمد باقر مطبعة دار الحديث ١٣٣١</p>	<p>ديوان ابى المجد المؤلفه الاكبر الشيخ محمد رضا النجفي اسفهانى تحقيق الشيخ محمد باقر الخراساني</p>
<p>رساله اى آية الله نجفي مسجد شاهي از گرامافون آن روز تا ماهواره امروز مرحوم آية الله الحاج شيخ محمد رضا اسفهانى مسجد شاهي (عاشق كتاب واولاد الأوفياء و امداد الشريفيين ورموز أهل ناصية علماء) بكل كرمه ان حاج الشرايط واهل آستان قدس سنة ١٣٢٦ هـ مطبوعه دار الحديث ١٣٣١</p>	<p>رسالة امجدية تأليف: مرحوم آيت... العظمى ابوالمجد الشيخ محمد رضا النجفي</p>	<p>الاجازة الثبوتية للسيدة الفاضلة أصدها الشيخ محمد باقر الخراساني الشيخ محمد باقر الخراساني ١٣٣٢ - ١٣٢٧ المطبعة الشيخ محمد باقر الخراساني ١٣٣٨ - ١٣٤٣</p>

برخی از تالیفات منتشر شده آية الله ابو المجد محمد رضا نجفي (قدس سره)



آية الله ابوالمجد شيخ محمد رضا نجفی در سوال المکرم ۱۳۴۶ در سن ۵۹ سالگی

۳۳- رساله‌ای پیرامون حکم فقهی دستگاه گرامافون .

این رساله توسط آقای استادی در مجله پیام حوزه سال اول شماره اول / ۹۸ تحت عنوان: رساله‌ای از آیه الله نجفی مسجد شاهی به طبع رسیده است .
و همچنین در روزنامه رسالت بتاريخ دو شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۷۳ و به شماره ۲۵۰۹ به طبع رسیده و پس از آن مجدداً توسط آقای استادی در بیست مقاله / ۳۶۵ به چاپ رسیده است .

تنبیه: عدّه کثیری از اعلام که در درس ایشان حاضر بوده‌اند ، اباحت فقهی و اصولی ایشان را تقریر کرده‌اند از آن جمله :
مرحوم آیه الله سید احمد زنجانی رحمته الله علیه ، بحث فقهی ایشان را در قم حول مسئله کُرّ در کتابشان به نام أفواه الرجال تنظیم نموده‌اند .
مرحوم آیه الله سید عطاء الله فقیه امامی رحمته الله علیه نیز اباحت فقهی و اصولی ایشان را در اصفهان در مجلدی تنظیم نموده‌اند .

همسر و فرزندان

زوجه اول ایشان علویه زهرا بیگم دختر علامه جلیل آقا سید محمد امامی خاتون آبادی اصفهانی است و از او صاحب چند فرزند شد :

۱- آیه الله آقای حاج شیخ مجدالدین مجد العلماء نجفی .

شرح حال ایشان خواهد آمد .

۲- علامه آقای حاج شیخ عزالدین نجفی .

متوفی در دوم شهریور ماه ۱۳۵۸ شمسی در اصفهان و مدفون در باغ رضوان

قم جنب وادی السلام .

۳- آقا نورالدین نجفی .

۴- مخدّره عزت الشریعة زوجه مرحوم آقای حاج شیخ محمد حسین

- نجفی فرزند مرحوم آیه الله آقا جلال الدین فرزند آیه الله آقا نجفی .
- ۵- مخدره بهجت خانم زوجه آقای محمد حسین فرید فرزند آیه الله آقا نجفی .
- ۶- مخدره نزهت خانم زوجه مرحوم آقای حاج شیخ محمد حسن نجفی زاده فرزند آیه الله حاج شیخ مهدی نجفی .
- و از زوجه دوم به نام مریم خانم نیز صاحب دو اولاد گردید به نامهای :
- ۷- آقای آقا مهدی نجفی .
- ۸- پروین خانم نجفی زوجه مرحوم آقای عزت الله اصغری .
- و از زوجه منقطعه‌ای به نام بانو رباب خانم نیز صاحب یک پسر شد به نام :
- ۹- آقای حاج آقا تقی نجفی ، عموی بزرگ نگارنده و اکنون چشم و چراغ فامیل و بزرگ آن است .

وفات و مدفن و مرثی

سر انجام بعد از یک عمر تدریس و تألیف و ترویج شریعت و پاسداری از آن در سنگر مرجعیت و افتاء و تربیت شاگردان متعدد این ستاره آسمان معرفت و اجتهاد در روز یکشنبه ۲۴ محرم الحرام سال ۱۳۶۲ق در اصفهان به دیار باقی شتافت و با تشییعی بی نظیر که تمامی بازارها و مراکز بواسطه آن تعطیل شد تشییع و در بقعه تکیه جدشان مرحوم آیه الله العظمی آقای شیخ محمد تقی رازی نجفی اصفهانی واقع در تخت پولاد اصفهان به خاک سپرده شد ، رحمة الله علیه رحمة واسعة .

عده‌ای از علماء و شعراء در رثاء و ماده تاریخ وفات ایشان اشعاری گفته‌اند از آن جمله :

۱- مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید علی علامه فانی اصفهانی در رثاء ایشان گوید :

زدست رفت رضا و سیاه گشت جهان
 در آسمان جلالت چو نیر اعظم
 فقیه و عالم و زاهد، ادیب و کامل و راد
 بعمر خویش بجز راه حق نپیمودی
 زروح پاک و زاخلاق نیک و از دانش
 دریغ مردم نادان و جاهل و ظالم
 همیشه بود زبخت بد و ز طالع نحس
 مدام با دل پر درد گفت یا الله
 بنقد فلسفه بنگر ببین نداده بدهر
 از اوست سیف صنیع درمدیح علم بدیع
 ذخائر است و وقایه بعلم فقه و اصول
 دلم زدست غم او ریش بجان آمد
 غمی که داشت بدل بود جور دانایان
 از اهل علم ملول و بعلم خود مشغول
 هزار شکر که تا زنده بود و بنده بُدم
 بلی چو مهر رود شام تیره است عیان
 همیشه بود زعلم و کمال نور افشان
 حکیم و منطقی و عین دانش و عرفان
 نبود در نظرش غیر خالق سبحان
 هزار مرتبه برتر وجودش از اقران
 که همنفس نبش غیر خاطر نالان
 غمین و بیدل و افکار و خون دل و پژمان
 شبانه روز بُد از ظلم دشمنان گریان
 کسی جواب طبیعی بدین بیان روان
 که هست اصل معانی و نیست گنج نمان
 بیادگار از او چون دو گوهر تابان
 شود ز دیده من اشک همچو سیل روان
 وگرنه نیست کسی را توقع از نادان
 زقوم و خویش برنج و زبخت خویش نوان
 بُد او رضا زمن زار فانی نالان
 ۲- و همچنین در ماده تاریخ رحلت ایشان گوید :

لما ماضی شیخ الفضیلة والتقی
 فانتقص من التاریخ یوم وفاته
 وا حسرتاً حنقاً، فقد ضاق الفضا
 اربع و عشريناً و « قل فقد الرضا »

۱۳۲۲ = ۲۴ - ۱۳۴۶ ه. ش

۳- مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر شاعر گرانمایه در مرثیه و تاریخ وفات
 ایشان گوید :

یا دهرراً ذهبت بآیة الله
 محمد الرضا الغروي ابو المجد
 غدرت بنا فوا أسفاً و لهفاه
 مضی نحو الجنان بقرب مولاه
 اراد النیر اسـتیضاح فتوته
 ففي شهر المحرم طاب مثواه

فارخ بعد نقص الست للعام «رضا النجفي لبي داعي الله»
 ١٣٦٢ = ٦ - ١٣٦٨ هـ. ق

٤- مرحوم حاج ميرزا حسن خان جابري انصاري نيز در اين مورد مي سرايد :
 لقد أفل الكواكب مذ توفّي رئيس العلم في ذلك الزمان
 محمد الرضا الغروي شيخ سماء العلم لأهل الاصبهان
 ولما راح روح عنا به شأن البيان من المعاني
 تمنى الجابري بأن يورّخ وكّل لسانه عند البيان
 اذا جاء البشير وقال أرّخ «لقد اوى الرضا بالجنان»
 ١٣٢١ هـ. ش

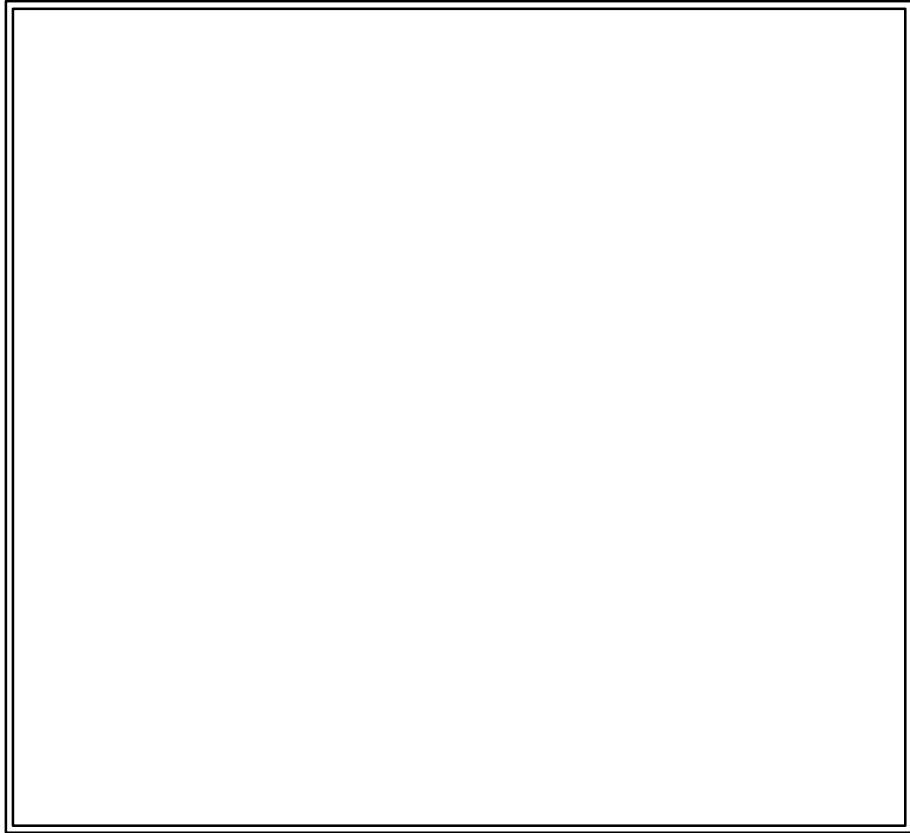
مصادر شرح حال

شرح حال و ترجمه ایشان را می‌توانید در کتابهای ذیل بیابید :

- | | |
|---------------------------------------|---|
| معارف الرجال ۲۴۵/۳ | تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو |
| مجله نور علم، سال دوم شماره نهم / ۷۹ | قرن اخیر ۲/۲۱۹ در بیش از دویست صفحه و |
| الاجازة الكبيرة / ۱۸۱ الرقم ۲۲۶ | بنام: بیان مجد النبلاء در احوالات شیخ ابو المجد |
| المسلسلات في الاجازات ۸۷/۲ | محمد الرضا |
| دیوان ابی المجد / ۱۱ | نقباء البشر / ۷۴۷ |
| وقایة الازهان / ۲۵ | مصفی المقال / ۱۷۹ |
| رساله امجدیه / ۵ طبع سوم | الذریعة / در مجلدات مختلف |
| چهل مقاله / ۵۸۱ و ۶۸۸ آقای استادی | سحر بابل و سجع البلابل / ۸۲ |
| سی مقاله / ۳۴۱ آقای استادی | تذکره القبور / ۳۲۸ |
| هفده رساله / ۳۴۸ آقای استادی | ریحانة الأدب ۷/۲۵۲ |
| مجله علوم الحدیث شماره چهارم / ۳۱۸ | آثار الحجة ۱/۷۷ |
| شرح احوال آیه الله العظمی اراکی / ۳۲۹ | گنجینه دانشمندان ۱/۲۴۲ |
| مجله کیهان اندیشه شماره ۱۰۴/۱۸ | شعراء الغری ۴/۴۲ |
| دائرة المعارف تشیع ۲/۲۲۲ | اعیان الشیعة ۷/۱۶ |
| مجله فرهنگ اصفهان شماره یازدهم / ۶۲ | معجم المؤلفین العراقيین ۱/۴۷۲ |
| اثر آفرینان ۱/۲۷۱ | الاعلام ۳/۲۶ |
| رجال اصفهان ۱/۲۱۳ دکتر کتابی | معجم المؤلفین ۴/۱۶۳ |
| ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزة علمیه | مستدرک معجم المؤلفین / ۲۵۱ |
| اصفهان ۱/۵۰۹ | ماضی النجف و حاضرها ۳/۲۱۴ |

« ٥ »

آية الله العظمى
آقاي حاج شيخ مجد الدين (مجد العلماء) نجفي
(١٣٢٤ - ١٤٠٣ ق)



نام - پدر - مادر - ولادت

نام: محمد علی که مهجور مانده است .

لقب: در کودکی به ایشان امجد الدین می‌گفتند و والدشان رساله امجدیه را به نام ایشان تصنیف فرمود ، در جوانی به مجد الدین لقب گرفتند و در بزرگسالی از طرف مردم مجد العلماء خوانده می‌شدند و لقب ایشان بر اسم مقدم شده و همواره به لقب خوانده می‌شدند .

پدر: آیه الله العظمی علامه ابو المجد شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی رحمته الله .
مادر: علویه زهرا بیگم در گذشته به سال ۱۳۵۶ دختر سید العلماء آیه الله سید محمد امامی خاتون آبادی اصفهانی نجفی .
زمان ولادت: روز ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ .

مکان ولادت: در نوع تراجم ایشان محل ولادتشان نجف اشرف ذکر شده است و لکن معلم حبیب آبادی صاحب مکارم الآثار در مقاله‌ای که روزنامه عرفان^(۱) بعد از فوت والدشان منتشر نموده ولادت ایشان را در کربلا نوشته است و همچنین محقق توانا آقای سید محمد رضا حسینی جلالی دامت برکاته^(۲) نیز با توجه به مقاله معلم ولادت معظم له در کربلا را صحیح دانسته‌اند ، ولی چون شرح حالی که از ایشان در مقدمه رساله امجدیه^(۳) به طبع رسیده ، زیر نظر خودشان تنظیم گردیده ، و

(۱) روزنامه عرفان - فروردین ماه ۱۳۲۲ هجری شمسی - منتشره در اصفهان .

(۲) الاجازة الشاملة للسيدة الفاضلة ، چاپ شده در مجله علوم الحدیث شماره ۴ سال دوم /

(۳) رساله امجدیه / ۱۱ طبع سوم .

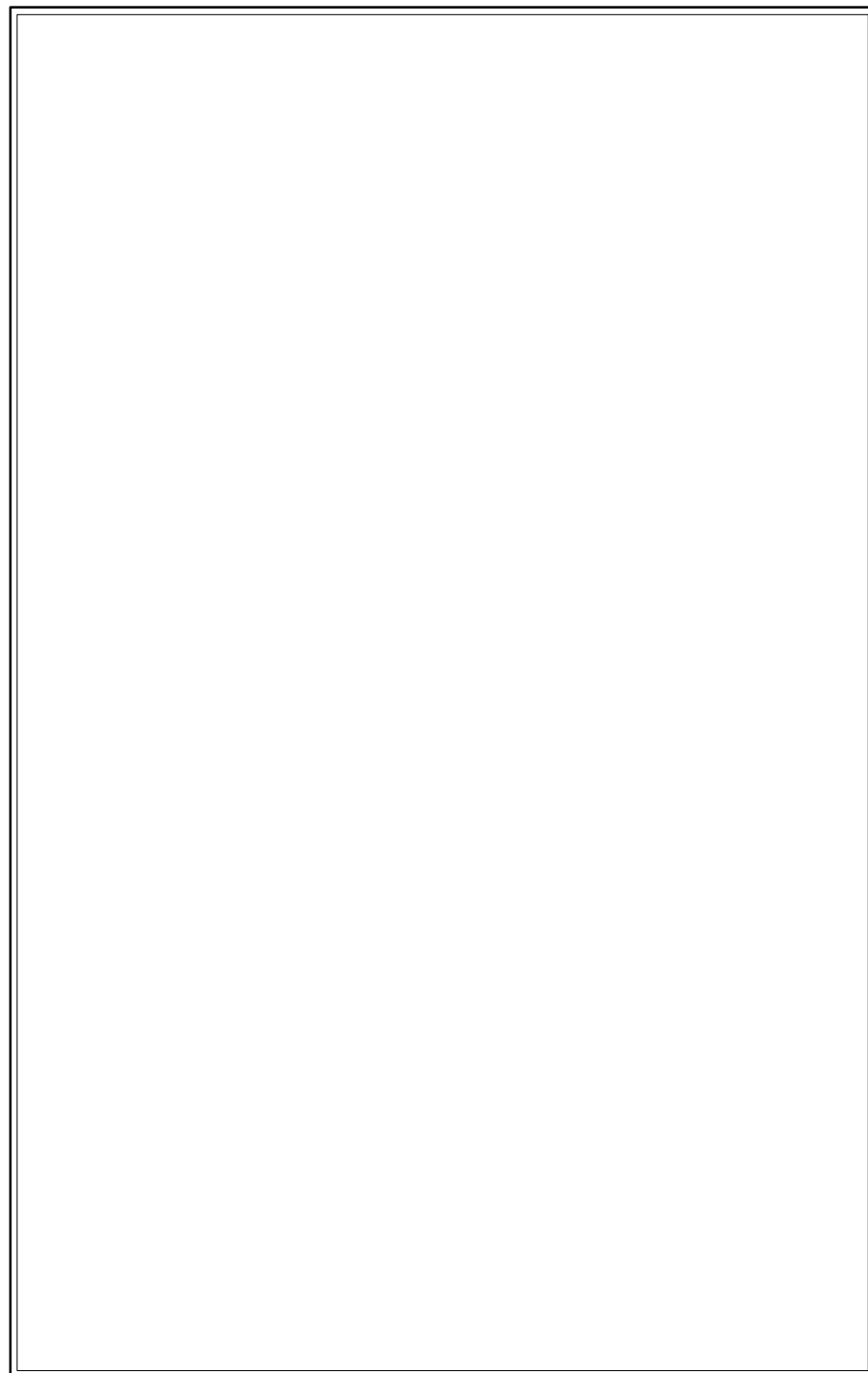
در آنجا ولادت در نجف اشرف ذکر شده است^(۱) بنابراین در اینکه ولادتشان در نجف اشرف واقع شده باشد و نه کربلا تردیدی باقی نخواهد ماند و مؤید این معنی اینکه در شناسنامه ایشان نیز محل تولد نجف اشرف ذکر شده است.

تحصیلات و اساتید

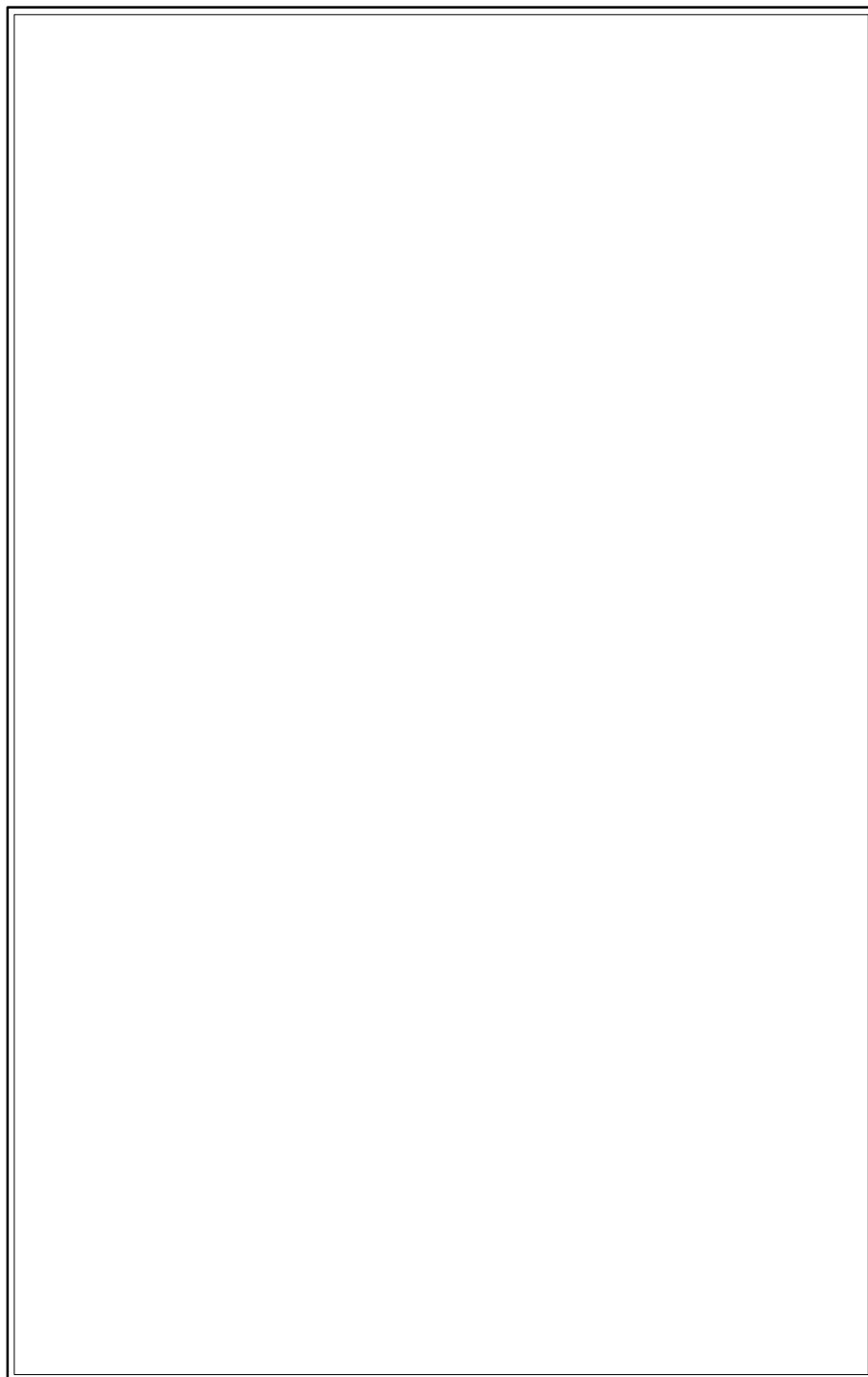
دانش اندوزی را در نجف اشرف در حالی آغاز نمود که طفل بود و به همراه پدر و خانواده در سال ۱۳۳۳ به اصفهان مهاجرت کرد و در اصفهان سطح اولی را در نزد اساتید فن از آن جمله: آیه الله حاج شیخ علی مدرس یزدی متوفی ۱۳۵۱ و آیه الله سید میرزا اردستانی متوفی ۱۳۵۱ و پس از آن سطح عالی را از محضر حضرات آیات: حاج آقا رحیم ارباب متوفی ۱۳۹۶ و حاج آقا منیرالدین بروجردی (۱۲۶۹ - ۱۳۴۲ ق) و حاج میرزا محمد صادق خاتون آبادی متوفی ۱۳۴۸ ق و سید محمد نجف آبادی (۱۲۹۴ - ۱۳۵۸ ق) فراگرفت.

پس از آن درس خارج فقه و اصول را نیز از محضر پدر بزرگوارش علامه شیخ محمد رضا نجفی استفاده کرد مضافاً بر اینکه تا آخر زمان حیات دو استاد آخر سطحش در درس خارج آنها نیز حاضر می‌گشت یعنی آیتین خاتون آبادی و سید محمد نجف آبادی و در مدتی که والد ماجدش در قم مشرف بودند و معظم له نیز در خدمتشان بوده به درس حضرت آیه الله موسس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی متوفی ۱۳۵۵ ق حاضر می‌شد و همچنین در اصفهان نیز از درس عموی بزرگوارشان شهید آیه الله حاج آقا نورالله نجفی (۱۲۷۸ - ۱۳۴۶ ق) بهر مند شده‌اند.

(۱) رساله امجدیه / ۱۴.



آیه الله مجد العلماء نجفی در تاریخ هشتم ربیع الثانی ۱۳۴۲ در سن ۱۶ سالگی



آية الله مجده العلماء نجفی در سن جوانی در جمع دوستان

ولی بیشترین استفاده ایشان در فقه و اصول و ریاضی و هیئت از والد بزرگوارشان بوده و حضور در درس پدر سالیان متمادی به طول کشیده است. و از والدشان در نهایت تصدیق به اجتهاد معظم له کتباً صادر شده است. و اجتهاد ایشان حتی در نزد مراجع نجف اشرف نیز به اثبات می‌رسد که مرجع علی الاطلاق شیعه در آن عصر یعنی مرحوم آیه الله سید ابو الحسن اصفهانی طاب ثراه نیز برای معظم له اجازه اجتهاد صادر و به اصفهان می‌فرستند.

مشایخ روایت و مجازین از وی

از مشایخ اجازه معظم له در نقل حدیث تا کنون فقط دو نفر را می‌شناسیم:
 والد علامه ایشان مرحوم آیه الله ابی المجد شیخ محمد رضا نجفی رحمته الله علیه.
 مرجع علی الاطلاق شیعه آیه الله سید ابو الحسن اصفهانی رحمته الله علیه.
 و از مجازین از ایشان فقط یک نفر را می‌شناسیم:
 فرزندشان مرحوم آیه الله استاد آقای حاج شیخ مهدی غیاث الدین
 مجد الاسلام نجفی طاب ثراه.

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين الذي لا ينزل الي كنه ذاته
 وجملة ربه وانه علوم العالمين ولا يفي باذنه دفعه
 اصابه المحمدى والصلوة على محمد وآله الطيبين
 وبعد فان العالم كفاضل الحنبي والمحدث النجف
 قره عيني الشيخ محمد كس من حضرت روسي مشرف
 فعينه واصركه ورحمة دائره نسي الاضداد
 بصير اسماني الاحكام فله الحمد عما استنطه من
 الاحكام اسما طائفاً من كفايد المعرفه
 علماني علام واسد الله له النجاد وسوس
 مع محمد الرضا المعنى



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير اصطفاه
من الاولين والآخرين وبعثه من همة العالمين محمد وآله الطاهرين واللعنة
الدائمة على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم الدين وبعد فانا جناب
العالم العامل الفاضل الكامل قدوة العلماء العالمين وتبليغ المجهدين
الشيخ محمد الدين النجفي نجل المرحوم العلامة الحجة الشيخ محمد رضا
النجفي الاصفهاني اعلى المقام من صرف عمر الشريف في تحصيل العلوم
الشرعية وبذل جهده في تنقيح مباحثها النظرية وجذوا حتم بدقته
فانسجده الله تم الى ما بعد المأمول من الفضل والسداد فله العمل
بما يستنبطه من الاحكام على النهج المألوف بين الاعلام واجزت له
ان يردى عنى كلامه ليى واينيه من كتيب الاصل لا سيما الاثر بعينه
التي عليها المدارس واصعب ما اوصافه في بيده من بعض الكبار من سلكوا
طريق الاحكام فانه سبيل النجاة والرجومته ان لا نسياني من صالح
الدعوات في شهر صفر ١٢٤٤ هـ

اجازه اجتهاد آية الله مجد العلماء نجفي از مرجع الشيعة آية الله سيد ابو الحسن اصفهاني

در کلام دیگران

۱- والدبزرگوارش در پایان رساله امجدیه که به نام ایشان تألیف فرموده است چنین می نویسد: «چون سال تألیف رساله مصادف بود با سال اول و جوب روزه مر قره العین معظم نخبة ارباب الفهم والاستعداد و المرجو لایحیاء مراسم اجداده الامجاد آقا شیخ امجد الدین أبقاه الله خلفاً عن سلفه الماضین وجعله علماً یهتدی به فی الدنيا والدین او را مخاطب در این رساله داشتم و نام آن را رساله امجدیه گذاشتم، شاید اخوان مؤمنین اگر از این رساله منتفع شوند او را از دعای خیر فراموش نکنند و سعادت دارین را برای او از حق تعالی بخواهند»^(۱).

۲- مرحوم آیه الله حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی رحمته الله که از شاگردان و مجازین از آیه الله ابی المجد شیخ محمد رضا نجفی طاب ثراه می باشد مکرر برای صاحب این قلم نقل می فرمود که مرحوم پدرشان ابو المجد در حق فرزندشان می فرمودند: «مجد ما در علم هیئت استاد است»^(۲).

۳- علامه طهرانی در پایان شرح حال پدرشان در نقباء البشر می نویسد: «... و فرزند او شیخ مجد الدین امروز از علماء و ائمه جماعت در اصفهان است»^(۳).

۴- دانشمند مورخ شیخ محمد علی معلم حبیب آبادی صاحب مکارم الآثار در پایان مقاله ای که بعد از فوت مرحوم والدشان در روزنامه عرفان که آنروز در اصفهان منتشر شده است چنین می نگارد: «... و آقای مجد العلماء پسر بزرگ آن مرحوم در حدود سال هزار و سیصد و بیست و شش یا قدری پس و پیش در کربلا متولد شده و در خدمت پدر نامور تحصیلات خود را در علوم فقه و اصول و هیئت

(۱) رساله امجدیه / ۱۱۶.

(۲) البیواقیت الحسان فی تفسیر سورة الرحمن / ۱۸.

(۳) نقباء البشر ۷۵۳/۲.

و ریاضی قدیم به پایان آورده و بزبور اجتهاد زینت یافته و به تصدیق اجتهاد و اجازات روایت از آن فقیه مرحوم سرافراز گشته و اینک به جای وی در مسجد نو امامت می‌نماید»^(۱).

۵- دانشمند محترم مرحوم آقای حاج شیخ محمد رازی در گنجینه دانشمندان می‌نویسد: «حضرت آیه الله آقای حاج شیخ مجد الدین نجفی فرزند ارشد مرحوم آیه الله العظمی ابوالمجد آقا شیخ محمد رضا نجفی ابن عالم ربانی شیخ محمد حسین ابن علامه محقق حاج شیخ محمد باقر طاب ثراهم معروف به مجد العلماء... در ماه شوال ۱۳۹۴ هـ که برای امری به اصفهان رفتم در مسجد نو موفق به زیارتشان شده و از سیمای ملکوتی آن جناب مستنیر گردیدم آثار و علائم ربانین را از چهره منیرش مشاهده کردم و باید همینطور باشند زیرا فرزند ارجمند آیه الله العظمی آقا رضا که مجسمه علم و کمال و حفید عالم ربانی و آیت سبحانی حاج شیخ محمد حسین نجفی هستند که دارای کرامات و مقامات معنوی بوده و مرحوم آیه الله حاج آقا نور الله اصفهانی کتابی در شرح زندگانی آن بزرگوار و حالاتش نوشته است»^(۲).

۶- علامه مهدوی رحمته الله علیه در کتاب «دانشمندان و بزرگان اصفهان» در شرح حال پدرشان بعد از ذکر رساله امجدیه می‌نویسد: «امجدیه در اعمال ماه رمضان به نام فرزندش عالم زاهد ورع مجد العلماء»^(۳).

۷- همچنین علامه مهدوی در «تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر» چنین می‌نگارد: «مرحوم مجد العلماء رضوان الله علیه: عالم عامل و فقیه کامل و مفسر ادیب، جلیل القدر، عظیم المنزلة، استاد ریاضی و هیئت، جامع معقول و منقول، حاوی فروع و اصول، از مدرسین خارج فقه و اصول در مدرسه

(۱) روزنامه عرفان - فروردین ماه ۱۳۲۲ هجری شمسی .

(۲) گنجینه دانشمندان ۵ / (۳۸۶ - ۳۸۴) .

(۳) دانشمندان و بزرگان اصفهان / ۳۲۹ .

مرحوم ثقة الاسلام عموی والد بزرگوارشان، و امام جماعت مورد وثوق قاطبه طبقات اجتماع در مسجد نو بازار، آثار زهد و تقوی از سیمای او نمودار که ﴿سیماهم فی وجوههم من أثر السجود﴾ بیشتر از چهل سال پس از فوت پدر در مسجد ایشان در ظهر و شب اقامه جماعت می نمود و عده کثیری از مؤمنین حضور به جماعتش را غنیمت می شمردند»^(۱).

۸- آقای دکتر محمد باقر کتابی در «رجال اصفهان» در ضمن شرح حال پدر ایشان مرقوم می فرمایند: «... شیخ قبل از ظهرها در مسجد نو بازار تدریس می نمود و بسیاری از فضلاء اصفهان به درس او حاضر می شدند و در همان مسجد اقامه جماعت می نمود و بعد از ایشان فرزند ارشدشان آیه الله مجد العلماء به اقامه جماعت می پردازند و در مدرسه مرحوم حاج شیخ محمد علی نجفی هم به تدریس اشتغال دارند، مخصوصاً درس هیئت ایشان بین طلاب معروف است»^(۲).

۹- علامه محقق آقای سید حجة موحد ابطحی می نویسد: «از آثار ارزشمند شخصیت آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی فرزند برومندشان مرحوم آیه الله حاج شیخ مجد الدین نجفی ملقب به مجد العلماء متوفی ۱۴۰۳ قمری می باشد که مجتهدی مدرس و عالمی متواضع بودند و از علماء جلیل القدر در حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند و در مدرسه مرحوم حاج شیخ محمد علی و نیز مسجد نو بازار در رشته های فقه و اصول و تفسیر و ریاضی و هیئت تدریس می نمودند و شخصیتی جامع کمالات به شمار می رفتند»^(۳).

۱۰- و همچنین در معرفی مدرسه آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد علی نجفی معروف به ثقة الاسلام طاب ثراه و مدرسین والا مقام آن می فرماید: «مدرس و مجتهد بزرگوار مرحوم حاج شیخ مجد الدین نجفی متوفای ۱۴۰۳ قمری

(۱) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۱۶۳/۳.

(۲) رجال اصفهان ۲۱۵/۱.

(۳) ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان ۵۱۰/۱.

که از چهره‌های مشهور و از مدرسین جامع در زمینه فقه و اصول و هیئت و ریاضی بوده‌اند»^(۱).

مجالس تدریس و برخی از شاگردان

از ابتدای جوانی ایشان به تدریس اشتغال داشتند و دروس مختلف فقه و اصول و تفسیر و کلام و ریاضی و هیئت را تدریس می‌نمودند، و اشتهار ایشان به این دو علم اخیر یعنی ریاضی و هیئت بگونه‌ای بود که برخی از مدرسین از قم به جهت درس ایشان به اصفهان می‌آمدند.

و تدریس کتابهائی نظیر خلاصه الحساب شیخ بهائی و مجسطی و تحریر اقلیدس و اُکر و مانند آن در اصفهان منحصر به ایشان بود.

صاحب این قلم بخوبی به یاد دارم که در یکی از سالهای پس از فوت معظم له به جهت استجازه در نقل روایت به محضر آیه الله آقای حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی رحمته الله علیه رسیدم، ایشان با توجه به اینکه خود علم هیئت را تدریس می‌کرد از مرحوم آیه الله مجد العلماء رحمته الله علیه به بزرگی و عظمت یاد نمود و ایشان را در علم هیئت مقدم بر خود دانست و استدلال فرمود که وی هم هیئت قدیم و هم هیئت جدید هر دو را باهم دارا بود و می‌دانست، رحمة الله علیهما.

دروس ریاضی ایشان ابتداء در مسجد جامع عباسی (امام) تشکیل می‌شد و پس از آن در مدرسه ملا عبدالله تستری در اول بازار و دروس هیئت و تفسیر در مسجد نو بازار منعقد می‌گردید و درس خارج فقه و اصول ایشان در مدرسه عمویشان مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد علی نجفی منعقد می‌گردید.

(۱) همین مصدر ۱۵۲/۲.

و از آنجا که تدریس ایشان قریب به نیم قرن ادامه پیدا کرد بسیاری از فضلاء و علمای اصفهان یا اصفهانی یا غیره اصفهانی که برهه‌ای را در این شهر تحصیل نموده‌اند از محضر معظم له استفاده علمی نموده‌اند .

و در ذیل فقط به نام برخی از آنها اشاره می‌شود :

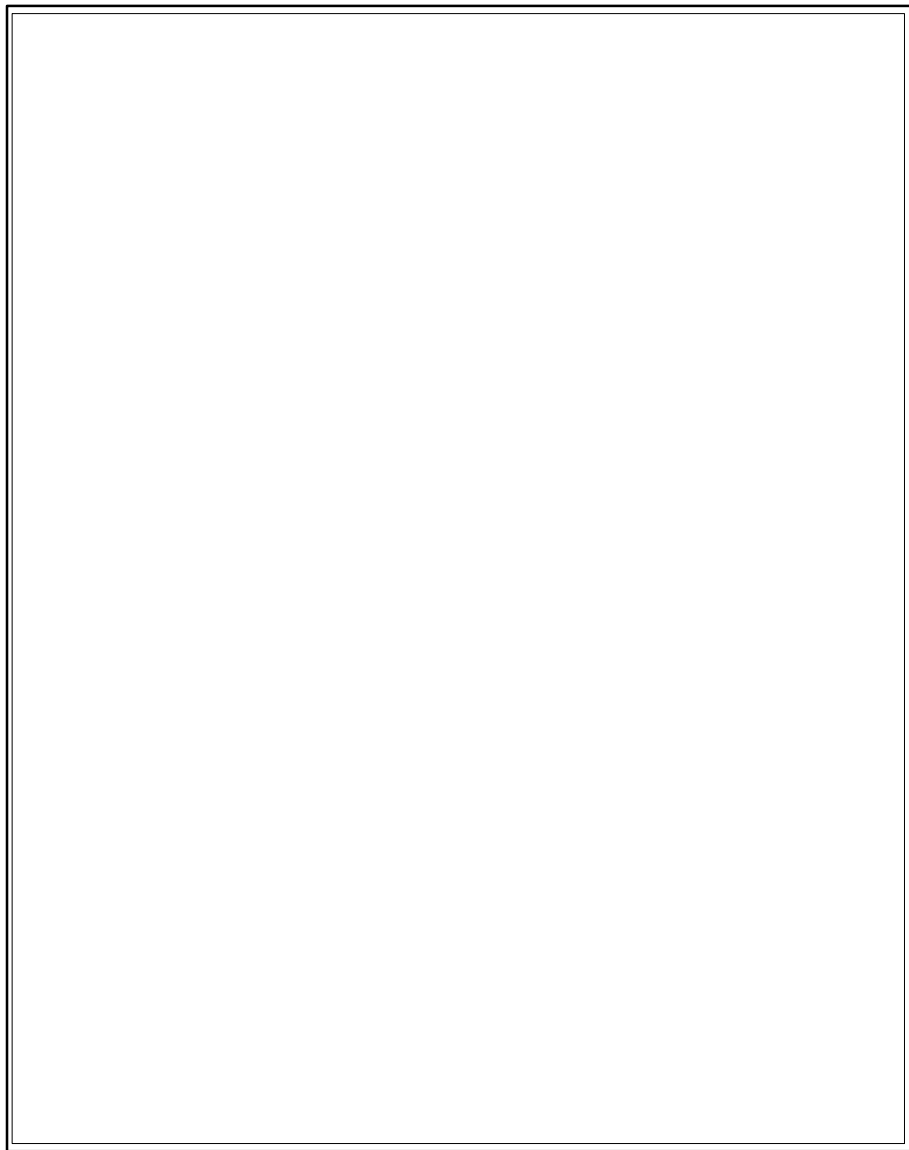
- ۱- علامه حجة آقای حاج شیخ احمد مهدیان .
- ۲- علامه حجة آقای حاج شیخ اسماعیل غروی .
- ۳- آیه الله سید اسماعیل هاشمی طالخونچه‌ای .
- ۴- علامه حجة آقای حاج سید محمد باقر احمدی .
- ۵- علامه محقق آیه الله آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی .
- ۶- آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد تقی مجلسی اصفهانی .
- ۷- آیه الله آقای حاج سید محمد تقی موسوی شفتی ، داماد معظم له .
- ۸- علامه حجة آقای حاج سید حسن حسینی .
- ۹- علامه حجة آقای حاج شیخ حسن دیانی نجف آبادی .
- ۱۰- آیه الله آقای حاج آقا حسن فقیه امامی .
- ۱۱- آیه الله العظمی آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری .
- ۱۲- علامه حجة آقای حاج شیخ حیدر علی جبل عاملی .
- ۱۳- آیه الله آقای حاج شیخ رحمت الله فشارکی از مدرسین حوزه علمیه قم .
- ۱۴- علامه حجة آقای حاج شیخ محمد رضا مداح الحسینی .
- ۱۵- آیه الله آقای حاج شیخ عباس ایزدی نجف آبادی .
- ۱۶- علامه حجة آقای حاج شیخ عبدالرحیم فضیلتی .
- ۱۷- علامه حجة آقای حاج شیخ محمد علی آقائی .
- ۱۸- علامه حجة آقای حاج شیخ علی شمس تویسرکانی .
- ۱۹- علامه استاد علی مشفق صاحب تقویم اوقات شرعی اصفهان .
- ۲۰- علامه حجة آقای سید فضل الله بن ضیاء الدین تجویدی .

- ۲۱- علامه حجة آقای حاج شیخ قاسم کاظمینی .
- ۲۲- علامه حجة آقای حاج سید مجتبی موسوی درچه‌ای .
- ۲۳- علامه حجة آقای حاج سید محمد علی موسوی درچه‌ای .
- ۲۴- علامه حجة آقای حاج سید محمد فقیه احمد آبادی .
- ۲۵- علامه حجة آقای حاج سید محمود امام جمعه زاده خوراسگانی .
- ۲۶- علامه حجة آقای حاج شیخ مرتضی تمنائی .
- ۲۷- علامه حجة آقای حاج شیخ مرتضی شفیع .
- ۲۸- آیه الله آقای حاج شیخ مرتضی مقتدائی .
- ۲۹- علامه حجة آقای حاج سید مرتضی بن علی اکبر هاشمی مولود سال ۱۳۶۴ .
- ۳۰- علامه حجة آقای حاج شیخ مظفر کاظمینی .
- ۳۱- آیه الله آقای حاج شیخ مهدی غیاث الدین مجد الاسلام نجفی نجل جلیل آن مرحوم .
- ۳۲- صاحب این قلم فقیر الی الله تعالی الشیخ هادی النجفی حفید آن مرحوم .
- و بسیاری دیگر از فضلاء و علماء و حتی برخی از اساتید دانشگاهها که این مختصر گنجایش ذکر همه را ندارد و لذا اگر نام کسی از قلم افتاده است از آنها پوزش می‌طلبیم .

تعیین قبله دقیق مصلاهی شهر اصفهان

در هنگام تجدید بنای مسجد مصلی اصفهان که به صورت مصلاهی بزرگ شهر اصفهان در حال ساختمان است در قبله آن اختلاف افتاد و همه علماء مراجعه به ایشان دادند و معظم له به آنجا تشریف برده و با گذاشتن وسائل مورد احتیاج و

محاسبات ریاضی و هیوی قبله مسجد مصلی اصفهان یا مصلای بزرگ شهر اصفهان را با دقت تمام تعیین فرمودند و از آنجا خارج شدند و بعد از تعیین قبله فرموده بودند: اگر یک خط فرضی راست از این نقطه در داخل مصلی بتوان رسم کرد مستقیماً به میان کعبه برخورد خواهد نمود.



تالیفات

از معظم له مصنفات و مؤلفاتی به یادگار مانده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- ایرادات و انتقادات بر دائرة المعارف فرید وجدی .

۲- ترجمه « نقد فلسفه داروین » از عربی به فارسی .

این کتاب از والد معظم له آیه الله شیخ محمد رضا نجفی طاب ثراه است . و به درخواست مؤلف توسط فرزندشان به زبان فارسی ترجمه می‌شود ، ترجمه بسیار سلیس و روان و زیبا انجام گرفته است و قسمتی از آن توسط آقای استادی در سی مقاله / ۳۴۱ معرفی و به چاپ رسیده است .

۳- حاشیه روضات الجنات .

برخی از آن با حاشیه والدشان بر روضات در اعلاط الروضات به طبع رسیده است و قسمتی دیگر از آن لا یزال مخطوط است .

۴- حاشیه سمط اللال فی مسالتي الوضع والاستعمال .

به همراه متن کتاب در سال ۱۴۱۳ در قم مقدسه توسط مؤسسه آل البيت علیهم السلام چاپ و منتشر گردید .

۵- حاشیه وقایة الازهان .

به همراه متن کتاب در سال ۱۴۱۳ در قم مقدسه توسط مؤسسه آل البيت علیهم السلام چاپ و منتشر گردید .

۶- دروس فی فقه الامامیه (کتاب الصلاة و کتاب الصوم) .

این کتاب متن دروس بحث خارج فقه ایشان است که بر فضلاء و علماء در مجلس درس القاء می‌گردیده است و توسط معظم له ثبت و ضبط شده است .

۷- رساله‌ای در شرح حال جدشان آیه الله آقای حاج شیخ محمد حسین

نجفی اصفهانی .

صاحب تفسیر مجد البیان که قرار بود بعنوان مقدمه تفسیر قرار گیرد که چنین نشد و لا يزال مخطوط است .

۸- رساله‌ای در احوالات والدشان آیه الله ابوالمجد شیخ محمد رضا نجفی

اصفهانی .

که در مقدمه رساله امجدیه / ۵ طبع سوم منتشر شده است .

۹- رساله‌ای در احوالات و شرح حال خودشان .

که در مقدمات رساله امجدیه / ۱۳ با اضافاتی به طبع رسیده است .

۱۰- صرف افعال .

رساله‌ای است که در کودکی در علم صرف تدوین نموده‌اند .

۱۱- الفوائد الرضویة فی شرح الفصول الغرویة .

در هنگامی که در نزد والدشان مشغول قرائت کتاب فصول عمویشان مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد حسین اصفهانی حائری رحمته الله در علم اصول بوده‌اند این حواشی را بر فصول زده و تحت این نام تنظیم فرموده‌اند .

۱۲- گل گلشن .

گلشن راز از سروده‌های شیخ محمود شبستری عارف و شاعر مشهور است ، معظم له گلشن راز را تحت این نام تلخیص نموده‌اند .

۱۳- المختار من القصائد والاشعار .

در سال ۱۴۰۹ به تحقیق علامه محقق حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید احمد حسینی اشکوری در قم مقدسه به طبع رسید .

۱۴- الیواقیت الحسان فی تفسیر سورة الرحمن .

در همان سال ۱۴۰۹ به تحقیق صاحب این قلم و به همراه شرح حالی مبسوط از ایشان ، و مقدمه‌ای از آیه الله والد طاب ثراه در قم مقدسه با عنوان قبلی در یک مجلد به طبع رسید .

البُؤَافِيَةُ الحَسَنَاءُ

فِي تَقْسِيمِ سُورَةِ الرَّجْمِ

و

الحَبَابُ

مِنَ الْقَطَائِدِ وَالْأَشْعَارِ

تَأليف:

العلامة الفقيه آية الله العظمى

الحاج الشيخ محمد الدين التيجاني الإصفيهاني (ره)

(١٢٢٦ - ١٤٠٣)

نمونه‌ای از اشعار

اشعاری فراوانی از حفظ داشتند و به مناسبت قرائت می‌کردند و خودشان نیز گاهی شعر می‌سرودند، نمونه هائی از اشعاری ایشان چند بیت زیر است که از کتاب «المختار من القصائد والاشعار» و برخی دیگر از مؤلفات معظم له استخراج گردیده است.

آنچه ندارد عوضی در جهان عمر عزیز است غنیمت بدان
و همچنین در ترجمه ابیاتی از لامیه العجم فرموده‌اند:
اگر در مکان بود عزّ و خوشی همیشه بدی شمس اندر حَمَل
اگر برتری جست پستر زمن مرا اسوه باشد به شمس و زحل
یگانه رجل در جهان آن کس است که تعویل نارد بدیگر رجل
همانا وفا رفت و غدر آمده است مسافت بود بین قول و عمل^(۱)

امامت جماعت

بعد از ارتحال والد ماجدشان رسماً امامت جماعت مسجد نو بازار را بر عهده گرفته‌اند و این وظیفه را تا موقع وفات ۲۰ ذی الحجة ۱۴۰۳ یعنی بیشتر از ۴۵ سال به أحسن وجه به انجام رساندند.

مرحوم علامه مهدوی در مورد امامت جماعت ایشان می‌نویسد: «مرحوم مجد العلماء از سالی که پدر بزرگوارش وفات یافت (۱۳۶۲) تا موقع وفات بغیر از ایام مسافرت ظهر و شب در مسجد نو بازار اقامه جماعت نموده و عده‌ای از

(۱) المختار من القصائد والاشعار ۱۱۳/۱ و ۱۱۴.

مؤمنین و مقدسین به نماز ایشان حاضر شده و به فیض و ثواب نائل می‌شدند بالاخص در ایام ماه مبارک رمضان که نماز جماعت مسجد نو و منبر واعظین آنجا عنوان و شهرتی داشت و مردم از عموم محلات بدانجا رفته و در نماز و استفاده از مواعظ شرکت می‌نمودند»^(۱).

و در جلد دیگری از کتابش چنین می‌نگارد: «تزیینات مسجد (یعنی مسجد نو) از حیث کاشیکاری تا این اواخر ناقص بود و در سالهای اخیر در زمان امامت مرحوم مجد العلماء قسمت عمده نمای مسجد قسمت جنوبی و غربی به بهترین صورت کاشیکاری شده و خود مرحوم مجد العلماء نیز در ایوان کوچک شمالی مدفون گردید، رحمة الله علیه»^(۲).

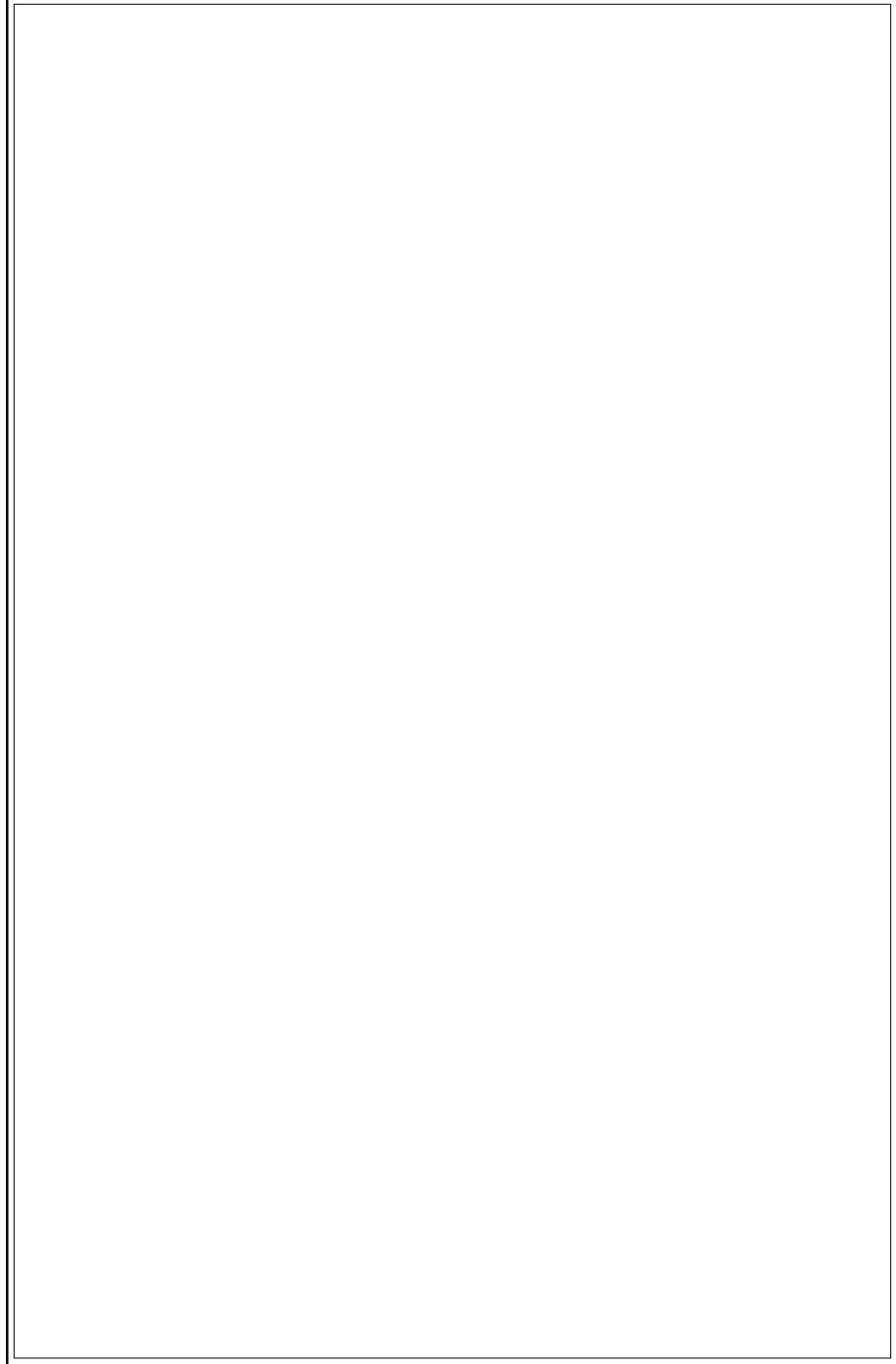
بعد از ارتحال مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ مهدی نجفی مسجدشاهی علیه السلام^(۳) در شب یکشنبه پنجم ماه صفر سال ۱۳۹۳ در اصفهان که نماز بر جنازه معظم له نیز توسط آیه الله مجد العلماء نجفی طاب ثراه اقامه گردید. اقامه جماعت در مسجد جامع عباسی (امام) را نیز بر عهده می‌گیرند و این مهم نیز تا پایان عمر با برکتشان ادامه دادند.

متذکر می‌گردیم که امامت مسجد جامع عباسی (امام) از اندکی بعد زمان ورود جد اعلاایشان مرحوم آیه الله العظمی آقای شیخ محمد تقی رازی نجفی اصفهانی صاحب هدایة المسترشدين به اصفهان یعنی قبل از سال ۱۲۲۵ ق تاکنون که سال ۱۴۲۲ ق است قریب به دو قرن است که بر عهده این بیت جلیل می‌باشد و به همین مناسبت یعنی امامت در این مسجد نیز به این خانواده اطلاق «مسجد شاهی» می‌شده است.

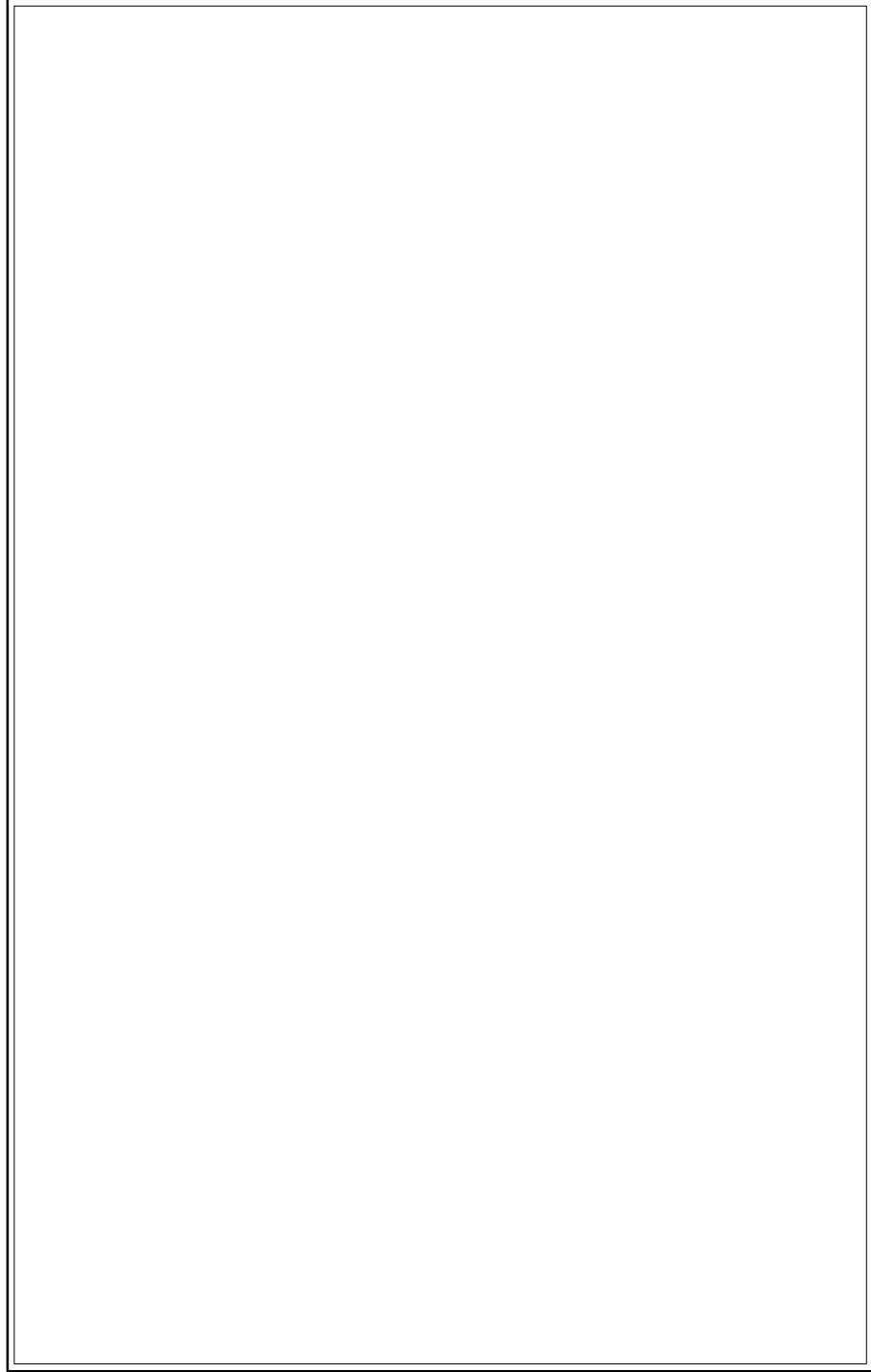
(۱) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۴۱۸/۲.

(۲) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۳۲۱/۳.

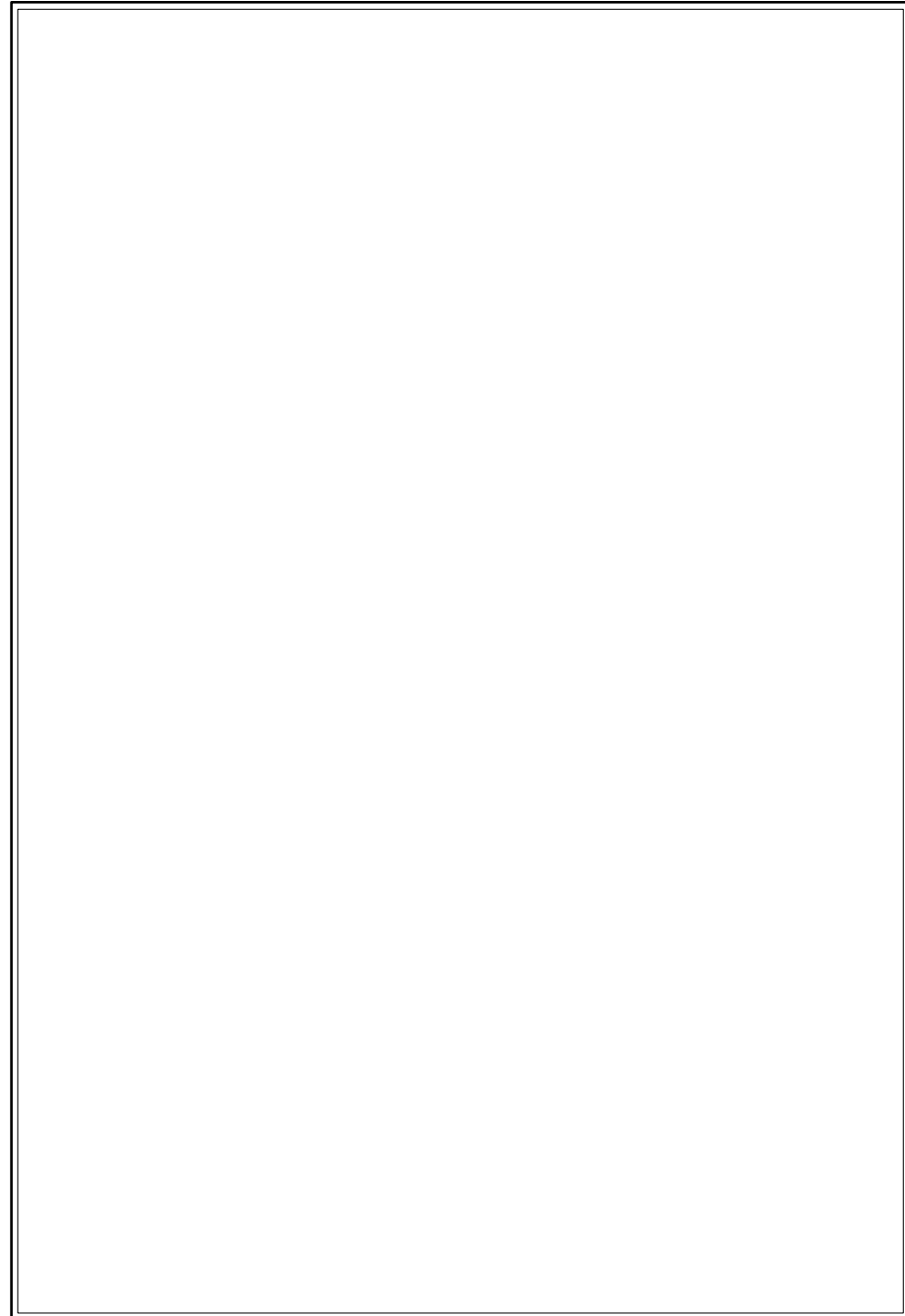
(۳) شرح حال آن اسوه تقوی و فضیلت را می‌توانید در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۱۷۰/۳ بیابید.



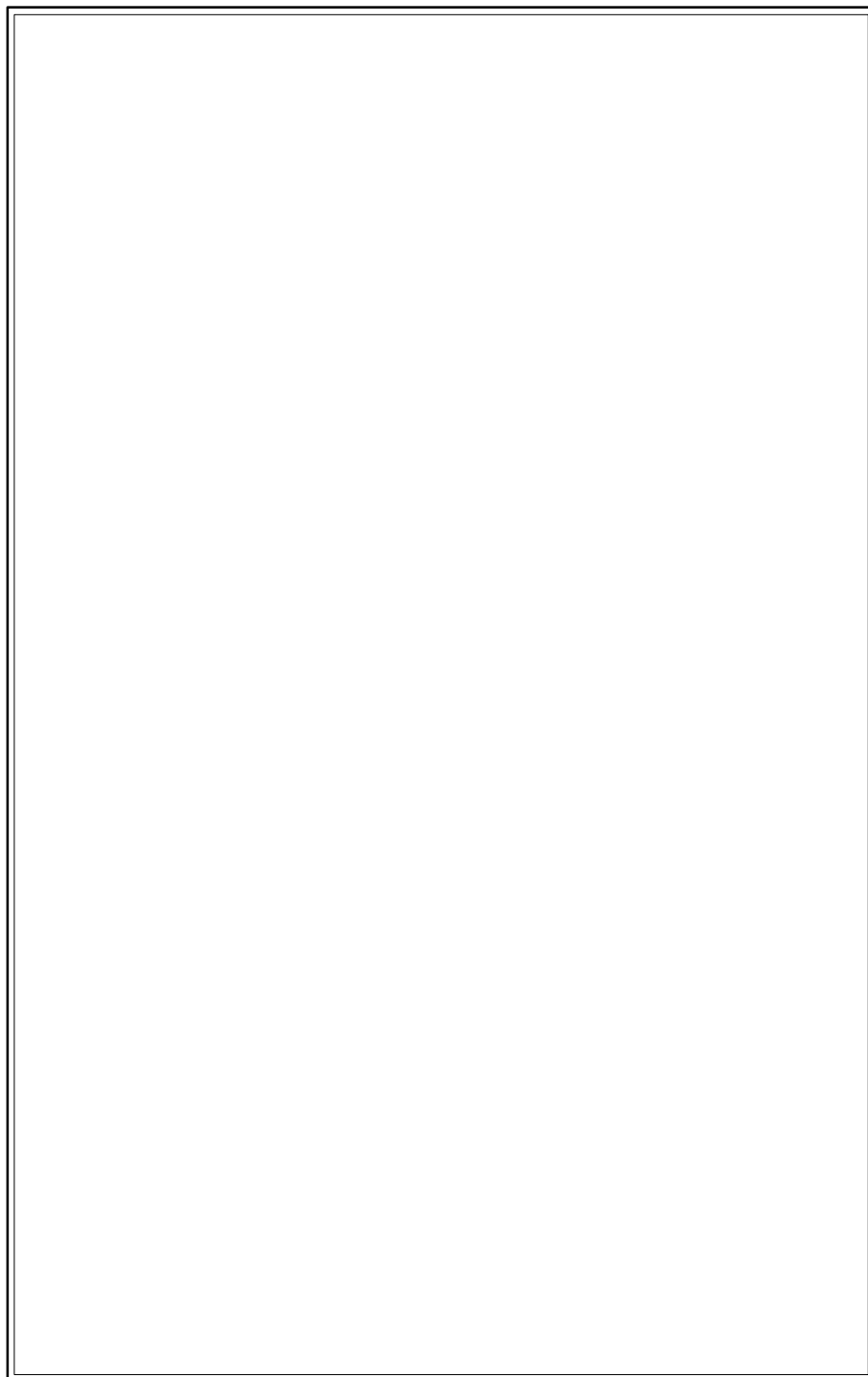
نماز جنازهٔ مرحوم آية الله آفای حاج شیخ مهدی نجفی (قدس سره)
توسط آية الله آفای مجد العلماء نجفی (طاب ثراه) در مسجد شاه اصفهان



آية الله مجد العلماء نجفی در سن ۴۸ سالگی در جشن افتتاح دبیرستان هراتی اصفهان



آية الله مجد العلماء نجفی در سن ۵۲ سالگی و در پشت عکس خود چنین مرقوم فرموده‌اند:
این عکس ناچیز خود را به فرزند عزیزم آقای مهدی نجفی ملقب به غیاث الدین طال عمره و
بقاه وجعل اباه فداه تقدیم داشتم ۷ / ۲ / ۳۷ کتبه الاحقر مجد الدین النجفی



آیه الله مجد العلماء نجفی در جمعی از علماء در سن حدود ۶۵ سالگی

اخلاق و مردمداری

معظم له مؤدب به اخلاق اسلامی و آداب قرآنی بودند و در این راه پیروی رسول الله ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام را می‌کردند، در رفع قضاء حوائج عامه و به خصوص اهل علم و طلاب علوم دینی و فضلاء به قدر توان خویش کوشا بودند. اکنون که قریب بیست سال از فوت آن مرحوم سپری شده است عده‌ای از مردم و کسبه و فقراء و طلاب و اهل علم نوع برخوردهای خوب ایشان را برای حقیر نقل نموده و از وی به بزرگی و عظمت یاد می‌نمایند و برای ایشان طلب رحمت و مغفرت می‌کنند، حشره الله تعالی مع اولیائه محمد و آله علیهم السلام.

همسر

همسر ایشان: علویه حاجیه خانم زینت آقا بنت مرحوم آیه الله آقای سید محمد هادی ابن سید عبدالوهاب صدر العلماء حسینی شمس آبادی اصفهانی است.

مرحوم صدر العلماء عالمی غیور و فاضل و جامع و متنفذ در اصفهان و خصوصاً محل شمس آباد بود و مسجدی در محله شمس آباد در کوچه حاج زرگرباشی ساخت و در آنجا نیز تا آخر حیات به جماعت می‌پرداخت و آن مسجد نیز اکنون به نام خود ایشان به مسجد صدر العلماء شهرت دارد.

شجره نامه آن مرحوم به قرار ذیل است:

سید محمد هادی بن عبدالوهاب بن محمد بن مهدی بن محمد بن علی بن ابی القاسم بن مؤمن بن حسین بن عباد بن طاهر ملقب بابی الفتح بن حبیب الله بن حسین بن غیاث ملقب به غیاث الاسلام بن محمد بن شمس الدین بن حبیب الله بن باقر بن نجیب الدین بن محمد بن ناصر ملقب به ناصر الدین بن مرتضی بن علی بن

حسین بن پادشا بن حسن بن پادشا بن عبدالله بن عقیل بن ابی طالب بن حسین بن جعفر بن محمد بن ابی جعفر محمد سید الأکبر ابن ابی محمد حسن ابن ابی عبدالله حسین الاصغر ابن سید الساجدین زین العابدین علی ابن ابی عبدالله الحسین الشہید ابن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیہم السلام .

آیة الله سید محمد هادی صدر العلماء بعد از یک عمر تلاش و خدمت به مذهب و شریعت و رفع قضاء حوائج عامه خصوصاً در دوران استبداد رضا خانی در سال ۱۳۲۱ هـ. ش در اصفهان چشم از جهان فانی بست و پیکرش با تشیع شایسته‌ای در مقبره خانواده گیش در تخت فولاد اصفهان جنب تکیه آقا حسین خوانساری که به نام خود ایشان تکیه صدر العلماء یا صدر هاشمی نیز نامیده می‌شود مدفون گردید، رحمة الله علیه .

فرزندان

مرحوم آیة الله مجد العلماء نجفی طاب ثراه دارای ۹ فرزند شدند، پنج دختر که همگی ازدواج نمودند و خود صاحب فرزندان و نوادگان متعدد هستند و چهار فرزند ذکور:

- ۱- بزرگترین اولاد ذکور ایشان آیة الله آقای حاج شیخ مهدی غیاث الدین مجد الاسلام نجفی رحمته هستند که شرح حال ایشان در فصل بعدی خواهد آمد .
- ۲- جناب آقای مهندس محمد رضا نجفی حفظه الله تعالی ^(۱).

(۱) آقای مهندس محمد رضا نجفی در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۳ در اصفهان متولد شد، دیپلم ریاضی را در سال ۱۳۴۲ در دبیرستان سعدی اصفهان گرفت پس از آن برای ادامه تحصیلات به تهران رفت و در دانشگاه صنعتی امیر کبیر فعلی در رشته مهندسی مکانیک در سال

۳- جناب آقای دکتر محمد نجفی حفظه الله تعالی^(۱).

⇒ ۱۳۴۶ موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس گردید. در همان سال به اصفهان مراجعت کرد و در کارخانه ذوب آهن اصفهان که تازه مشغول تأسیس آن بودند به خدمت پرداخت و یکی از بنیانگذاران اولیه ذوب آهن در ایران محسوب می شود.

و بعلاوه علاقه وافر به تدریس از همان سالهای ورود به اصفهان در دانشگاههای مختلف دولتی و ملی و آزاد در رشته های مختلف تدریس نموده و در سال ۱۳۷۹ بعنوان استاد نمونه دانشگاه معرفی شد.

تا کنون چند کتاب در زمینه های فنی و دهها مقاله علمی و مصاحبه های مختلف با ایشان در جرائد و روزنامه ها منتشر شده است و به بیش از بیست کشور دنیا مسافرت نموده و در سمینارهای علمی بین المللی و جهانی زیر نظر سازمان ملل متحد دعوت می شود. و دارای درجه علمی MS از آمریکا است. در حال حاضر رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت بین المللی انفورماتیک سیستم آوران (باسا) و کارشناس رسمی دادگستری و استاد نمونه دانشگاه است.

(۱) آقای دکتر مهندس محمد نجفی در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۳۰ در اصفهان به دنیا آمد در خرداد ماه ۱۳۵۰ دیپلم ریاضی خود را در دبیرستان سعدی اصفهان گرفت و در سال ۱۳۵۱ برای ادامه تحصیلات به امریکا مسافرت کرد، در خرداد ماه ۱۳۵۵ موفق به اخذ مدرک دانشنامه مهندسی در رشته راه و ساختمان (عمران) از دانشگاه فنی تگزاس گردید.

در سال ۱۳۵۶ به وطن خود ایران بازگشت و در سمتهای مختلف مشغول خدمت گردید پس از ده سال مجدداً به امریکا برگشت و تحصیلات خود را ادامه داد و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس از دانشگاه پردو در سال ۱۳۶۸ شد.

پس از آن باز تحصیلاتش را ادامه داد و در سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ درجه دکترای مهندسی از دانشگاه فنی لوئیزیانا شد، از همان سالها بعنوان استاد در دانشگاههای امریکا تدریس می کند، تا کنون چند کتاب در زمینه های فنی و مقاله های مختلف علمی از ایشان در مجلات و جرائد بین المللی منتشر شده است.

در حال حاضر در رشته خود بعنوان پرفسور خوانده می شود و استاد نمونه دانشگاه کلمبیا است.

۴- حسین نجفی که در طفولیت در سال ۱۳۳۲ هـ.ش از دنیا رفته است و در تکیه صدر العلماء جنب مادرش مدفون است .

وفات و تشییع و مدفن

معظم له با اینکه همواره ساکن اصفهان بودند، ولی چند روز قبل از ارتحالشان به قصد معالجه چشمهایشان که یکی از آنها بکلی نابینا و دیگری نیز فقط شبیهی را می‌دید به تهران مسافرت کرده بودند، و لذا ارتحالشان نیز در منزل دخترشان در قلعهک تهران در صبح روز چهارشنبه ۲۰ ذی الحجة الحرام ۱۴۰۳ ق برابر با ۶ مهرماه ۱۳۶۲ ش واقع گردید .

جسم مطهر صبح روز پنج شنبه به اصفهان رسید، بازار شهر اصفهان به احترام ارتحال این عالم ربانی یکسره تعطیل و سیاهپوش گردید، مردم دسته دسته به طرف منزل ایشان حرکت نمودند، جنازه شریفه در منزل مسکونی ایشان واقع در پشت میدان جامع عباسی (امام) غسل داده شده و با انبوه مشیعین از منزل به مسجد جامع عباسی (امام) و از آنجا تا مسجد نو بازار تشییعی شایسته و انبوه گردید .

در مسجد نو بازار توسط مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ حیدر علی محقق^(۱) مدینه

(۱) آیه الله حاج شیخ حیدر علی محقق از مجتهدین و اساتید درس خارج فقه و از دوستان معظم له و از شاگردان مرحوم پدرشان آیه الله ابی المجد شیخ محمد رضا نجفی بودند در سال ۱۳۲۶ در روستای آدرمناباد از منطقه برخوار اصفهان به دنیا آمد، ادبیات را از آقایان محمد علی فرقانی و محمد باقر قمیسه‌ای و محمد علی عالم فراگرفت، قوانین را از آقا شیخ محمد حکیم خراسانی و آقا شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی، شرح لمعه را در نزد آقا شیخ علی یزدی و رسائل را در نزد سید مرتضی خراسانی خواند، قسمتی از کفایه را در نزد آقا سید مهدی درچه‌ای و قسمتی دیگر را از محضر آقا سید محمد نجف آبادی بهره برد، اساتید خارج ایشان عبارتند از: آیات عظام: ابوالمجد شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی که بحث ایشان را تقریر نموده و نوشته است، آقایان سید علی و سید محمد نجف آبادیان،

⇒ مدتی نیز در قم در نزد آیات عظام ثلاث صدر و خوانساری و حجت بهره برده است، و همچنین مرحوم آیه الله بروجردی، و پس از آن به نجف نیز رفته و از محضر آیات عظام: آقا میرزا ابراهیم اصطهباناتی، سید محمود شاهرودی، شیخ محمد کاظم شیرازی، و آقا سید جمال الدین گلپایگانی مستفیض شده است.

پس از آن به اصفهان مراجعت و مشغول تدریس سطوح و خارج فقه در مدرسه نیم آورد و اقامه جماعت در مسجد ذوالفقار بازار اصفهان گردید، و در سالهای اخیر حیاتش در اصفهان شیخ العلماء محسوب می‌گردید.

در روز پنجشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۷۹ برابر با ۹ جمادی الاولی ۱۴۲۱ دارفانی را وداع گفت و با تشییعی شایسته در فردای آن روز جمعه در جوار مرقد صاحب بن عباد واقع در میدان طوقچی اصفهان مدفون گردید.

شاعر توانا آقای فضل الله اعتمادی متخلص به برنا مرثیه بلندی را در مورد معظم له گفته‌اند که به جهت حرمت و مظلومیت و درج در تاریخ در اینجا یادآور می‌شویم.

به چشم سرزجهان عالمی مُعمر رفت	به چشم جان زتن و جسم مرڈمی سرف رفت
بشد زامر به معروف آمری معروف	ویا که ناهی نامی نهی منکر رفت
زگنج علم و عمل شد دُری ثمین پنهان	زُرج فضل و فنون اختری مُنور رفت
ستوده آیت حق مقتدای اهل وَرَع	سترک فاضل صالح نواز کشور رفت
مهین مُدبر دانش پژوه شد زجهان	بهین مربی دانای علم پرور رفت
کسی که درک حضورش تسلی دلها	برای مردم غم دیده بود و مضطر رفت
کسی که رد مظالم نمی‌گرفت ز خلق	نبود ضامن رفع معاصی و شرف رفت
محقق آنکه زلاطایلات دیده به بست	نمود از سخن یاوه گوش خود کر رفت
محقق آنکه فراموش لحظه‌ای ننمود	که آگه است از اعمال هرکه داور رفت
محقق آنکه نگردید یک زمان غافل	ز فکر برزخ و روز حساب و محشر رفت
محقق آنکه بکوشید تا که ننماید	زحرف یا عملش خاطری مکدر رفت
محقق آنکه نبود حُب منصبش در دل	نه فکر مکنت و مالش فتاد درس رفت
محقق آنکه زصه‌بای صبر و استغنا	گرفت از کف ساقی مُدام ساغر رفت
محقق آنکه به یک خانه ساکن دو اطاق	برای مسکنت خویش بود و همسر رفت

←

⇒ محقق آنکه همه ثروتش زمال جهان محقق آنکه چنان شد عجیب به مهر علی نهاد دیده بهم گرجسارتی میدید محقق آنکه به ازمال یک جهان دانست صفا و خرمی و فَرُ زَنیم نیم آورد چو شد به جانب عقبی محقق از دنیا نبود واعظ تنهای رد خمس و زکات نبود ناصح تنهای حد ریش و سیل فراز آن زپی منع غصب و سرقت شد بسان صاعقه آن سائق از ریا آشفست بسی به پشت تریبون جلسه‌های سخن به رزم ظلم به حیوان و نبش قبر و ربا بشد زدین محمد مبلغی زجهان علی همان که پی درک حضرت اعلاش علی همان که بدون دریغ جان برکف علی همان که نه تنها بعرضه‌های مصاف برای حفظ نبی نیز بهر کشته شدن علی همان که به شب بهر حمل قوت فقیر علی همان که مسلمان راستین میخواست خلاصه حضرت حیدر علی محقق فحل عزای فاطمه شد با عزای او توائم مرید شیخ محمد رضا که چندین سال ابو تقی و ابو المجد فاضل نجفی کسی که عالم اسلام ناب احمد بود کسی که در پی عنوان زاهل دانش از او کسی که صیت کمال و درایت و ادبش

کتاب و جنگ ولغت‌نامه بود و دفتر رفت که بود تالی بن یاسر و اباذر رفت بدان طریق که بر مالک بن اشتر رفت غبار موزه پای یسار قنبر رفت به همرهی امامی نام آور رفت صفا و خرمی و فَرُ زَنیم دیگر رفت و یا فقط پی تشریح گُربه منبر رفت و یا همیشه به منبر برای معجز رفت بر آن به نهی دروغ و زنا مکرر رفت در ابر تند روی او بسان تندر رفت برای رفع گرانی و سد معبر رفت به جنگ جور به همسایه بی حد و بر رفت سمی و هم لقبی با علی حیدر رفت زحد خویش تفکر برون و برتر رفت بهر کجا زپی یاری پیمبر رفت بمثل خندق و بدر و حنین و خیبر رفت بجای ابن عم خود درون بستر رفت زشهر جانب ویرانه‌ها مکرر رفت نه دین نهاد و به دنبال کشور و زر رفت که بود حاجی و شیخی فخیم و سرور رفت که گاه ماتم خیر النساء اطهر رفت به درس و حوزه آن فحل نیک محضر رفت که چون زدار جهان شد زعلم یاور رفت چو رفت، آگه آئین بکر جعفر رفت سخن زجامع و از اوستاد اکبر رفت زاصفهان به بلاد جهان سراسر رفت

←

بر ایشان نماز خوانده شد و همانجا در ایوان شمال شرقی به خاک سپرده شدند .

⇒ کسی که از شجر کاشف الغطاء کبیر مدرسی که زگیتی برفت و همره او حفید زاده شیخ فقیه ایوان کی بلی محقق عالم زمان کسب علوم ویا بجمع تلامیذ او پی تحصیل برای دیدن اینگونه اوستادان نیز رواق قُبه صاحب مزار مضجع اوست بزرگ صدر خردمند کافی الکفات ستوده زاده عباد فاضل ، اسماعیل همو که تا سوی دیگر سرا نمود سفر همو که در صله مدح دودمان رسول همو که عید غدیر از حوالتش صدها همو که بود زنواب عام معصومین همو که یکصد وچهل ویک هزار جلدکتاب همو که افصح مردان فارس بود و عرب گرایشش زیست چو شد بلفظ عرب خلیفه کرد در امرش سکوت روباهی اصولی عادل رافضی که در هرجا بعهد دیلمیان اُسوه لیاقت بود در امر منصب خود جوهری موحد بود کسی نبود سلیمان عهد و دوره او کنار مرقد این صاحب از محقق فحل دگر پدید شود ، همچو او معاذ الله غرض چو ارجعیش در سرای سرمد خواند نوشت از پی تاریخ رحلتش بُرنا

چو شد به دار بقاشاخه ای پراز بر رفت زحجره فَرّ و زمحراب زیب و زیور رفت که شهرتش به سوی باختر زخاور رفت به جلسه های چنین شیخ نام آور رفت چو نجم جانب مشکات مهر انور رفت محقق هم زجهان در سرای دیگر رفت بهم جواری حامی شرع انور رفت که مذهباً به ره شیعیان صفدر رفت که صیت شهرت او تا به چرخ چنبر رفت زقطب های سخا و سداد محور رفت زجانیش سوی مداح دُرچ گوهر رفت برای عیدی و انعام بدره زر رفت به راه یاری مظلوم چون برادر رفت زجور خصم بداندیش از او در آذر رفت زصاحبان زبان دانشش فزون تر رفت زدستگاه خلافت تصدی و فَرّ و رفت به گنج لانه زبیم غضنفر نر رفت پی رضای خداوند دادگستر رفت چو رفت امنیت ونظم ملک ولشگر رفت چو رفت از عرض این مقام جوهر رفت وگرنه زآصف بن برخیا فراتر رفت بزیر خاک رغام مزار پیکر رفت که از فضیلت و زهد و وداد مصدر رفت بسوی سُدره به امر خدای داور رفت « محقق افقه ازهد به نزد حیدر رفت »

انعکاس اخبار ارتحال و مجالس ترحیم

خبر ارتحال مرحوم آیه الله مجید العلماء نجفی طاب ثراه از رادیو و تلویزیون مرکزی و استانی پخش شد و در صفحات اول برخی از روزنامه‌های و جرائد کثیر انتشار وقت نیز درج گردید و در تمام ایران بالخصوص در اصفهان موجب غم و اندوه فراوان گردید. مجالس ترحیم در مساجد مختلف برپا گردید و مردم عزادار دسته دسته برای عرض تسلیت به بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف در مجالس شرکت می‌کردند.

به همین مناسبت از طرف همه مراجع تقلید وقت از نجف اشرف و تهران و قم مقدسه و مشهد مقدس پیامهای تسلیتی برای فرزندگرامی ایشان و بیت معظم له واصل گردید و همچنین نمایندگان جهت شرکت در این مراسم اعزام و ارسال گردیدند که تفصیل آن وقایع و ذکر آن خود دفتر جداگانه‌ای را می‌طلبد.

مراثی و ماده تاریخ

جمعی از علماء و شعراء بعد از ارتحال معظم له اشعاری را در رثاء و ماده تاریخ ایشان به زبان فارسی و عربی سرودند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- آیه الله آقای حاج سید مجتبی میر محمد صادقی طاب ثراه در ابیاتی

چنین سرود:

لهفي لموت البطل العليم	ذي المجد ثم الحسب القديم
أف لدهرٍ يقتطف ثمر الهدى	من دوحة العلم ذي النسب الكريم
فأردت أن أورخ عام وفاته	ليكون تذكرة الاخلاف والحميم
ألحق الى المجموع سبعا ثم قل	« نرجو لمجد العلم مثوى في النعيم »

(۱۳۶۲ هـ. ش)

۲- استاد ادیب آقای علی مظاهری در این مرثیت سرود:

مجد العلماء و مجد دین رفت آن عالم عالم یقین رفت
 آن مظهر زهد و پارسائی آن رهبر راه راستین رفت
 از مجمع عالمان معلم از حلقه زاهدان نگین رفت
 محراب نشین مسجد نو بر منبر عرش از زمین رفت
 آن دم که از این جهان به جنت آن پاک نهاد پاک بین رفت
 تاریخ وفات او رقم شد «رونق ده علم و حصن دین رفت»
 (۱۳۶۲ ه.ش)

و مصراع اخیر که شامل ماده تاریخ است استاد ادیب آقای سید قدرت الله هاتفی سروده اند.

در ضمن این اشعار بر روی سنگی که بر بالای سر مزار مرحوم آیه الله مجد العلماء نجفی طاب ثراه نصب شده منقور است.

۳- شاعر توانا و استاد ادیب آقای فضل الله اعتمادی متخلص به برنا در مرثیه و ماده تاریخ معظم له گوید:

مجد العلماء که مجد دین نامش بود حبّ حقّ و حبّ دین می جامش بود
 آن حبر که کسب فضل و تدریس علوم رسم و روش و سیرت ما دامش بود
 آن عالم عاملی که روحانیت سنخیت خاندان و اقوامش بود
 آن مجتهد مسلمی کاندر فقه دارای اجازات زاعظامش بود
 هم زاده از کیای دانش بابش هم وارث رهبران دین مامش بود
 هم حبّ بتول و مرتضی داشت بدل هم حامی مصطفی و اسلامش بود
 مهر حسن و حسین و اولاد حسین چون جان و روان بجسم و اندامش بود
 در بندگی خدا لیالیش گذشت تعلیم و هدایت کار آیامش بود
 در هر عمل خیر که می کرد قیام کوشا زدل و جان پی اتمامش بود
 نه فکر فریب خلق در سر پرورد نه میل به پیروی او هامش بود

نه ظلم و ستم کسی در اعمالش دید نه نقص و خلاف و غش در احکامش بود
هرجا که شدی زکثرت حسن سلوک هرکس پی احترام و اکرامش بود
گفت ارجعی دعوت حق را لبیک چون وقت فراخواندن و اعزامش بود
برنا پی تاریخ وفاتش بنوشت بیتی که به شمسی جمع ارقامش بود
« مجد العلماء که مجد دین نامش بود حبّ حق و حبّ دین می جامش بود »
(۱۳۶۲ ه.ش)

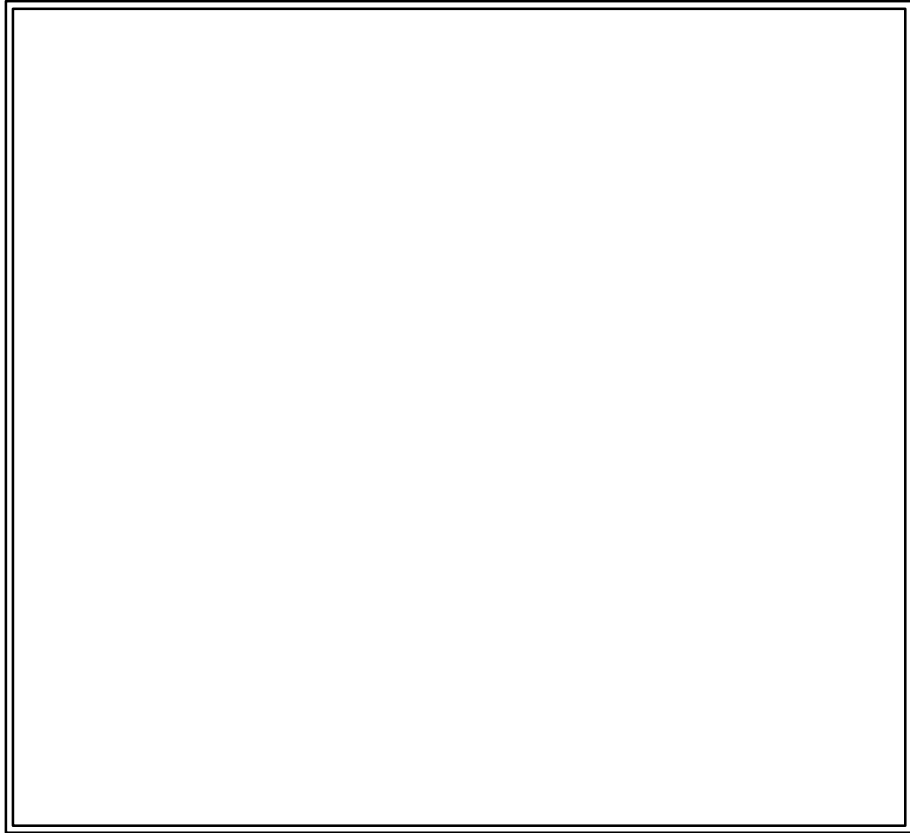
مصادر شرح حال

شرح حال ایشان به قلم خودشان که با تغییرات مناسب بعد از ارتحالشان در رساله امجدیه / (۳۴ - ۱۱) طبع سوم به چاپ رسیده است :

- | | |
|--|---|
| تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۳ / (۱۶۸ - ۱۶۴) و ۲ / (۴۲۵ - ۴۱۷) | وقایع الانهان / (۵۰ - ۴۳) طبع مؤسسه آل البيت عليهم السلام |
| نقباء البشر ۱۰۹۶/۴ | رجال اصفهان دکتر کتابی ۲۱۵/۱ |
| روزنامه عرفان - فروردین ماه ۱۳۲۲ هـ ش بقلم مرحوم معلم حبیب آبادی | ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزة علمیه اصفهان ۱ / ۵۱۰ و ۲ / ۱۵۲ |
| مکارم الآثار ۱۰۹۶/۴ | سی مقاله آقای استادی / ۳۴۳ |
| دانشمندان و بزرگان اصفهان / ۳۲۹ | حاج آقا نور الله اصفهانی ستاره اصفهان / ۱۲۱ |
| گنجینه دانشمندان / ۵ (۳۸۶ - ۳۸۴) | تالیف آقای عباس عبیری |
| اليواقیت الحسان في تفسير سورة الرحمن / (۳۲ - ۱۶) | اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نور الله اصفهانی / ۳۴۰ تالیف آقای دکتر موسی نجفی |

« ٦ »

آية الله استاد آقاي
حاج شيخ مهدي غياث الدين مجد الإسلام نجفي
(١٣٥٤ - ١٤٢٢ ق)



نام - لقب - پدر - مادر - ولادت

نام: مهدی

لقب: از طرف جدشان آیه الله العظمی ابوالمجد آقای شیخ محمد رضا نجفی ملقب به غیاث الدین گردید، و این لقب غالب بر نام شد و مردم ایشان را بدین لقب می‌شناختند.

و از طرف مردم نیز بعد از فوت پدرشان ملقب به مجد الإسلام گردیدند به خاطر بقاء و خلود نام والدشان این لقب را نیز پذیرفتند.

پدر: آیه الله العظمی آقای حاج شیخ مجد الدین (مجد العلماء) نجفی اصفهانی متوفی ۱۴۰۳ صاحب «الیواقیت الحسان فی تفسیر سورة الرحمن».

مادر: علویه حاجیه خانم زینت آقا صدر هاشمی در گذشته بسال ۱۳۴۷ هـ. ش بنت آیه الله سید محمد هادی صدر العلماء حسینی شمس آبادی اصفهانی^(۱) در گذشته بسال ۱۳۲۱ هـ. ش، که پدر و دختر در جوار یکدیگر در مقبره خانوادگی در تکیه اختصاصی واقع در تخت فولاد اصفهان جنب تکیه آقا حسین خوانساری بنام تکیه صدر العلماء یا صدر هاشمی مدفون هستند رحمة الله علیهما رحمة واسعة.

ولادت: در روز ۲۰ ماه صفر المظفر برابر با اربعین امام حسین علیه السلام در سال ۱۳۵۶ برابر با ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ هـ. ش در اصفهان متولد گردید، اکبر اولاد ذکور والدشان بودند و چند سال طفولیت را در کنار جدشان آیه الله ابوالمجد

(۱) شجره نامه ایشان در فصل گذشته یاد شد.

شیخ محمد رضا نجفی طاب ثراه گذرانده و از ایشان خاطراتی را نقل می‌کردند.

تحصیلات

به برکت استعداد و نبوغ ذاتی که خداوند تبارک و تعالی به ایشان عطاء کرده بود، تحصیل و دانش اندوزی را از ایام صباوت شروع نمودند، در دو رشته علوم جدید و علوم حوزوی معاً شروع به تحصیل نموده و در هر یک به مدارج عالی رسیدند که تفصیل هر یک می‌آید:

علوم حوزوی

تحصیل در علوم دینی حوزوی را در زادگاهشان در اصفهان آغاز نمودند، مقدمات علوم ادبیه از صرف و نحو و منطق را در نزد حضرتین شیخ جامی و حاج شیخ غلامعلی حاجی نجف آبادی خواندند.

پس از آن شرایع و شرح لمعه و مطول را از محضر شیخ امان الله قودجانی فرا گرفت، و برخی دیگر از سطوح را از محضر استادش حاج شیخ محمد حسین فاضل کوهانی بهره برد، و منظومه حاجی سبزواری را بر حاج شیخ فرج الله درّی متوفی بسال ۱۳۸۲ خواند.

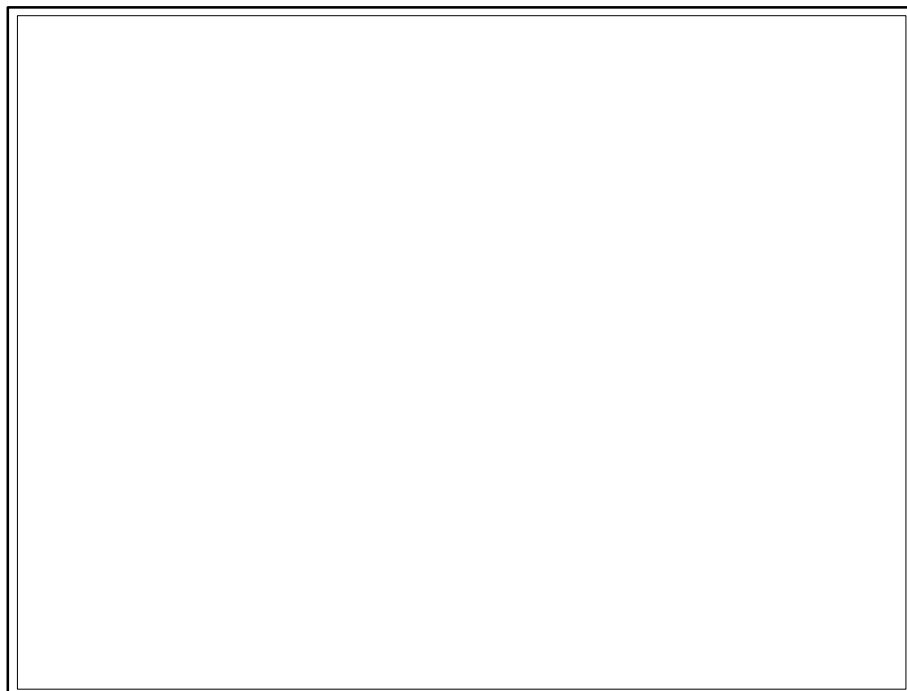
پس از این در سال ۱۳۳۵ هـ. ش به تهران مهاجرت نمود در مدرسه سپهسالار تهران حجره گرفت و به تحصیلات خود به طور جدی ادامه داد چهار سال در تهران در نزد اساتید فن از جمله مرحوم محسنی دماوندی سطوح عالی خود را تکمیل نمود.

در سال ۱۳۳۸ هـ. ش به اصفهان بازگشت و در درس خارج فقه و اصول مرحوم پدرشان آیه الله حاج شیخ مجد الدین نجفی (۱۳۲۶ - ۱۴۰۳ ق) و مرحوم

آیه الله آقای حاج سید علی بهبهانی (حدود ۱۳۰۳ - ۱۳۹۵ ق) شرکت نمود و بهره‌ها برد در علوم حوزویه خصوصاً در دو علم فقه و اصول برخی از آیات عظام و مراجع معظم تقلید تصدیق اجتهاد معظم له را نموده‌اند.

تحصیلات جدید

دبستان را در طفولیت آغاز کرد و در سال ۱۳۲۹ هـ. ش مدرک ششم ابتدائی خود را از دبستان گرفت، و پا به دبیرستان گذاشت، دبیرستان را نیز با جدیت و موفقیت به پایان برد و دیپلم پنج ادبی را به سال ۱۳۳۴ از دبیرستان سعدی اصفهان اخذ کرد، پس از آن شروع به گرفتن دیپلم ششم ادبی نمود و در خرداد سال ۱۳۳۵ از دبیرستان هراتی اصفهانی موفق به اخذ دیپلم شش ادبی یعنی پایان تحصیلات متوسطه شد.



مهاجرت به تهران

در همان سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات به تهران مسافرت نمود در رشته ادبیات عرب دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران ثبت نام کرد و در مدرسه سپهسالار حجره گرفت، تا هم بتواند کلاسهای دانشگاه را طی کند و هم از اساتید موجود در مدرسه سپهسالار جهت ادامه دروس حوزوی خویش بهره برد. در تمام مدت تحصیل چهارساله در دانشگاه تهران رتبه ممتاز را کسب نموده است.

در نشریه اخبار دانشگاه تهران سال سوم شماره ۱۱۴ بتاريخ پنج شنبه هیجدهم دیماه ۱۳۳۷ عکس معظم له که از دست ریاست وقت دانشگاه آقای دکتر فرهاد جایزه می گیرند درج شده است.

همچنین در سال سوم دانشگاه رتبه اول را احراز نمودند و این احراز مقام رتبه اول را دانشگاه تهران در نامه شماره $\frac{۵۳۴۹۷/۱}{۱۳۳۷/۱۲/۱۴}$ به ایشان ابلاغ نمود که عیناً نیز در صفحات بعد درج می شود.

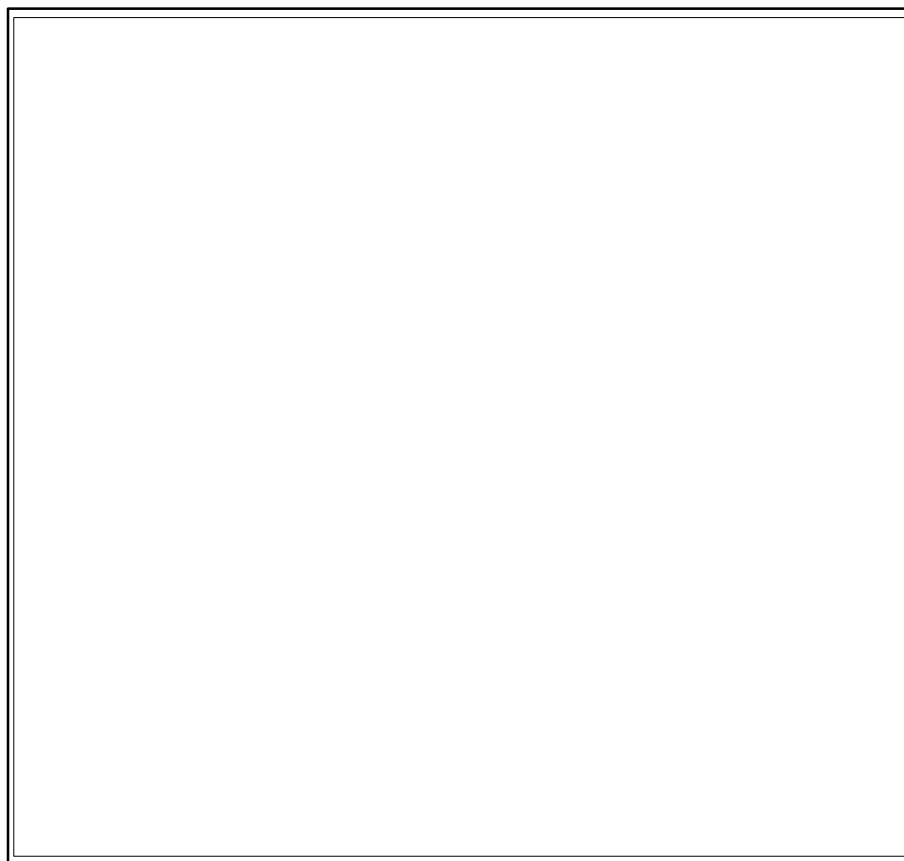
به هر حال در مدت چهار سال تحصیل در دانشگاه تهران از محضر اساتید بزرگ آن وقت دانشگاه بهره های فراوانی برد از آن جمله خودشان از اساتید ذیل نام می بردند:

حضرات اساتید: حکمت آل آقا - بدیع الزمان فروزانفر - میر جلال الدین محدث أرموی - سید کمال الدین نور بخش دهکردی - حاج شیخ حسینعلی راشد یزدی - سید محمد مشکاة - سید محمد باقر سبزواری - سید کاظم معزی - دکتر شیخ مهدی حائری یزدی - محمد جعفر جعفری لنگرودی - دکتر محمود شهابی - شیخ مهدی إلهی قمشه ای - سید محسن صدر الأشراف - سید حسن تقی زاده - حاج شیخ میرزا خلیل کمره ای - عبدالحسین زرین کوب - زین العابدین ذو المجدین -

دکتر محمود نجم آبادی رحمته الله علیه .

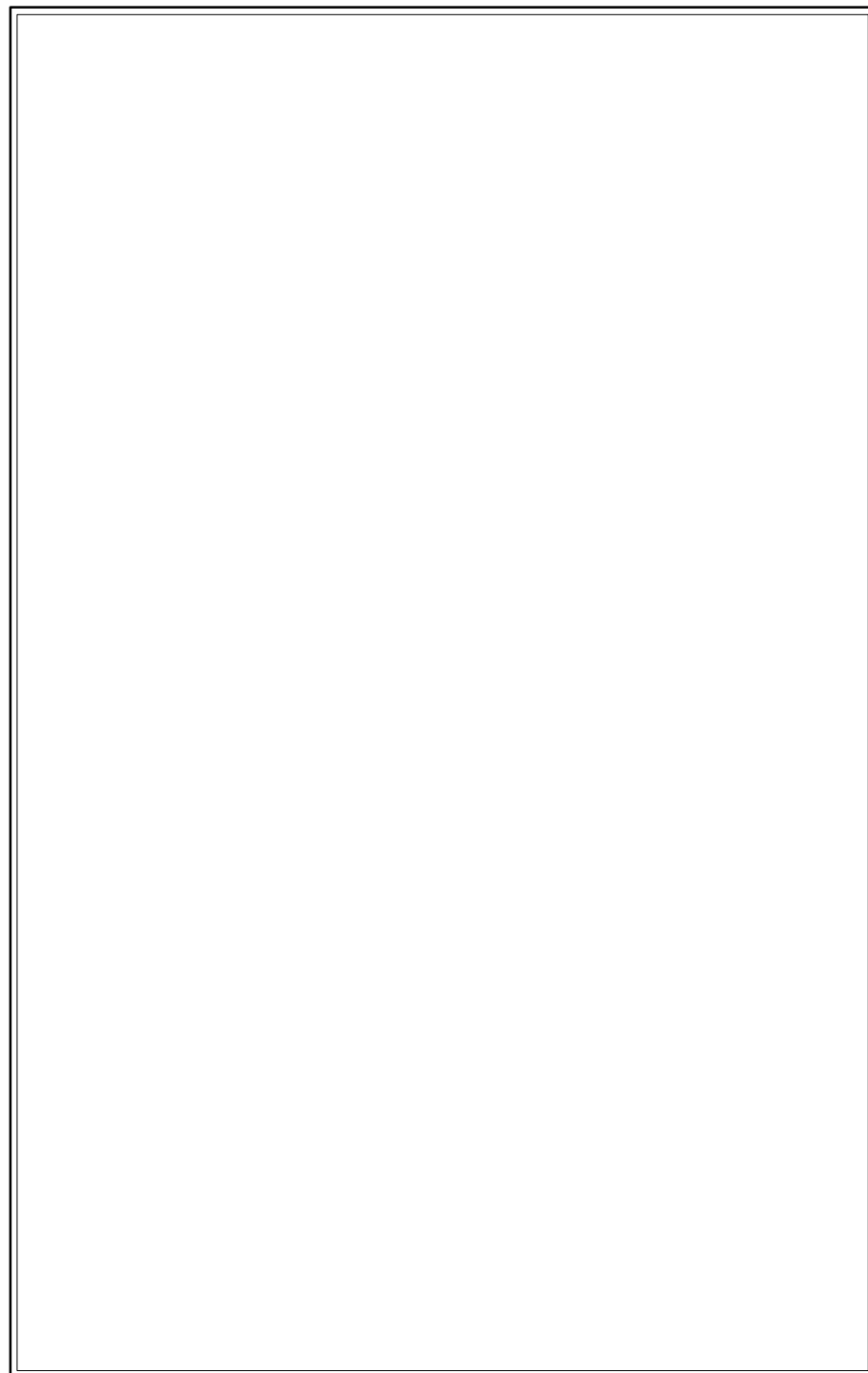
وبالآخره در ۲۶ مهرماه سال ۱۳۳۸ موفق به گذراندن پایان نامه تحصیلی با درجه خوب و اخذ مدرک لیسانس در رشته ادبیات عرب از دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران می شوند .

وبا توجه به اینکه دانشگاه تهران آماده اعطاء بورسیه تحصیل در خارج از کشور به ایشان می شود به خاطر اینکه در خدمت والدشان باشند از آن صرف نظر کرده و به اصفهان مهاجرت می کنند .



این عکس در سال سوم زبان و ادبیات عرب از استادان محترم آقای آل آقا و آقای دکتر شهابی و

سایر دانشجویان برداشته شده اردیبهشت ۱۳۳۸



زمان دانشجویی در حال گرفتن جایزه رتبه اول از دست رئیس دانشگاه تهران آقای دکتر فرهاد



دانشگاه تهران

۱۳۳۷ / ۱۳۳۸

تاریخ

شماره ۵۴۷

پیوست

آقای مهدی نجفی دانشجوی رتبه اول سال سوم رشته دبیات
عربد انشکد معلوم معقول و منقول

بموجب این حکم از تاریخ اول مهر ۳۷ برای ما ههای تحصیلی سال ۳۷

۳۸ مبلغ یک هزار و پانصد ریال کمک هزینه تحصیلی د ر باره شمس

برقرار میگردد که همما هما ز محل اعتبار مربوط د ریافت مینمائید

ترك تحصیل یا مردود شدن د ر امتحانات باعث قطع این کمک هزینه

خواهد گردید ضمناً حکم شماره ۴ / ۵۲۰ ۳۷۰ - ۱ / ۱۰ / ۱۳۳۵

ما هیانه چهار صد ریال بدینوسیله لغو میگردد و

از طرف رئیس دانشگاه د کتفرها د

رئیس
دانشگاه
تهران

ولى العزيز جعلنى الله فداك ورزقنى لكات ورزقك
 فى دينك وديناك اشاء الله تعالى اما بعد فقد اتانى
 كتابك وسررت كثير اخطائك خصوصا الاشعار الرثائية
 التى فاه بها الاسناد الناضل اسناد اللغة العربية فى القلبي
 وهى جديده فى المعايير حسنة فى بابها ولكن احسن منها هذه
 هو الحق منصور على من يغالبه لا فمن كان من انصاره عمر جانيبه
 آيا فرقة التجديد ان متاسنا لا تمام امر وارشاد من ضل واجبه
 نكفوا فاننا لا نحمد عن الهدى لا وكل له ارادة ومشاربه
 ابنى العرب بد فورا هبتا رتانا كما زعموا والشرق جمع متاعبه
 فحانت بطن الملهمات دعائه لا وقامت باغواء الشك كواعبه
 فعمل آخر الشرق اللباس وهل بين العالم اوشدة الازار ساطله
 وهل ساد هذا الغرب بالزى هل هي البر انعط طارئة ومراكبه
 هذا وار جوشنت ان تبلى سداى ومجاست الوافره الى اسد الجميل
 الشورى بمس دامت بركاته والى اسيد الموسى دامت لهاله
 والوالده والافران والافرات والاشيا بهدون اوفر
 النجيات البكت ودمتم موفقين واسلام عليكم ورحمت
 وبركاته حرره ابوكت المشرق البكت

وزارت فرهنگ
و ارشاد هستان



وزارت فرهنگ و ارشاد هستان

وزارت فرهنگ و ارشاد هستان



وزارت فرهنگ و ارشاد هستان

تاریخ: ۱۳۳۹ / ۱ / ۲۸

شماره: ۳۹۲۵

وزارت فرهنگ و ارشاد هستان

وزارت فرهنگ و ارشاد هستان

وزارت فرهنگ و ارشاد هستان

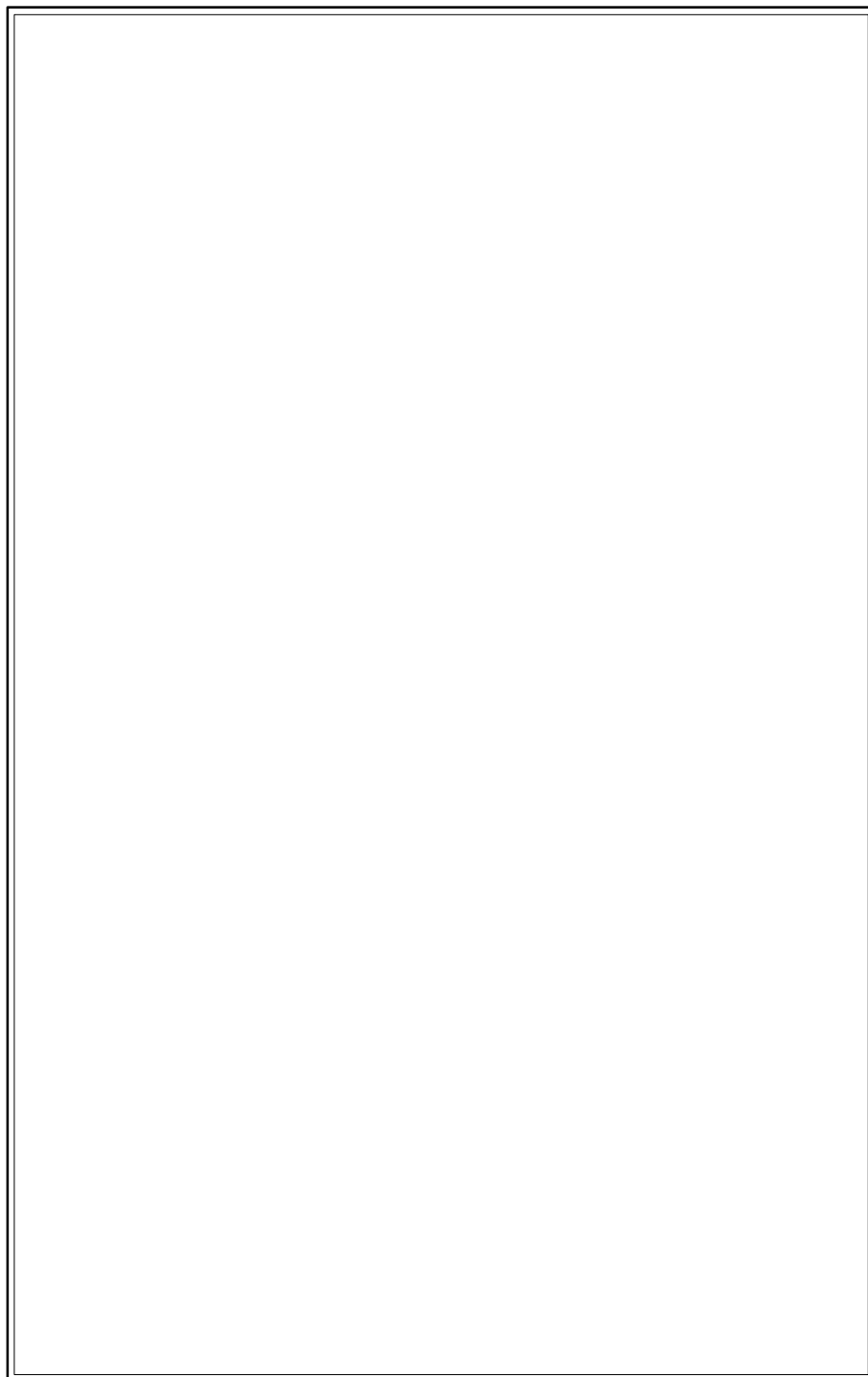
بازگشت به اصفهان و شروع به تدریس

در سال ۱۳۳۸ هـ. ش به اصفهان مراجعت نموده از بدو ورود به شهر برای جوانان کلاسهای درس تشکیل داده و در تقویت بنیه دینی و علمی آنها تلاش نمودند.

از آغاز ورود تدریس در دبیرستانهای بزرگ شهر اصفهان مانند: سعدی، ادب، صارمیه، هراتی، فروغ و مراکز تربیت معلّم و دانشگاه آزاد و دانشگاه شرکت نفت و برخی دیگر از دانشگاهها را بر عهده داشتند، و این تدریس بیش از سی سال ادامه داشت، و به خوبی قادر بودند علوم مختلف اسلامی را در مجامع علمی تدریس نمایند، و بحث و درس ایشان مورد توجه و عنایت ویژه جوانان و صاحب نظران بود.

در اصفهان بسیاری از پزشکان و مهندسين و اساتید دانشگاه و قضات و ارباب مشاغل آزاد و غیرهم از شاگردان ایشان محسوب می شوند، برخی از آنها در زندگانی خودشان ممکن است مناصب و مقاماتی را نیز مانند وزارت و وکالت اشغال کرده باشند، و همگی آنها از استادشان به عظمت و نیکی و دیانت و علم و تقوی و اخلاص و خدوم بودن یاد می کنند.

و از اینکه در این اجمال نمی توان نام آنها را ضبط نمود، صاحب این قلم از همگی آنها به یکباره معذرت می خواهد و از خداوند تبارک و تعالی توفیق و سعادت و خیر دارین را برای همه آنها مسئلت می نماید.



آیه الله نجفی در جمع دانشجویان

در کلام بزرگان

۱- والدشان آیه الله مجد الدین (مجد العلماء) نجفی طاب ثراه در تقریظی بر کتاب ادبیات عرب در صدر اسلام تالیف فرزندشان چنین می‌نگارند: «بسم الله الرحمن الرحیم، بعد از حمد و الصلاة، چون کتاب مستطاب آداب اللغة العربیة فی صدر الإسلام که به نظر أحقر رسیده و از تالیفات جناب مستطاب دانشمند معظم آقای حاج آقا مهدی نجفی ملقب بغیاث الدین دام ظلّه العالی دارای تحقیقات کافیّه و بیانات شافیّه که روشنگر آن برهه از تاریخ اسلام است...»^(۱).

۲- مرحوم مهدوی رحمته الله در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر در ذیل تلامیذ والدشان قبل از عکس ایشان در موردشان چنین می‌نگارد: «صدیق مکرم عالم جلیل آقای حاج شیخ مهدی غیاث الدین نجفی فرزند ارجمند مرحوم مجد العلماء و وارث بالاستحقاق محراب و منبر ایشان سلمه الله تعالی»^(۲).

و همچنین مرحوم مهدوی در آخر کتابش قضیه‌ای را از ایشان نقل می‌کند و کتاب را چنین ختم می‌کند: «در شب پنج شنبه نهم رجب ۱۴۰۹ صدیق مکرم آیت‌الله زاده معظم جناب آقای حاج شیخ مهدی غیاث الدین نجفی اظهار داشتند که این موضوع را به همین کیفیت از پدر علامه شان شنیده‌اند»^(۳).

۳- آیه الله العظمی آقای سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی طاب ثراه در اجازه ایشان چنین مرقوم می‌فرمایند: «... و بعد مخفی نماند آن که جناب مستطاب فخر الافاضل الکرام حجة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی مجد الاسلام آیه الله زاده نجفی اصفهانی دامت برکاته که از مفاخر اهل علم و دانش و از خاندان فضل و جلال هستند...».

(۱) ادبیات عرب در صدر اسلام / ب.

(۲) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۱۶۷/۳.

(۳) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۳۷۹/۳.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله على فضله وولائه واصلوة وآلهم على محمد وآله .

ولعبه محضه ما ذكرته حضرت مطاب خزانة المرام

حجتم آسدم و قای حاج شیخ مهدی محمد آسدم و دست از بره

نجنفی صوفیانی دست برکات که از صفا فر اهل علم و دینی و

نزد خاندان فضل و جلالت هستند از زبان مبارزه

در امور شریعی و در آسدم آسدم و بر وجه و عینه

که پس از آسدم گفت که ترا در عمل محبت شروع شریعی

می بین طلب علم و عینه صرف نموده و دولت دیگر

حسبت ما من فان طوبی حرمه تمهیدیم بقریر بر نند و آسدم

احتماط را در هر حال رعایت خواهد فرمود هر دست بر نین

نعت و جود کرم بر نین را انقسم نموده طایر کات و نبات معلوم

متفق بر وجه باشد در فاکه تمهید دعا در نمان اجابت می باشد

و آسدم صرفت م حوره خاندان آسدم آسدم

اولی آسدم آسدم آسدم آسدم آسدم آسدم
۱۴۰۵



۴- آقای دکتر محمد باقر کتابی در ظهر نسخه اهدائی کتاب رجال اصفهان به معظم له به خط خودشان در پشت آن می نگارند: « به محضر شریف آیه الله حضرت آقای حاج آقا غیاث الدین نجفی تقدیم می گردد، تیرماه / ۷۸ محمد باقر کتابی»^(۱).

۵- حجة الاسلام آقای ناصر الدین انصاری قمی در مقاله ای که بعد از ارتحالشان در مجله آئینه پژوهش شماره ۶۸ / صفحه ۱۱۴ - سال دوازدهم خرداد و تیر ۱۳۸۰- در قم مقدسه منتشر کرده است در یک صفحه کامل شرح حال مختصر، ولی جامعی را از ایشان ارائه می دهد، که طالب می تواند بدان مجله کثیر الانتشار و تحقیقی مراجعه کند.

امامت جماعت

از روز ارتحال مرحوم والدشان آیه الله مجد العلماء نجفی طاب ثراه یعنی بیستم ذی الحجة الحرام ۱۴۰۳ امامت دو مسجد مهم شهر اصفهان بر عهده ایشان گذارده شد، یعنی مسجد نو بازار و مسجد جامع عباسی (امام).
 اقامه صلاة جماعت را یکی از فرائض خود تلقی می کردند و چه بسا راهی بس طولانی را طی می کردند تا ظهر یا شب را بتوانند در مسجد جماعت داشته باشند و این سنت نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و فرض الهی را بانجام برسانند.
 قریب به بیست سال امامت جماعت ایشان در مسجد نو بازار اصفهان و مسجد جامع عباسی (امام) ادامه داشت، و مؤمنین درک جماعت ایشان را غنیمت می شمردند و از بیانات و احکامشان مستفیض می شدند.
 اقامه صلاة جماعت بقدری برای ایشان مهم بود که حتی آخرین نماز مغرب و عشاء خود را نیز در شام چهارشنبه ۲۲ ماه صفر ۱۴۲۲ در مسجد نو بازار اقامه

(۱) نسخه در کتابخانه عمومی آیه الله النجفی در جوار مسجد نو بازار نگهداری می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 ضایع سبب نده اسلام عرض شوم بعد غیبت الهی نجفی
 دام توبه
 تعرض برسانه رحلت مرحوم آقا محمد باقر والد طایب شاه و صاحب
 گردیدند خداوند عزوجل آن غمخیز سعید را با همه اطهار سلام الله علیهم
 و در فریب سرکار و عموم خاندان هم غیبت فرماید ایام لغزنت ایجا
 بموم بازمانده بمان آنزوم کول بلفسلا رسد در خانه زده کاروان
 منیام و دستم بکسم در قم اندر ولایت نج ۱۴۳۱ و ۱۴۳۲

نامه آیه الله العظمی آقای خوئی (قدس سره) در تعزیت پدر به آیه الله نجفی (طاب ثراه)



آیه الله نجفی (طاب ثراه) در کنار آیه الله العظمی آقای
 حاج سید محمد رضا گلپایگانی (قدس سره)

می‌کنند و با حالت کسالت و ناراحتی قلبی به منزل تشریف می‌بردند و فردا قبل از ظهر نیز مجدداً برای اقامه جماعت به طرف مسجد حرکت می‌کنند که أجل به ایشان مهلت نمی‌دهد و قبل از ظهر در راه رسیدن به مسجد و اقامه صلاة جماعت ندای ارجعی را لبیک و به جوار رحمت حق می‌شتابند، صاحب این قلم، این مرگ را، مرگ در راه اقامه صلاة می‌نامد، خداوند تبارک و تعالی بمنّه و کرمه از ایشان قبول فرماید، و در این موضوع باز به سخن خواهیم نشست، فانتظر.

مشایخ حدیث

معظم له از تعدادی آیات الله العظام مجاز در نقل حدیث بودند از آن جمله:
والدشان آیه الله العظمی آقای مجد العلماء نجفی رحمته الله.
ومرحوم آیه الله العظمی آقای سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی رحمته الله.
وعده‌ای از مراجع معظم تقلید نیز جهت ایشان اجازات امور حسبیه مرقوم فرموده‌اند که از ذکر آنها خودداری می‌شود.

روایت کنندگان از معظم له

همچنین عده‌ای از اعلام و بزرگان و محققین و مؤلفین نیز از ایشان روایت نقل می‌کنند و مجاز از ایشان هستند از آن جمله:
صاحب این قلم: حاج شیخ هادی نجفی.
محقق توانا آقای ناصر باقری بیدهندی.

ب
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله على نواله والصلوة والسلام على محمد وآله وبمحمد بقول خادم علوم
اهل البيت الثلاثة الغائذ بصم المنيع مطبته بابواهم التتبه التابذ لكل ولجبه رؤفهم وكل
مطاع سواهم المشرف بالانساب اليهم العبد المضطر المسكين «ابوالخاتمة» شهاب الدين
الحسيني المرعشي النجفي «اخرج باربعين الدنيا مع ولايتهم وحشر تحت لواشهم الامين .
انما كان علم الحديث بقونه وشعوبه من اهم العلوم لاسلامته والفضائل الهامة نوحته
الهدانظر الفطاحل والفحول وانصرف همهم نحوها فكري من محدث وحافظ وذاكر وامير
ولله ذم وعليه اجرهم حيث لبوا الجهود والساعي في الضبط والتنسيق والتفعل والتدوين
انفوا الجموع الكبار والصغار .

وبعد لما كان الانسلا في سلسلة زواة احاديث ساذنا انتم الهدى ومثالي
الاتوار في الدجى عليهم السلام والنجية ، والاخرط في زمرة المحدثين عنهم مما يتنافس
فيه المنافسون وتهوى اليه الافئدة من كل فج عيون .

استجاز عني في الاصول لكل محمد الاسلام الحاج الشيخ مهدي محمد الاسلا

محل تراه الاستاذ الشيخ محمد الرضا النجفي الاصمغامي دام جلاله في رواية تلك الاثار والمعنة
الموصولة المتصلة المودعة في جوامع الحديث من الكتب الاربعة وغيرها من الزبير المؤلفة
في هذا الشأن .

وحبث كان حقيقاً لما هنالك وجد يربا بذلك اجرت ان يرويه اعني بطرق الكثرة المنظرة
السنهبة اليهم ولا مجال لسر اسماء مشايخي جميعاً واكتفى بما بسعه المجال فاقول :
منها ما ارويها عن شخي الاسناد ومن اليه الاسناد وعليه الاعتماد فطب على الاجازة وحج
اكر الفضل في الرواية آية الله في الزمان الشريف الاجل ابي محمد السيد الحسن صدر الدين الموسوي

ل

وفي الخشام اوصيه ونفى مخاطبة بثوى لله في التستر والعلن والاهتمام في الورع والزهد
في زخارف هذه الدنيا الدنيا وان لا يترك زيارة اهل القبور والاعتبار بهم باتهم من كانوا بالامس
فما صاروا واليوم وان كانوا قائلين صاروا. وكيف كانوا فكيف صاروا، الاموال قد قتمت و
الاكفاء قد زوجت. الذرور قد سكنت وما بقي لهم الا ما كانوا يفعلون ويعلمون وان لا يترك
تلاوة القرآن ومطالعة الاحاديث والتدبر فيهما والاستنارة من انوارها وان يعقل من المعاشرة مع
الناس فانك، قلنا ترى مجلسا غير مشتمل على المناهي من اغتياب عباد الله والتفكك باعراضهم والبهت في حقهم
ياكل يحومهم بسنة سيما لو كان الغناب بالغ من اهل العلم فان اغتياها لعلماء بمتزلة اكل الميتة المسحوق
وان لا يفسد في حنوفه علما وادبا وما لا وتوليدا من صالح الدعاء وان لا يلو جهل في تزويج الدين
واحياء المذهب فان الشرع فلا يصح غريبنا كبا علاصونه هل من ناصر نصره في هل من ذاب بذبت عني
وان لا يترك صلوة الليل والتجدي في اناته والاستغفار في اسحاره فقد قال مولانا سيد المظلومين امير المؤمنين
روى له الغداء في وصاياه : عَلَيْكَ بِصَلْوَةِ اللَّيْلِ عَلَيْكَ بِصَلْوَةِ اللَّيْلِ وان يتوزع من كل الشبهات
الا وانه لا مرع عليهم . وادعيه بالبر في حق اخوانه واخوانته وارطامه طلبه العلوم الدينية وفقراء المؤمنين
عصمنا الله واباه من الزلل والمخطل في التبة والقول والعمل اية العديري على ذلك والقادر بما هنالك .
اللهم اجناحنا ذال فجد علمنا التمثل وامنا ما نهم وارزنا في الدنيا زيارتهم وفي الآخرة شفاعتهم بين
اميين لا ارضى بواحد حتى يضافا لهما الف اميين .

حرره بقله وبنانه وفاه بقبه ولسانه العبد الكليل في فصوص الجناح بايدي المحتار ،

اعلاء ذرية الرسول ، ابو المعالي شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي

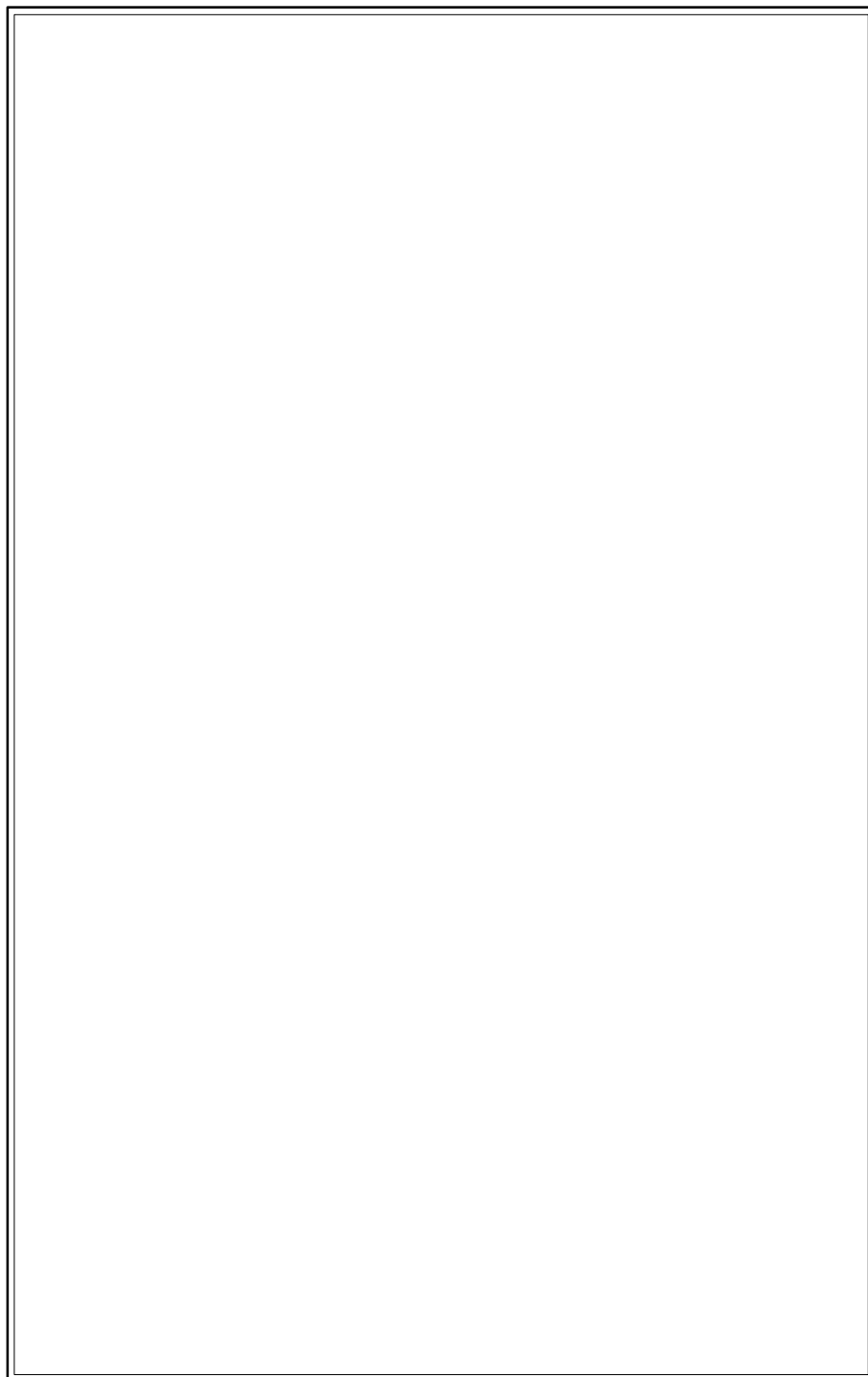


احيي الله قلبه بذكره وازانه حلاوة منا جاته . *

في نسخة من الايام عشرين من شهر ربيع الثاني سنة 1329 هـ الهجرة القومية ببلد قم المشرفة حرم الآ
نور الانوار مستهل اولي الاحاديث .
الاطهار وشن ان محمد عليه السلام مصلبا مسلما مستغفرا .



كاتب الحجة الفقيه : محمود الاشرقي النجفي



آیه الله نجفی در حدود ۵۰ سالگی

آیه الله نجفی و کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر

معظم له پس از فوت مرحوم والدشان آیه الله مجد العلماء نجفی رحمته الله از مرحوم علامه محقق استاد سید مصلح الدین مهدوی رحمته الله خواستار شدند که شرح حالی از پدر و جدشان یعنی مرحوم آیه الله ابو المجد شیخ محمد رضا نجفی رحمته الله مرقوم فرمایند تا به چاپ برسد.

دست تقدیر چنین خواست که این کار قدری به تأخیر بیفتد و برای مراسم اولیه آماده نگردد، ولی آیه الله نجفی طاب ثراه، این بار از مرحوم مهدوی خواستند، دامنه تألیف را توسعه دهند و از مرحوم جد امی اعلایشان آیه الله العظمی آقای حاج شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء رحمته الله شرح حال و تراجم نویسی را آغاز نمایند و به صاحب هدایة المسترشدين و همه فرزندان و نوادگان و وابستگان به بیت صاحب الهدایة پردازند، به خوبی حقیر که واسطه بین مرحوم پدر و مرحوم مهدوی بودم می دیدم که در طی تلاشی چند ساله کتابی جامع و کامل فراهم آمد که در نوع خود بی نظیر است و یکی از کتب مهم و مرجع شرح حال نویسی و تراجم نگاری و تاریخ علمی در ایران بلکه در مذهب شیعه می باشد.

در این کتاب استاد مهدوی با تلاشی بی نظیر تمام زوایای تراجم و شرح حال و تاریخ بیت صاحب هدایة المسترشدين را به شرح و بسط نشسته است، و نام کتاب را نیز: « بیان سبل الهدایة فی ذکر أعقاب صاحب الهدایة » یا « تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر » گذاشت.

مرحوم مهدوی در صفحه ۳۱ از جلد اول کتاب متذکر می گردد که کتاب به پیشنهاد و امر معظم له فراهم آمده است.

و به هر حال کتاب در تابستان سال ۱۳۶۷ هـ. ش در شهر قم مقدسه به همت آیه الله نجفی طاب ثراه و با مقدمه ای بقلم ایشان و در سه مجلد کبیر با جلد زرکوب

و در بیش از ۱۵۱۰ صفحه به چاپ رسید.

آیه الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله علیه پس از اطلاع از تألیف کتاب و در تجلیل از آن خطاب به آیه الله نجفی طاب ثراه مکتوبی را ارسال می فرمایند که عیناً در صفحه بعد درج می گردد.

و در همان هنگام نشر، آیه الله استادی دامت برکاته در مقاله ای در مجله کیهان اندیشه به شماره ۲۶ مورخ مهر و آبان ۱۳۶۸ صفحه (۱۴۶ - ۱۴۴) به معرفی این کتاب مهم پرداخت، و این تعریف در چهل مقاله آقای استادی نیز مجدداً به طبع رسیده است^(۱).

خداوند تبارک و تعالی به مرحوم استاد سید مصلح الدین مهدوی (۱۳۳۴ - ۱۴۱۶ ق) طاب ثراه مؤلف کتاب و مرحوم آیه الله نجفی رحمته الله علیه که با یاری یکدیگر این اثر ارزنده را به مجامع علمی عرضه نمودند جزای خیر عنایت فرماید بمنّه و کرمه. و در یک کلمه این کتاب امروز یکی از کتب مرجع در تراجم و شرح حال نگاری بلکه تاریخ ایران و اصفهان محسوب می شود، و این معنی بر اهل فنش مسلم است.

(۱) چهل مقاله / (۲۳۶ - ۲۳۱).

كلمة موجزة لهماحة العلامة
الفقيه آية الله العظمى السيد
شهاب الدين النجفي الميرعشي
بسمه تعالى

ببخ لك يا ابا المجد وابن ابا المجد بهذا المؤلف
الشريف والمصنف المينف الذي حوى تجمه حياه اسلا
الميامين من طرف الاباء والامهات . ولعمري ورب الرقاصا
وداحي المدحوات قد ناق على اقرانك واخذ السبق في سباق
اضرابه ولله درك وعليه اجره .

الأدجزات المولى الكير سبجانز نمر الجراء وهنالك بالكأس الا
امين امين لا ارضى بواحدة حتى يضاف اليها الف امينا .
املاه العبد المتكين خادم علوم اهل البيت عليهم اوالها شهاب

الحسن الميرعشي النجفي مان الله له في كل حال . صيمردم الاباء لعرضين من شهر
حبيب صبي سنة 1407 لله تم بمرنه هم الله ورس ال كمال الدين الميرعشي النجفي

تألیفات

از آیه الله نجفی رحمته الله علیه مؤلفاتی به یادگار مانده است که هر یک می تواند چراغی باشد فراراه طالبان دانش و حقیقت و گوشه‌ای از اجتماع کنونی ما را روشن نماید در ذیل فهرست این خامه ارزشمند را می توانید ببینید :

۱- ادبیات عرب در صدر اسلام .

این کتاب در سال ۱۳۶۳ هـ. ش توسط انتشارات تدین اصفهان با تقریظ مرحوم آیه الله والدشان طاب ثراه به چاپ رسیده و در مراکز تربیت معلم و دانشگاهها نیز مورد تدریس قرار گرفته است .

۲- حاشیه بر متن تلخیص خطیب قزوینی در معانی و بیان و بدیع .

این حاشیه مخطوط است .

۳- درسهائی از جهان بینی اسلامی .

این کتاب مجموعه‌ای از عقائد حقه امامیه در اصول پنجگانه اعتقادی است که توسط معظم له برای تدریس جهت دانشجویان تألیف شده و در مراکز تربیت معلم نیز به چاپ رسیده است .

۴- دین برای جوانان .

مجموعه‌ای است از اندیشه‌ها و راهنمائیهای دینی و مذهبی برای اندیشمندان جوان ، منتشر شده است .

۵- رساله‌ای در حقوق .

تألیفی است مستقل در پیرامون حقوق اسلامی ، مخطوط است .

۶- رساله‌ای در دستور زبان فارسی .

در این کتاب یکدوره دستور زبان فارسی را به نگارش درآورده‌اند ، مخطوط

است .

۷- طرح سؤال و جواب اصول عقائد و فقه اسلامی و تاریخ تحلیلی اسلام.

برای جوانان و دانشجویان تنظیم گردیده و منتشر شده است.

۸- فیض الباری الی قره عینی الهادی.

اجازه روایتی است که برای حقیر مرقوم فرموده‌اند و در آخرین دفتر خواهد

آمد.

۹- گامی به سوی وحدت.

رساله‌ای است در مورد اثبات خلافت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام بعد از

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، و اعترافات عامه و بزرگان‌شان در این مورد، این رساله نیز به چاپ

رسیده است.

۱۰- مقالات.

مجموعه‌ای از مقالاتی که در سالیان درازی در علوم مختلف اسلامی تدوین

نموده‌اند و بسیاری از آنها نیز مخطوط مانده است.

۱۱- مقدمه و تحقیق بر رساله امجدیه.

امجدیه در کیفیت نوافل ماه رمضان و حقیقت میهمانی خداوند از تألیفات

جدشان مرحوم آیه الله العظمی ابوالمجد شیخ محمد رضا نجفی رحمته الله است که طبع

سوم آن با مقدمه و تحقیق معظم له در سال ۱۳۶۴ هـ. ش در تهران توسط بنیاد

بعثت منتشر شده است.

۱۲- مقدمه‌ای بر دیوان ابی‌المجد.

دیوان اشعار عربی مرحوم جدشان آیه الله العظمی ابوالمجد شیخ محمد

رضا نجفی طاب ثراه را در سال ۱۴۰۸ در قم مقدسه با تحقیق دقیق علامه محقق

حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید احمد حسینی اشکوری دامت برکاته

منتشر نمودند، و خود نیز مقدمه‌ای علمی و ارزنده بر آن نگاشتند.

رسالة أمجدية

در حقیقت میهمانی خداوند عزوجل و آداب میهمان و کیفیت نوافل و ادعیه غیر معروفه شهر رمضان المبارک

از تألیفات مرحوم آیت... العظمی ابوالنجید
الشیخ محمد رضا النجفی
آل الملامة الطی آیه الله العظمی حاج شیخ محمد باقر النجفی
بنی و وقف مسجد نوبازار اصفهان

به نام حضرت آیه الله العظمی حاج آقا سجد العلماء النجفی
بمقتضا حقه الاسلام حاج شیخ مهدی نجفی (فیات الدین)



در صحائی از

جهان بسنی اسلام

تألیف

آیه الله استاد حاج شیخ مهدی نجفی

بسمه تعالی

گامی بسوی وحدت

تألیف

حاج شیخ مهدی نجفی

دین برای جوانان

تألیف:

آیت الله استاد

آقای حاج شیخ مهدی نجفی

طنج سؤال

و جواب اصول

عفا ید و ففرا سلالی

و نایغ تحلیلی اسلام

تقیه و نالیف حاج شیخ مهدی نجفی

برخی از تالیفات منتشر شده آیه الله نجفی (قدس سره)

۱۳- مقدمه ای بر کتاب: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر.

بحث در مورد این کتاب را از این قلم خواندید، آیه الله نجفی بر این کتاب نیز مقدمه ای نوشتند که به خط زیبای مرحوم حجة الاسلام آقای حاج شیخ حبیب الله فضائلی رحمته الله در آغاز کتاب به چاپ رسیده است.

۱۴- مقدمه بر کتاب «الیواقیت الحسان فی تفسیر سورة الرحمن».

این کتاب از مؤلفات مرحوم آیه الله والدشان آقای مجد العلماء نجفی طاب ثراه است که به تحقیق این قلم آماده نشر شده و با مقدمه ای بقلم معظم له رحمته الله در سال ۱۴۰۹ در قم مقدسه به چاپ رسید.

۱۵- مقدمه بروقایة الاذهان.

وقایة الاذهان کتاب اصولی جدشان آیه الله العظمی ابوالمجد شیخ محمد رضا نجفی است که طبع ثانی آن توسط مؤسسه آل البيت علیهم السلام تحقیق و در سال ۱۴۱۳ در قم مقدسه با مقدمه معظم له به چاپ رسیده است.

۱۶- مقدمه بر کتاب: الف حدیث فی المؤمن.

این کتاب از مؤلفات صاحب این قلم است، معظم له بخواهش حقیر مقدمه ای جهت آن نگاشتند که با اصل کتاب توسط انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در سال ۱۴۱۶ به چاپ رسید.

۱۷- مقدمه بر کتاب کبیر: هداية المسترشدين فی شرح اصول معالم الدين.

این کتاب در علم اصول تألیف جد اعلایشان مرحوم آیه الله العظمی آقا شیخ محمد تقی رازی نجفی اصفهانی که با مقدمه ای علمی و تحقیقی که توسط معظم له بر آن نگاشته شد در سه مجلد کبیر در سالهای ۱۴۲۱ - ۱۴۲۱ ق توسط انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به چاپ رسید.

تسليمه بقلم مسامحة آية الله
الشيخ مهدي محمد الإسلام نجفي
آل العلامة النجفي صاحب الهداية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين والذين انتشر على أعتابهم إجماع من الآن إلى قيام يوم الدين
إننا نجد، فإن آية الله البيت سلام الله عليهم إجماعين سوا سببا الأمام محمد
ابن علي بن الحسين الباقر عليه السلام ونجده الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام هم
المتكبرون والمؤتمنون لعلم الأصول.
لأنهم أقفروا على تلافيهم ورؤية أمادهم أسس الفكر الأصولي، وأنت
تجد في روايتهم بقرتها، فإن شئت راجع إلى السجدة الأولى من كتاب جامع
أحاديث الشيعة.

تم لعلم الأصول أدوار وعصور قد مرنا إجمالاً في مقدماتنا على كتاب جتنا
العلامة المسقط آية الله العظمى أبي العبد الشيخ محمد الرضا النجفي الإصفهاني
سحاب تراب الموسوم بـ «مدونة آية الله» نشر مؤسسه آل البيت لا زالت مؤيدة
لشعر زرات أهل البيت عليه السلام ومن أراد فليطالع المراجعة، فترجع هذا العلم إلى أن
انتهت البرية إلى جتنا الأجل، العلامة المسقط، النجفي، الإمام في القصة
وأمره آية الله العظمى الحاج الشيخ محمد علي الرازي النجفي الإصفهاني رحمه
الله عام ١٢١٨ هـ المدفون في بقعة العاصفة في مقبرة تحت فوارة بمدينة
النجفي.

تقديم:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد وآله الطاهرين
إننا بعد، فإن علم أصول الفقه بمدن من مقدمات الاستنباط.

وقال المحقق الحراساني في صفة: وصناعة يرفق بها الفواعل التي يمكن
أن تقع في طريق استنباط الأحكام، أو التي ينتهي إليها في مقام العمل!^١
الأصول والأدوار التي مر بها هذا العلم عند الشيعة الإمامية
تنقسم أدوار إلى خمسة:

١- العصر التأسيسي: لقد أتى الإسلام محمد بن علي الباقر، وابنه
جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام، على تلافيهما قواعد علم الأصول
وطرق الاستنباط، فهذان الإسمان يُدعىان هما المتكبران والمؤتمنان لعلم
الأصول، وجاء من بعدهما تلافيهما ورؤية أمادهم، فنتجاً أخذوا، ومن أبرزها

(١) كتاب الأصول، ٩.

تقديم

بسم الله الرحمن الرحيم
آية الله الحاج الشيخ مهدي محمد الإسلام نجفي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي خلق الإنسان، علمه البيان، والصلوة والسلام على مبلغ رسالته
وأهل بيته الطاهرين المحموسين -
جداً شرفه، ولادة الإنسان وحياته قبل خلق الخط والكاتب، ولولاه لشراء
هو الإنسان اليوم!

(١) عبارة إلى طه الرواية: «سئل أمير المؤمنين عليه السلام عن قول من قال الشعر:
قال آدم - طير، وكان كرهه قال: ما أزل على الأرض من النساء رأي فيها وسخاً
وهواها وقل لائل مايل، قال آدم عليه السلام:
تبيت البلاد وسن طهاها
فربحه الأرض خير ليع
تبرك كل ذي لسان وطعم
وقال بخلاف الترجمة الخلف
بشار الأنوار ج ٧٩ ص ٢٤٠ -

تقديم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي أتانا القرآن على صفة ليكون قائلين تقيراً، والصلوة
والسلام على رسول الله الذي عوطب به ليكون قائلين سراًجاً خيراً، وعلى خلقته
علي بن أبي طالب الذي كتب القرآن وحججه وطهه وفسره، وعلى أولاده المحموسين
الطاهرين -

وهذه:

فان التفسير من العلوم التي وضعت لخدمة في فهم الإسلام، ولعل في معرفة
أنه كتبت الكتاب عن وجوه معاني القرآن.

تقديم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي أتانا القرآن على صفة ليكون قائلين تقيراً، والصلوة
والسلام على رسول الله الذي عوطب به ليكون قائلين سراًجاً خيراً، وعلى خلقته
علي بن أبي طالب الذي كتب القرآن وحججه وطهه وفسره، وعلى أولاده المحموسين
الطاهرين -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي أتانا القرآن على صفة ليكون قائلين تقيراً، والصلوة
والسلام على رسول الله الذي عوطب به ليكون قائلين سراًجاً خيراً، وعلى خلقته
علي بن أبي طالب الذي كتب القرآن وحججه وطهه وفسره، وعلى أولاده المحموسين
الطاهرين -

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي أتانا القرآن على صفة ليكون قائلين تقيراً، والصلوة
والسلام على رسول الله الذي عوطب به ليكون قائلين سراًجاً خيراً، وعلى خلقته
علي بن أبي طالب الذي كتب القرآن وحججه وطهه وفسره، وعلى أولاده المحموسين
الطاهرين -

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسول الله محمد المصطفى وآله
الاجساد.
قال الله تعالى في سورة الحجرات: «فالت الاحزاب أمثال طير لم تؤمنوا ولكن
تورا أسلماً ولنا يدخل الإنان في غوركم وان طغروا الله ورسوله لا يتحكم من
أعمالكم شيئاً آية الله فتور رحيم»
هذه الآية القرطرية وان تركت بإجماع من التفسيرين في قوم من بني أسد أتوا
النبي صلى الله عليه وآله في سنة جمعة والهدوا الإسلام ولم يكونوا مؤمنين في الشر. إنسا
كانوا يلقون الصدقة وكانوا يقولون له صلى الله عليه وآله: «أنتناك بالانتقال والتمثال ولم نأخذنا
كنا فانك ترفقنا، يريدون الصدقة ويبتغون!»^١
وعن ابن عباس رضي الله عنهما أن قرأ من بني أسد تقدموا الذبنة في سنة

(١) ان نشأت الجمع في هذا المجال إلى عاصير اتفاقية مجموع البيان ٢٤٠ قبل الآية القرطرية
من التفسيرين والصفحة ٢٤٠ من التفسيرين وقرن القضاة ١٦٨/٩ وسجع
الصفحة ١٦٨/٩ والقرن للفتوة من الكتاب ٣٣٧/٩ والفتاوى ١٠٧/٩ من التفسير
العمري ونفسه الفهر القرطري ١١٠/٩.

مقدمه های آیه الله نجفی (قدس سره) بر برخی از کتب منتشر شده به همت معظم له

تعمیرات اساسی مسجد نو بازار

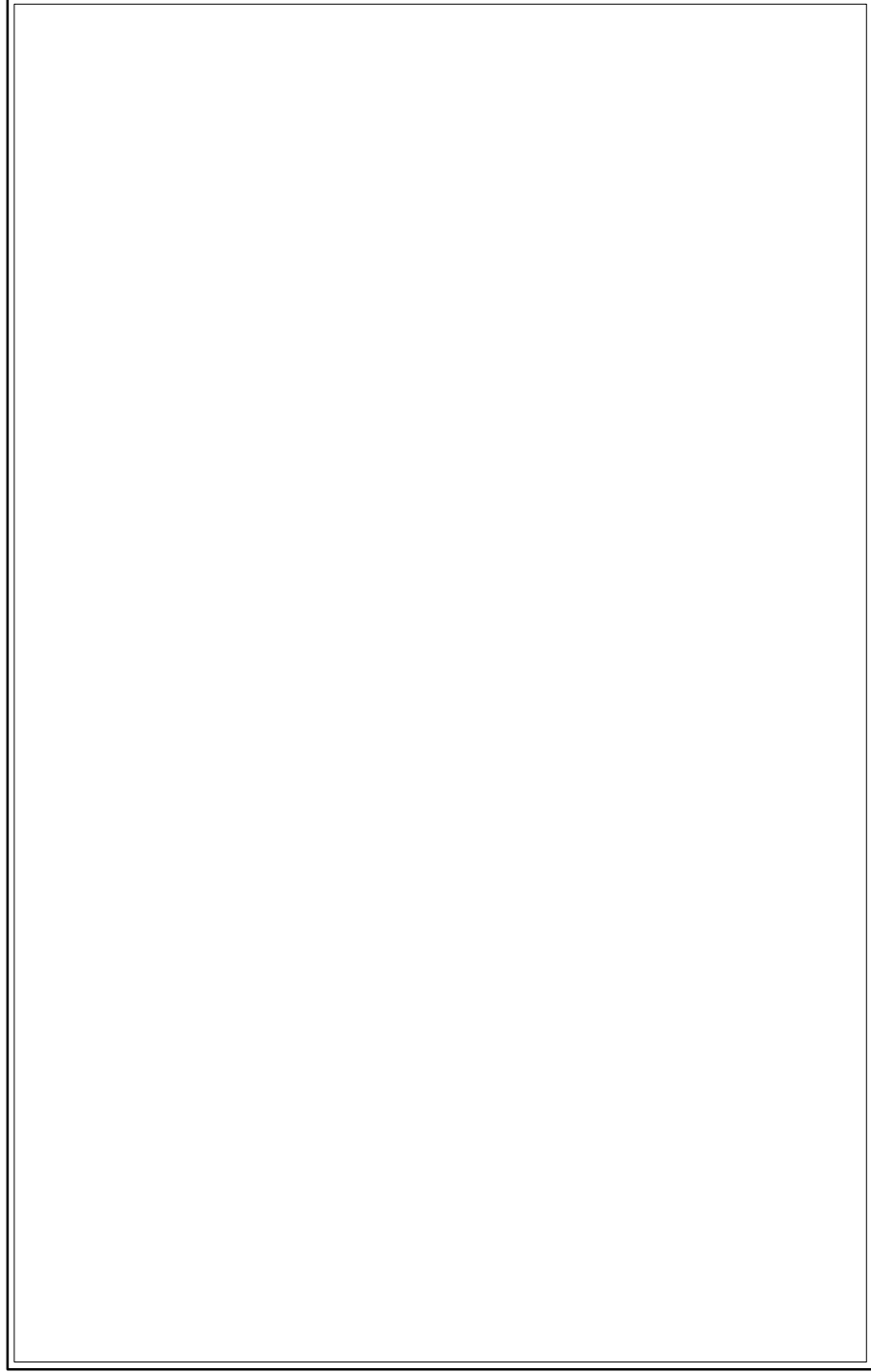
همانگونه که در شرح حال مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد باقر نجفی اصفهانی معروف به شیخ کبیر گذشت، مسجد نو بازار اصفهان از تاسیسات احداث شده به امر ایشان بوده است و در سال ۱۲۹۹ ه. ق توسط مؤسس محترم نیز جشن احداث آن برپا می‌گردد. و از بدو تأسیس نیز تا کنون خود آن بزرگوار و فرزندان ایشان در آن به امامت پرداخته‌اند.

از سال ۱۴۰۳ که مرحوم آیه الله نجفی طاب ثراه امامت مسجد را به عهده گرفتند در اثر گذشتن بیش از یک قرن از احداث مسجد، وعدم تعمیرات اساس در آن از مسجد نو بازار فقط نام نوئی باقیمانده بود، و به همت بلند معظم له و کوشش تقریباً ده ساله ایشان و البته یاری جمعی از مؤمنین، مسجد نو بازار تعمیرات اساسی و بازسازی به طریق باستانی شد، و مجدداً صلاحیت یافت نام مسجد نوبازار را به خود بگیرد، بحمد الله تعالی و منّه.

احداث مکتبه آیه الله النجفی

از تاسیسات مرحوم آیه الله نجفی طاب ثراه در کنار مسجد نو بازار اصفهان، احداث یک کتابخانه است در فضائی قریب به یکصد و پنجاه متر مربع که ساختمان آن رانو و لکن به شکل ما بقی مسجد به طرح باستانی ایجاد نمودند، و امر فرمودند کلیه کتابهایشان نیز مهر وقف کتابخانه را بخورد و بدانجا منتقل گردد تا استفاده از آن عام شود.

در حال حاضر کتابخانه‌ای که در اصفهان ورود بدان برای عموم آزاد و به



مکتبه آیه الله نجفی (قدس سره)

صورت قفسه باز به مراجعین خود خدمات می دهد مکتبه آیه الله النجفی است ، و از این نظر و کیفیت کتب موجود در آن که سطح بسیار بالائی است در نوع خود ممتاز می باشد و هر حال طالب علمی را در علوم مختلف اسلامی مانند : فقه ، اصول ، حدیث ، رجال ، تفسیر ، تاریخ ، لغت ، ادبیات ، کلام ، فلسفه ، عرفان ، اخلاق می تواند سیراب کند و گمشده خویش را در میان کتب آن بیابد .

و بنابر طبق وصیت ایشان ، نیز محل دفنشان داخل در این مکتبه و کتابخانه قرار گرفت و مراجعین در ابتدای ورود برای مؤسس محترم آن فاتحه ای می خوانند و بعد مشغول استفاده از کتب می شوند .

طبع کتب نیاکان و بزرگان

مرحوم آیه الله نجفی طاب ثراه عنایت ویژه ای به نشر کتب و آثار ارزشمند دینی در زمینه های مختلف داشتند و از آرزوهای ایشان نشر کتب و آثار بزرگان مذهب بوده است .

خود در این راه گامهای بلندی را با همت عالیشان برداشتند و آثاری را در زمینه های فقه و اصول و تفسیر و ادبیات و تراجم و شرح حال از نیاکانشان یا دیگر بزرگان مذهب احیاء نمودند و بر برخی از آنها مقدمات سودمندی نگاشته اند ، که اگر این مقدمات در مجموعه ای فراهم آید ، خود مجلدی زیبا در علوم مختلف خواهد بود .

در هر صورت متجاوز از بیست اثر به این ترتیب به همت معظم له علیه السلام در طول حیاتشان احیاء شد و برای نسل بعدی به عنوان ودیعه و امانت به یادگار ماند تا از آن بهره برند .

تأسیس مدرسه و حسینیه

همچنین معظم له موفق شدند در تأسیس چند باب مدرسه برای جوانان نیز مشارکت داشته باشند، بلکه برخی از این مدارس زیر نظر شخص ایشان و با نظارت عالیه معظم له بنیاد گذاشته شد.

و همچنین موفق به تأسیس حسینیه حضرت ابو الفضل علیه السلام واقع در خیابان رباط محله کساره کوی سپاس در اصفهان شدند، که به همت جمعی از مؤمنین کار ساختمان آن رو به اتمام است.

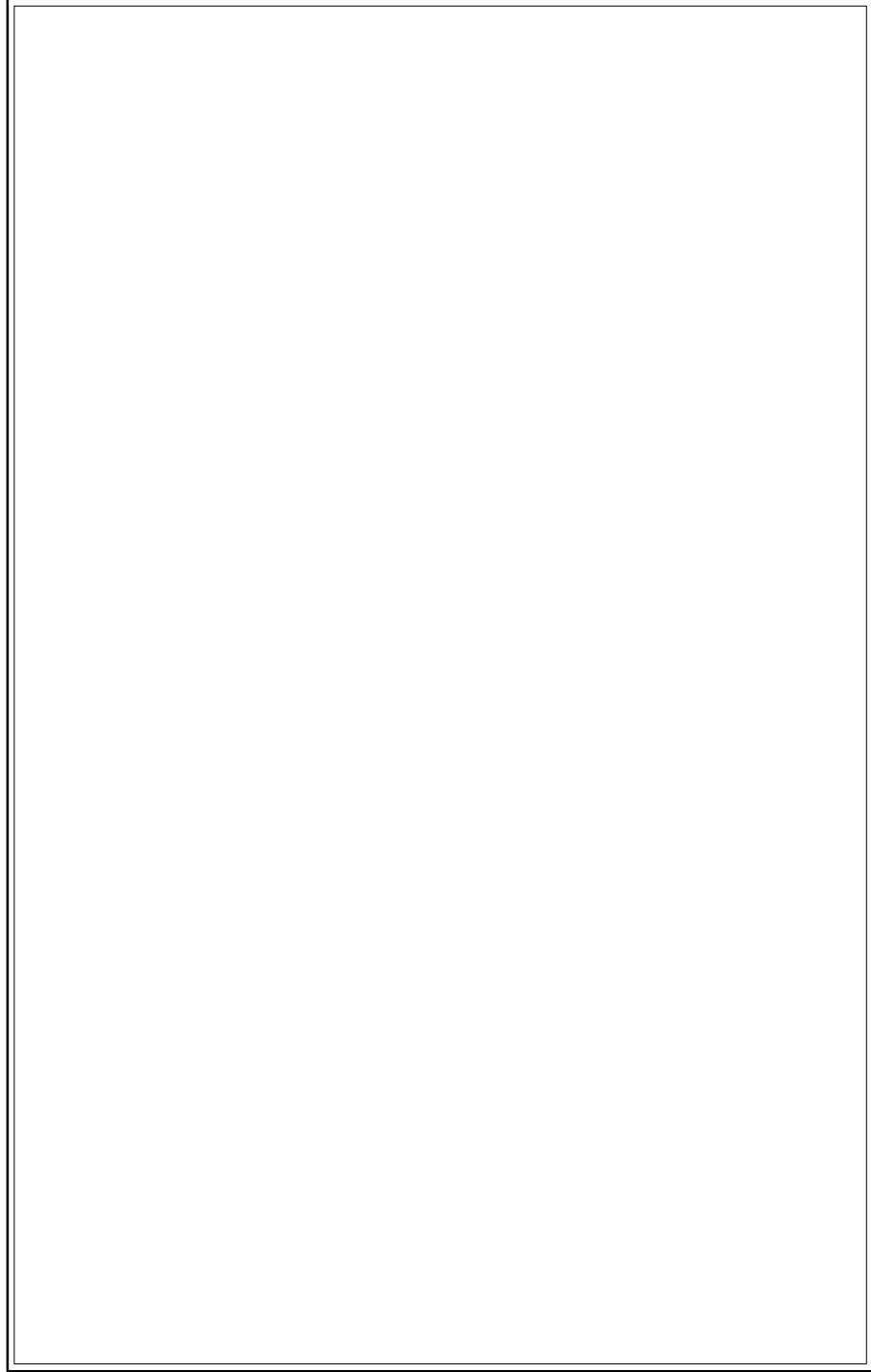


آیتین نجفی و موسوی الشفتی در حال زدن کلنگ تأسیس حسینیه حضرت ابا الفضل علیه السلام

اقامة مجالس عزاداری ائمة اهل البيت عليهم السلام

از جمله اموری که آیه الله نجفی طاب ثراه بر آن پای می‌شمرند و تاکید فراوان می‌کردند و بر آن نیز وصیت نمودند اقامه مجلس عزای سید الشهداء ابا عبدالله الحسین علیه السلام است، خود در مسجد نو بازار در تمام دهه عاشورا مجلس عزاداری برپا می‌نمودند و مقید به شرکت در آن بودند، بلکه تمام ایام شهادت ائمه اهل البيت علیهم السلام را مجلس عزای اقامه می‌نمودند و خود نیز در مجلس مذکور شرکت می‌کردند.

و این احیاء مراسم عزاداری ائمه اهل البيت علیهم السلام یک سنت حسنه‌ای است که در شهر اصفهان از این مرد بزرگ به یادگار ماند و مجلس روضه و عزاداری ایام شهادت ائمه اهل البيت علیهم السلام در مسجد نو بازار اصفهان نمونه‌ای از آن است. سه روز قبل از ارتحالشان با حال کسالت و بیماری مجلس عزاداری اربعین سید الشهداء علیه السلام را اقامه نمودند، و از عجیب اتفاق اینکه مراسم ختمشان مصادف شد با ایام شهادت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام و روز هفته معظم له نیز مصادف شد با روز شهادت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، و این نبود مگر مزدی که ائمه اهل البيت علیهم السلام بدیشان عنایت فرمودند که مجالس عزای معظم له نیز در این ایام عزای اهل البيت اقامه شود.



آیه الله نجفی بر منبر و در مجلس عزای امام حسین علیه السلام در مسجد نو بازار اصفهان

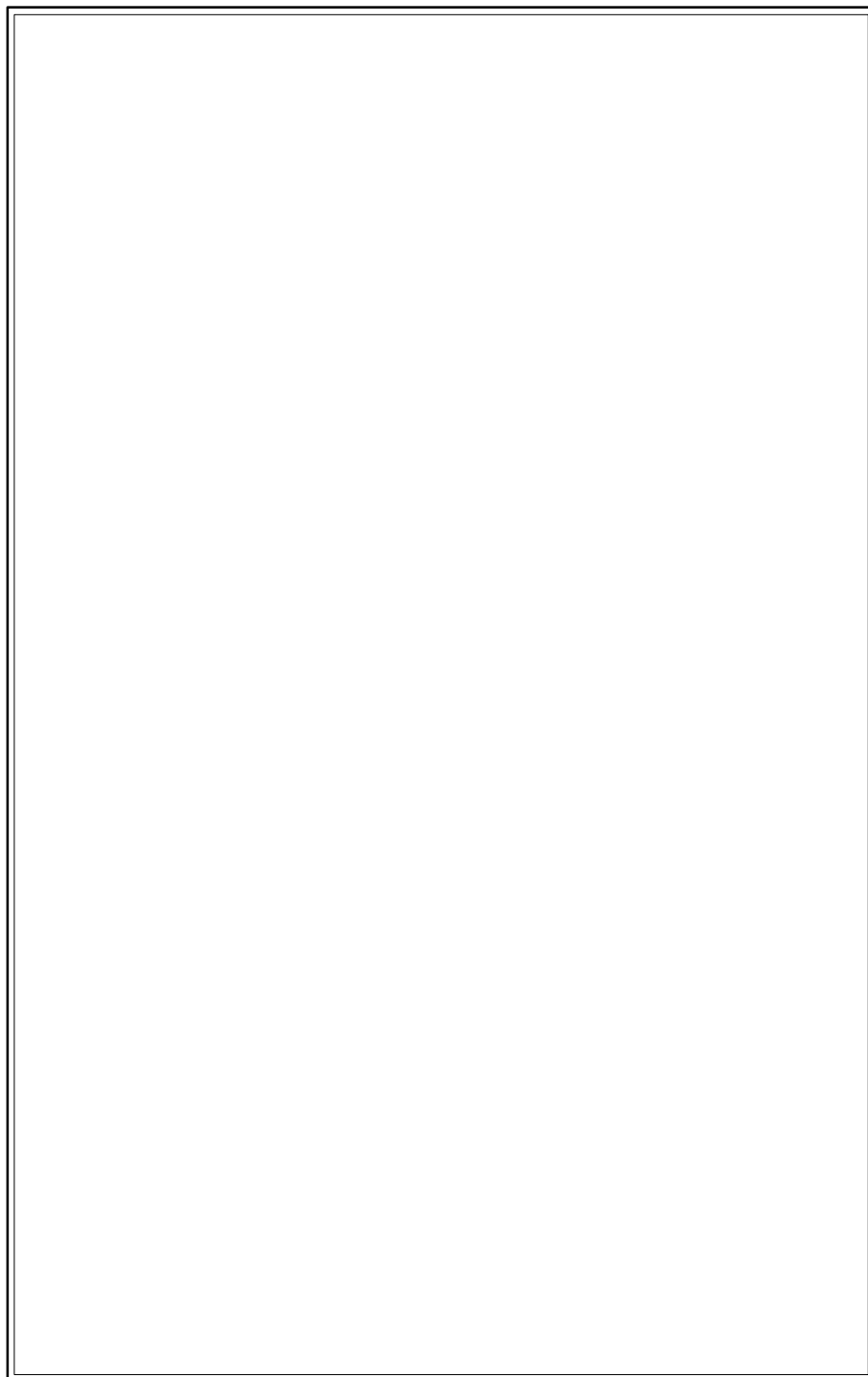
قضاء حوائج مؤمنین

یکی از اموری که آیه الله نجفی بر آن اصرار داشتند و از جوانی مقید بدان بودند، قضاء حوائج مؤمنین بود، هر مؤمنین که به ایشان عرض حاجتی می‌آورد، تا آنجا که از دست و زبان و قلم و قدم ایشان بر می‌آمد در رفع حاجت او تلاش می‌کردند و این امر را از عبادات مهم تلقی می‌نمودند.

پدری که من شناختم

اگر صاحب این قلم که خود فرزند ایشان و یکی از هزاران شاگرد او است، بخود جرأت بدهد و بخواهد معظم له را در جمله‌ای وصف نماید و برگفته خویش نیز خداوند را شاهد بگیرد چنین می‌تواند بگوید: «پدری که من شناختم عمری مردم و جوانان و اجتماع را دعوت به خدا و دین خدا و کتاب خدا و رسول خدا ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام نمود و در این راه نیز جز به خدا به احدی تکیه نکرد و جز به خدا نیز امیدی نداشت».

مکرر بیاد دارم که می‌فرمود: «ای فرزند! اگر به خاطر خدا باشد، خداوند تبارک و تعالی خودش امور را درست خواهد کرد و توکل بر خداوند باید کرد، و ما فقط خدا را داریم».



آیه الله نجفی در سن ۶۴ سالگی

اسفار

آیه الله نجفی طاب ثراه تقریباً به تمام نقاط ایران مسافرت نموده بودند و همچنین هر سال نیز مقید به رفتن به زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بودند، و تنها مسافرتی که اگر کسی به ایشان پیشنهاد همسفری را می‌داد و جواب رد نمی‌شنید زیارت مشهد مقدس بود.

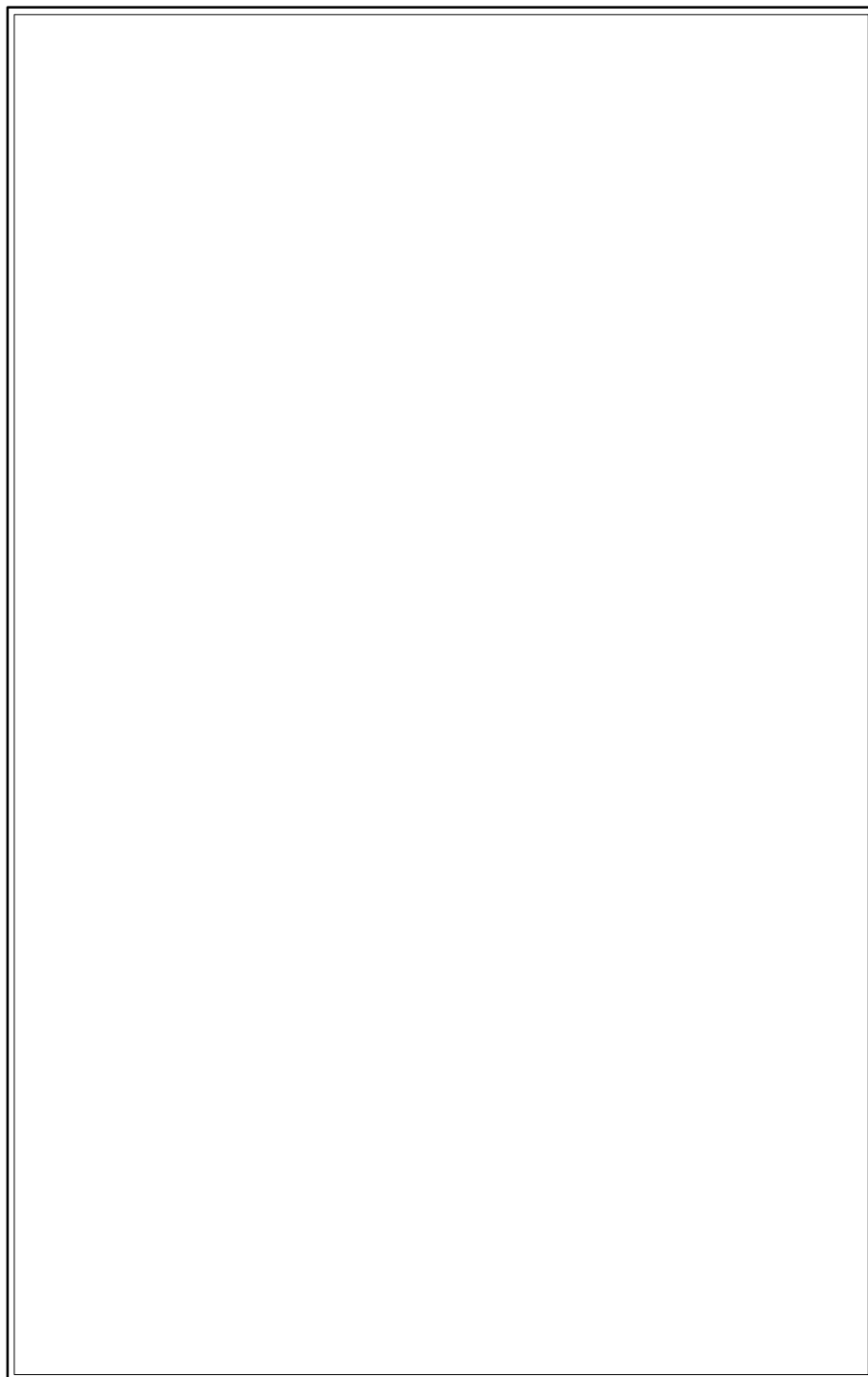
اولین مسافرت خارج از کشور ایشان در سن سی سالگی برای تشرّف به حج بیت الله الحرام بود، در سال ۱۳۸۶ به همراه مرحوم آیه الله والدشان علیه السلام و مادر و همسر و جمعی از اقوام مشرف به اعمال حج تمتع و زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه زهراء علیها السلام و ائمه هدی مدفون در قبرستان بقیع علیهم السلام گردیدند.

دومین زیارت بیت الله الحرام ایشان بعد از گذشت سی سال از آن تاریخ در ماه رمضان ۱۴۱۷ بود که موفق به عمره مفرده و زیارت حرم نبوی صلی الله علیه و آله و سلم شدند.

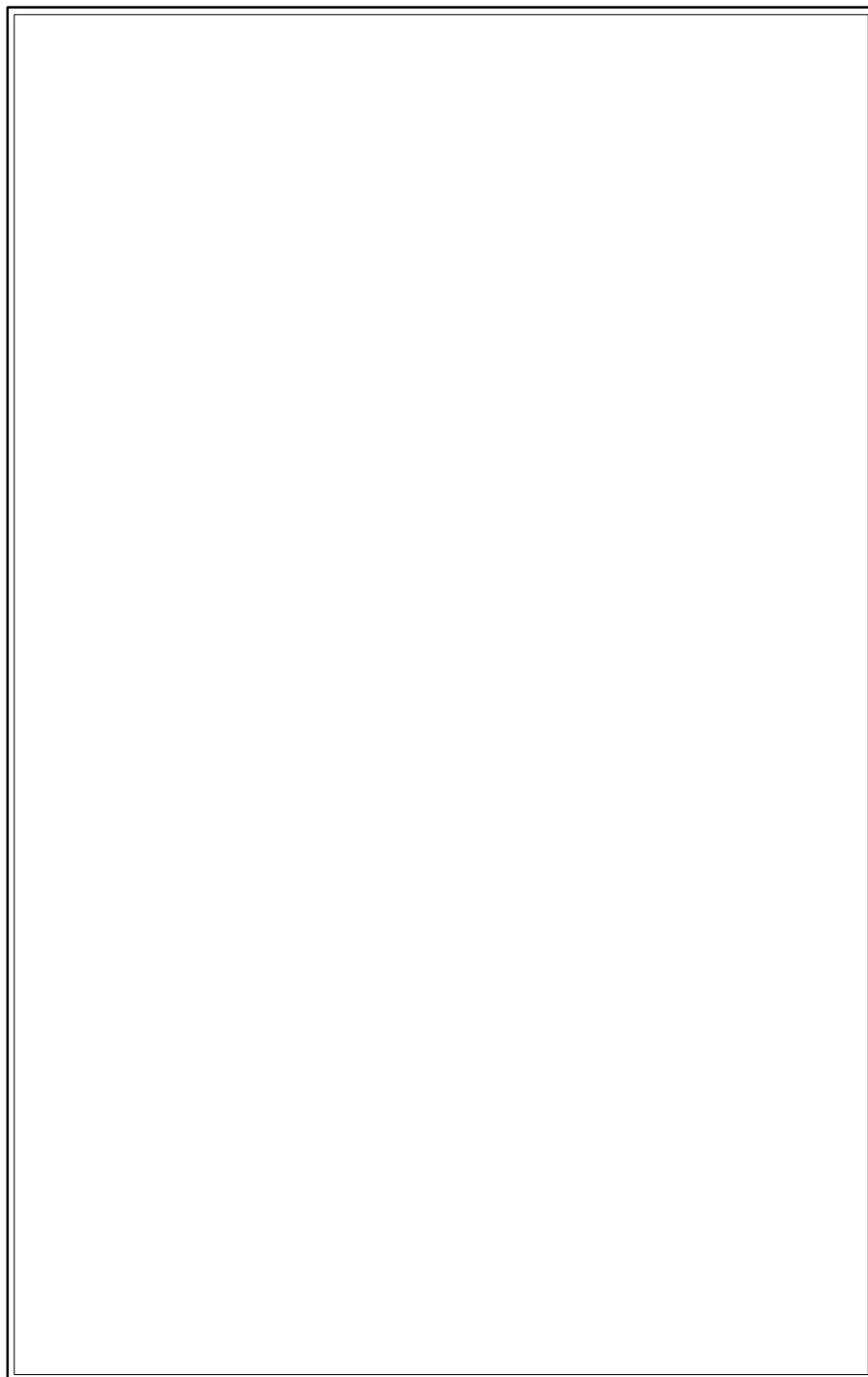
در ذی الحجة الحرام ۱۴۲۰ (نوروز سال ۱۳۷۹ هـ. ش) نیز موفق به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام و ابا عبدالله الحسین علیه السلام و امامین کاظمین علیهما السلام و امامین عسکریین علیهما السلام در کشور عراق گردیدند.

و در اسفندماه ۱۳۶۷ هـ. ش و اردیبهشت ۱۳۷۰ هـ. ش نیز دوبار موفق به زیارت حضرت زینب کبری علیها السلام و رقیه خاتون علیها السلام در کشور سوریه شدند.

همچنین در فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۶۵ هـ. ش به علت معالجه و تبلیغ شریعت به شش کشور اروپائی مسافرت نمودند.



زیارت عتبات عالیات عراق در نوروز ۱۳۷۹ هـ ش



زیارت عتبات عالیات عراق در نوروز ۱۳۷۹ هـ ش

مرگ در راه نماز

روز پنج شنبه ۲۳ ماه صفر ۱۴۲۲ برابر با ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۰ آیه الله نجفی در حالت کسالت قلبی جهت اقامه فریضه ظهر و عصر به جماعت عازم مسجد نوبازار می‌شوند که أجل محتوم فرا می‌رسد و معظم له قبل از ظهر ندای ارجعی را لبیک و به جوار رحمت حق می‌شتابند^(۱).

صاحب این قلم، این مرگ را، مرگ در راه مسجد و اقامه فریضه الهی و تقید ایشان به صلاة جماعت و در یک کلمه مرگ در راه نماز می‌داند و فقط با سه روایت نیز مقام و منزلت و جایگاه چنین مرگی را نیز معلوم می‌کند:

۱- روایت اول را شیخ بزرگوار صدوق رحمته الله در کتاب «امالی» خویش بسند متصلش از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمودند: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم في حديث: ألا ومن مشى الى مسجدٍ يطلب فيه الجماعة، كان له بكل خطوة سبعون ألف حسنة ويُرفع له من الدرجات مثل ذلك، وان مات وهو على ذلك، وكل الله به سبعين الف ملك يعودونه في قبره و يؤنسونه في وحدته و يستغفرون له حتى يُبعث الحديث»^(۲).

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آگاه باشید هر کس به سمت مسجدی به خاطر اقامه جماعت در آن برود، هر قدمی که بر می‌دارد پاداش او هفتاد هزار حسنه است و درجاتش نیز در بهشت به همین مقدار اضافه می‌گردد و اگر بمیرد و در این مسیر باشد، خداوند تبارک و تعالی هفتاد هزار فرشته الهی را مأمور می‌کند که به دیدار او در قبرش بروند و در تنهائی قبر با او همنشین باشند و برای او تا قیامت استغفار کنند.

۲- روایت دوم را قطب راوندی در کتابش «الدعوات» چنین نقل می‌کند: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: خصال ست ما من مسلم يموت في واحدةٍ منهنّ إلا كان

(۱) از عجیب اتفاق وقوع ولادت و ارتحال معظم له در مصادف شدن دهه سوم ماه صفر و اردیبهشت است.

(۲) امالی الصدوق، المجلس السادس و الستون ح ۱ / ۵۱۷ الرقم ۷۰۷.

ضامناً علی الله عزّوجل أن یدخله الجنة: رجل خرج مجاهداً، فإن مات فی وجهه ذلك كان ضامناً علی الله عزّوجلّ، ورجل تبع جنازة، فإن مات فی وجهه كان ضامناً علی الله، ورجل توضأ فأحسن الوضوء، ثم خرج الی المسجد للصلاة، فإن مات فی وجهه كان ضامناً علی الله» الحدیث^(۱).

رسول الله ﷺ فرمودند: شش ویژگی است که اگر مسلمانی در یکی از آنها بمیرد خداوند تبارک و تعالی برای او ضمانت بهشت را نموده است: مردی که به جهاد خارج شود و مرگ او فرا رسد خداوند بهشت را برای او ضامن است، و مردی که به تشیع جنازه‌ای برود و مرگش فرا رسد خداوند بهشت را برای او ضامن است، و مردی که به نیکی وضوء بگیرد و به سمت مسجد برای نماز خارج شود و مرگش فرا رسد خداوند تبارک و تعالی بهشت را برای او ضامن است.

۳- روایت سوم را صاحب جامع الأخبار از رسول الله ﷺ نقل می‌کند: «قال رسول الله ﷺ: إجابة المؤمن كفارة الذنوب والمشي الی المسجد طاعة الله وطاعة رسوله ومن اطاع الله ورسوله أدخله الجنة مع الصديقين والشهداء وكان فی الجنة رفيق داود عليه السلام وله مثل ثواب داود عليه السلام»^(۲).

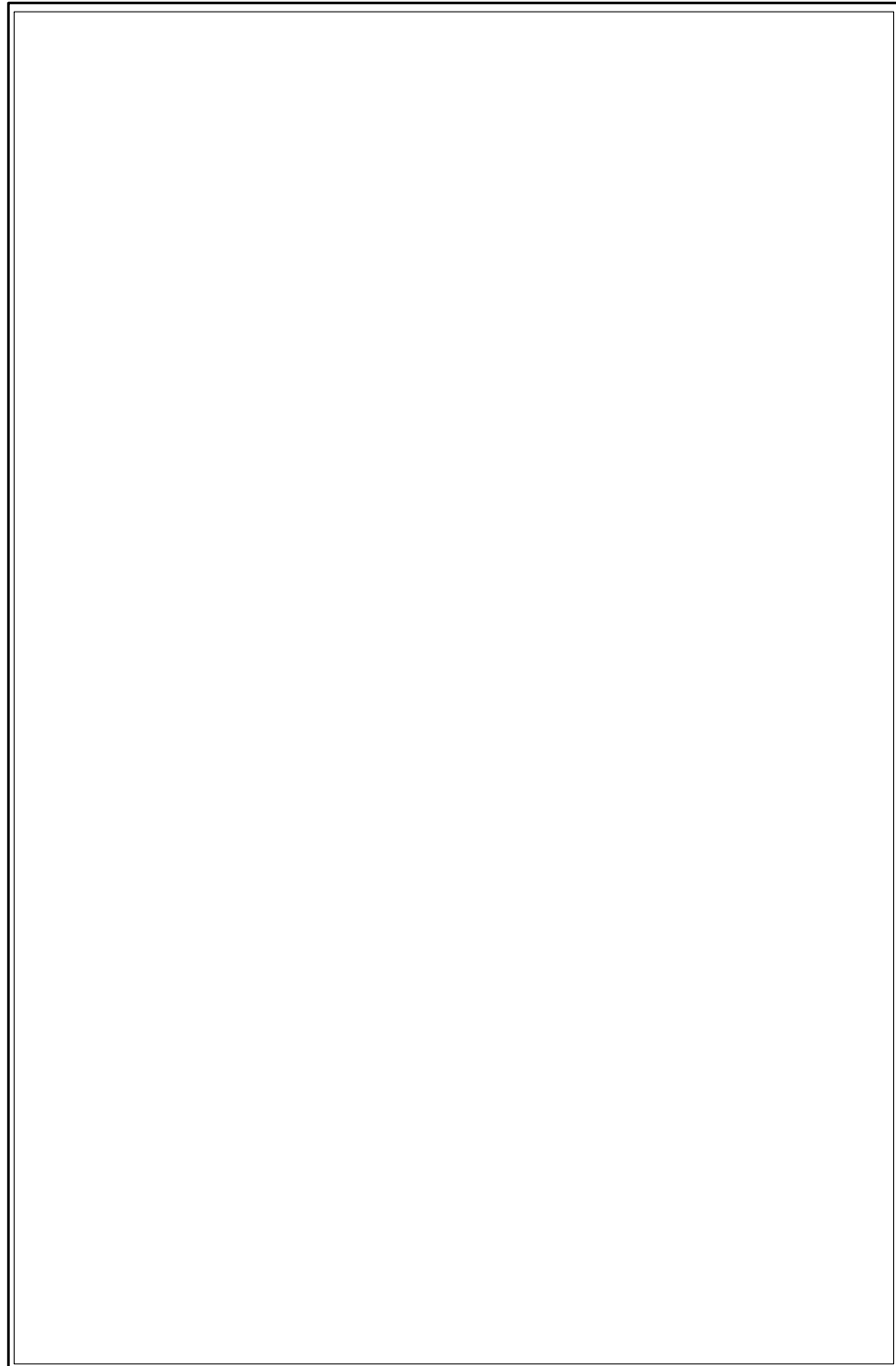
رسول الله ﷺ فرمودند: اجابت دعوت مؤذن برای نماز کفاره گناهان است و رفتن به سوی مسجد طاعت خدا و طاعت رسول او است، و هر کس خدا و رسولش را اطاعت کند، خداوند تبارک و تعالی او را با صدیقین و شهداء داخل در بهشت می‌کند و در بهشت همنشین داود پیامبر ﷺ است و به او ثواب حضرت داود را نیز عنایت می‌فرماید.

آری این نیز نتیجه تقيّد به شریعت مقدسه و احکام الهی و نورانی آن و پاداش حرمت نهادن به نماز و مسجد و جماعت است و ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^(۳)، فطوبى وهنيئاً لك .

(۱) الدعوات / ۲۲۷ .

(۲) جامع الأخبار / ۱۷۲ .

(۳) سورة المائدة / ۵۴ .



۱- نماز عید فطر ۱۴۱۷ بعد از بازگشت از عمره مفرده

۲- آخرین عکس دو هفته قبل از ارتحال بعد از اقامه جماعت و تفسیر قرآن در مسجد امام

تغسیل و تشیع و تدفین

جسم مطهر به منزل معظم له منتقل گردید، و در نیمه شب جمعه توسط جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمود میرهندی دامت برکاته غسل داده شد و با اجرای تمام آداب شرعیه مکفون گردید.

صبح روز جمعه ۲۴ صفر ۱۴۲۲ کالبد مطهر از منزل به مسجد جامع عباسی (امام) اصفهان منتقل گردید، در مسجد امام با جمعیت عزادار و انبوه حاضر که در جلوی آنها صفی از علماء اعلام و آیات بسته شده بود، نماز بر پیکر معظم له توسط آیه الله آقای حاج شیخ محمد تقی مجلسی دام ظلّه اقامه گردید.

پس از آن کالبد مطهر داخل در یک آماری گذاشته شد و از مسجد امام، بر روی سر و دست جمعیت عزادار مشیعین تا مسجد نوبازار تشیعی شایسته انجام گردید.

با ورود جنازه مطهر به مسجد نوبازار، عزاداری توسط مردم در مسجد مجدداً آغاز گردید، کالبد را به داخل شبستان مسجد منتقل نمودند و شروع به خواندن زیارت عاشوراء ابا عبدالله الحسین علیه السلام و روضه و مداحی و عزاداری نمودند و بعد از قریب ساعتی جنازه بر اساس وصیتی که فرموده بودند به کتابخانه‌ای که خود در جوار مسجد نوبازار تأسیس نموده بودند منتقل و در محلی که از قبل معین کرده بودند به خاک سپرده شد، رحمة الله علیه رحمة واسعة وحشره الله مع موالیانه رسول الله صلی الله علیه و آله و آله المیامین علیهم السلام.

تسلیت مراجع معظم تقلید مدّ ظلّهم

پس از انتشار خبر ارتحال آیه الله نجفی رحمته الله از طرف آیات عظام و مراجع معظم تقلید ادام الله تعالی ظلّهم واعلی الله کلماتهم، پیامهای تسلیتی حضوری یا به صورت فاکس و تلفن جهت تعزیت حقیر بعنوان فرزند ایشان صادر گردید، که در آن این مصیبت عظمی را به بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه و حوزه علمیه اصفهان و مردم این شهر و بیت معظم له تسلیت گفته بودند.

در اینجا بر خود فرض می‌دانم که از همه مراجع معظم تقلید ادام الله تعالی ظلّم که با شرکت در مراسم ختم قم و ارسال نماینده به اصفهان و ارسال فاکس و زدن تلفن تسلیت و اعزام نماینده به مراسم در این مصیبت با بیت معظم له و حقیر اظهار همدردی نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم، چنانچه در ملاقاتهای بازدید و جواب فاکسهای تسلیت نیز بعرض رساندم، بقاء همه آنها را جهت حفظ مذهب حقه اثنی عشریه از ذات باری مسئلت می‌نمایم، بمنّه و کرمه و جوده.

فقط به عنوان نمونه به قسمتی از متن دو فاکس اشاره می‌شود با عرض معذرت از عدم ذکر نام مرجع ارسال کننده چون بناء در این مقال بر عدم تسمیه است:

۱- یکی از مراجع معظم تقلید که از اساتید صاحب این قلم نیز می‌باشند در تاریخ ۲۵ صفر المظفر ۱۴۲۲ - ۱۳۸۰/۲/۲۹ از قم مقدسه خطاب به حقیر پیامی چنین صادر فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم
إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

اصفهان - جناب حجة الاسلام آقای

پس از سلام و تحیّت با کمال تأسف خبر ناگوار رحلت ناگهانی مرد تقوی و فضیلت عالم ربانی و روحانی خدمتگزار به اسلام، پدر بزرگوار جنابعالی مرحوم

مغفور حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی غیاث الدین نجفی طاب ثراه را دریافت نمودم و بسیار متأثر شدم، این جانب این مصیبت ناگوار را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حوزة علمیه اصفهان و بیت شریف نجفی و به جنابعالی و همه بازماندگان و علاقه‌مندان محترم تسلیت می‌گویم. و از خداوند قادر متعال برای آن فقید تازه گذشته علو درجات و حشر با اولیاء خدا و برای همه بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل و برای جنابعالی سلامت و توفیق بیشتر خدمت به اسلام عزیز را مسألت می‌نمایم، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۲- همچنین فقیه و مرجع عالیقدر دیگری نیز در همان تاریخ ۲۵ صفر الخیر برابر با ۲۹ اردیبهشت ۸۰ از قم مقدسه پیامی را صادر فرموده‌اند که قسمتی از آن نقل می‌شود:

انا لله وانا اليه راجعون

إذا مات العالم الفقيه ثلم في الإسلام ثلثة لا يسدّها شيء.

حضور محترم حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای ... و بیت معظم.

ضایعه اسفناک ارتحال والد بزرگوارتان مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ مهدی نجفی رحمته الله که عمری را در خدمت به اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام و هدایت دینی مردم متدین اصفهان گذرانید، باعث تأسف و تأثر گردید.

اینجانب این واقعه اندوهناک را به محضر مبارک حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه، مردم مسلمان اصفهان و حوزة‌های علمیه و خاندان معظم تسلیت گفته و از خداوند متعال اجر جزیل و صبر جمیل برای عموم بازماندگان محترم به ویژه حضرتعالی ... خواهان و تسلیت عرض می‌نمایم.

امید آنکه چراغ علم و فضیلت که بیش از دو قرن است در این خاندان معظم تابان و درخشان است، همواره در این بیت جلیل فروزان باشد.

بِسْمِ اللَّهِ
دفتر حضرت آية الله العظمى علوی کرکائی

تلفن: ۷۵۱۳۲۲ - فاکس: ۷۴۳۸۹۱

شماره:

تاریخ:

بسمه تعالی

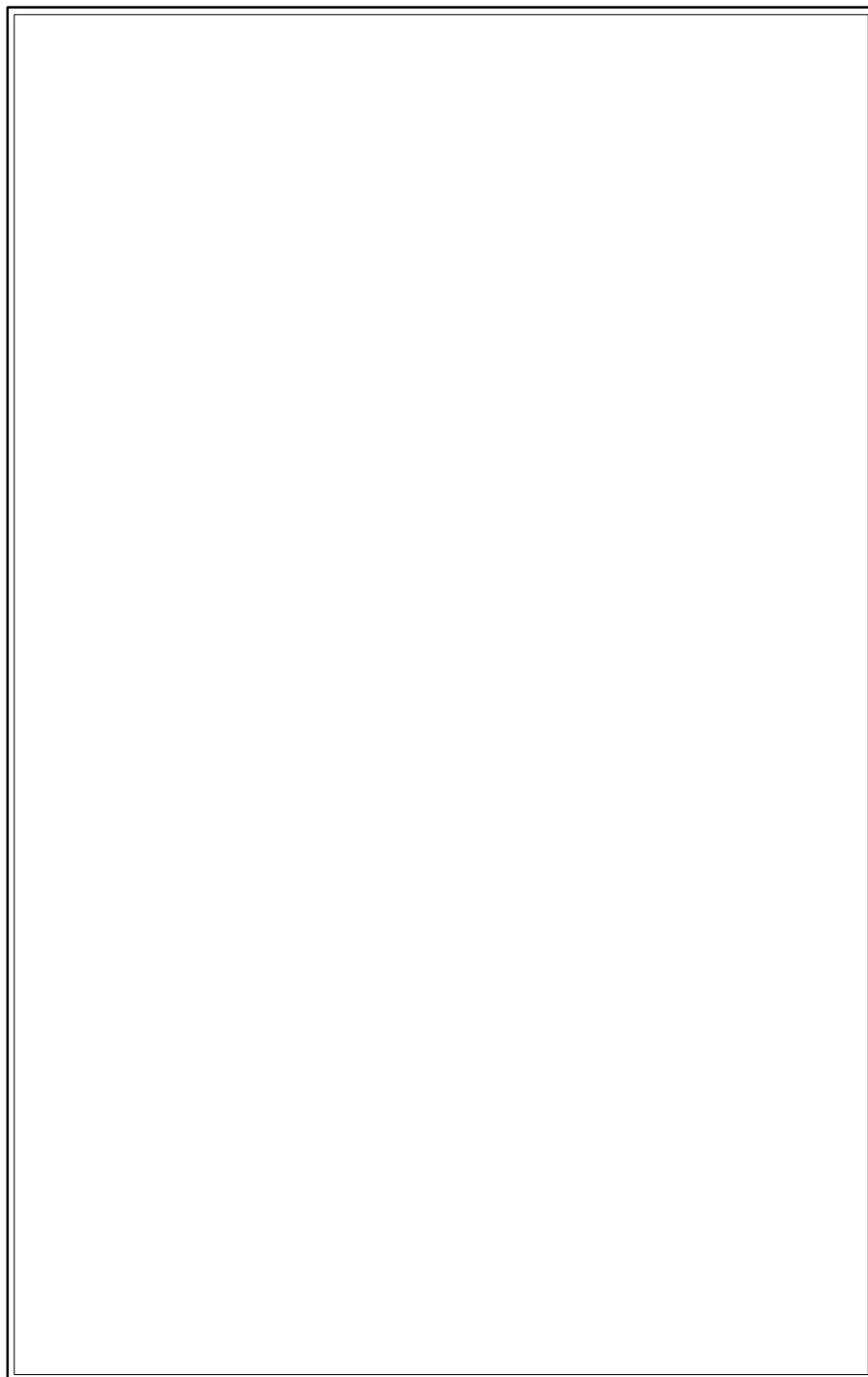
انا لله وانا اليه راجعون

اذ مات العالم الفقيه تلمذ فی الاسلام نعمة لا یسد هاشم معظّم
حضرت محترم حضرت سحاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ نادر نجفی اصفهانی دام ظلّه
ضایده سفات ارکمال والد بزرگواران مرحوم آية الله آقای حاج شیخ محمد نجفی ره کده عمره
در خدمت به السلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام و هدایت زینی مردم مستدین اصفهان
گذرانیدند باعث تأسف و تأثر گردید.
این جانب این واقعه اندوهناک را بحضرت مبارک حضرت بقیة الله عی، مردم سلمان اصفهان
و حوزه های علمیه و خاندان معظّم تسلیت گفته و از خداوند متعال اجر جزیر و صبر جمیل برای محرم
بازماندگان محترم به ویژه حضرت عالی و ابوالزوجه گرامی حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای
سپاه هر در دست تأییداته خواندن و تسلیت عرض می نمایم.
امید آنکه چراغ علم و فضیلت، که عمر از دو قرن است در این خاندان معظّم تابان و
درخشان است، بجا ره در این بیت جلیل فرزندان باشد.

۲۵ صفر اخیر ۱۴۲۲ هـ ق

۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۰





مرقدین آیتین نجفی (قدس سرهما) در جوار مسجد نو بازار اصفهان

مجالس ترحیم

از صبح روز شنبه مجالس ترحیم در اصفهان و حومه و بلاد دیگر آغاز شد، صبح روز شنبه ۲۵ صفر ۱۴۲۲ برابر با ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۰ در مسجد نوبازار مجلس ترحیمی بی نظیر اقامه گردید.

صبح روز یکشنبه ۲۶ صفر ۱۴۲۲ برابر با ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۰ در مسجد امام اصفهان مجلس برقرار شد.

صبح روز دوشنبه ۲۷ صفر ۱۴۲۲ برابر با ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۰ از طرف آیه الله آقای حاج سید محمد تقی موسوی الشفتی مدّ ظلّه در مسجد سید اصفهان مجلس منعقد گردید.

صبح روز سه شنبه ۲۸ صفر ۱۴۲۲ برابر با اول خرداد ماه ۱۳۸۰ مجلس روضه خوانی و عزاداری که توسط خود آیه الله نجفی رحمته الله علیه در مسجد نوبازار اقامه می گردید، تبدیل به مجلس ترحیمی دیگر شد.

صبح روز چهارشنبه ۲۹ صفر ۱۴۲۲ برابر با دوم خرداد ماه ۱۳۸۰ مجلس ترحیم در مسجد جامع فروشان خمینی شهر از طرف آیه الله آقای حاج سید مهدی امامی مدّ ظلّه منعقد گردید.

مراسم هفته معظم له نیز صبح روز پنج شنبه ۳۰ صفر ۱۴۲۲ برابر با سوم خرداد ماه ۱۳۸۰ در مسجد نوبازار همزمان با سالروز عزاداری امام علی بن موسی الرضا علیه السلام برگزار گردید، فقط ظهر هفته جمعیتی بیش از پنج هزار نفر در مسجد نوبازار اطعام شدند.

مردم قدرشناس اصفهان یک هفته تمام بدون وقفه برای این عالم بزرگوار و منخلص عزاداری نمودند.

همچنین به امضای صاحب این قلم نیز مجلس بزرگداشتی در حوزه علمیه

قم مقدسه در مسجد محمدیه سه شنبه پنجم ربیع الاول ۱۴۲۲ برابر با هشتم خردادماه ۱۳۸۰ بعد از نماز مغرب و عشاء منعقد گردید و آیات عظام و مراجع معظم تقلید و علماء اعلام و فضلاء کرام و سروران روحانی و مردم قدرشناس قم با شرکت در آن نسبت به مقام شامخ علمی آن بزرگوار ادای احترام نمودند.

مراسم شب چهلم نیز در بیت معظم له در شام دوشنبه سوم ربیع الثانی ۱۴۲۲ برابر با چهارم تیرماه ۱۳۸۰ برقرار گردید.

و مراسم چهلمین روز نیز بعد از ظهر روز سه شنبه چهارم ربیع الثانی ۱۴۲۲ برابر با پنجم تیرماه ۱۳۸۰ با شکوه و عظمت خاصی در مجسد نوبازار اصفهان منعقد گردید.

و با انتقال کتب ایشان به کتابخانه آیه الله النجفی در همین روز چهلم معظم له نیز کتابخانه رسماً کار خود را آغاز نمود.

در ضمن مراسم عید اول نیز از صبح روز یکشنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۴۲۲ برابر با ۲۰ خرداد ماه ۱۳۸۰ تا شام در بیت معظم له برگزار گردید.

مراثی و ماده تاریخ

۱- شاعر توانا و ادیب اریب آقای فضل الله اعتمادی متخلص به برنا مولود عام ۱۳۰۹ هـ. ش در مرثیه و ماده تاریخ ایشان چنین سروده‌اند:
ز آتش مجمر اندیشه شدم دود چو عود^(۱)
خوش بود بوی خوش عود^(۲) و نوای خوش عود^(۳)

(۱ و ۲) درختی گرمسیری می‌باشد که هنگام سوختن بوی خوش دهد.

(۳) نوعی ساز و آلت موسیقی است.

شد کجا؟ رود^(۱) که در ساحل آن بنشینم
 نشنوم مویه^(۲) و رود^(۳) و شنوم مویه^(۴) رود^(۵)
 آوخ از کجروی چرخ که بی‌اذن و خبر
 بَرَدَتْ گه بفراز و کِشَدت گه به فرود
 وای از این فتن دهر که جز لطف خدا
 کس ندادند ره امید برای بهبود
 تا که آن سائق غائب که بود هادی خلق
 آشکارا به امیری کندش نائل زود
 هر زمان دور فلک حادثه‌ای پیش آرد
 که از این حادثه‌ها جان و دل و تن فرسود
 ای بسا آنکه کند دعوی روشن رایی
 همچو معیوب چراخی بودش حاصل دود
 ای دریغا نشود دیده عبیرت بیدار
 که ز صاحب نظران مرگ بسی دیده غنود
 راه بر حبر امینی اجل عاجل بست
 یا به فرمان قدر دست قضایش بر بود
 یا که در راه مصلی و بهنگام نماز
 کِشَتِ عَمَرِ رَجَلِی فَحَلِی و رزین مرگ درود

(۱) نهر پهناور و پر آب .

(۲) گریه و زاری و عزا .

(۳) فرزند عزیز و گفتن رود، رود برای تازه مرده که بین مردم بعضی عشائر مرسوم است .

(۴) نوعی آهنگ و نوای موسیقی .

(۵) نوعی آلت موسیقی که دارای سیم و تارهای مختلف فلزی و روده‌ای و ابریشمی بوده و در

این رثاء می‌شود به صدای جریان آب نیز تعبیر کرد .

مقتدائی که زهر مشکل مردم از دل
 تا بحدی که توانست از آن عقده گشود
 آنکه با صدق و وداد و ورع و زهد و رضا
 لکۀ کبر از آئینه خاطر به زدود
 آنکه جز عشق به اسلام و خدا کرد تهی
 مخزن دل ز علائق چه سپید و چه کبود
 آنکه اندر پی تدریس و تلمذ عمرش
 صرف آموزش و تعلیم شد و گفت و شنود
 نه سری را به سماجت زیکی درد آورد
 نه دلی را به جسارت زغم از کس اندود
 نه تلف آرزویش شد ز برای کم و بیش
 نه تبه آبرویش کرد پی بود و نبود
 نه که با دست و زبان و قدم و نیش قلم
 همچو سوهان ز حسد خاطری از خویش بسود
 ذکر و وردش همه از بهر خدا بود نه خلق
 امر و نهی همه از روی ولاء بود نه سود
 شست از چهره خود رنگ دورویی و ریا
 دامن از گرد تبانی و تظاهر پالود
 بود از بهر گرایش به سوی دانش و دین
 نه تملق، اگر او مرد و زنی را بستود
 سعی می کرد که با دست و زبانش هرگز
 خاطری را ننماید زخودش ناخشنود
 سبط زهرا و سمی ولی حق مهدی
 که در افواه مسمی به غیاث الدین بود

زائر بیت خدا، شیخ معظم نجفی
 مجد الاسلام که عمری ره مذهب پیمود
 داشت او هم زصنادید و معاریف نژاد
 هم زاحفاد و زاعقاب افضال میبود
 کرد مسجد نوی بازار صفاهان تعمیر
 سالن بحث و کتابخانه به مسجد افزود
 رفت از گیتی و رست از همه آلام و غموم
 شد به عقبا و زاضلال و مصائب آسود
 کرد در بزمگه عالم أعلا ماوی
 کرد با این کره خاکی سفلا بدرود
 بُرد ره در بر ارواح مکرم روحش
 بهر اظهار سلام و پی ابراز درود
 الغرض ارجعیش چون بسوی خلوت دوست
 دعوت از منزل دنیا سوی عقبا فرمود
 طبع برنا سنه رحلت او را بدو نوع
 طی یک بیت از الهام به این گونه شنود
 «مجد الاسلام پی دیدن مجد العلماء
 جانب مسکن سرمد زجهان روی نمود»

۱۴۲۲

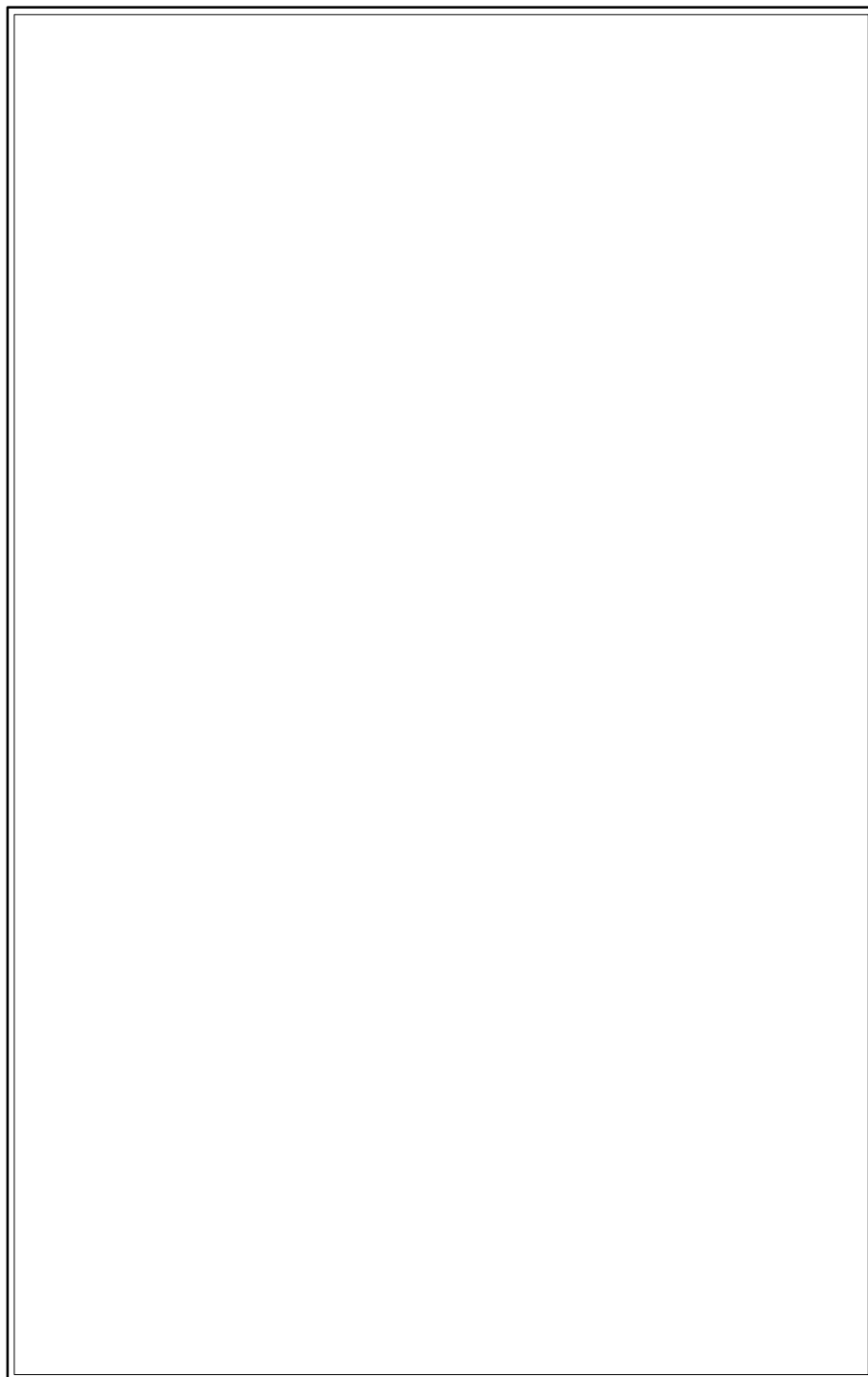
«مجد الاسلام پی دیدن مجد العلماء
 جانب وادی جنت زجهان روی نمود»

۱۴۲۲

۲- شاعر محترم آقای مداح زاده نیز در رثاء و ماده تاریخ معظم له گوید :

حاجی آقا شیخ مهدی ، حامی دین مبین
 آیت عظمای یزدان ، مصطفی را جانشین
 دوستدار آل حیدر ، ناشر احکام دین
 مجد الاسلام صفاهان ، عالم فحل آمین
 شهره بر حاجی غیاث الدین در افواه عموم
 پور مجد عالمان ، محبوب خاص مؤمنین
 آنکه از خُلق خوش و کردار نیکو و کَرَم
 حلقه یاران خود را بود مانند نگین
 با اصول و با فروع فقه مذهب آشنا
 جاذب مردم به شرع و دین ختم المرسلین
 در هزار و سیصد و هشتاد شمسی ناگهان
 ارجعی از حق شنید و شد بفردوس برین
 سوگ او توأم شد اندر آخر ماه صفر
 با عزای احمد و سبط و امام هشتمین
 بر روان او درود بی حدّ و بی مَر بود
 شادکن روح ورا با ذکر آیات مبین
 زد رقم تاریخ چون رفت از جهان سوی جنان
 از برای فوت او مداح زاده این چنین
 « عابد صاحب دلی » آمد بجمع و سال گفت
 « دیده در هجران وی شد زار و دل اندوهگین »

$$۱۲۰۰ + ۲۲۲ = ۱۴۲۲$$



آیه الله نجفی (قدس سره) در سنین ۵۰ و ۶۰ سالگی

مصادر شرح حال

شرح حال یا نام آیه الله نجفی علیه السلام را می توانید در کتابها یا مقالات ذیل بیابید :

- | | |
|--|--|
| تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۳۱/۱ و ۱۶۷/۳ و ۳۷۹/۳ | بیست مقاله / ۳۶۸ آیه الله استادی |
| موسوعة أحاديث أهل البيت <small>علیهم السلام</small> / ۱۲ / (۴۳۶) - | نمونه‌ای از یک انسان، وارسته پیوسته، زندگی |
| از صاحب این قلم | نامه مرحوم آیه الله شیخ محمد حسین نجفی |
| مجله آینه پژوهش - سال دوازدهم شماره دوم | اصفهانى <small>علیه السلام</small> / ۲۳ از سید ابو الحسن مهدوی |
| خرداد ماه ۱۳۸۰ عدد ۶۸ ص ۱۱۴ | مجله آینه پژوهش - سال یازدهم شماره سوم - |
| رسالة امجدیه / ۲۹ و ۳۲ طبع سوم | مرداد و شهریور ۱۳۷۹ عدد ۶۳ ص ۷۷ |
| اليواقیت الحسان فی تفسیر سورة الرحمن / ۱۸ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۶ | مقدمه رساله امجدیه - طبع چهارم - از صاحب این قلم |
| وقایة الأذهان / ۴۴ طبع مؤسسة آل البيت <small>علیهم السلام</small> | نسبنامه مرحوم علامه محمد باقر الفت - نسخه خط مؤلف . |
| الاجازة الشاملة للسيدة الفاضلة - چاپ شده در | |
| مجله علوم الحدیث عدد چهارم / ص ۳۲۴ | |

« ٧ »

فيض الباري إلى قرة عيني الهادي

خط سبتي

تأليف

آية الله الشيخ مهدي غياث الدين

مجد الاسلام النجفي

(١٣٥٤ - ١٤٢٢ ق)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله على متراتر نعمائه ومستفيض لائه والعلوة على رسوله المرسل ومفرره
الاول ابي القاسم محمد وآله الامجاد الذين رووا حديث المهد عنه سلفاً بالباء و
الاجد اذ ورضوان الله ونعمائه لاسلافنا العالمين وشانينا الماضين الذين حفظوا
ما استودعوه من احاديث اهل العصمة وادوا الى الخلف مورثي الائمة
وصانوا مشون الروايات عن الشريف بالعرض والمقابلة وراسدوا احاديث
عن الانقطاع بالقرائة والناوله.

وبعد فان الشيخ العالم الفاضل التقي والمهذب العيني عميد الدين الحنيف
وسالك ازمة التفتيح الجامع بين العقول وشقوله وسقطه
فرد بين امور مهذب قواعده وناظم فرائده بنجم سماء العلم الذي يتهدى به
في مسالك الافهام ونوره الذي يكتشف به الظلام من مدارك الاحكام نموذج
السلف الواصل ونور الاخرة عينية وشجرة فواصي الشيخ هادي البهني دام مجده
ومعزه ومعه متن من عمره الشريف في تحصيل العلم وبيان الاجتهاد فيبلغ
بجد الله الى مرتبه الاجتهاد وحرم عليه التقليد وفقه الله تبارك وتعالى
لاستباط فقه آل البيت عليهم السلام.

وقد استجازتني رواية الاحاديث من الائمة المعصومين عليهم صلوات الله
بين جامع المتهدين الاقيسين وجامع المتهدين المتأخرين وسائر كتب علماء
التبعية الاقنى مشتمية قدس اسرارهم فاجازت حضرتته دامت افاضاته
ان يردى عنى كلما جازت لي روايته من شايخ العظام:

يتهم وللمدى العلامة الحجة الاية الحاج الشيخ محمد اليرسين (سيد العلماء) البهني الامنهاني
المسيرة هي صاحب نوادر الرضوية في شرح فصول الشروية وغير هاسن التاليفات
المتروفي سنة ١٤٠٣ هـ المطاب شراه وجعل الجنة مثواه

ويتهم سيدنا العلامة فقيه اهل البيت الرجالي النقيب الحجة اذاية ابو
المعالي الحاج السيد شهاب الدين البهني المرعشي مع الله المسلمين بطول
بقائه وحياته الشريف صاحب تاليفات عديدة منهن كتاب الاجازات

في ثلاث مجلدات .

من استاذها العلم العلامة فخر الشيم و دليل الشريعة شيخ اجازات
عمره جدي وجد جناب المستبحر الشيخ محمد الرضا البغدادي الاصفهاني
المسجد شاهي طاب ثراه و جعل الجنة مشراه عن شايخه الاربعة وهم:
الاول: الشيخ الامام العالم العابد الفقيه المحدث الاميرزا حسين النوري
صاحب مستدرک الوسائل قد رآه مرقدته الشريف من الشيخ الفقيه
العلامة شيخ المتأخرين الشيخ مرتضى بن محمد اسين الالفارسي رحمه الله
عن المولى احمد الزاجي عن السيد مهدي الهدوي بحجر العلوم طاب ثراه
الثاني: العلامة المتأخرين و نموذج السلف العالمين الشيخ فتح الله النوري
الشيرازي الاصفهاني المعروف بشريعت و شيخ آثرية و
الثالث والرابع: السيدان العالمان السيد حسن الصدر العالمي
الفاظي والحاج سيد محمد القزويني عن السيد مهدي القزويني عن
خاله بحر العلوم طاب الله ثراه
الخامس الشيخ العالم الزاهد الحاج الشيخ باقر البهاري الهمداني عن
المولى حسن علي الهمداني عن العلامة الالفارسي بسنه المتقدم
و عن الشيخ ميرزا حسين نجل ميرزا خليل من الشيخ المتبحر الاخوند
ملا محمد تقى البحر فادقاني (الكلبكاني) عن جدي العلامة الثاني
الشيخ محمد تقى البغدادي الاصفهاني صاحب هداية المسترشدين في
شرح اصول معالم الدين من جداد اذة الشيخ الطائفة في عمرة الشيخ
جعفر البغدادي صاحب كشف الغطاء عن السيد بحر العلوم عن الزيد محمد
باقر الاصفهاني الثبير بالبيهان عن والده المولى محمد المل عن المولى
محمد باقر المجلسي عن صاحب جواهر معلوم اهل البيت عليهم السلام عن والده

المولى محمد تقي وعن سائر مشايخنا (٣) المذكورين في مجلد الاجازات من كتاب بحار الانوار. فصل

ولنا في روايات النجاشين ولقبهم طرق كثيرة مذكورة في الاجازات الكثيره وفتقر على ذكر الطرق المهم منها:

من سنة ثمان العلامة الفقيه اذابة السبه شهاب الدين البهبهني المرعشي المتقدم بطريقه الكثيره التي كتب العامة المذكورة في مجلد الثاني من كتابه الاجازات

ومنها الطريق الى صحيح البخاري - فاننا نرى من طريقنا السابقة عن العلامة من والده من علمي بن محمد اليراسلي من الناهض ابي بكر محمد بن علمي المصنف بطريق

عن نزر المهدي الزين من العارفة لرحمة بنت احمد المرزسي من ابي العيش محمد بن ملكي عن محمد بن يوسف عن محمد بن اسحاق بن البخاري

واما الطريق الى صحيح مسلم - فمن العلامة عن رضی الدين لادوس عن الحسن الدردي من محمد بن شاذان عن ابي عبد الله محمد الفراءي عن عبد الناصر الفارسي من

ابي احمد الجلودي عن ابراهيم بن محمد بن سنان عن ابي الحسين مسلم بن الحجاج والي مسند احمد بن حنبل عن العلامة ايضا - من والده من علمي بن محمد اليراسلي

من والده من اسين الحفزة هبة الله بن محمد الشيباني عن ابي علمي بن الزهيد من احمد بن جعفر بن حمدان عن عبد الرحمن بن احمد بن حنبل عن ابيه

واما الطريق الى كتاب البيع بين الصحاح الستة وهي سرطا مالك ومصحف البخاري وسلم وسنن ابي داود ومصحف النسائي رابي الحسن زرقي بن معاذ بن اذانه كشي فسن

العلامة ما سنده من ابن البظريق من عبد الله بن المنصور الباقلائي عن زرقي معاذ بن اندلس. خاتمة

والذكر في خاتمة الاجازة رواية وهي: اخبرني والدي العلامة الشيخ الایة محمد بن ابيه العلامة البهبهني عن والده العلامة اذابة ابوالمجد محمد الرضا البهبهني عن العلامة الایة

الشيخ فتح الله البخاري الاصلاني (شريفيت) عن العلامة السمرزاهي باقر الخوارزمي من جده ابي الامام البخاري السمرزاهي من صاحب (الرياض) و (الترازين) من الخراساني بنوه بنوه عن والده محمد المل عن المولى محمد باقر المجلسي عن المولى حسن

المعروف بالفيض من استاده الحكيم الا لهي فخر الطائفة الحقة البري المهدوا
 من استاده السيد محمد باقر المعروف بوابا د من خاله عمه العالي بن علي
 من والده علي بن عمه العالي الكركي من الشيخ علي بن هلال الجزائري من الشيخ
 ابن فهد الحلبي من علي بن الخازن من الشبيه محمد بن علي من العلامة قطب
 الدين الرازي صاحب المحاكمات من العلامة حسن بن يوسف من استاده
 محمّد البشير نصير الملّة والدين محمد المصطفى اللوسي (المؤاجم) من والده محمد
 من السيد فضل الله الراوندكي من السيد محمد الدين بن أبي العيصام ذي النطاق
 الحسيني من الشيخ أبي جعفر الطوسي (شيخ الطائفة) من الشيخ أبي عمير الله المفسر
 من جعفر بن محمد بن قولويه من محمد بن يعقوب الكليني من علي بن ابراهيم من
 ابيه من الحسن ابن أبي الحسين النارسي من عمه الرحمان من زويه من ابيه من
 ابي عمير الله عليه السلام قال: قال رسول الله ص طلب العلم فرغنة
 الا ان الله يحب بناء العلم . وصية

و اجزئت لراي يردس عني بهذه الطرق جميع كتب اعمامنا ورواياتهم مما
 صحت لروايتها .

و انا اوصيه بما اوصاني به شاشي العظام و استاتذني الكرام طالب شراهم : وهي
 تقوى الله سبحانه وتعالى في السر والعلانية والتقى في قضاء حوائج الاخوان وسلك
 طريق الاضطرار واليقين اوصى به العلامة علي الاطلاق ولله فخر السمتين في خاتمة
 قوامه . و ان لا يشا من صالح الدعوات ودعا الله عند سلطان الاجابة .

و ارجو من الله تبارك وتعالى ان يوفقه ويؤيده في اجتهاده ونشر احكام الله بينه
 و لغيره في تأليفه القيمة و انا فامة العالم وقد تمت هذه الاجازة الهامة
 در بنين الباريس الى قرّة عيني الهادي (دام ظله وعمره و توفيقاته و متسع ارض
 المسلمين بطول حياته و بقاءه الشريف في ٢٢ من شهر جمادى الاولى سنة ١٤٠٧

و انا العبد الناني الحاج الشيخ مهدي محمد الاسلام البغدادي الاصل من فاضل
 عني الله تبارك وتعالى عني و من والدي بمهنة و كرمه الا حرة الحاج الشيخ مهدي



فيض الباري الى قرة عيني الهادي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله على متواتر نعمائه ومستفيض آلائه و الصلاة على رسوله المرسل ومضمّر سرّه الأول أبي القاسم محمّد وآله الأمجاد الذين رووا حديث المجد عنه مسلسلًا بالاباء والاجداد ورضوان الله وغفرانه لأسلافنا الصالحين ومشايخنا الماضين الذين حفظوا ما استودعوه من احاديث اهل العصمة وأدوا الى الخلف مواريث الائمة وصانوا متون الروايات عن التحريف بالعرض و المقابلة واسانيد الاحاديث عن الانقطاع بالقراءة والمناولة .

وبعدُ فإنّ الشيخ العالم الفاضل التقي والمهذب الصفي عضد الدين الحنيف ومالك ازمة التصنيف الجامع من العلم بين معقوله و منقوله ومستنبط فروعه من اصوله مهذب قواعده وناظم فرائده نجم سماء العلم الذي يهتدى به في مسالك الافهام ونوره الذي يكشف به الظلام عن مدارك الاحكام نموذج السلف الاوائل و فخر الاواخر قرة عيني و ثمرة فؤادي الشيخ هادي النجفي دام مجده وعزّه وعمره ممّن صرف عمره الشريف في تحصيل العلم ومباني الاجتهاد فبلغ بحمد الله الى مرتبة الاجتهاد و حرم عليه التقليد وفقه الله تبارك و تعالى لاستنباط فقه آل البيت عليهم السلام .

وقد استجاز منّي رواية الأحاديث عن الائمة المعصومين عليهم صلوات الله من مجامع المحمدين الأقدمين و مجامع المحمدين المتأخرين وسائر كتب علماء

الشيعة الاثني عشرية قدس اسرارهم فاجزت حضرته دامت افاضاته إن يروي عني كل ما جازت لي روايته من مشايخي العظام :

منهم: والدي العلامة الحجة الآية الحاج الشيخ مجد الدين (مجد العلماء) النجفي الاصفهاني المسجد شاهي صاحب « فوائد الرضوية في شرح فصول الغروية » وغيرها من التأليفات المتوفى سنة ١٤٠٣ طاب ثراه و جعل الجنة مثواه .
ومنهم: سيدنا العلامة فقيه اهل البيت الرجالي النسابة الحجة الآية ابو المعالي الحاج السيد شهاب الدين النجفي المرعشي متع الله المسلمين بطول بقائه و حياته الشريف صاحب تأليفات العديدة منهم كتاب « الإجازات » في ثلاث مجلدات .

عن استاذهما العلم العلامة فخر الشيعة و دليل الشريعة شيخ اجازات عصره جدّي و جدّ جناب المستجيز الشيخ محمد الرضا النجفي الاصفهاني المسجد شاهي طاب ثراه و جعل الجنة مثواه عن مشايخه الخمسة و هم :

الاول: الشيخ الامام العالم العابد الفقيه المحدّث الميرزا حسين النوري صاحب « مستدرك الوسائل » نور الله مرقده الشريف عن الشيخ الفقيه العلامة شيخ المتأخرين الشيخ مرتضى بن محمد امين الانصاري رحمته الله عن المولى احمد النراقي عن السيد مهدي المدعو ببحر العلوم طاب ثراهما .

الثاني: علامة المتأخرين ونموذج السلف الصالحين الشيخ فتح الله النمازي الشيرازي الاصفهاني المعروف بشريعت وشيخ الشريعة .

الثالث والرابع: السيدان عالمان السيد حسن الصدر العاملي الكاظمي والحاج السيد محمد القزويني عن السيد مهدي القزويني عن خاله بحر العلوم طيب الله ثراهما .

الخامس: الشيخ العالم الزاهد الحاج الشيخ باقر البهاري الهمداني عن المولى حسين قلبي الهمداني عن العلامة الانصاري بسنده المتقدّم .

و عن الشيخ ميرزا حسين نجل ميرزا خليل عن الشيخ المتبحر الآخوند ملا

محمد تقي الجرفادقاني (الكلبايگاني) عن جدّي العلامة الثاني الشيخ محمد تقي النجفي الاصفهاني صاحب « هداية المسترشدين في شرح اصول معالم الدين » عن جد اولاده شيخ الطائفة في عصره الشيخ جعفر النجفي صاحب كشف الغطاء عن السيد بحر العلوم عن الفريد محمد باقر الاصفهاني الشهير بالبهبهاني عن والده المولى محمد اكمل عن المولى محمد باقر المجلسي غواص بحار علوم اهل البيت عليه السلام عن والده المولى محمد تقي و عن سائر مشايخه المذكورين في مجلد الاجازات من كتاب بحار الأنوار .

فصل

و لنا الى روايات المخالفين وكتبهم طرق كثيرةً مذكورةً في الاجازات الكبيرة ونقتصر على ذكر الطرق المهمّ منها :

عن سيّدنا العلامة الفقيه الآية السيد شهاب الدين النجفي المرعشي المتقدّم بطرقه الكثيرة الى كتب العامة المذكورة في المجلد الثاني من كتابه الاجازات .

ومنها: الطريق الى صحيح البخاري: فأنا نروي بطرقنا السابقة عن العلامة عن والده عن علي بن محمد الواسطي عن القاضي ابي بكر محمد بن علي المحتسب بواسط عن نور الهدى الزيني عن العالمة كريمة بنت احمد المروزي عن ابي الهيثم محمد بن مكّي عن محمّد بن يوسف عن محمد بن اسماعيل البخاري .

وأما الطريق الى صحيح مسلم: فعن العلامة عن رضي الدين طاووس عن الحسن الدرّبي عن محمد بن شهر آشوب عن ابي عبدالله محمد الفراوي عن عبدالغافر الفارسي عن ابي احمد الجلودي عن ابراهيم بن محمد بن سفيان عن ابي الحسين مسلم بن الحجاج .

والى مسند احمد بن حنبل: عن العلامة ايضاً عن والده عن علي بن محمد الواسطي عن والده عن امين الحضرة هبة الله بن محمد الشيباني عن ابي علي بن

المذهب عن احمد بن جعفر بن حمدان عن عبدالرحمن بن احمد بن حنبل عن ابيه .

وأما الطريق الى كتاب الجمع بين الصحاح الستة: وهي موطأ مالك و صحيح البخاري ومسلم وسنن ابي داود وصحيح النسائي لأبي الحسن رزين بن معاوية الاندلسي ، فعن العلامة باسناده عن ابن البطريق عن عبدالله بن المنصور الباقلائي عن رزين [بن] معاوية الاندلسي .

خاتمة

واذكر في خاتمة الإجازة رواية وهي: اخبرني والذي العلامة الشيخ الآية مجد الدين (مجد العلماء) النجفي عن والده العلامة الآية ابو المجد محمد الرضا النجفي عن العلامة الآية الشيخ فتح الله النمازي الاصفهاني (شريعة) عن العلامة الميرزا محمد باقر الخوانساري عن جدّي حجة الاسلام الحاج السيد محمد باقر الرشتي عن صاحبي (الرياض) و(القوانين) عن الفريد البهبهاني عن والده محمد اكمل عن المولى محمد باقر المجلسي عن المولى محسن المعروف بالفيض عن استاذ الحكيم الالهي فخر الطائفة الحقّة المولى صدرا عن استاذ السيد محمد باقر المعروف بداماد عن خاله عبدالعالي بن علي عن والده علي بن عبدالعالي الكركي عن الشيخ علي بن هلال الجزائري عن الشيخ ابن فهد الحلبي عن علي بن الخازن عن الشهيد محمد بن مكّي عن العلامة قطب الدين الرازي صاحب المحاكمات عن العلامة حسن بن يوسف عن استاذه معلم البشر نصير الملة والدين محمد المحقق الطوسي (الخواجه) عن والده محمد عن السيد فضل الله الراوندي عن السيد عماد الدين ابي الصمصام ذي الفقار الحسيني عن الشيخ ابي جعفر الطوسي (شيخ الطائفة) عن الشيخ ابي عبدالله المفيد عن جعفر بن محمد بن قولويه عن محمد بن يعقوب الكليني عن علي بن ابراهيم عن ابيه عن الحسن ابن ابي الحسين الفارسي

عن عبدالرحمن عن زيد عن ابيه عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : « طلب العلم فريضة [على كل مسلم] ، ألا إن الله يحبُّ بغاة العلم »^(١) .
واجزّت له أن يروي عني بهذه الطرق جميع كتب اصحابنا ورواياتهم ممّا صحّت لي روايتها .

وصية

وانا اوصيه بما اوصاني به مشايخي العظام واساتذتي الكرام طاب ثراهم ، وهي : تقوى الله سبحانه و تعالى في السرّ والعلانية والسعي في قضاء حوائج الاخوان و سلوك طريق الاحتياط وايضاً بما اوصى به العلامة على الاطلاق ولده فخر المحققين في خاتمة قواعده و ان لا ينساني من صالح الدعوات و دعاء الخير عند مظان الاجابة .

وارجو من الله تبارك و تعالى ان يوفّقه ويؤيّدّه في اجتهاده و نشر احكام الله بيده و نصره في تأليفاته القيّمة و افاضاته العالية و قد تمّت هذه الاجازة المسمّاة بـ«فيض الباري الى قرّة عيني الهادي» دام ظلّه و عمره و توفيقاته و متّع الله المسلمين بطول حياته و بقائه الشريف في ٢٦ من شهر جمادى الاولى سنة ١٤٠٧ .
وانا العبد الفاني الحاج الشيخ مهدي مجد الاسلام النجفي الاصفهاني غياث الدين عفى الله تبارك و تعالى عني و عن والديّ بمنّه و كرمه .

الأحقر الحاج الشيخ مهدي مجد الاسلام النجفي

(١) الكافي ٣٠/١ ح ١ .

« ٨ »

فهرس
مخطوطات مكتبة آية الله النجفي

(ايران - اصفهان)

خط سبتي

تأليف

العلامة المحقق السيد احمد الحسيني

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ، والصلاة على محمد رسول الله ، وعلى آله آل الله .

بنيت في السنوات الأخيرة ، على صنع فهرس - ولو اجمالية - للكتب المخطوطة المحفوظة في المكتبات الخاصة التي أوفق للاطلاع عليها بفضل أصحابها ، أو أجد فرصة الاطلاع على مكتبات مهملة في المدارس وبعض المساجد ، وذلك لأن الاطلاع على ما فيها من الأعلام والذخائر غير متيسر للمحققين والباحثين ولا تتاح هذه الفرص الممتازة للجميع. اجتمعت لدي من هذه المكتبات آلاف من البطاقات لمخطوطات أدرجت اكثرها في موسوعي « دليل المخطوطات » ، كل مكتبة بعنوان خاص مفرزة عن المكتبات الأخرى .

الطريقة المتبعة : أن يكون لكل مكتبة فهرس خاص مرتب على ترتيب حروف أوائل أسماء الكتب، ثم التعريف بالكتاب اذا لم يكن موصوفاً كما ينبغي في فهرس ومصادر أخرى أو كان مجهولاً غير معروف ، ثم وصف النسخة وميزاتها اذا كان فيها ما يستحق الذكر بتفصيل .

من جملة المكتبات الخاصة التي تم الاطلاع عليها مكتبة صاحب السماحة الآية المغفور له الشيخ غياث الدين مهدي النجفي المسجد شاهي الأصبهاني تغمده الله تعالى برحمته ورضوانه. زرتها في أصفهان وتمت كتابة القائمة التي استعرضت فيها مخطوطاتها بمقدار الفرصة المتاحة لي. كما تم تصوير ما كان يهمننا منها في مركزنا « مركز احياء التراث الاسلامي » بقم .

شاء أخونا فضيلة العلامة الأجل الشيخ هادي النجفي ، أن يكون هذا المسرد
جزءاً من الكتاب الذي ينوي إصداره بمناسبة الذكرى السنوية الأولى لوفاء والده
المقدس ، وفاءً بحق الأبوة وتخليداً لذكراه .
أطلب الى العلي القدير أن يفيض على روح الوالد شأبيب الرحمة والمغفرة ،
ويمنّ على الولد بالتوفيق والتسديد .
قم ٦ رمضان المبارك ١٤٢٢ هـ
السيد احمد الحسيني

أبواب الجنان

(أخلاق - فارسي)

تأليف: ميرزا رفيع الدين محمد بن فتح الله الواعظ القزويني (١٠٨٩)
* نسخة مخرومة الأول والآخر .

أحكام جهاد وأسباب رشاد

(فقه - فارسي)

تأليف: السيد عيسى الحسيني الفراهاني

ألفه المؤلف إثارة للايرانيين وترغيباً لهم على الجهاد ضد الروس في الحروب المعروفة بينها وبين ايران في عصر السلطان فتح علي شاه القاجار، وضمنه أكثر أحكام الجهاد الفقهية وتكاليف مختلف الطبقات تجاهه وقدمه للملك المذكور، وهو في مقدمة وثمانية أبواب وخاتمة هذه عناوينها:

باب اول: در تكاليف جهاد به شاهنشاه اسلام.

باب دوم: در تكاليف شرعيه حافظان ثغور اسلام.

باب سوم: در مهمات متعلقه علماء راشدين وفضلاى مجتهدين .

باب چهارم: در مسائل اجتهاديه پيشنمازان وواعظان .

باب پنجم: در مهمات متعلقه صدور ومشيران وغيرهم .

باب ششم: در احكام جهاد به سالاران وسرداران وجنود مسلمين .

باب هفتم: در امور متعلقه بكافه مسلمين بلاد تصرفي اسلام .

باب هشتم: در تكليف مسلمين ساكنين بلاد تصرفى كفار .

أوله: «ربنا أفرغ علينا صبراً وثبت أقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين .. اما بعد

بر روان دانشوران پوشيده نماند» .

* سنة ١٢٥٢ .

إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان

(فقه - عربي)

تأليف: العلامة الحلبي الحسن بن يوسف بن المطهر (٧٢٦)

* نسخة من القرن الحادي عشر مخرومة الآخر .

أصول الفقه

(أصول الفقه - عربي)

تأليف: الشيخ إسماعيل بن محمد باقر الاصبهاني النجفي (١٣٧٠)

استدلالي كبير فيه مناقشات وأبحاث مع علماء الفن ، وبعض أبحاثه غير تامة .

* مهدي بن علي رضا القمي ، ليلة الأربعاء ١٥ جمادى

الأولى سنة ١٣٢٠ . من أول الكتاب إلى بحث العموم

والخصوص .

* سنة ١٣١٧ . فيه بحثي الاستصحاب والتعادل والترجيح

وبعض مسائل من أصل البراءة .

إكمال منتهى المقال

(رجال - عربي)

تأليف: السيد ريحان الله بن جعفر الكشفي البروجردي (١٣٢٨)

تعاليق قليلة على كتاب « منتهى المقال في أحوال الرجال » لأبي علي الحائري ،

وهي غير مدونة كتبت في هوامش النسخة المطبوعة على الحجر مع رمز «رح» ،

وأكثرها نقول من بعض الكتب المؤلفة في الرجال .

* التعاليق بخط المؤلف .

إماطة الغين عن استعمال العين في معنيين

(أدب - عربي)

تأليف: الشيخ محمد رضا بن محمد حسين أبي المجد الاصبهاني النجفي

(١٣٦٢)

بحث أدبي أصولي مختصر في جواز استعمال اللفظ في أكثر من معنى واحد

مع شواهد لغوية، ويحيل المؤلف التفصيل الى رسالته « سمط اللال في مسألتي

الوضع والاستعمال » ، تم في ليلة ٢٧ شعبان ١٣٥٩ باصبهان .

أوله: «لما قاذني النظر الصائب والفكر الحر الذي لا تشغله الخطايات عن الحقائق الراهنة الى جواز ارادة اكثر من معنى من لفظ واحد». *
نسخة بخط المؤلف كتبها في السابع والعشرين من شعبان ١٣٥٩ باصبهان.

الإنجيل

(الكتاب المقدس - عربي)
* من القرن العاشر، وبعد الكتاب فهارس جيدة له .

إيناس سلطان المؤمنين باقتباس علوم الدين
تأليف: السيد محمد بن علي بن حيدر الموسوي العاملي (١١٣٩)
* المجلد الأول من الكتاب .

بحار الأنوار

(حديث - عربي)
تأليف: المولى محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (١١١٠)
* المجلد الثامن، نسخة مصححة .
* كتاب الصلاة، نسخة مخرومة الأول والآخر وفي أولها رسالة «الأوزان والمقادير» للمجلسي أيضاً بخط يغاير خط الكتاب.

تاريخ اصبهان

(تاريخ - فارسي)
تأليف: السيد مصلح الدين بن شهاب الدين المهدي اصبهاني (١٤١٥)
* بخط المؤلف في ثلاث مجلدات .

تبصرة المتعلمين في أحكام الدين

(فقه - عربي)
تأليف: العلامة الحلبي الحسن بن يوسف بن المطهر (٧٢٦)
* نسخة من القرن العاشر مخرومة الأول والآخر .

تحرير القواعد المنطقية في شرح الشمسية

(منطق - عربي)
تأليف: قطب الدين محمد بن محمد الرازي البويهني (٧٦٦)

* محمد حسن القمي ، يوم الخميس رابع صفر ١٢٢٢ للأخ
الأعز الحسين في مدينة كاشان ، مقدمة الكتاب لم تكتب في
النسخة .

تحرير المجسطي
(فلك - عربي)
تأليف : نصير الدين محمد بن محمد بن الحسن الطوسي (٦٧٢)
* محرم ١٠١٤ .

تذكرة الفقهاء
(فقه - عربي)
تأليف : العلامة الحلبي الحسن بن يوسف بن المطهر (٧٢٦)
* محمد نبي ، ١٣ جمادى الأولى سنة ١١٢٣ . من أحكام
الغصب إلى النكاح .

ترجمة مفتاح الفلاح
(دعاء - فارسي)
ترجمة : جمال الدين محمد بن الحسين الخوانساري (١١٢٥)
* شمس الدين محمد بن هداية الله الأنصاري ، سلخ شهر
رمضان ١٠٨٥ ، نسخة مجدولة جيدة أتم مقابلتها سيف الله
ابن سلطان علي القاري في سنة ١١١٨ .

ترجمة نقد فلسفة دارون
(فلسفة - فارسي)
ترجمة : الشيخ مجد الدين بن محمد رضا النجفي الاصبهاني (١٤٠٣)
الأصل لوالده الشيخ محمد رضا أبي المجد الاصبهاني النجفي .
* أوراق مبعثرة بخط المترجم .

التوحيد
(حديث - عربي)
تأليف : الشيخ الصدوق محمد بن علي ابن بابويه القمي (٣٨١)
* عبد الحسين بن عناية الله النجفي ، ربيع الآخر ١٠٣٠ ،
نسخة معربة مصححة مجدولة .

جُنة الأمان الواقية وجنة الإيمان الباقية

(دعاء - عربي)

تأليف: الشيخ تقي الدين إبراهيم بن علي الكفعمي (٩٠٥)

* محمد مقيم بن محمد شفيح، ليلة الجمعة سلخ محرم ١٠٩٤ كما في آخر « دعوات الأسماء » للسهروردي المكتوب قبل الكتاب والذي أتم مقابله على نسختين أبو القاسم بن محمد علي الأصفي في يوم الثلاثاء ١٢ رجب ١١٠٨، وبعد الكتاب كتبت رسالة « محاسبة النفس » للكفعمي أيضاً.

* نظام الدين بن صادق التويسركاني، سنة ١٠٨٢ في المدرسة الشابورية. النسخة مخرومة الأول.

حاشية تهذيب المنطق

(منطق - عربي)

تأليف: نجم الدين عبد الله بن الحسين اليزدي (٩٨١)

* الحاج محمد بن علي الجيلاني، أواخر ربيع الأول ١٠٢٣، نسخة مخرومة الأول.

حاشية روضات الجنات

(تراجم - عربي)

تأليف: الشيخ محمد رضا بن محمد حسين أبي المجد الاصبهاني النجفي

(١٣٦٢)

* بخط المؤلف على هامش النسخة المطبوعة سنة ١٣٠٦ على الحجر، وقد دونها السيد عبد الحجة البلاغي في رسالة وطبعها بطهران في جمادى الثانية ١٣٦٨ بعنوان « أعلاط الروضات ».

حاشية الصحيفة السجادية

(دعاء - عربي)

تأليف: مير داماد محمد باقر بن محمد الحسيني الأسترآبادي (١٠٤١)

* يوم الأربعاء عاشر جمادى الأولى سنة ١٠٦٥، النسخة مصححة ماعدا الأوراق الأخيرة.

حاشية شرح ديوان المتنبي للواحي
 تأليف: الشيخ محمد رضا بن محمد حسين أبي المجد الاصبهاني النجفي
 (١٣٤٢)

* بخط المؤلف مكتوبة على هوامش النسخة المطبوعة
 بالهند سنة ١٢٧١.

حاشية شرح هداية الحكمة
 تأليف: كمال الدين حسين بن معين الدين المييدي اليزدي (ق ١٠)
 * نقي بن محمد تقي ، يوم الثلاثاء رابع ربيع الأول ١٠٩٥ .

حل مشكلات الإشارات والتنبيهات
 تأليف: نصير الدين محمد بن محمد بن الحسن الطوسي (٦٧٢)
 * نسخة من القرن العاشر مصححة مقابلة درس فيها أحد
 العلماء .

حياة القلوب
 تأليف: المولى محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (١١١٠)
 * نسخة مخرومة الآخر .

الخلاصة في النحو (ألفية ابن مالك)
 نظم: جمال الدين محمد بن عبد الله ابن مالك الطائي الجياني (٦٧٢)
 * نسخة مخرومة الأول والآخر عليها تعاليق كثيرة .

ديوان أبي المجد
 نظم: الشيخ محمد رضا بن محمد حسين أبي المجد الاصبهاني النجفي
 (١٣٤٢)

* كاظم بن موسى بن الرضا بن جعفر كاشف الغطاء النجفي ،
 غرة شهر رجب ١٣٤٥ ، صححه وأضاف عليه أبوالمجد

صاحب الديوان بخطه .

رسالة عملية

(فقه - فارسي)

تأليف : ؟

فتوائية في أحكام الطهارة والصلاة .

* نسخة حديثة مخرومة الأول والآخر .

الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية

(فقه - عربي)

تأليف : الشهيد الثاني زين الدين بن علي العاملي (٩٦٦)

* حسين بن محمد التولمي ، ٢٥ جمادى الأولى ١١٠٤ ،

المجلد الثاني .

رياض السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين

(دعاء - عربي)

تأليف : السيد صدر الدين علي بن أحمد المدني الشيرازي (١١٢٠)

* محمد حسين بن جعفر بن صادق بن جواد الكلیدار

الكاظمي ، غرة شعبان سنة ١١١٠ . المجلد الأول وهو

مخروم الأول .

سؤال وجواب

(فقه - فارسي)

تأليف : السيد محمد باقر بن محمد نقي حجة الإسلام الشفتي (١٢٦٠)

من كتاب الطهارة إلى الوكالة .

* نسخة حديثة .

* النسخة المطبوعة وفي أولها قطعة مخطوطة .

السيف الصنيع على رقاب منكري البديع

(أدب - عربي)

تأليف : الشيخ محمد رضا بن محمد حسين أبو المجد الاصبهاني النجفي

(١٣٦٢)

* نسخة جيدة الخط مصححة عليها تقریظ كتبه سماحة

السيد شهاب الدين النجفي المرعشي في ١٨ شوال سنة
١٣٥٩ بمدينة قم.

شرائع الإسلام
(فقه - عربي)
تأليف: المحقق الحلبي جعفر بن حسن بن يحيى بن سعيد (٦٧٢)
* حسين بن علي المازندراني القراطاني ، يوم الثلاثاء غرة
رجب ١٠٨١ .

شرح ألفية ابن مالك
(نحو - عربي)
تأليف: أبي زيد عبد الرحمن بن علي بن صالح المكودي (٨٠٧)
* نسخة من القرن الثاني عشر مخرومة الآخر .

شرح تشريح الأفلاك
(فلك - عربي)
تأليف: ؟
أول النسخة: « فنقول قبل الخوض فيه لابد أن نذكر ما يجب تقديمه » .
* نسخة حديثة الكتابة مخرومة الأول والآخر .

شرح التصريف
(تصريف - عربي)
تأليف: سعد الدين مسعود بن عمر التفتازاني (٧٩٣)
* أحمد بن معصوم ، سنة ٩٨٠ ، في هوامش النسخة تعاليق
كثيرة .

شرح تهذيب المنطق
(منطق - فارسي)
تأليف: السيد علي أكبر بن نور الدين حسين الحسنبي الطباطبائي اليزدي
شرح ممزوج جيد ، كتبه الشارح حين اشتغاله عند أستاذه مولانا محمد أمين
المستوفي .

أوله: « تهذيب منطق حمد واجب الوجود يست كه كليات وجزئيات دلائل

وحدانيت اوست» .

* نسخة مخرومة الآخر .

شرح زيارة الجامعة الكبيرة
 (زيارة - عربي)
 تأليف : الشيخ أحمد بن زين الدين الأحسائي (١٢٤١)
 * المجلد الأول وهو مصحح .

شرح شواهد البهجة المرضية
 (أدب - فارسي)
 تأليف : نظام الدين بن أحمد الأردبيلي (نحو ١١٥٠)
 * سنة ١١١٣ ؟ .

شرح الملخص
 (فلك - عربي)
 تأليف : موسى بن محمد بن محمود قاضي زاده الرومي (٨١٥)
 * نسخة من القرن العاشر عليها تعاليق بعضها بتوقيع
 « ملا علي » .

شرح حكمة العين
 (فلسفة - عربي)
 تأليف : ؟
 أورد فيه حواشي قطب الدين الشيرازي .
 * نسخة من القرن الحادي عشر مخرومة الأول والآخر .

شرح الخطبة التطنجية
 (أدب - عربي)
 تأليف : السيد كاظم بن القاسم الحسيني الرشتي (١٢٥٩)
 * عبدالله بن محمد الحسيني الكدكني الخراساني ، في عصر
 الشارح . المجلد الثاني من الكتاب .

شرح الشافية
 (تصريف - عربي)
 تأليف : نظام الدين حسن بن محمد القمي النيسابوري (٧٢٨)

* أحمد الشهر يابكي ، يوم الثلاثاء من شهر رجب ١٢٢١ .

شرح قطر الندى

(نحو - عربي)

تأليف : جمال الدين عبد الله بن يوسف ابن هشام النحوي (٧٦١)

* حسين بن محمد يوسف بيك الخشتي الكاظمي ، يوم الجمعة ٢٣ شوال ١٢٢٧ .

شرح كتاب في النحو

(نحو - عربي)

تأليف : ؟

شرح ممزوج مختصر .

* من القرن الثامن ، مخروم الأول والآخر وبعده أوراق من حاشية على كتاب نحوي .

شرح هيئت فارسي

(فلك - فارسي)

تأليف : ؟

* نسخة مخرومة الأول والآخر .

الصافي في شرح الكافي

(حديث - فارسي)

تأليف : المولى خليل بن الغازي القزويني (١٠٨٩)

* مظفر علي بن غضنفر علي الكاشاني ، رابع عشر ذي القعدة ١٠٩٢ . كتاب الجهاد إلى المعيشة .

الصحيفة السجادية

(دعاء - عربي)

انشاء : الإمام السجاد علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام

* نسخة مجدولة مخرومة الآخر من القرن الحادي عشر ، ترجمت الأدعية إلى الفارسية بين السطور .

* محمد بن إسماعيل الساكن بالغري ، شعبان سنة ١٠٥٤ . والملحقات بخط محمد رضا بن سلطان أحمد القاري

الخوانساري، وكتب الحواشي الفارسية نظام الدين الخوانساري في سنة ١١١٠، وعليها حواش وتصحيحات بعضها من عبدالعالي بن محمد مقيم الخوانساري. وبعد الكتاب كتبت حاشية المولى محسن الفيض الكاشاني على الصحيفة، كتبها عبدالله بن علي رضا الخوانساري وأتمها في يوم الخميس ثالث محرم ١٠٧١ بمدرسة الجدة في اصبهان.

ضياء العالمين في امامة الأئمة المصطفين (عقائد - عربي)
تأليف: أبي الحسن بن محمد طاهر الفتوني النباطي العاملي الاصفهاني المتوفى حدود (١١٤٠).

موسع جداً في مباحث الإمامة وإثبات إمامة الأئمة المعصومين عليهم السلام وبعض أحوال النبي والأئمة الاثني عشر، وهو في فاتحة ومقدمة ومقصدتين وخاتمة وختام، تم المجلد الأول منه المحتوي على المقدمة في شعبان سنة ١١٣٤. أوله: « الحمد لله الذي خلق العباد وأمرهم بعبادته ليدخلهم الجنة التي خلقها لهم وأوجب عليهم طلب ما كلفهم به من فنون طاعته ». * شهر رمضان ١٣٠٥. المجلد الأول.

العدالة (فقه - عربي)
تأليف: الشيخ إسماعيل بن محمد باقر الاصبهاني النجفي (١٣٧٠)
إستدلالي يهتم بأقوال الفقهاء.
أوله: « الحمد لله رب العالمين .. في العدالة التي تترتب عليها أحكام خاصة عند الشارع أقوال مستفادة من كلام الفقهاء ». * نسختان مخرومتان إحداهما بتصحيح المؤلف.

عدة الداعي ونجاح الساعي (دعاء - عربي)

تأليف: أبي العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلبي (٨٤١)
 * شرف الدين بن فخر الدين الحسيني الأنصاري العاملي،
 يوم الأربعاء ثامن شهر محرم سنة ١٠٧٠، نسخة مصححة
 فيها بلاغات.

الفقه

(فقه - عربي)

تأليف: الشيخ مجد الدين بن محمد رضا النجفي الاصبهاني (١٤٠٣)
 كتاب الصلاة والصوم .
 * أوراق مبعثرة بخط المؤلف .

فهرس تهذيب الأحكام

(فهرس - عربي)

تنظيم : ؟

فهرس لكتب وأبواب «تهذيب الأحكام» للشيخ الطوسي، مع ملخص جيد
 للأحكام المستفادة من الأحاديث الواردة فيه، وهو في الحقيقة دورة فقهية ملخصة
 من متون الروايات .

أوله: « فهرست أبواب تهذيب الأحكام في الفقه .. باب الأحداث الموجبة
 للطهارة وفيه ما يدل على وجوب إعادة الصلاة بوقوع النوم » .
 * محمد بن مير حمزة الحسيني، يوم الثلاثاء من الأسبوع
 الثاني من شعبان سنة ١٢٥٤ .

القوانين المحكمة

(أصول الفقه - عربي)

تأليف: ميرزا أبو القاسم بن الحسن الجيلاني القمي (١٢٣١)
 * مرتضى بن ملا محمد الفروشاني الاصبهاني، غرة
 جمادى الثانية ١٢٧٥ باصبهان .

الكافي

(حديث - عربي)

تأليف: ثقة الإسلام محمد بن يعقوب الكليني (٣٢٨)

* من كتاب الإيمان والكفر إلى العشرة، نسخة مصححة عليها تعاليق.

* من القرن الحادي عشر. كتاب الصلاة والزكاة.

* محمد حسين بن الحسين الجلبريني من قرى اصبهان (على الورقة الأولى)، من كتاب الطهارة إلى المعيشة، نسخة مجدولة مصححة.

كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد

(كلام - عربي)

تأليف: العلامة الحلبي الحسن بن يوسف بن المطهر (٧٢٦)

* نسخة من القرن الحادي عشر، عليها وقفية بامضاء العلامة المولى محمد باقر المجلسي.

كفاية الأصول

(أصول الفقه - عربي)

تأليف: المولى محمد كاظم بن حسين الآخوند الخراساني (١٣٢٩)

* النسخة المطبوعة على الحجر سنة ١٣٢١ وعليها تعاليق قليلة من الشيخ إسماعيل بن محمد باقر النجفي الاصبهاني بخطه.

كفاية المقتصد (المعتقد)

(فقه - عربي)

تأليف: المولى محمد باقر بن محمد مؤمن المحقق السبزواري (١٠٩٠)

* محمد هادي بن إبراهيم الخواتون آبادي، سنة ١١٠٥. المجلد الأول.

گل گلشن

(شعر - فارسي)

تأليف: الشيخ مجد الدين بن محمد رضا النجفي الاصبهاني (١٤٠٣)

* بخط المؤلف.

مجد البيان في تفسير القرآن

(تفسير - عربي)

تأليف: الشيخ محمد حسين بن محمد باقر النجفي الاصبهاني (١٣٠٨)
 تفسير موسع يتعرض المؤلف فيه الى مباحث كثيرة دينية وفلسفية وطبيعية
 وأدبية وتاريخية، كتب منه الى قوله تعالى ﴿الذي جعل لكم الأرض فراشاً﴾ [سورة
 البقرة: ٢٢] ولم يوفق للاستمرار فيه ، وله اثنتا عشرة مقدمة مهمة في فضل القرآن
 الكريم وتاريخه وكيفية نزوله وآداب التلاوة وما الى ذلك .
 لم يسمه المؤلف باسم خاص ، وانما سمي بما ذكر في طبعته الأخيرة .
 أوله : « الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب نوراً لا تطفأ مصابيحته وسراجاً لا
 يخبأ توقده وبحراً لا يدرك قعره ومنهاجاً لا يضل نهجه » .
 * بخط المؤلف .
 * كتبت على نسخة المؤلف .

مجموعة

(متفرقة - عربي)

جمع: الشيخ إسماعيل بن محمد باقر النجفي الاصبهاني (١٣٧٠)
 فيها فوائد مختلفة وأحاديث وأشعار وإجازات بعض العلماء ، جمعت من دون
 ترتيب خاص وبعضها فارسي .
 * بخط المؤلف .

مجموعة :

(رجال - عربي)

١ - الفوائد الرجالية

تأليف: السيد محمد مهدي بن المرتضى بحر العلوم النجفي (١٢١٢)

(رجال - عربي)

٢ - حاشية خلاصة الأقوال

تأليف: الشهيد الثاني زين الدين بن علي العاملي (٩٦٦)

* من القرن الثاني عشر والكتاب الثاني مخروم الآخر . بين
 الكتابين جمعت إجازات كتبت للسيد محمد مهدي
 بحر العلوم وغيره .

مجموعة فيها :

- ١ - مسائل العلوم (متفرقات - عربي)
تأليف : الشيخ مجد الدين بن محمد رضا النجفي الاصبهاني (١٤٠٣)
- ٢ - المختار من القصائد والأشعار (شعر - عربي)
تأليف : الشيخ مجد الدين بن محمد رضا النجفي الاصبهاني
* بخط المؤلف .

مجموعة فيها :

- ١ - كشف الريبة عن أحكام الغيبة (أخلاق - عربي)
تأليف : الشهيد الثاني زين الدين بن علي العاملي (٩٦٦)
- ٢ - صيغ النكاح (فقه - فارسي)
تأليف : المولى محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (١١١٠)
- ٣ - الاعتقادات (عقائد - عربي)
تأليف : الشيخ الصدوق محمد بن علي ابن بابويه القمي (٣٨١)
- ٤ - مصباح الشريعة (حديث - عربي)
منسوب إلى : الإمام الصادق جعفر بن محمد عليه السلام
- ٥ - الاعتقادات (عقائد - عربي)
تأليف : المولى محمد باقر بن محمد تقي المجلسي
- ٦ - الرضاع (فقه - فارسي)
تأليف : المولى محمد باقر بن محمد تقي المجلسي
- ٧ - شرح حديث همام (حديث - فارسي)

تأليف: المولى محمد تقي بن مقصود علي المجلسي

٨- الأحاديث القدسية (حديث - عربي)

منسوبة إلى: الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام

* يوم الثلاثاء ٢٦ شوال ١٠٩٦ (آخر اعتقادات الصدوق).

مجموعة فيها:

١- التذكرة (نحو - عربي)

تأليف: الحاج كريم خان بن إبراهيم الكرمانني (١٢٨٨)

٢- شرح شواهد التذكرة (أدب - فارسي وعربي)

تأليف: السيد محمد باقر بن محمد جعفر الشريف الطباطبائي

شرح الشواهد الشعرية «للتذكرة» بالعربية على الأكثر ثم ترجمها الشارح إلى الفارسية، وهي على ترتيب أبواب الأصل. تم في الخامس عشر من شوال سنة ١٢٨١.

أوله: «الحمد لله رب العالمين.. اني لما رأيت أنه أشرق ضياء التذكرة في إيضاح المسائل النحوية التي لم يكشف إلى الآن لثامها».

* كاظم بن حسن بن كاظم الحسيني الرشتي، الكتاب الأول في يوم الأربعاء ١٨ رجب ١٢٩٦ والكتاب الثاني في ٢٩ محرم ١٢٩٢.

مجموعة فيها:

١- رساله يوحنا الذمي (عقائد - فارسي)

تأليف: ؟

٢- الرجعة (عقائد - فارسي)

تأليف: ؟

شرح المؤلف في رسالته هذه عشرين آية قرآنية وعشرين حديثاً مأثورة وردت في رجعة الأئمة المعصومين عليهم السلام .
أوله: «.. وچونکه این کلام کیمیای مخدومان غریب چنانکه در مسامع اکثر انام حتی بعضی از علماء وفضلاء غریب می نماید» .

(حديث - عربي)

٣ - ملحمة الإمام الصادق عليه السلام

تأليف : ؟

أوله: « خبر الملحمة المروية .. رواه أبو بصير قال حضرت مجلس الإمام أبي عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام » .

(طب - عربي)

٤ - القانونچه

تأليف : القاضي محمود بن محمد الجغميني (ق ٩)

(فقه - عربي)

٥ - كشف المدارك

تأليف : المولى محمد رفيع بن رفيع الجيلاني الاصبهاني (ق ١٣)
حاشية استدلالية على كتاب « مدارك الأحكام » للسيد محمد العاملي ، وفي النسخة قطعة من كتاب الصلاة .

* الرسائلان الأوليان كتبنا سنة ١٢٦٤ والرسالتان الثالثة والرابعة مخرومتا الآخر والكتاب الخامس مخروم الأول والآخر .

مجموعة فيها :

(فلسفة - عربي)

١ - تحقيق كلمة التوحيد والشهادة

تأليف : أحمد بن محمد الجندي

مباحث فلسفية حول كلمة التوحيد والشهادة « لا إله إلا الله » ، وهي في مقدمة وثلاثة مقاصد فيها أبحاث .

أوله : « يا هادي السالكين في مسالك التوحيد يا سامع مناجاة المستغرقين في

بحر التوحيد يا من بيده فتح باب كل شيء .»

٢ - حاشية أنوار التنزيل (تفسير - عربي)

تأليف: بهاء الدين محمد بن الحسين العاملي (١٠٣٠)
* الكتاب الأول من القرن التاسع ، والثاني من القرن العاشر
وهو مخروم الآخر. وفي المجموعة أوراق مبعثرة من كتب
شتى .

مجموعة فيها :

١ - معرفة التقويم (تقويم - فارسي)

تأليف: إسحاق بن يوسف المنجم الجيلاني

٢ - العوامل (نحو - عربي)

تأليف: المولى محسن بن محمد طاهر القزويني (ق ١٢)
* محمد حسن بن خواجه علي الجيلاني ، الرسالة الأولى
في سابع شهر رمضان ١٢٤٦ والثانية في يوم الثلاثاء ١١
جمادى الثانية ١٢٤٥ .

مجموعة فيها :

١ - الفوائد الضيائية بحل مشكلات الكافية (نحو - عربي)

تأليف: نور الدين عبد الرحمن بن أحمد الجامي (١٨٩٨)

٢ - شرح الكافية (نحو - فارسي)

تأليف: ؟

شرح ممزوج متوسط .

أوله: « الكلمة لفظ وضع لمعنى مفرد معنى كلمه در اصل لغت يك سخن
است .»

٣ - الجمل في النحو

(نحو - عربي)

تأليف: الشيخ عبد القاهر بن عبد الرحمن الجرجاني (٤٧١)

متن مختصر في القواعد النحوية وضع للمبتدئين ، وهو في خمسة فصول: المقدمات ، عوامل الأفعال ، عوامل الحروف ، عوامل الأسماء ، أشياء منفردة . اسم الجرجاني مصرح به في المقدمة .

أوله: « الحمد لله حمد الشاكرين .. هذه جمل رتبها ترتيباً قريب المتناول وضممتها جميع العوامل تهذب ذهن المبتدي » .

٤ - العوامل المائة

(نحو - عربي)

تأليف: الشيخ عبد القاهر بن عبد الرحمن الجرجاني

هي الرسالة المعروفة المتداولة بين الطلبة .

* أوراق مبعثرة جمعت من عدة نسخ مخرومة .

محضر الشهود في رد اليهود

(عقائد - فارسي)

تأليف: الحاج بابا بن محمد إسماعيل القزويني اليزدي (ق ١٣)

* حسن بن عبد المجيد الحسيني الاصبهاني الشهير بسادات قاضي عسكري، يوم الأربعاء ١٣ ربيع الآخر ١٢٦٨ .

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ﷺ

(حديث - عربي)

تأليف: المولى محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (١١١٠)

* قطعة من قسم « أصول الكافي » مخرومة الأول والآخر .

المشاعر

(فلسفة - عربي)

تأليف: صدر الدين محمد بن إبراهيم الشيرازي (١٠٥٠)

* علي محمد ، سنة ١٢٣٢ ، كتب على نسخة الآقا محمد البيد آبادي .

مفرح الروح ومفتح الفتوح

(طب - فارسي)

تأليف: فتح الله بن محمد رضا المرعشي التستري
في آداب النكاح وما يتعلق به من الأدعية والأدوية ودور الحمل ونشأة الطفل
قبل ولادته وبعده، تم تأليفه في غرة ذي الحجة سنة ١٢٥٤، وهو في أربعة مراحل
هي:

مرحلة اول: در حل مربوط .

مرحلة دوم: در اعانت بر حمل .

مرحلة سوم: در محافظت جنين ومنع سقط وسهولت ولادت .

مرحلة چهارم: در محافظت أولاد وفوايد ديگر .

أوله: «فتح مهمات بحمد قاضي الحاجات وحل مشكلات بصلوات بر سيد
كائنات وسلام بر آل آن خلاصه موجودات است» .
* ثاني شهر صفر ١٢٥٥ .

مقتل الحسين عليه السلام (سيرة المعصومين - عربي)

تأليف: أبي مخنف لوط بن يحيى الأزدي (١٥٧)

النسخة المعروفة غير المعتمدة .

* محمد حسن بن عبد الرسول الحسيني الخودروقي ، ثامن
ذي الحجة ١٣٠٤ .

من لا يحضره الفقيه (حديث - عربي)

تأليف: الشيخ الصدوق محمد بن علي ابن بابويه القمي (٣٨١)

* عيد بن الحسين بن عبد الله بن القاسم النجفي ، ثاني شهر
رمضان ١٠٤٤ في النجف الأشرف . نسخة مصححة عليها
تعاليق، وفي آخر الجزء الأول منها انهاء كتبه محمد بن علي
البنائي لكاتب النسخة في عاشر شوال ١٠٤٤ ، وفي آخر
الجزء الثاني منها بلاغ كتبه له عيسى بن محمد في شهر
رمضان ١٠٤٤ .

المنتخب وجمع المراثي والخطب

(سيرة المعصومين - عربي)

تأليف: الشيخ فخر الدين بن محمد علي الطريحي (١٠٧٨)

* محمود بن عز الدين الطريحي النجفي المسلمي
العزيمي، خامس شعبان ١٠٨٨.**منهج الصادقين في إزام المخالفين**

(تفسير - فارسي)

تأليف: المولى فتح الله بن شكر الله الكاشاني (٩٨٨)

* من القرن الحادي عشر وعليها وقية بتاريخ ثالث رجب
١١٠١. المجلد الثاني من خمس مجلدات.**نجعة المرتاد في شرح نجاة العباد**

(فقه - عربي)

تأليف: الشيخ محمد رضا بن محمد حسين أبي المجد الاصبهاني النجفي

(١٣٤٢)

* نسخة جيدة في أولها إجازة السيد حسن الصدر الكاظمي
للمؤلف كتبها في ليلة السبت ١٤ ذي القعدة ١٣٣٣.**النوافج والروزنامج**

(متفرقه - عربي)

تأليف: الشيخ محمد رضا بن محمد حسين أبي المجد الاصبهاني النجفي

(١٣٤٢)

* بخط المؤلف.

نهاية الوصول إلى علم الأصول

(أصول الفقه - عربي)

تأليف: العلامة الحلبي الحسن بن يوسف ابن المطهر (٧٢٦)

* نسخة من القرن الثاني عشر مخرومة الآخر.

وفاء الوفا بأخبار دار المصطفى

(جغرافيا - عربي)

تأليف: نور الدين علي بن أحمد السمهودي (٩١١)

* يوم الأربعاء ثامن جمادى الأولى سنة ١٠٦٠، تم مقابلتها

في حادي عشر محرم سنة ١٠٦١. نسخة مخرومة الأول.

وقاية الأذهان والألباب ولباب أصول السنة والكتاب (أصول الفقه - عربي)

تأليف: الشيخ محمد رضا بن محمد حسين أبي المجد الاصبهاني النجفي

(١٣٤٢)

مسائل أصولية درّس المؤلف فيها وكتبها في قصاصات ثم رتبها في هذا الكتاب ، كثير منها مستفاد من أبحاث أساتذته وخاصة أبحاث السيد محمد الفشاركي الاصبهاني ، وجملة منها توصل اليها بفكره وتحقيقه ، وفيه نقولات عن بعض الأعلام مع المناقشة فيها . تم تأليفه في ١٤ جمادى الثانية سنة ١٣٤٦ .

أوله: « أما بعد حمد الله الذي جعل الحمد أول كتابه وآخر دعوى ساكني دار

ثوابه والصلاة على محمد وآله الطاهرين من ولده والصالحين من أصحابه » .

* قطعة بخط المؤلف وأوراق منها بخط كاتب آخر .

اليواقيت الحسان في تفسير سورة الرحمن (تفسير - عربي)

تأليف: الشيخ مجد الدين بن محمد رضا النجفي الاصبهاني (١٤٠٣)

تفسير مختصر يهتم المؤلف فيه بنقل آراء بعض المفسرين ويتصدى خاصة

لبيان السرفي تكرار آية الآلاء ، كتبه لسؤال بعض الأخوان وقدم له مقدمة في إعجاز

القرآن الكريم . بلغ فيه الى آية ﴿ سنفرغ لكم أيها الثقلان ﴾ ولم يتمه .

أوله: « الحمد لله باري النسم وخالق العالم الذي أوجدنا من كتم العدم والصلاة

والسلام على المنقذ الأعظم » .

* نسخة بخط المؤلف .

فهرست اعلام

رسول الله ﷺ ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۱۹، ۲۲۳
امير المؤمنين عليّ ۱۳، ۱۴، ۳۴، ۷۰، ۱۷۸، ۱۹۰، ۲۴۰
فاطمه زهراء عليّ ۱۹۰
امام حسن مجتبيّ عليّ ۱۸۶
امام حسين عليّ ۱۶، ۹۵، ۱۵۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۶
امام سجاد عليّ ۲۳۴
امام صادق عليّ ۲۱۹، ۲۳۹، ۲۴۱
امامين كاظمين عليّ ۱۹۰
امام علي بن موسى الرضا عليّ ۱۶، ۱۸۶، ۱۹۰، ۲۰۱
امامين عسكريين عليّ ۱۹۰
امام مهدي (عج) ۱۴۹، ۱۹۸
زينب كبرى عليّ ۱۹۰
ابوالفضل العباس عليّ ۵۸، ۱۸۵
رقيه خاتون عليّ ۱۹۰
داود عليّ ۱۹۴

* * *

آل آقا « حكمت » ۱۵۹
ابراهيم بن محمد بن سفيان ۲۱۷
ابراهيم قزويني ۸۷
ابن البطريق ۲۱۸
ابن فهد الحلبي ۲۱۸
ابو احمد الجلودي ۲۱۷

- ٢١٧ ابو بكر محمد بن علي
- ٥٠ ابو تراب موسوى خوانسارى نجفى
- ١٢٥، ١٢٣ ابو الحسن اصفهانى
- ٢٣٥ ابو الحسن بن محمد طاهر الفتونى النباطى العاملى الاصفهانى
- ٨٣ ابو الحسن مهدوى
- ٢١٧ ابو الحسين مسلم بن الحجاج
- ٢٣٢ ابو زيد عبد الرحمن بن علي بن صالح المكودي
- ٢٣٦ ابو العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلبي
- ٢١٧ ابو عبدالله محمد الفراوي
- ٢١٨ ابو عبدالله المفيد
- ٢١٧ ابو علي بن المذهب
- ٢٣٦ ابو القاسم بن الحسن الجيلاني القمي
- ٢٢٩ ابو القاسم بن محمد علي الأصفى
- ٥٠ ابو القاسم حسيني دهكردى
- ٢٤٤ ابو مخنف لوط بن يحيى الأزدي
- ٢١٧ ابو الهيثم محمد بن مكي
- ٢١٨ احمد بن جعفر بن حمدان
- ٢٣٣ احمد بن زين الدين الأحسائي
- ١٩ احمد بن عبدالله خوانسارى
- ٢٤١ احمد بن محمد الجندي
- ٢٣٢ احمد بن معصوم
- ١٣ احمد بهبهانى
- ٢٢٤، ١٧٨، ١٣٤، ١٠٦، ٣١، ١٠ احمد حسيني اشكورى
- ١١١، ٩٦ احمد حسيني زنجانى
- ٢٣٤ احمد الشهرىباكي
- ٩٦ احمد موسوى خوانسارى « آية الله حاج سيد »
- ١٣٠ احمد مهديان

- احمد ميرزا عضد الدولة ۳۴
- احمد النراقي ۲۱۶
- استادی « حاج شيخ رضا » ۱۷۵، ۱۳۳، ۱۱۱، ۱۰۸، ۱۰۶، ۱۰۵، ۲۶
- إسحاق بن يوسف المنجم الجيلاني ۲۴۲
- اسماعيل صدر ۵۰
- اسماعيل غروي ۱۳۰
- اسماعيل هاشمي طالخونچه‌ای ۱۳۰
- الله وردی بيک ۱۴، ۱۳
- أمان الله قودجانی ۱۵۶
- بابا بن محمد إسماعيل القزويني اليزدي ۲۴۳
- باقر الدهاري الهمداني ۲۱۶
- بحر العلوم ۲۱۷، ۲۱۶، ۱۰۵، ۸۰
- بديع الزمان فروزانفر ۱۵۸
- بهائي « شيخ » ۱۲۹
- بهاء الدين محمد بن الحسين العاملي ۲۴۲
- بهجت خانم ۱۱۲
- بيگم صاحب ۵۷
- تاج الدوله طاووس خانم اصفهانيه ۳۳
- تقي الدين إبراهيم بن علي الكفعمي ۲۲۹
- تقی نجفی ۱۱۲
- جابري ۵۳
- جامی ۱۵۶
- جعفر بن حسن بن يحيى بن سعيد الحلبي ۲۳۲
- جعفر بن محمد بن قولويه ۲۱۸
- جعفر جعفرى لنگرودى ۱۵۸
- جعفر حلي ۸۸، ۸۲
- جعفر كاشف الغطاء ۱۷۴، ۴۳، ۳۰، ۱۵
- جعفر النجفي ۲۱۷

- جلال الدين فرزند آية الله آقا نجفی ٧٣، ١١٢
- جلال الدين محدث أرموى ١٥٨
- جمال الدين عبد الله بن يوسف ابن هشام النحوي ٢٣٤
- جمال الدين محمد بن الحسين الخوانساري ٢٢٨
- جمال الدين محمد بن عبد الله ابن مالك الطائي الجبائي ٢٣٠
- جمال الدين نجفی اصفهانی « آية الله حاج شيخ » ٥٧
- جواد بلاغی ١٠٤
- حاجيه خانم زوجه مرحوم آقا جمال الدين چهارسوقی ٥٨
- حبيب الله رشتی ٦٦، ٧٠
- حبيب الله عراقی ٨٨
- حبيب الله فضائلی ١٨٠
- حبيب الله نير ١١٣
- الحسن ابن ابي الحسين الفارسي ٢١٨
- حسن ابن شيخ جعفر كاشف الغطاء ٤٤
- حسن بن عبد المجيد الحسيني الاصبهاني الشهير بسادات قاضي عسكري ٢٤٣
- حسن بن علي حسيني معروف به مدرس ٢٠
- حسن بن محمد معصوم رضوی مشهدي ٢٠
- حسن بن يوسف ٢١٨
- حسن بن يوسف بن المطهر حلي ٢٢٦، ٢٢٧، ٢٢٨، ٢٣٧، ٢٤٥
- حسن تقی زاده ١٥٨
- حسن حسيني ١٣٠
- حسن خان جابري انصاری ٤٨، ٦٠، ١١٤
- الحسن الدربي ٢١٧
- حسن ديانی نجف آبادی ١٣٠
- حسن الصدر العاملي الكاظمي ٢٦، ٩٠، ٩١، ٩٢، ٩٣، ٩٤، ١٠٦، ٢١٦، ٢٤٥
- حسن فقيه امامی ١٣٠
- حسين بن علي المازندراني القراطقاني ٢٣٢
- حسين بن محمد التولمي ٢٣١

- حسین بن محمد یوسف بیک الخشتی کاظمی ۲۳۴
- حسین بن مهدی حلی قزوینی ۹۰
- حسین خوانساری ۱۴۳، ۲۰
- حسینعلی بن نوروز علی تویسرکانی اصفهانی ۲۰
- حسینعلی راشد یزدی ۱۵۸
- حسینعلی منتظری « آیه الله حاج شیخ » ۱۳۰
- حسینقلی همدانی ۲۱۶، ۸۸
- حسین نجفی ۱۴۵
- حسین نوری ۲۱۶، ۹۰، ۸۸
- حسین ورنامخواستی لنجانی اصفهانی ۲۰
- حکمت آل آقا ۱۵۸
- حیدر علی جبل عاملی ۱۳۰
- حیدر علی محقق ۱۴۵، ۹۶
- خانم نجفی ۱۱۲
- خلیل بن الغازی القزوینی ۲۳۴
- خلیل کمره‌ای ۹۶
- داود ابن میرزا محمد مهدی شهید اصفهانی خراسانی ۲۰
- راضی نجفی ۶۶
- رباب بیگم ۸۷، ۷۹
- رحمت الله فشارکی ۱۳۰
- رحیم ارباب ۱۲۰
- رزین بن معاویه الاندلسی ۲۱۸
- رضا مدنی کاشانی « آیه الله حاج آقا » ۹۶
- رضا همدانی ۸۸
- رضی الدین طاووس ۲۱۷
- رفیع الدین محمد بن فتح الله الواعظ القزوینی ۲۲۵
- روح الله موسوی خمینی « آیه الله امام سید » ۹۶
- ریحان الله بن جعفر الکشفی البروجردی ۲۲۶

- زين الدين بن علي العاملي ٢٣٩، ٢٣٨، ٢٣١
- زين العابدين ذو المجدين ١٥٨
- سعد الدين مسعود بن عمر التفتازاني ٢٣٢
- سلطان محمد ميرزا سيف الدوله ٣٣
- السهروردي ٢٢٩
- سيف الله ابن سلطان علي القاري ٢٢٨
- شجاع الدين ابن قطان ١٠٦
- شجاع الدين عالم ديني ابراهيم آباد ١٠٧
- شرف الدين بن فخرالدين الحسيني الأنصاري العاملي ٢٣٦
- شمس الدين محمد بن هداية الله الأنصاري ٢٢٨
- شهاب الدين حسيني مرعشي نجفي « آية الله سيد » ١٦٧، ١٦٦، ١٦٥، ١٦٤، ١٦٣، ١٦٢، ١٦١، ١٦٠
- شهربانو ٣٠
- صدر الدين عاملي ٨٠، ٧٩، ٦٥
- صدر الدين علي بن أحمد المدني الشيرازي ٢٣١
- صدر الدين فرزند آقا سيد ابو جعفر خادم الشريعة ٧٩
- صدر الدين محمد بن إبراهيم الشيرازي ٢٤٣
- صدقي جميل زهاوي ١٠٧
- صمد اسماعيل زاده ١٠
- ضياء الدين عراقي « آية الله شيخ » ١٠٨، ١٠٤
- طاووس خانم ٣٤
- الطوسي « شيخ الطائفة » ٢٣٦، ٢١٨
- طهراني « آغا بزرگ » ١٢٦، ٧٧، ٥١، ٣٠، ٢٥
- ظل السلطان ٥٤
- عباس ايزدي نجف آبادي ١٣٠
- عباس عبيري ٥٧
- عباسعلي اديب اصفهاني ١٢٩، ٩٦
- عباس قمي ٨٠، ٧٤، ٦٧، ٤٤، ١٧

- عباس كاشف الغطاء ۵۰
- عبدالله بن علي رضا الخوانساري ۲۳۵
- عبدالله بن محمد الحسيني الكدكني الخراساني ۲۳۳
- عبدالله بن المنصور الباقلائي ۲۱۸
- عبدالله تستري ۱۲۹
- عبدالله مجتهدى تبريزى ۹۷
- عبد الجواد بن محمد على بن احمد تونى اصفهانى خراسانى ۲۱
- عبد الحجة البلاغي ۲۲۹
- عبد الحسين بن عناية الله النجفي ۲۲۸
- عبد الحسين زرين كوب ۱۵۸
- عبد الرحمن بن احمد بن حنبل ۲۱۸
- عبد الرحمن عن زيد ۲۱۹
- عبد الرحيم فضيلتى ۱۳۰
- عبد العالي بن علي ۲۱۸
- عبد العالي بن محمد مقيم الخوانساري ۲۳۵
- عبد على بن اميد على رشتى ۸۰
- عبد الغافر الفارسي ۲۱۷
- عبد القاهر بن عبد الرحمن الجرجاني ۲۴۳
- عبد الكريم حائرى يزدى « آية الله مؤسس حاج شيخ » ۱۲۰، ۹۹، ۹۸، ۹۶، ۹۵
- عبد الكريم شيرازى ۱۶
- عبد المنعم ابن عبد ربه ۱۰۶
- عزت الله اصغرى ۱۱۲
- عزت الشريعة ۱۱۱
- عز الدين نجفى ۱۱۱، ۹۷
- عطاء الله فقيه امامى ۱۱۱
- على ابن الشيخ عباس ابن الشيخ حسن صاحب انوار الفقاهة ۵۹
- على أكبر بن نور الدين حسين الحسنى الطباطبائى اليزدى ۲۳۲
- على بن ابراهيم ۲۱۸

- ٢١٨ علي بن الخازن
- ٢١٨ علي بن عبدالعالي الكركي
- ٥٠ علي بن محمد رضا كاشف الغطاء
- ٢١٧ علي بن محمد الواسطي
- ٢١٨ علي بن هلال الجزائري
- ١٥٧ علي بهبهاني
- ٢٢٦ علي الحائري
- ١٣٠ علي شمس تويسركاني
- ١٦ علي طباطبائي حائري
- ١١٢، ٩٧ علي علامه فاني اصفهاني « آية الله حاج سيد »
- ٢١ علي قارپوز آبادي زنجاني
- ١٢٠ علي مدرس يزدي
- ٦٠ علي مستوفي انصاري
- ١٣٠ علي مشفقي
- ١٥٠ علي مظاهري
- ٩٧ علي نقى نقوى لكهنوى هندي
- ٢١٨ عماد الدين ابي الصمصام ذي الفقار الحسيني
- ٢٤٤ عيد بن الحسين بن عبد الله بن القاسم النجفي
- ٢٤٤ عيسى بن محمد
- ٢٢٥ عيسى الحسيني الفراهاني
- ١٥٦ غلامعلي حاجي نجف آبادي
- ١٠٦ فاضل سيوري
- ٥٥ فاطمه خانم
- ٢١ فتح الله بن رجبعلي بن محمد صالح بن محمد شاردى قزويني
- ٢٤٥ فتح الله بن شكر الله الكاشاني
- ٢٤٤ فتح الله بن محمد رضا المرعشي التستري
- ٢١٨، ٢١٦، ٩٠، ٨٨، ٥٠ فتح الله شريعت نمازي اصفهاني « شيخ الشريعة »
- ٨١، ٨٠ فتحعلي سلطان آبادي

- فتحعلی شاه ۲۲۵، ۳۳
- فخر الدین بن محمد علی الطریحی ۲۴۵
- فخر المحققین ۲۱۹
- فرج الله درّی ۱۵۶
- فرح میرزا نیر الدوله ۳۴
- فرهاد « دکنر » ۱۶۰، ۱۵۸
- فشارکی « آیه الله حاج شیخ محمد حسین » ۷۱، ۷۰
- فضل الله اعتمادی متخلص به « برنا » ۲۰۲، ۱۵۰، ۶۱، ۳۷
- فضل الله بن ضیاء الدین تجویدی ۱۳۰
- فضل الله الراوندی ۲۱۸
- قاسم کاظمینی ۱۳۱
- قدرت الله هاتفی ۱۵۰
- قطب الدین الرازی ۲۱۸
- قطب الدین الشیرازی ۲۳۳
- قطب راوندی ۱۹۳
- کاشف الغطاء ۸۰، ۵۷، ۳۲
- کاظم بن حسن بن کاظم الحسینی الرشتی ۲۴۰
- کاظم بن القاسم الحسینی الرشتی ۲۳۳
- کاظم بن موسی بن الرضا بن جعفر کاشف الغطاء النجفی ۲۳۰
- کاظم معزی ۱۵۸
- کریم خان بن ابراهیم کرمانی ۲۴۰
- کمال الدین حسین بن معین الدین المیبدی الیزدی ۲۳۰
- کمال الدین نور بخش دهکردی ۱۵۸
- گزی ۳۴
- گوهرشاد بیگم ۱۴
- مجتبی موسوی درچه‌ای ۱۳۱
- مجتبی میر محمد صادقی ۱۴۹
- مجد الدین بن محمد رضا النجفی الاصبهانی « آیه الله حاج شیخ » ۱۱۱، ۱۰۵، ۹۷، ۱۰

١١٧، ١٢٦، ١٢٨، ١٣٨، ١٣٩، ١٤٠، ١٤١، ١٤٣، ١٤٩، ١٥٠، ١٥١، ١٥٦، ١٦٢،	
١٦٦، ١٦٨، ١٧٠، ١٧٤، ١٨٠، ٢٠٥، ٢١٦، ٢١٨، ٢٢٨، ٢٣٦، ٢٣٧، ٢٣٩، ٢٤٦	
٢٥، ١٦	محسن اعرجى كاظمى.....
٤٨	محسن امين.....
٢٤٢	محسن بن محمد طاهر القزويني.....
١٥٨	محسن صدر الأشراف.....
٢٣٥، ٢١	محسن الفيض الكاشاني.....
١٥٦	محسنى دماوندى.....
٣٣	محمد ابراهيم كلباسى.....
٢١	محمد ابن مير محمد حسين شهرستاني حائرى.....
٧٠	محمد احمد آبادى طبيب زاده.....
٢٣٨، ٢٣٧، ٢٣٥، ٢٢٦، ٥٨	محمد اسماعيل نجفى اصفهانى « آية الله حاج شيخ ».....
٢١٨، ٢١٧	محمد اكمل « والد الوحيد ».....
١١٩، ١١١	محمد امامى خاتون آبادى اصفهانى نجفى.....
٢٣٢	محمد أمين المستوفى.....
٨٠	محمد اندرمانى طهرانى.....
١٣٠	محمد باقر احمدى.....
٧٣، ٥٩، ٥٣، ٤٩، ٣٤، ٣١	محمد باقر الفت.....
٢٤٣، ٢٣٩، ٢٣٠، ٢٢٧، ٢١٨، ٢١٧	محمد باقر بن محمد تقى المجلسى.....
٢٤٠	محمد باقر بن محمد جعفر الشريف الطباطبائى.....
٢٢٩	محمد باقر بن محمد الحسينى الأسترآبادى.....
٢٣٧، ١٥٨	محمد باقر بن محمد مؤمن المحقق السبزواري.....
٩٠	محمد باقر بهارى همدانى.....
٣٥، ١٩	محمد باقر چهارسوقى خوانسارى اصفهانى.....
٢٣١، ٢١٨، ١٧٩، ٥٣، ٤٤، ٣٣	محمد باقر حجة الاسلام شفتى.....
٢١٨	محمد باقر الخوانسارى.....
٢١٨	محمد باقر الداماد.....
٥٠	محمد باقر فشاركى.....

- محمد باقر کتابی ۱۶۸، ۱۲۸، ۵۷
- محمد باقر کمره‌ای ۹۶
- محمد باقر موحد ابطحی ۱۳۰
- محمد باقر نجفی اصفهانی « آیه الله حاج شیخ » ۹، ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۴۳،
۲۱۷، ۱۸۲، ۸۱، ۷۲، ۶۵، ۵۵، ۵۲، ۴۸، ۴۷، ۴۵، ۴۴
- محمد بن اسماعیل البخاری ۲۱۷
- محمد بن اسماعیل الساکن بالغری ۲۳۴
- محمد بن شهر آشوب ۲۱۷
- محمد بن علی ابن بابویه القمی الصدوق ۲۴۴، ۲۳۹، ۲۲۸، ۱۹۳
- محمد بن علی البنائی ۲۴۴
- محمد بن علی بن حیدر الموسوی العاملی ۲۲۷
- محمد بن علی الجیلانی ۲۲۹
- محمد بن محمد علی بن محمد شفیع خراسانی طهرانی نجفی ۲۱
- محمد بن مکی ۲۱۸
- محمد بن مهدی حلی قزوینی ۹۰
- محمد بن میر حمزة الحسنی ۲۳۶
- محمد بن یعقوب الکلینی ۲۳۶، ۲۱۸، ۱۰۸
- محمد بن یوسف ۲۱۷
- محمد البید آبادی ۲۴۳
- محمد تقی آقا نجفی اصفهانی « آیه الله حاج شیخ » ۵۵، ۷۱
- محمد تقی بن حسینعلی هروی اصفهانی حائری ۱۹
- محمد تقی بن مقصود علی المجلسی ۲۴۰
- محمد تقی الجرفادقانی ۲۱۷
- محمد تقی رازی نجفی اصفهانی « آیه الله حاج شیخ » ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸،
۲۱۷، ۱۸۰، ۱۳۷، ۱۱۲، ۶۹، ۴۸، ۴۳، ۳۸، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۲، ۳۰، ۲۷، ۲۱، ۲۰، ۱۹
- محمد تقی گلپایگانی ۱۹
- محمد تقی مجلسی اصفهانی ۱۹۶، ۱۳۰
- محمد تقی موسوی شفتی ۲۰۱، ۱۸۵، ۱۳۰

- محمد جواد صدر عاملی ۷۳
- محمد حسن بن خواجه علی الجیلانی ۲۴۲
- محمد حسن بن عبد الرسول الحسینی الخودروقی ۲۴۴
- محمد حسن بن محمد تقی مستجاب الدعوة خواجهانی اصفهانی ۱۹
- محمد حسن حسینی میزای بزرگ شیرازی « آیه الله مجدد » ۱۰، ۱۷، ۲۰، ۴۶، ۶۶، ۱۰۷
- محمد حسن القمی ۲۲۸
- محمد حسن نجفی « صاحب جواهر » ۴۴
- محمد حسن نجفی زاده ۱۱۲
- محمد حسین نجفی اصفهانی « آیه الله حاج شیخ » ۱۰، ۵۶، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۷۲، ۷۳
- ۲۳۸، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۷، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۷، ۲۳۸
- محمد حسین بن جعفر بن صادق بن جواد الکلیدار الکاظمی ۲۳۱
- محمد حسین بن الحسین الجلبربی ۲۳۷
- محمد حسین بن محمد اسماعیل متخلص به ضیاء ۳۶
- محمد حسین رازی اصفهانی حائری « صاحب فصول » ۱۳، ۲۰، ۷۱، ۸۱، ۸۱، ۱۳۴
- محمد حسین فاضل کوهانی ۱۵۶
- محمد حسین کاشف الغطاء ۸۹
- محمد حسین نائینی ۵۰، ۷۴
- محمد رازی « حاج شیخ » ۱۲۷
- محمد رحیم بیک استاجلو ۱۳، ۱۴
- محمد رحیم شیخ الاسلام ۵۵
- محمد رضا بن سلطان أحمد القاری الخوانساری ۲۳۴
- محمد رضا بن محمد حسین أبي المجد الاصبهانی النجفی « آیه الله » ۱۰، ۲۵، ۴۸
- ۵۹، ۷۳، ۷۹، ۸۱، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۸، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۹
- ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۵۵
- ۱۷۴، ۱۷۸، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۵، ۲۴۶
- محمد رضا حسینی جلالی ۱۰۴، ۱۱۹
- محمد رضا طبسی نجفی ۹۶
- محمد رضا گلپایگانی « آیه الله حاج سید » ۹۶، ۱۰۰

- محمد رضا مداح الحسيني ۱۳۰
- محمد رضا نجفی « مهندس » ۱۴۳
- محمد رفيع بن رفيع الجيلاني الاصبهاني ۲۴۱
- محمد شاه ۳۴
- محمد صادق بن مهدي موسوي خوانساري ۲۰
- محمد صادق خاتون آبادی ۱۲۰
- محمد طهرانی نجفی « شیخ » ۳۰
- محمد العاملي ۲۴۱
- محمد علی آقائی ۱۳۰
- محمد علی ابن وحید بهبهانی ۱۴
- محمد علی اوردبادی غروی ۹۷
- محمد علی بن محمد شفيع خراسانی طهرانی ۱۳
- محمد علی ترک ۶۶
- محمد علی مدرس تبریزی ۹۷
- محمد علی معروف به آقا مجتهد ۸۰، ۷۹
- محمد علی معلم حبيب آبادی ۱۲۶، ۱۱۹
- محمد علی موسوي درچه‌ای ۱۳۱
- محمد علی نجفی اصفهانی « آية الله حاج شیخ » ۱۲۹، ۱۲۸، ۸۰، ۵۶
- محمد فشارکی اصفهانی « آية الله سيد » ۲۴۶، ۸۸
- محمد فقيه احمد آبادی ۱۳۱
- محمد القزويني ۲۱۶
- محمد کاظم آخوند خراسانی ۲۳۷، ۸۸
- محمد کاظم یزدی « صاحب عروة الوثقی » ۸۸، ۶۶، ۵۰
- محمد مشکاة ۱۵۸
- محمد مقيم بن محمد شفيع ۲۲۹
- محمد مهدي بحر العلوم طباطبائی ۲۳۸، ۱۵
- محمد میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار ۳۳
- محمد نبی ۲۲۸

- محمد نجف آبادی ۱۲۰
- محمد نجفی « دکتر » ۱۴۴
- محمد هادی بن إبراهيم الخواتون آبادی ۲۳۷
- محمد هادی صدر العلماء ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۵
- محمود امام جمعه زاده خوراسگانی ۱۳۱
- محمود بن عز الدين الطريحي النجفي المسلمي العزيزي ۲۴۵
- محمود بن محمد الجغميني ۲۴۱
- محمود شبستری ۱۳۴
- محمود شهابی ۱۵۸، ۱۵۹
- محمود میرهندي ۱۹۶
- محمود نجم آبادی ۱۵۹
- مخدره آغا بی بی ۷۹
- مداح زاده ۲۰۶
- مدرس خیابانی تبریزی ۲۵، ۱۰۸
- مرتضی انصاری « شیخ اعظم » ۲۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۳، ۶۰، ۷۷، ۸۱، ۱۰۷، ۲۱۶
- مرتضی بن علی اکبر هاشمی ۱۳۱
- مرتضی بن ملا محمد الفروشانى الاصبهاني ۲۳۶
- مرتضی تمنائی ۱۳۱
- مرتضی شفیعی ۱۳۱
- مرتضی کشمیری ۸۱، ۹۰
- مرتضی مقتدائی ۱۳۱
- مریم خاتون گرجی ۳۳، ۳۴
- مسیح تهرانی قمی ۸۰، ۸۱
- مصطفی تبریزی ۹۵، ۱۰۴
- مصطفی صفائی حسینی خوانساری « آیه الله سید » ۹۷
- مصطفی کاشانی ۵۰
- مصطفی مهدوی هرستانی « آیه الله سید » ۹۷، ۱۲۶
- مظفر علی بن غضنفر علی الكاشاني ۲۳۴

- مظفر کاظمینی ۱۳۱
- معتد الدوله منوچهرخان گرجی ۳۴
- منیر الدین بروجردی ۱۲۰، ۵۰
- موحد ابطحی «سید حجة» ۱۲۸، ۳۲
- موسی بن محمد بن محمود قاضی زاده الرومی ۲۳۳
- موسی نجفی ۵۷، ۵۶
- مولی زین العابدین گلپایگانی ۲۰
- مهدوی «سید مصلح الدین» ۸۳، ۷۷، ۵۷، ۵۶، ۵۴، ۵۳، ۳۱
- ۲۲۷، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۶۶، ۱۳۶، ۱۲۷، ۹۷
- مهدی ابن ملا محسن ابن ملا سمیع کرمانشاهی ۲۱
- مهدی إلهی قمشهای ۱۵۸
- مهدی امامی ۲۰۱
- مهدی بحر العلوم ۲۱۶
- مهدی بن علی رضا القمی ۲۲۶
- مهدی جویبارهای ۵۷
- مهدی حائری یزدی ۱۵۸
- مهدی حکیم ۱۰۸
- مهدی غیاث الدین مجد الاسلام نجفی «آیه الله حاج شیخ» ۱۰۵، ۷۴، ۳۵، ۳۱، ۲۶، ۱۰
- ۱۲۳، ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷
- ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۹، ۲۲۳
- مهدی القزوینی ۲۱۶
- مهدی قلیخان ۱۴
- مهدی قلیخان بیگدلی ۱۳
- مهدی کُجوری شیرازی ۲۱
- مهدی نجفی مسجد شاهی «آیه الله حاج شیخ» ۱۳۷، ۱۱۲، ۷۲، ۵۶
- میرزا اردستانی ۱۲۰
- میرزا باقر شکی ۶۶

- ١٥٨ ميرزا خليل كمره‌ای
- ١٦ ميرزا داود خراسانی
- ١٦ ميرزا محمد مهدی اصفهانی
- ١٣ نادر شاه افشار
- ١٧٠ ناصر باقری بیدهندي
- ١٦٨ ناصر الدين انصاری قمی
- ٢٢٩ نجم الدين عبد الله بن الحسين اليزدي
- ١١٢ نزهت خانم
- ٤٣، ٣٠ نسمة خاتون معروف به حبابه
- ٩٧ نصرت بيگم امين « بانوی ايرانی »
- ٢٣٠، ٢٢٨ نصير الدين محمد بن محمد بن الحسن الطوسي
- ٢٣٣ نظام الدين بن أحمد الأردبيلي
- ٢٢٩ نظام الدين بن صادق التويسركاني
- ٢٣٣ نظام الدين حسن بن محمد القمي النيسابوري
- ٢٣٥ نظام الدين الخوانساري
- ٢٣٠ نقی بن محمد تقي
- ١٢٧، ١٢٠، ٨٣، ٨٢، ٨١، ٨٠، ٧٣، ٦٩، ٥٧ نور الله نجفی اصفهانی « آية الله حاج شيخ »
- ٢٤٢ نور الدين عبد الرحمن بن أحمد الجامي
- ٢٤٥ نور الدين علي بن أحمد السمهودي
- ٧٩ نور الدين فرزند سيد ابو جعفر خادم الشريعة
- ١١١ نور الدين نجفی
- ٢١٧ نور الهدی الزيني
- ٢١٨، ١٥، ١٣ وحيد بهبهانی
- ٢٢ هادی بن مهدی سبزواری
- ٢٢٤، ٢١٥، ١٧٠، ١٣١، ١٠ هادی نجفی « حاج شيخ »
- ٢١٧ هبة الله بن محمد الشيباني
- ٢٢ هداية الله أَبَرْسَجِي شاهرودی
- ٥٠ يحيى مدرس بيدآبادی

فهرست كتب

١٦٨	آئنة پژوهش « مجله »
٢٢٥	أبواب الجنان
٢١٧	الاجازات
١٠٤	الاجازة الشاملة للسيدة الفاضلة
٢٢	اجوبة المسائل
٢٤٠	الأحاديث القدسية
٤٨	احسن الوديعة
٢٢٥	أحكام جهاد وأسباب رشاد
٢٢	احكام نماز
١٠٤	اداء المفروض في شرح ارجوزة العروض
١٧٧، ١٦٦	ادبيات عرب در صدر اسلام
١٠٤	ارجوزة
٢٢٦	إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان
١٠٤	استيضاح المراد من القول الفاضل الجواد
٢١	اصل الاصول
٢٢٦	أصول الفقه
٢٣٩	الاعتقادات
١٣٣	اعلاط الروضات
٥٨	اعيان الشيعة
١٢٩	أكر
٢٢٦	إكمال منتهى المقال
١٨٠	الف حديث في المؤمن
٢٢٦، ١٠٤	إماطة الغين عن استعمال العين في معنيين
١٠٨	أنا والأيام

- الإنجيل ٢٢٧
- انديشه سياسى و تاريخ نهضت بيدارگرانه حاج آقا نور الله اصفهانى ٥٧
- انوار الولاية ٢٠
- الأنهار ٥٦
- الأوزان والمقادير ٢٢٧
- ايرادات و انتقادات بر دائرة المعارف فريد وجدى ١٣٣
- الايراد و الإصدار في حلّ مشكلات عويصة في بعض العلوم ١٠٥
- إيناس سلطان المؤمنين باقتباس علوم الدين ٢٢٧
- بحار الأنوار ٢٢٧، ٢١٧
- بيان سبل الهداية في ذكر أعقاب صاحب الهداية ١٧٤، ٣٢
- بيست مقاله ١١١
- پیام حوزة « مجله » ١١١
- تاريخ علمى و اجتماعى اصفهان در دو قرن اخير ٢٠، ٣٢، ٥٠، ٥١، ٥٦، ٥٧، ٥٨، ٧٧، ٨٣، ٩٧، ١٢٧، ١٧٤، ١٨٠، ٢٢٧
- تاريخ نجران يا آفتاب درخشان در مباحلة نصارى نجران ٧٠
- تبصرة الفقهاء ٢٤، ٢٢، ١٨
- تبصرة المتعلمين في أحكام الدين ٢٢٧
- تحرير اقليدس ١٢٩
- تحرير القواعد المنطقية في شرح الشمسية ٢٢٧
- تحرير المجسطي ٢٢٨
- تحقيق كلمة التوحيد والشهادة ٢٤١
- التذكرة ٢٤٠
- تذكرة الفقهاء ٢٢٨
- ترجمه «نقد فلسفه داروين» از عربى به فارسى ٢٢٨، ١٣٣
- ترجمة مفتاح الفلاح ٢٢٨
- تصانيف الشيعة ١٠٥
- تعريب رسالة سير و سلوك ١٠٥
- تعليقه بر رسالة المحاكمة بين العالمن ١٠٨

٨٨	تفسير بيضاوى.....
٨٨	تفسير كشاف.....
١٣٤، ٧٦، ٧٥	تفسير مجد البيان.....
٢٥	تقارير بحث فقه سيد بحر العلوم.....
١٣٠	تقويم اوقات شرعيه اصفهان.....
٢٦	تكملة امل الامل.....
٢٢٨	التوحيد.....
٢٣٦	تهذيب الأحكام.....
١٩٤	جامع الأخبار.....
١٠٤	جامع الشتات.....
٢١٨	الجمع بين الصحاح الستة.....
٢٤٣	الجمل في النحو.....
٢٢٩	جُنّة الأمان الواقية وجُنّة الإيمان الباقية.....
٢١	جوامع الاصول.....
١٧٥	جهل مقاله.....
٥٧	حاج آقا نور الله اصفهاني، ستاره اصفهان.....
١٠٥	حاشيه بر «أكر» ثاوذوسيوس.....
٢٣٠، ١٠٥	حاشيه بر شرح واحدى بر ديوان متنبى.....
٢٢٩، ١٠٥	حاشيه بر كتاب روضات الجنات.....
١٧٧	حاشيه بر متن تلخيص خطيب قزوینی در معانى و بيان و بديع.....
١٣٣	حاشيه روضات الجنات.....
١٣٣	حاشية سمطا اللال في مسالتي الوضع والاستعمال.....
١٣٣	حاشية وقاية الازهان.....
٢٤٢	حاشية أنوار التنزيل.....
٢٢٩	حاشية تهذيب المنطق.....
٢٣٨	حاشية خلاصة الأقوال.....
٢٣٠	حاشية شرح هداية الحكمة.....
٢٢٩	حاشية الصحيفة السجادية.....

۵۶ حکم نافذ آقا نجفی
۲۳۰ حل مشکلات الإشارات والتنبيهات
۱۰۵ حلّي الدهر العاطل، في من أدركته من الأفاضل
۱۰۸ الحواشي على الكافي
۲۳۰ حياة القلوب
۱۲۹ خلاصة الحساب
۲۳۰ الخلاصة في النحو
۱۲۷ دانشمندان و بزرگان اصفهان
۱۷۷ درسهای از جهان بینی اسلامی
۱۳۳ دروس في فقه الامامية
۱۵ الدرّة النجفیّة
۱۹۳ الدعوات
۲۲۹ دعوات الأسماء
۲۲۳ دليل المخطوطات
۱۷۷ دين برای جوانان
۲۳۰، ۱۰۶ ديوان ابي المجد
۱۰۶ ذخائر المجتهدين في شرح كتاب معالم الدين في فقه آل يس
۵۱، ۲۶، ۲۵، ۲۱ الذريعة
۱۶۸، ۱۲۸، ۵۷ رجال اصفهان
۲۴۰ الرجعة
۸۸، ۲۲ رسائل شيخ انصارى
۷۷ رسائل در فقه و اصول
۲۳ رساله احكام
۱۳۴، ۱۲۶، ۱۱۹، ۱۰۷، ۱۰۵، ۸۸، ۷۰ رساله امجديه
۱۱۱ رساله‌ای از آية الله نجفی مسجد شاهى پيرامون حکم فقهي دستگاه گرامافون
۷۷ رساله‌ای در اثبات اعجاز قرآن
۱۳۴ رساله‌ای در احوالات آية الله ابو المجد شيخ محمد رضا نجفی اصفهانی
۱۳۴ رساله‌ای در احوالات آية الله مجد العلماء نجفی

- رساله‌ای در استصحاب ٥٢، ٥١
- رساله‌ای در اصل براءت ٧٧
- رساله‌ای در اصول عقاید ٧٧
- رساله‌ای در بحث دوران امر بین اقل و اکثر در علم اصول ٢٥
- رساله‌ای در حقوق ١٧٧
- رساله‌ای در دستور زبان فارسی ١٧٧
- رساله‌ای در شرح حال آیه الله آقای حاج شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی ١٣٣
- رساله‌ای در عدم مفطريت توتون ٢٥
- رساله در اصل براءت ٧٨
- رساله در فساد شرط ضمن العقد في شرط الضمان لو ظهر المبيع مستحقاً للغير ٢٥
- رساله در نقود و موازين و مکائیل و مقایس ٥١
- رساله عملیه به زبان فارسی ٢٥
- رساله عملیه ٢٣١
- رساله في الرد على «فصل القضا في عدم حجية فقه الرضا» ١٠٦
- رساله يوحنا الذمي ٢٤٠
- الرضاع ٢٣٩
- روزنامه رسالت ١١١
- روزنامه عرفان ١١٩
- روضات الجنات ٤٦، ٣٥، ١٩
- الروض الأريض فيما قال أو قيل فيه من القريض ١٠٦
- الروضة البهية في شرح اللمعة دمشقية ٢٣١
- الروضة الغناء في تحقيق معنى الغناء ١٠٦
- رياض السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين ٢٣١
- رياض المسائل ٢١٨، ١٦
- ريحانة الأدب ١٠٨، ٩٧، ٢٥
- سقط الدرّ في أحكام الكرّ ١٠٦
- سمطا اللآل في مسألتي الوضع والاستعمال ٢٢٦، ١٠٧
- سنن ابي داود ٢١٨

٣٢	سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان.....
٢٣١، ١٠٧	السيف الصنيع على رقاب منكرى علم البديع.....
١٣٣، ١٠٨، ١٠٥	سى مقاله.....
٢٣١	سؤال وجواب.....
٢٣٢، ٢١	شرائع الإسلام.....
٢٥	شرح اسماء الحسنی.....
٢٣٢	شرح ألفية ابن مالك.....
٢٣٢	شرح تشريح الأفلاك.....
٢٣٢	شرح التصريف.....
٢٣٢	شرح تهذيب المنطق.....
٥١، ١٠	شرح حجية المظنة من هداية المسترشدين.....
٢٣٩	شرح حديث همام.....
٢٣٣	شرح حكمة العين.....
٢٣٣	شرح الخطبة التطنجية.....
٢٣٣	شرح زيارة الجامعة الكبيرة.....
٢٣٣	شرح الشافية.....
٧٧	شرح شرايع الاسلام.....
٢٣٣	شرح شواهد البهجة المرضية.....
٢٣٤	شرح قطر الندى.....
٢٤٢	شرح الكافية.....
٢٣٤	شرح كتاب في النحو.....
٨٧	شرح للمعه.....
٢٣٣	شرح الملخص.....
٢٣٤	شرح هيئت فارسي.....
٢٣٤	الصافي في شرح الكافي.....
٢١٨، ٢١٧	صحيح البخاري.....
٢١٨، ٢١٧	صحيح مسلم.....
٢١٨	صحيح النسائي.....

٢٣٤	الصحيحة السجادية.
١٣٤	صرف افعال.
٢١	صيغ العقود
٢٣٩	صيغ النكاح
٢٣٥	ضياء العالمين في امامة الأئمة المصطفين
١٧٨	طرح سؤال و جواب اصول عقائد و فقه اسلامى و تاريخ تحليلى اسلام.
٢٣٥	العدالة
٢٣٥	عدة الداعي ونجاح الساعي
٨٨، ٦٦	عروة الوثقى
١٠٧	العقد الثمين في أجوبة مسائل الشيخ شجاع الدين.
١٠٤	علوم الحديث « مجله »
٢٤٣، ٢٤٢	العوامل المائة.
١٠٧	غالية العطر في حكم الشعر.
٩٦	الفصول في علم الاصول
٢٣٦	الفقه.
٢٣٨	الفوائد الرجالية
٢١٦، ١٣٤، ٢٠	الفوائد الرضوية في شرح الفصول الغروية.
٢٤٢	الفوائد الضيائية بحل مشكلات الكافية
٢٢	فهرست نسخه هاى خطى كتابخانه آية الله مرعشى نجفى
٢٣٦	فهرس تهذيب الأحكام
١٠	فهرس مخطوطات مكتبة آية الله النجفي.
٢١٩، ١٧٨، ١٠	فيض الباري الى قرّة عيني الهادي
٢٤١	القانونچه
١٠٧	القبلة
٢١٨	القوانين
٢٣٦	القوانين المحكمة.
١٠٧	القول الجميل إلى صدقى جميل.
٢٣٦، ١٠٨	الكافى

٢٨، ٢٦ كتاب الطهارة
٢٦، ٢٥، ٢١ الكرام البررة
٢٣٩ كشف الريبة عن أحكام الغيبة
٢١٧ كشف الغطاء
٢٤١ كشف المدارك
٢٣٧ كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد
٢٣٧ ٨٨ كفاية الأصول
٢٣٧ كفاية المقتصد
١٧٥، ١٠٦ كيهان انديشه « مجله »
١٧٨ گامی به سوی وحدت
٢٣٧، ١٣٤ گل گلشن
١٢٧ گنجینه دانشمندان
١٠٧ گوهر گرانبها در رد عبد البهاء
٥١ لبّ الاصول
٥١ لبّ الفقه
٢٣٧، ٧٤، ١٠ مجد البيان في تفسير القرآن
١٢٩ مجسطی
١٠٦ مجموعة رسائل پيرامون غناء و موسيقى
٢٣٨ مجموعة
٢١٨ المحاكمات
٢٤٣ محضر الشهود في رد اليهود
٢٣٩، ١٣٦، ١٣٤ المختار من القصائد والاشعار
٢٤١ مدارك الأحكام
١٣ مرآة الاحوال
٢٤٣ مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (ص)
٢٣٩ مسائل العلوم
٢٦ مسألة الظنون
٢١٦، ٩٠، ٨٨ مستدرک الوسائل

المسلسلات.....	٥٨
مسند احمد بن حنبل.....	٢١٧
المشاعر.....	٢٤٣
مصابيح الاصول.....	١٩
مصباح الشريعة.....	٢٣٩
مصباح الفقيه.....	٨٨
معالم الدين في اصول الفقه.....	٨٧
معالم الدين في فقه آل يس.....	١٠٦
معرفة التقويم.....	٢٤٢
مفرح الروح ومفتح الفتوح.....	٢٤٣
مقالات.....	١٧٨
مقتل الحسين (ع).....	٢٤٤
مقدمه ای بر دیوان ابی المجد.....	١٧٨
مقدمه بر وقایة الاذهان.....	١٨٠
مقدمه و تحقیق بر رساله امجدیه.....	١٧٨
مكارم الآثار.....	١٢٦، ١١٩، ٥٨، ١٩
ملحمة الإمام الصادق (ع).....	٢٤١
مناهج الطريقة في احكام الشريعة.....	٢١
المنتخب وجمع المراثي والخطب.....	٢٤٥
منتهى الآمال.....	٨٠
منتهى المقال في أحوال الرجال.....	٢٢٦
منظومه.....	٢٢
منظومه حاجی سبزواری.....	١٥٦
من لا يحضره الفقيه.....	٢٤٤
منهج الصادقين في إلزام المخالفين.....	٢٤٥
موطأ مالك.....	٢١٨
نجاه العباد.....	١٠٧، ٨٧
نجعة المرتاد في شرح نجاه العباد.....	٢٤٥، ١٠٧، ٩٠

٤٣، ٣٤، ٣١	نسبنامه مرحوم الفت
١٢٤، ٥٨، ٥١	نقباء البشر
١٠٨، ١٠٧، ٩٥	نقد فلسفة داروين
٢٤٥، ١٠٨	النوافج والروزنامج
١٠٦	نور علم « مجله »
٢٤٥	نهاية الوصول إلى علم الأصول
٨٣	وارسته پيوسته
٢٤٥	وفاء الوفا بأخبار دار المصطفى
٢٤٦، ١٠٨، ١٠٧، ١٠٤، ٨٨، ١٠	وقاية الازهان
٢٥، ٢٣، ٢١، ١٨، ١٣، ٩	هداية المسترشدين في شرح اصول معالم الدين
٢١٧، ١٨٠، ١٧٤، ٥١، ٤٤، ٣١، ٢٩، ٢٦	
١٠٦	هفده رساله
٢٦	يكصد و شصت نسخه از يك كتابخانه شخصى
٢٤٦، ١٨٠، ١٥٥، ١٣٤، ١٠	اليواقيت الحسان في تفسير سورة الرحمن